

پژوهش در هنر و علوم انسانی

نشریه علمی-تخصصی پژوهش در هنر و علوم انسانی، سال دوم، شماره ۴، تیر ۱۳۹۶
شاپا: ۲۵۳۸-۶۲۹۸

امکان‌سنجی تعمیم روش ژیلبر دوران در تحلیل آثار رضا عباسی
امیرحسین چیت‌سازیان، اصغر جوانی، ملیحه حیدری

بررسی تطبیقی جایگاه انسان در معماری با رویکرد معرفتی از منظر تعقل
در مساجد تاریخی و معاصر شهر تبریز
محمدتقی پیربابایی، عباس غفاری، فرزانه قلی‌زاده

معرفی سازه‌های آیینی الیمایان
سیده مانا روحانی رانکوهی

بررسی و شناخت ظرفیت‌های تصویری سازی شعر فارسی در کتاب‌های درسی دوره
ابتدایی
حسین امانی

معماری همساز با اقلیم در نگاهی به ساختمان‌های تئاتر: نمونه موردی زاهدان
مهدی امیری، زهره اویسی کیخا

تبیین میزان تحقق مدیریت کیفیت فراگیر آموزش عالی؛ دیدگاه دانش‌جوینان
کارشناسی ارشد دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان
بهمن خسروی‌پور، امید مهرباب قوچانی

تبارشناسی شکلیابی سیاسی از منظر حقوق بشر معاصر
محمدجواد حسینی

بررسی نقش صنایع کوچک بخش کشاورزی در توسعه اجتماعی و اقتصادی نواحی
روستایی؛ مطالعه موردی: دهستان گلاب شهرستان کاشان
فضل‌اله اسمعیلی، مهدی خداداد، رؤیا زارع قلعه سیدی

پژوهش در هنر و علوم انسانی

دوماهنامه علمی تخصصی پژوهش در هنر و علوم انسانی
سال دوم، شماره دو (پیاپی: ۴)، تیرماه ۱۳۹۶
شاپا: ۶۲۹۸-۲۵۳۸

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

میلاد فتحی

سر دبیر: امیر حسین یوسفی

مدیر داخلی: منیژه ملائی

اعضای شورای علمی نشریه:

سرکار خانم دکتر پریسا آروند، دانشگاه گیلان

جناب آقای دکتر حسنعلی آقاچانی، دانشگاه مازندران

جناب آقای دکتر سجاد اکبری، دانشگاه ارومیه

جناب آقای دکتر علیرضا اکرمی، دانشگاه گیلان

جناب آقای دکتر بهرام ایمانی، دانشگاه محقق اردبیلی

جناب آقای دکتر اعظم بابکی راد، دانشگاه آزاد اسلامی مشهد

جناب آقای دکتر محمد باقری، دانشگاه زنجان

سرکار خانم دکتر مرضیه تراجی، دانشگاه گیلان

سرکار خانم دکتر نغمه خرازیان، دانشگاه زنجان

جناب آقای دکتر روح الله رحیمی، دانشگاه مازندران

جناب آقای دکتر احمد جعفری صمیمی، دانشگاه مازندران

جناب آقای دکتر داود رضائی، دانشگاه زنجان

جناب آقای دکتر بهادر زمانی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز

سرکار خانم دکتر مینو شغائی، دانشگاه هنر اصفهان

جناب آقای دکتر جواد شکاری نیری، دانشگاه بین المللی امام خمینی

جناب آقای دکتر ناصر صنوبر، دانشگاه تبریز

جناب آقای دکتر محمدرضا طبیبی، دانشگاه مازندران

جناب آقای دکتر مظفر عباس زاده، دانشگاه ارومیه

جناب آقای دکتر علی عمرانی پور، دانشگاه کاشان

جناب آقای دکتر افشین عموزاده، دانشگاه گیلان

سرکار خانم دکتر غزال کرامتی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز

جناب آقای دکتر امیررضا کریمی آذری، دانشگاه گیلان

جناب آقای دکتر محسن کشاورز، دانشگاه شهید باهنر کرمان

جناب آقای دکتر محمد مهدی گودرزی، دانشگاه آزاد اسلامی همدان

جناب آقای دکتر مهرداد متین، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز

جناب آقای دکتر بهزاد محبی، دانشگاه محقق اردبیلی

جناب آقای دکتر علیرضا محمدی، دانشگاه محقق اردبیلی

جناب آقای دکتر حسین مدی، دانشگاه بین المللی امام خمینی

جناب آقای دکتر مهدی مقیمی، دانشگاه زنجان

جناب آقای دکتر علیرضا مهدی زاده، دانشگاه شهید باهنر کرمان

جناب آقای دکتر سید محسن موسوی، دانشگاه مازندران

جناب آقای دکتر کیانوش ناصرالمعمار، دانشگاه آزاد اسلامی قزوین

جناب آقای دکتر امیر هوشنگ نظر پوری، دانشگاه لرستان

۰۲۱ ۳۳ ۲۰ ۲۴ ۸۷



۰۲۱ ۴۳ ۸۵ ۷۱ ۲۴

۰۲۶ ۳۲ ۷۲ ۴۷ ۸۷

۰۲۶ ۳۲ ۷۴ ۷۱ ۵۸

کرج: چهارراه هفتتیر، خیابان اله ۱، پلاک ۱۴، طبقه همکف

فراخوان پذیرش مقاله

نقش علوم انسانی و هنر با کارکرد انتقادی در خصوص طرح سوالات بنیادین در فلسفه و مبانی علمی به عنوان ابزاری برای دستیابی به تفکر نواندیش، خلاق و کارآفرین در زیرساخت‌های سایر علوم و دستاوردهای آن نیز از اهمیت بسیاری در فرآیند توسعه برخوردار است. از اینرو می‌توان گفت دستیابی به توسعه بومی، همه جانبه و پایدار، جز با بذل توجه به پژوهش و مطالعه در حوزه علوم انسانی و هنر میسر نخواهد شد.

ارتقاء کیفیت پژوهش‌ها و مطالعات علمی، از مسیر انتشار نتایج مطالعات علمی و تخصصی پژوهشگران می‌گذرد. با این نگاه نشریه پژوهش در هنر و علوم انسانی توسط موسسه تحقیقاتی مدیریت دانش شباک و با همکاری علمی اساتید برجسته دانشگاه‌های کشور به انتشار مقالات علمی در زمینه پژوهش هنر و مطالعات علوم انسانی می‌پردازد.

از اینرو از تمام اساتید، صاحب‌نظران، کارشناسان، دانشجویان، پژوهشگران و علاقمندان به مطالعات علوم انسانی و هنر دعوت می‌نماید با ارسال مقالات علمی خود به از طریق وبسایت نشریه به نشانی www.rahs.ir در پربارتر کردن این نشریه ما را یاری نمایند.

محورهای نشریه پژوهش در هنر و علوم انسانی:

- | | |
|---|--|
| مطالعات هنر: | پژوهش‌های علوم انسانی: |
| ۱- هنرهای پژوهشی و پژوهش در هنر | ۱- علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی |
| ۲- هنرهای نمایشی و سینما | ۲- زبان‌شناسی، ادبیات و آموزش |
| ۳- مرمت، احیا و بازسازی | ۳- علوم جغرافیایی |
| ۴- هنرهای تصویری و طراحی | ۴- علوم تاریخ و باستان‌شناسی |
| ۵- موسیقی | ۵- فلسفه، الهیات و معارف اسلامی |
| ۶- معماری و شهرسازی | ۶- روانشناسی و علوم تربیتی |
| ۷- هنرهای تجسمی و موضوعات دیگر در هنر | ۷- حقوق |
| ۸- دیگر موضوعات در مطالعات هنر و پژوهش‌های میان رشته‌ای | ۸- علوم سیاسی و روابط بین‌الملل |
| | ۹- حسابداری، مدیریت و علوم اقتصادی |
| | ۱۰- دیگر موضوعات در علوم انسانی و پژوهش‌های میان رشته‌ای |

فهرست مقالات

صفحه	عنوان مقاله
۱	امکان سنجی تعمیم روش ژیلبر دوران در تحلیل آثار رضا عباسی امیرحسین چیت‌سازیان، اصغر جوانی، ملیحه حیدری
۱۳	بررسی تطبیقی جایگاه انسان در معماری با رویکرد معرفتی از منظر تعقل در مساجد تاریخی و معاصر شهر تبریز محمدتقی پیربابایی، عباس غفاری، فرزانه قلی‌زاده
۳۱	معرفی سازه‌های آیینی الیماییان سیده مانا روحانی رانکوهی
۵۱	بررسی و شناخت ظرفیت‌های تصویرسازی شعر فارسی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی حسین امانی
۵۹	معماری همساز با اقلیم در نگاهی به ساختمان‌های تتاتر؛ نمونه موردی زاهدان مهدی امیری، زهره اویسی کیخا
۷۳	تبیین میزان تحقق مدیریت کیفیت فراگیر آموزش عالی؛ دیدگاه دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان بهمن خسروی‌پور، امید مهرباب قوچانی
۸۳	تبارشناسی شکیبایی سیاسی از منظر حقوق بشر معاصر محمد جواد حسینی
۹۹	بررسی نقش صنایع کوچک بخش کشاورزی در توسعه اجتماعی و اقتصادی نواحی روستایی؛ مطالعه موردی: دهستان گلاب شهرستان کاشان فضل اله اسمعیلی، مهدی خداداد، رؤیا زارع قلعه سیدی

امکان‌سنجی تعمیم روش ژیلبر دوران در تحلیل آثار رضا عباسی

امیرحسین چیت‌سازیان^۱، اصغر جوانی^۲، ملیحه حیدری^۳

۱- دانشیار دانشگاه کاشان، دانشکده معماری و هنر

۲- دانشیار دانشگاه هنر اصفهان

۳- کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشگاه کاشان، maliheheidari192@gmail.com

چکیده

تخیل از جمله عناصر دخیل در پیدایش آثار هنری است که هر یک از هنرمندان به روشی خاص از آن کمک می‌گیرند. یکی از هنرمندانی که از این موهبت به نحو مناسبی استفاده کرده است، رضا عباسی است که پژوهشگران بسیاری در زمینه آثار وی به تحقیق پرداخته‌اند. اما خوانشی متفاوت، می‌تواند جنبه‌های دیگری از آثار او را آشکار کند. مطالعه تخیل در آثار رضا عباسی با استفاده از روش ژیلبر دوران، یکی از این روش‌هاست که تاکنون به آن پرداخته نشده است. در واقع این پرسش که آیا نظریه ژیلبر دوران در رابطه با تخیل قابل تعمیم در تحلیل آثار هنرمندان ایرانی هست یا نه؟ ذهن نگارندگان را درگیر کرد که بر این اساس به سراغ یکی از هنرمندان عصر صفوی رفتند. در این رابطه، تحقیق تحلیلی-توصیفی خود را با گردآوری اطلاعات به روش اسنادی آغاز نموده، پنج اثر از رضا عباسی را برای این ارزیابی انتخاب کرده‌اند. حاصل این تحقیق توسعه ای و ترویجی، نشانگر آن است که، این آثار در طبقه بندی‌های صورت گرفته در نظریه دوران جای می‌گیرند و ترس از زمان و مرگ و تلاش برای تسلط بر این ترس در این آثار دیده می‌شود. بنابراین تعمیم روش ژیلبردوران در تحلیل آثار رضا عباسی امکان‌پذیر است.

واژگان کلیدی: تخیل هنری، روش ژیلبردوران، نمادهای تخیل، نگارگری ایرانی، رضا عباسی

۱- مقدمه

تخیل و خیال عناصری هستند که ذهن اندیشمندان را از گذشته تا به حال، به خود مشغول کرده‌اند. این موضوع، هم در تفکر غرب و هم در تفکر شرق مورد بحث فراوان بوده است. فلسفه غرب که دیدگاه مثبتی نسبت به تخیل نداشت، با شکست عقلانیت، این مبحث را در کانون توجه خود قرار داد. اندیشمندان جامعه شناس و به تبع آن انسان شناس به مطالعه فرایند تخیل و کارکرد آن در زندگی اجتماعی پرداختند. در این میان ژیلبر دوران (انسان شناس و منتقد ادبی) سهم بسزایی در بررسی تخیل و شکل‌گیری جامعه‌شناسی تخیل دارد. دوران کوشید تا تخیل را در مظاهر گوناگونش بررسی کند. در این زمینه تحت تأثیر هانری کربن با مبحث خیال فلاسفه اسلامی همچون ابن سینا، سهروردی، ملاصدرا و ابن عربی آشنا شد که بر تفکرات وی بسیار مؤثر بود. خیال در انسان شناسی اسلامی، یکی از قوای پنج‌گانه باطنی است. این قوه از قوه حفظ صور و ترکیب و تفصیل آنها در آراء فارابی به تخیل فعال در فلسفه ملاصدرا تبدیل شد. مبانی فکری این فلاسفه بر هنرهای رایج آن

زمان تأثیر گذاشته و حکمت و وحدت در هنر اسلامی بویژه در هنر نگارگری متجلی شد. بر این اساس نگارگر ایرانی با نگاهی فلسفی - عرفانی به خلق اثر می‌پرداخت. از جمله این نگارگران رضا عباسی هنرمند برجسته دوره صفوی است که شیوه ای نو را بوجود آورد که نقاشی ایرانی را دگرگون ساخت. آثار رضا مفاهیم عمیقی از فلسفه تا طنز را در بر می‌گیرد. او با استفاده از این مفاهیم به بیان مسائل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جامعه خود می‌پرداخت. با توجه به تأثیر فلاسفه اسلامی بر اندیشمندان غربی و رابطه مبحث تخیل در غرب و شرق (به ویژه ایران)، در این پژوهش به عنوان مطالعه ی وجهی از موضوع، به تحقیق در نظریه ژیلبر دوران، یکی از اندیشمندان غربی در باب تخیل از طریق امکان سنجی تعمیم آن در آثار یکی از چهره های برجسته هنری شرق پرداخته شده است. در واقع سؤال اصلی تحقیق این است که آیا تخیل در آثار رضا عباسی تنها بر اساس مبانی عرفان شرقی قابل بررسی است و یا می‌توان آثار او را به روش ژیلبر دوران در مبحث تخیل نیز با نگاهی نقادانه بررسی نمود؟ از سوی دیگر مطالعه شود که آیا آثار رضا عباسی در طبقه بندیهای صورت گرفته در نظریه دوران جای می‌گیرند یا نه؟ لذا نگارندگان در این پژوهش تلاش کرده اند با استفاده از روش ژیلبر دوران، بر عناصر و تصاویری از آثار رضا متمرکز شوند که کارکرد تخیل را در آثار وی نمایان می‌سازد. به این ترتیب عمدتاً هدف این پژوهش، بررسی صور خیالی زمان در تعدادی از آثار رضا عباسی است.

۲- پیشینه تحقیق

هر چند مبحث تخیل، مبحثی تازه نیست اما هنوز برای بسیاری موضوعی حاشیه ای و اغلب ناشناخته و شاید کم اهمیت باشد. به همین دلیل تعداد اندکی از علاقمندان و پژوهشگران به این مبحث پرداخته اند. بویژه بحث تخیل از منظر ژیلبر دوران (پایه گذار مرکز تحقیقات در خصوص امر تخیلی در گرونوبل فرانسه) که بسیاری از منابع مطالعاتی آن به زبانهای فرانسه است آن چنان که شایسته است مورد توجه قرار نگرفته است. در زمینه تخیل به روش ژیلبر دوران در ایران، تألیف چند مقاله با عنوان های:

- طبقه بندی و کاربرد عنصر تخیل بر سه تابلوی مجید مهرگان، رویکرد ژیلبر دوران، نویسنده: علی عباسی (۱۳۸۴)
- کارکرد تخیل نزد محمود فرشچیان، نویسنده: علی عباسی (۱۳۸۷).
- ترس از زمان نزد شخصیت های روایتی محمود دولت آبادی «مورد مطالعه: جای خالی سلوچ»، نویسنده: عبدالرسول شاکری و علی عباسی (۱۳۸۷)
- طبقه بندی تخیلات ادبی بر اساس نقد ادبی جدید (روش ژیلبر دوران و گاستون باشلار)، نویسنده: علی عباسی (۱۳۸۰)
- ترس از زمان نزد آلبرت کامو، نویسنده: علی عباسی (۱۳۸۱)
- ترس از زمان نزد ویکتور هوگو، نویسنده: علی عباسی (۱۳۸۳)
- ترس از زمان نزد کلت، نویسنده: حنانه محسنا و علی عباسی (۱۳۹۱)

صورت گرفته است. در مقاله طبقه بندی و کاربرد عنصر تخیل بر سه تابلوی مجید مهرگان، رویکرد ژیلبر دوران، نگارنده پس از بررسی سه تابلو از مهرگان که به داستانهای شاهنامه پرداخته است، از مشخص کردن نظام تخیلی این سه تابلو نتیجه گرفته است که: تفکر دو قطبی اساس این سه تابلو را می‌سازد و هر سه تابلو مربوط به منظومه روزانه تخیلات می‌باشند. مقاله کارکرد تخیل نزد محمود فرشچیان به بررسی چند اثر از فرشچیان به روش ژیلبر دوران پرداخته است. در بین آثار بررسی شده، یک اثر در هیچ یک از منظومه های دوران قرار نگرفته و نگارنده نتیجه گرفته است که: می‌توان به طبقه بندی دوران ردیف دیگری اضافه کرد ولی در این مقاله نتوانسته طبقه بندی جدید را ارائه کند. در مقاله ترس از «زمان» نزد شخصیت های روایتی محمود دولت آبادی «مورد مطالعه: جای خالی سلوچ» سعی شده رابطه تصاویر ادبی با مفهوم زمان در ذهن نویسنده و شخصیت های رمان بررسی شود و نگارنده پس از مشخص کردن ساختار منظومه های تخیلات در داستان دولت آبادی، به نقد ژیلبر دوران پرداخته و در انتها نتیجه گرفته است که: هر اثر ادبی لزوماً اثری علیه پوسیدگی و مرگ آنگونه که ژیلبر دوران گفته نیست،

بلکه گاه می تواند بسته به شرایط ذهنی یا اجتماعی نویسنده اثری درباره مرگ باشد. در مقاله طبقه بندی تخیلات ادبی بر اساس نقد ادبی جدید (روش ژیلبر دوران) علی عباسی به معرفی طبقه بندی تخیلات از منظر ژیلبر دوران پرداخته است. مقالات ترس از زمان نزد آلبرت کامو و ترس از زمان نزد ویکتور هوگو، به زبان فرانسه و توسط علی عباسی نوشته شده است. در مقاله ترس از زمان نزد کلت، نگارنده به بررسی منظومه روزانه در چند اثر از نویسنده ای به نام کلت پرداخته است و ترس از زمان را در آثار این نویسنده با نمادهای ریخت حیوانی، تاریکی و سقوطی نشان داده است.

در زمینه تحلیل آثار رضا عباسی نیز، پژوهشگران بسیاری به تحقیق و پژوهش پرداخته اند. در این مورد، کتابهای بنیانهای مکتب نقاشی اصفهان اثر اصغر جوانی (تهران، انتشارات فرهنگستان هنر) و رضا عباسی اصلاحگر سرکش اثر شیلا کنبی (مترجم: یعقوب آژند، تهران: انتشارات متن)، به چاپ رسیده و مقالاتی نیز با عناوین زیر منتشر شده است:

- دوران شناسی آثار طراحی و نقاشی رضا عباسی (مجموعه مقالات نگارگری مکتب اصفهان)، نویسنده: اصغر جوانی (۱۳۸۵).

- تجزیه و تحلیل و طبقه بندی آثار رضا عباسی با تأکید بر منابع عصر او. نویسنده: مریم رستم زاده و علی اصغر شیرازی (۱۳۹۰)

- رویکرد جامعه شناختی بر زندگی رضا عباسی (با بررسی برخی تک نگاره ها)، نویسنده: سیده آیین فاضل و امیرحسین چیت سزبان (۱۳۹۱)

- بررسی ترکیب بندی در آثار پیکرنگاری رضا عباسی و دو نقاش قاجاری، مهرعلی و میرزابابا. نویسنده: رضا تهرانی (۱۳۸۸)

- رضا عباسی و معین مصور دو هنرمند دوران صفوی. نویسنده: مهناز شایسته فر (۱۳۸۲)

- رضا عباسی و رامبراند: دیدگاه ها و مقایسه آثار، نویسنده: محمد معمارزاده (۱۳۷۵)

در مقاله دوران شناسی آثار طراحی و نقاشی رضا عباسی، نگارنده به طبقه بندی و تحلیل آثار رضا عباسی بر اساس سه دوره زندگی هنری وی پرداخته و سپس به ارزیابی و تحلیل هویت رضا عباسی بر اساس شکل‌های متفاوت رقم‌های آثارش یعنی رضا، آقارضا و... می پردازد و در انتها نتیجه می گیرد که همگی این رقم‌ها متعلق به رضا عباسی است که در دوره های مختلف هنری اش بنابر دلایل خاص تغییراتی کرده است. در مقاله تجزیه و تحلیل و طبقه بندی آثار رضا عباسی با تأکید بر منابع عصر او، نگارنده سعی دارد تا بر اساس فراز و نشیب‌های زندگی رضا عباسی و به استناد آثار باقی مانده اش به معرفی و تحلیل و طبقه بندی آثار طراحی و نقاشی او بپردازد و در انتها نتیجه می گیرد که تحولات زندگی رضا بر آثار او نیز تأثیر گذاشته و نوآوری تکنیکی و تنوع مضامین و یکدستی سبک از مشخصات بارز تولیدات وی در بیست سال پایانی عمرش می باشد و شاگردان او نیز از آثار دوره پایانی وی تقلید و اقتباس کرده اند.

مقاله رویکرد جامعه شناختی بر زندگی رضا عباسی (با بررسی برخی تک نگاره ها) به دسته بندی و تحلیل زندگی و هنر رضا و دلایل او برای ترک دربار و احتمال درستی و نادرستی این دلایل بر اساس نظرگاه جامعه شناسی هنر پرداخته است و نتیجه گرفته است که ارتباط و نزدیکی به ساحت اجتماع باعث شده که موضوعات و انسانهای روزمره به عنوان تک عنصر نگاره های رضا عباسی مطرح شوند. او با مهارتی که در کار خود داشت نوعی دیدگاه واقع گرایانه و تا حدی انتقادی از جامعه زمان خود عرضه داشته است. در مقاله بررسی ترکیب بندی در آثار پیکرنگاری رضا عباسی و دو نقاش قاجاری، مهرعلی و میرزابابا، نگارنده آثار پیکره دار رضا عباسی و آثاری از میرزا بابا و مهرعلی را مورد بررسی تطبیقی و تحلیلی قرار می دهد و در انتها نتیجه می گیرد که نگارگری ایرانی تحت تأثیر عناصر وارداتی اروپایی دچار تغییرات بنیادی شده، اما هنرمندان ایرانی با هم آمیزی سنت و عناصر جدید، سبک نویی را بنیانگذاری کرده اند.

مقاله رضا عباسی و معین مصور دو هنرمند دوران صفوی، نگارنده با مقایسه هر دو نقاش با یکدیگر نتیجه می گیرد که در آثار متأخر هر دو نقاش نشانه هایی از نزول معنا و مفهوم اصیل هنری و به بیانی رشد مفهومی ظاهری و مادی به چشم می

خورد. در مقاله رضا عباسی و رامبراند: دیدگاه‌ها و مقایسه آثار، نگارنده از ارزیابی و مقایسه آثار دو هنرمند نتیجه می‌گیرد که در کار هنرمند ایرانی، جهان ذهنی و کار هنرمند هلندی جهان مادی و زمینی وجود دارد. بنابراین ملاحظه می‌شود که تاکنون در زمینه موضوع این مقاله و یا نزدیک به آن کاری انجام نشده است. همین امر ضرورت پژوهش حاضر را توجیه می‌کند.

۳- مبانی نظری

انسان شناسی یکی از مهمترین شاخه‌های علوم انسانی است و جزء مهمترین علوم بشر بشمار می‌رود. اصطلاح انسان شناسی نخستین بار در کشورهای انگلیسی زبان در ابتدای قرن بیستم رایج شد. این اصطلاح بازگردان واژه anthropologie است، که از ریشه یونانی anthropos به معنی انسان گرفته شده است. «در فرانسه واژه مردم شناسی تا مدت‌ها معادلی برای واژه آنترپولوژی بود. اما امروز گرایش بسیاری به جایگزینی مردم شناسی با انسان شناسی وجود دارد. واژه انسان شناسی تا مدت‌ها فقط به مفهوم انسان شناسی طبیعی، مطالعه ریخت شناسی نژادهای انسانی به کار می‌رفت. در نخستین دهه از نیمه دوم قرن بیستم، استروس واژه انسان شناسی را به معنایی که انگلیسی زبانان آن را به کار می‌بردند وارد زبان فرانسه کرد.

از نظر او انسان شناسی در آن واحد هم به معنای شناخت تألیفی از سازمان یافتگی جوامع باستانی و هم به صورتی عام تر به مفهوم مطالعه عمومی انسان بود. (دورتیه، ۱۳۸۲، ۲۸) انسان شناسی گرایش‌های مختلفی را در بر می‌گیرد، از جمله گرایش تخیل که به بررسی کارکرد تخیل در زندگی اجتماعی می‌پردازد. «کشف ناخودآگاه توسط روانشناسی، رشته‌ی جامعه شناسی و به تبع آن انسان شناسی را متوجه فرایند تخیل در زندگی اجتماعی کرد. حوادث تاریخی تلخ قرن بیستم نیز که از عقلانیت مدرن افسون زدایی می‌کرد به ظهور روح علمی جدیدی انجامید که با درک پیچیدگی اندیشه و حیات انسان، از علت‌مندی و تعیین گرایی‌های ساده‌ی قرن پیش می‌گذشت و به رویکردی پسا تجربی و جهشی معرفت شناسانه در علوم انسانی ختم می‌شد که کارکرد تخیل و شناخت آن، یکی از گرایش‌های اصلی این روح علمی جدید بود که به تحلیل عمل اجتماعی از خلال مطالعه‌ی اعتقادات و نمادها و احساسات مشترک جمعی می‌پرداخت و به نقش معرفتی عناصر نمادین در اندیشه‌ی عقلانی، اسطوره‌ای، ایدئولوژیک و دینی توجه نشان می‌داد. (شریعتی، ۱۳۸۴، ۸۸) اندیشمندانی مانند: روژه باستید، فرناند دومون، شارل رایت میلز، گاستون باشلار، میرچا الیاده و ژیلبردوران، همگی در شکل‌گیری جامعه‌شناسی تخیل مؤثر بودند. این انسان - جامعه شناسی جدید بیش از هر چیز با نام ژیلبردوران، انسان شناس و منتقد ادبی پیوند می‌خورد. دوران تلاش کرد با استفاده از آثار اندیشمندان قبل از خود همچون سارتر، باشلار و لوی استروس (ساختارگرای مردم شناس) و گرماس به بررسی تخیل بپردازد. در روش وی نمادها و اسطوره‌ها جایگاه خاصی دارند و از همین طریق به نقد و تفسیر آثار می‌پردازد.

۴- روش ژیلبردوران

در روش دوران، خوانش اسطوره‌ها اهمیت بسزایی دارد. از منظر وی اسطوره نظامی است متشکل از نمادها، کهن الگوها و محرکه‌ها. طبقه‌بندی نظام ژیلبردوران بر محرکه‌ها و ارتباط آن با گذر زمان و مرگ قرار دارد. وی محرکه‌ها را هدایت کننده سیستمهای نمادین می‌داند. دوران تمامی تصاویر را طبقه‌بندی و سازمان دهی می‌کند و فهرستی تقریباً کامل و سازمان یافته از محرکه‌های ساختاری و کهن الگویی را ارائه می‌دهد و این طبقه‌بندی را به دو منظومه روزانه و شبانه تقسیم می‌کند. منظومه روزانه که بوسیله عکس‌العملهای وضعیتی هدایت می‌شود، خود به دو گروه از نمادها تقسیم می‌شود.

گروه اول (نمادهای منفی) تصاویر مرگ و ترس انسان از گذر زمان را بوسیله نمادهای ریخت حیوانی، ریخت سقوطی و ریخت تاریکی به نمایش می‌گذارند. «انسان بین ترس و زمان رابطه برقرار می‌کند و متوجه می‌شود که با گذر زمان، به طرف مرگ می‌رود پس می‌ترسد و در نتیجه یک سری تصاویر وحشت آور (نمادهای ریخت حیوانی، ریخت تاریکی و ریخت سقوطی) در تخیل و ذهن او ظاهر می‌شوند. بر این اساس او در وهله‌ی نخست اشکال حیوانی را متمایز می‌کند. این‌ها به بازنمایی‌های حیوانی از حشرات تا هیولاهای اساطیری مربوط هستند که توسط دو شمای پویا یعنی حرکت تهدید آمیز و نیش

کنترل می شوند. این اشکال مرتبط با گوشتخوارانی هستند که بشر به طور سنتی در پی شکار آنها بود (نمادهای ریخت حیوانی). در مرحله دوم، ترس از مرگ در تصاویر کائوتیک^۲ مجسم می شود.

گناه، ناپاکی و تهدید در دو شما گرد هم می آیند: کوری و عدم قطعیت ناشی از تاریکی و سقوط. (نمادهای ریخت سقوطی) او همچنین بر طبق آن منظومه ی نمادین، تمام تصاویر زنانگی تهدید کننده را مرتبط با آب های سیاه درک می کند که در آنها دوران هایی بی شفقت احیا کننده ی امواج و خون که مرگ و زندگی هستند، همزمان روی می دهد (نمادهای ریخت تاریکی)» (قائمیان، ۱۳۸۵: ۹) گروه دوم (نمادهای مثبت) که عملی جبرانی در برابر نمادهای گروه اول است و به نوعی تلاش برای غلبه بر ترس از زمان و مرگ می باشد. این گروه شامل نمادهای عروج، نمادهای تماشایی و نمادهای جداکننده می شود. «بوسیله نمادهای عروج انسان به حکمرانی اورانی^۳ می رسد. تصاویر مربوط به تعالی، عروج، اوج، بال پرنده، فرشته، نره غول مربوط به این نمادها هستند. نمادهای تماشایی از انسان تماشایی درست می کنند.

این نمادها، نمادهای مربوط به نور و اندامهای نور را طبقه بندی می کنند: خورشید، چشم، کلام الهی یا حضرت مسیح. نمادهای جداکننده، نشان از قدرت و پاکی میدهند و به کمک شمشیر بران اسطوره ای، پاکی را از پلیدی متمایز می سازند. این نمادها نشان دهنده پیروزی و پیوستن به تعالی هستند که با نماد پیکان، شمشیر بران اسطوره ای، عصای سلطنتی و غیره مشخص شده اند.» (عباسی، ۱۳۹۰، ۸۵) منظومه شبانه نیز شامل عکس العملهای تغذیه ای و مقاربتی می شود و سعی در تلطیف کردن و وارونه کردن تصاویری دارد که تولید ترس می کنند تا به این وسیله بتواند به شکل تخیلی زمان را کنترل کند. «این منظومه بیشتر به آرامش، خواب، راحتی و استراحت متمایل است. منظومه شبانه ارزشهای حسی- عاطفی ای را که منظومه روزانه به تصاویر هنری و ادبی اختصاص می دهد، وارونه و تلطیف می کند.» (durand, 1992, 220)

۵- آثار رضا عباسی

رضا عباسی هنرمندی نابغه، متجدد و نوگرا است که با آثار خود توانایی هنری خود را به اثبات رسانده است. آثار رضا مفاهیم عمیقی از فلسفه تا طنز را در بر می گیرد. او با استفاده از این مفاهیم به بیان مسائل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جامعه خود می پرداخت. شیوخ متفکر، کارگران، چوپانان، زنان دراز کشیده، موضوعات اروپایی، جوانان درباری که در ناز و نعمت زندگی می کنند، توسعه و تحول خط پرداز، روانی قلم، درهم آمیزی طراحی و نقاشی تا رنگ بندی پرمایه، ویژگیهایی هستند که سبک رضا عباسی را معرفی می کنند.

پژوهشگران بسیاری در زمینه آثار، سبک و زندگی رضا عباسی به تحقیق و پژوهش پرداخته اند و گوشه هایی از اندیشه و هنر او را معرفی کرده اند، از جمله آنتونی ولش که معتقد است: «رضای سالخورده در واقع به دو قطب متضاد گرایش داشت: از یک سو سبکی زمخت و خشن و از دیگر سو زندگانی پرنز و نعمت» (ولش، ۱۳۸۵، ۱۴۲) اما این پژوهشها معرف بخشی از اندیشه رضا عباسی است و خوانشی متفاوت، می تواند جنبه های دیگری از آثار او را آشکار کند. نگارندگان در این مقاله تلاش می کنند روش نقد ادبی ژیلبر دوران را در تحلیل ۵ اثر نگارگری رضا عباسی بکار برند.

۵-۱- تحلیل منظومه روزانه ژیلبر دوران در نگاره حمله خرس به مرد (تصویر ۱)

گرچه در این نگاره امضای عمل بهزاد مشهود است اما شیلا کنبی آن را منسوب به رضا عباسی می داند و معتقد است که: «رضا در دوره نخستین زندگی هنری خویش نقش مایه هایی را از نقاشی های بهزاد تقلید کرده بود و حتی چند اثر از خود بهزاد را خط به خط تقلید کرد. رضا احتمالاً این کپی ها را برای آزمایش یا انضباط قدرت و توان طراحی اش انجام داده و برگهای تمرینی را پدید آورده که در آنها اصل بر خطوط کناره نمای بسته و سرسپردگی کامل به نمونه های اولیه است.» (کنبی، ۱۳۸۹، ۱۲۳) و بر این اساس نگارندگان این اثر را جزء آثار رضا عباسی دانسته و به تحلیل آن پرداخته اند. در این نگاره، اولین گروه از تصاویر منظومه روزانه یعنی نمادهای ریخت حیوانی دیده می شود. این نمادها خصوصیات منفی حیوانات

مانند: درندگی، وحشیگری، خشونت و حمله کردن را نشان می دهند. این خشونت نشانه هراس و ترس در مقابل زمان و مرگ است که به شکل تصاویر حیوانات یا موجودات ترسناک به نمایش در می آید. این تصاویر دو ویژگی زمان را نشان می دهند: «گذر و حرکت زمان، نابود کردن همه چیز از طریق زمان.» (عباسی، ۸۴، ۱۳۹۰)

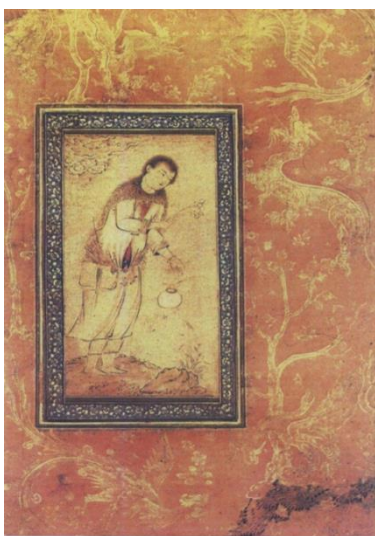
خرس نماد ریخت حیوانی است. توحش حیوان نشانه مرگ است و در این تصویر به صورت حمله خرس به مرد خود را نشان می دهد. حالت فرار نومیدانه مرد و فرورفتن آرواره خرس برپای او نشان از نماد ریخت سقوطی دارد. تصویر سقوط، سومین گروه از تصاویر منظومه روزانه با ارزشگذاری منفی است. این تصاویر، ناپایداری زندگی را به انسان یادآوری می کند. ژیلبر دوران معتقد است: سقوط به عنوان جوهر واقعی هر نیروی سیاهی جلوه می کند و باشلار حق دارد تا در محرکه سقوط استعاره ای اولیه و بدیهی را ببیند. این استعاره به نمادهای تاریکی و پریشانی وابسته است و ابعاد مخوف زمان را فشرده و خلاصه می کند و به ما زمان برق آسا و ناگهانی را می شناساند.» (محسنی، ۱۰، ۱۳۹۱) حضور این تصاویر در ناخودآگاه نقاش، نشان از ترس و اضطراب او دارد. تمام این عناصر این نگاره را جزء منظومه روزانه تخیلات با ارزشگذاری منفی قرار می دهد.



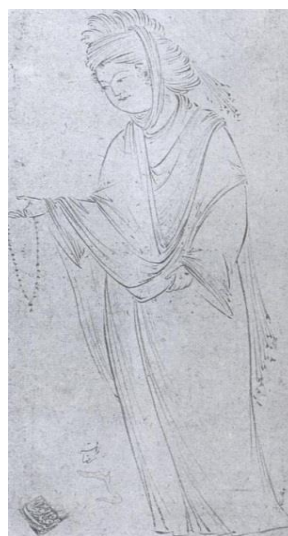
تصویر ۱- حمله خرس به مرد، رضا عباسی، ۱۰۰۰ ه.ق، (کنبی، ۱۳۸۹، ۵۴)

۵-۲- تحلیل منظومه روزانه ژیلبر دوران در نگاره پیکره تسبیح به دست (تصویر ۲)

در این تصویر رضا عباسی بوسیله بازی نور و فضا و نوری که از انگشتان تابیده شده، بر عمل ذکر گفتن تأکید کرده است. از منظر ژیلبر دوران، شخص نماد عروج و تعالی است. این نمادها پیروزی و فتح قدرت اولیه انسان در آسمان را نشان می دهد. نور اطراف انگشتان نماد تماشایی است و تسبیح در این نگاره به عنوان نماد جداکننده عمل می کند. تسبیح وسیله ذکر گفتن است که شخص بوسیله آن نفس خود را پاک می کند تا به تعالی روحی برسد. در واقع تمام عملیات عروج و تعالی با روشهای جداسازی و پاک شدن همراه است. حضور این نمادها در ناخودآگاه فرد، به نوعی تلاش برای غلبه بر ترس از زمان و مرگ می باشد. «در مقابل این ترس، ذهن بطور خودکار، عملی جبرانی انجام می دهد تا بتواند راه حل یا دارویی برای این ترس و اضطراب پیدا کند. این عمل جبرانی، خود را بوسیله تصاویر تخیلی نشان می دهد و این تصاویر، همان نمادها یا تصاویر با ارزشگذاری مثبت در ذهن انسان است.» (عباسی، ۸۳، ۱۳۸۹) مجموعه نمادهای مثبت در این نگاره، میل به بالا رفتن و گذر از شرایط انسانی را به تصویر می کشند. مجموعه این عناصر، این نگاره را جزء منظومه روزانه تخیلات با ارزشگذاری مثبت قرار می دهد.



تصویر ۳- درویش سر برهنه، رضا عباسی، ۱۰۰۸-۱۰۱۱ ه.ق،
(کنبی، ۱۳۸۹، ۶۲)



تصویر ۲- پیکره تسبیح به دست، رضا عباسی، ۱۰۰۶ ه.ق
(کنبی، ۱۳۸۹، ۵۷)

۵-۳- تحلیل منظومه روزانه و شبانه ژیلبر دوران در نگاره درویش سر برهنه (تصویر ۳)

این نگاره، به دو بخش تقسیم می شود. تصویر جوان درویش که در قاب قرار گرفته و تصاویر اطراف قاب که درگیری بین اژدها و پرنده ای با سر عقاب یا سیمرغ را نشان می دهد. تصویر درون قاب محیطی آرام و بدون اضطراب را به تصویر کشیده است. عناصر غالب در این تصویر، گیاه و کوزه ای است که در دست جوان قرار گرفته است. از منظر ژیلبر دوران، گیاه، چرخه و سیکل زندگی را نشان می دهد و کوزه نیز جز نمادهای خلوتگاه درونی است. به نظر ژیلبر دوران با داخل شدن در یک دنیای آرام و راحت، انسان سعی می کند خود را از چنگال زمان کشنده رها کند و تلاش می کند این زمان را با پناه بردن به درون چیزها یا محصورکننده ها کنترل کند و بدین طریق گذر زمان را فراموش کند. اما صحنه اطراف دقیقاً نقطه مقابل تصویر درون قاب است و درگیری اژدها و پرنده ای افسانه ای را نشان می دهد.

در تخیل نقاش ترس از زمان خود را با نمادهای ریخت حیوانی نشان داده است. رنگ گرم زمینه گرمای شدیدی را القاء کرده و در کنار توحش و خشونت نمادهای حیوانی، فضایی غیر قابل تحمل و مرگ آور را بوجود آورده است. ژیلبر دوران چنین فضاهایی را جز تصاویر کائوتیک قرار می دهد. عمل درگیر شدن و توحش نمادهای ریخت حیوانی، نشان دهنده حضور حیوانیت در ناخودآگاه نقاش است، که نشان از دغدغه ذهنی و اضطراب درون اوست. در حقیقت این نگاره دارای دو ساختار متضاد است: تصویر درون قاب مربوط به منظومه شبانه و صحنه اطراف که مربوط به منظومه روزانه با ارزشگذاری منفی است. بر اساس روش ژیلبر دوران امکان ندارد که اثری دارای دو ساختار باشد ولی قاب اطراف تصویر درویش، این دو بخش را کاملاً از هم جدا کرده است و می توان این دو اثر را دو نگاره جدا از هم دانست، که دو عکس العمل تخیل انسان را نشان می دهد: ترس از گذر زمان و غلبه بر این ترس و کنترل آن.

۵-۴- تحلیل منظومه روزانه ژیلبر دوران در نگاره شیخی با ردای قهوه ای (تصویر ۴)

این نگاره پیرمردی تنها در طبیعت را نشان می دهد که از خصوصیت آثار رضا در دوره دوم زندگی اوست. ابرهای شعله سان، گیاهان نوک تیز و رنگ گرم زمینه، مجموعه عناصری هستند که تصاویر کائوتیک را بوجود می آورند. رنگ گرم زمینه، گرمای شدیدی را القاء می کند و جوی خفقان آور را بوجود آورده است. انبوه گیاهان با آن حالت نوک تیز، باعث ایجاد ترس و اضطراب می شوند. از منظر ژیلبر دوران گیاه، چرخه و سیکل زندگی را نشان می دهد و در تخیل نقاش نیز، این گیاهان هستند

که با حالت موحش خود، ترس از گذر زمان را نشان می دهند. ابرهای شعله سان که بسیار نزدیک به شیخ ترسیم شده است، در کنار چهره مضطرب پیرمرد، جوی سنگین و حالتی تشویش بار را پدید آورده است. حضور تصاویر کائوتیک، اضطراب درون نقاش را نشان می دهند و به نظر می رسد که در تخیل نقاش بطور ناخودآگاه، پیری و تنهایی به عنوان بخش هولناک زندگی انسان به تصویر کشیده شده است. تمام این عناصر این نگاره را جزء منظومه روزانه با ارزشگذاری منفی قرار می دهد.

۵-۵- تحلیل منظومه روزانه ژیلبر دوران در نگاره اژدها شدن عصای موسی (تصویر ۵)

در این نگاره رضا عباسی، داستان حضرت موسی را به تصویر درآورده است. در این نگاره ما شاهد نمادهای منفی و مثبت منظومه روزانه تخیلات هستیم که به شرح زیر می باشد:

نمادهای منفی:

نماد ریخت حیوانی: اژدها

نماد تاریکی: اژدها در پیوند با تاریکی و ترس است

نماد ریخت سقوطی: افتادن مرد در زیر پای اژدها

نمادهای مثبت:

نماد تماشایی: هاله نور اطراف سر حضرت موسی

نماد عروج و تعالی: حضرت موسی

نماد جداکننده: عصای موسی

تقابلهای موجود در تابلو: اهریمنی و الهی - فرعون و موسی



تصویر ۵- اژدها شدن عصای موسی، رضا عباسی، (جوانی، ۱۳۸۵: ۲۷۰)



تصویر ۴- شیخی با ردای قهوه ای، رضا عباسی، حدود ۱۰۱۱ تا ۱۰۱۸ ه.ق (کنبی، ۱۳۸۹: ۷۹)

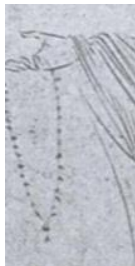
در این نگاره، نمادهای مثبت عملی جبرانی در برابر نمادهای منفی است و به نوعی تلاش برای غلبه بر ترس از زمان و مرگ می باشد. از خصوصیات منظومه روزانه تخیلات این است که قهرمان برای غلبه بر رقیب از همان سلاح قطب مخالف استفاده می کند، تا بر او غالب شود. حضرت موسی در برابر سحر فرعونیان که بندها را تبدیل به مار کردند، عصای خود را به صورت اژدها در می آورد و جدایی بین دو قطب بدی و خوبی بوسیله عصا انجام می گیرد. در واقع عصا حرف آخر را می زند و با از بین بردن سحر فرعونیان خوبی بر بدی غلبه پیدا می کند. بین دو قطب اصلی تخیل در این نگاره رابطه ای تقابلی وجود دارد به نوعی که نمی توان بین دو قطب تعامل برقرار کرد. تفکر نقاش در این نگاره، نوعی تفکر دو قطبی است و با غلبه نمادهای مثبت، این نگاره، جز منظومه روزانه تخیلات با ارزشگذاری مثبت قرار می گیرد.

جدول ۱: منظومه شبانه

نمادها		نام اثر
گل: چرخه و سیکل زندگی 	کوزه: نماد خلوتگاه درونی 	نگاره درویش سربرهنه (تصویر ۳)

(ماخذ: نگارندگان)

جدول ۲- منظومه روزانه با ارزش گذاری مثبت

نمادها		نام اثر
نماد عروج: پیکره 	نماد جداکننده: تسبیح نماد تماشایی: نور اطراف انگشتان 	نگاره پیکره تسبیح به دست (تصویر ۲)
نمادهای منفی: نماد تاریکی: اژدها در پیوند با تاریکی و ترس است		
نماد ریخت سقوطی: افتادن مرد در زیر پای اژدها 	نماد ریخت حیوانی: اژدها 	نگاره اژدها شدن عصای موسی (تصویر ۵)
نمادهای مثبت:		
نماد عروج و تعالی: حضرت موسی 	نماد جداکننده: عصای موسی نماد تماشایی: هاله نور اطراف سر حضرت موسی موسی 	

(ماخذ: نگارندگان)

جدول ۳- منظومه روزانه با ارزش گذاری منفی

نمادها		نام اثر
نماد ریخت سقوطی: مرد در حال سقوط	نماد ریخت حیوانی: خرس	نگاره حمله خرس به مرد (تصویر ۱)
		
نماد ریخت حیوانی:		نگاره درویش سر برهنه (تصویر ۳)
		
تصاویر کائوتیک: ابرهای شعله سان، گیاهان نوک تیز و رنگ گرم زمینه		نگاره شیخی با ردای قهوه ای (تصویر ۴)

(ماخذ: نگارندگان)

۶- نتیجه گیری

ژیلبر دوران، نمادهای تخیل را به دو منظومه روزانه و شبانه تقسیم می‌کند و اعتقاد دارد که این نمادها ترس از زمان و مرگ و تلاش برای غلبه بر این ترس‌ها را نشان می‌دهند و بر اساس همین دو منظومه، طبقه بندی خود از تخیلات را ارائه می‌دهد. او معتقد است که زمان خود را به وسیله ی تصاویر نمایان می‌سازد یعنی اینکه تصاویر نشان دهنده ی ترس از زمانند چرا که بر اساس نظریه ی ژیلبر دوران، پشت هر ترسی، «ترس از مرگ» وجود دارد و پشت هر مرگی ترس از زمان. در این مقاله ۵ اثر از رضا عباسی بر اساس روش ژیلبر دوران، مورد بررسی قرار گرفت. در این ۵ اثر، نگاره درویش سر برهنه به دو بخش مجزا تقسیم شد که بخشی مربوط به منظومه شبانه و بخشی مربوط به منظومه روزانه با ارزشگذاری منفی است و ۲ اثر مربوط به منظومه روزانه با ارزشگذاری منفی و ۲ اثر مربوط به منظومه روزانه با ارزشگذاری مثبت است. که در جدول ۱، ۲ و ۳ طبقه بندی شده اند.

در بخشی از اثر درویش سر برهنه که مربوط به منظومه شبانه تخیلات است، پیوند با دنیا و آرامش که از ویژگی منظومه شبانه تخیلات است را می‌توان دید. در این اثر نمادهای منظومه شبانه (نماد خلوتگاه درونی و نماد چرخه زندگی) نشان دهنده تلاشی است ناخودآگاه، برای فراموش کردن گذر زمان و کنترل آن با پناه بردن به دنیایی آرام و راحت. آثاری که مربوط به منظومه روزانه با ارزشگذاری منفی است، بیان کننده ترس و اضطراب نقاش هستند. ترس از گذر زمان و مرگ باعث ایجاد یک سری تصاویر وحشت آور (نمادهای منفی) در تخیل و ذهن انسان می‌شود، حضور این تصاویر در ناخودآگاه فرد، خود را با نمادهای منفی نشان می‌دهد و بیان کننده یک دغدغه ذهنی حاصل تغییر و تحولاتی در درون فرد یا افکار سرکوب شده در ضمیر ناخودآگاه اوست. در این ۵ اثر، شاهد ۲ اثر از منظومه روزانه با ارزشگذاری مثبت هستیم. درنگاره اژدها شدن عصای موسی هر دو گروه از نمادهای منفی و مثبت به چشم می‌خورد. نمادهای منفی، هراس از مرگ و گذر زمان را نشان می‌دهند. در واقع به تصویر درآوردن مرگ، تلاشی برای درمان این ترس است و نمادهای مثبت، راه حلی است که تخیل برای تسلط بر این ترس پیدا می‌کند. در نگاره پیکره تسبیح به دست، نمادهای مثبت، میل به بالا رفتن و گذر از شرایط انسانی را به تصویر

می کشند. حضور این نمادها در ناخودآگاه فرد، به نوعی تلاش برای غلبه بر ترس از زمان و مرگ می باشد. بررسی انجام شده نشانگر آن است که، این آثار در طبقه بندی های صورت گرفته در نظریه دوران جای می گیرند و ترس از زمان و مرگ و تلاش برای تسلط بر این ترس در این آثار دیده می شود. بنابراین تعمیم روش ژیلبر دوران در تحلیل آثار رضا عباسی امکان پذیر است.

پی نوشت ها:

- ۱- واسطه ای است بین محرکه های درونی و تصاویر به دست آمده از محیطی که آن را ادراک می کنیم.
- ۲- طبق نظر ژیلبر دوران، شکل عقلی شده تصویر حیوانی است.
- ۳- از اسم اورانوس گرفته شده است و نماد و تجلی آسمان در اسطوره شناسی یونان است.

منابع

- ۱- تهرانی، رضا (۱۳۸۸) بررسی ترکیب بندی در آثار پیکرنگاری رضا عباسی و دو نقاش قاجاری، مهرعلی و میرزابابا، شماره: ۱۰، ۵۲-۶۳
- ۲- جوانی، اصغر (۱۳۸۵). دوران شناسی آثار طراحی و نقاشی رضا عباسی (مجموعه مقالات نگارگری مکتب اصفهان)، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران.
- ۳- دورتیه، ژان فرانسوا (۱۳۸۲). علوم انسانی: گستره شناخت ها، مترجم: مرتضی کتبی، نشرنی، تهران.
- ۴- رستم زاده، مریم. شیرازی، علی اصغر (۱۳۹۰). تجزیه و تحلیل و طبقه بندی آثار رضا عباسی با تاکید بر منابع عصر او، کتاب ماه هنر، شماره: ۷۶، ۱۵۴-۸۰
- ۵- شریعتی، سارا (۱۳۸۴). جامعه- انسان شناسی تخیل، فصلنامه خیال، فرهنگستان جمهوری اسلامی ایران، شماره: ۱۷، ۹۷-۸۸
- ۶- شایسته فر، مهناز (۱۳۸۲). رضا عباسی و معین مصور دو هنرمند دوران صفوی، هنرهای تجسمی (هنر و معماری)، شماره: ۲۰، ۷۰-۸۱
- ۷- عباسی، علی (۱۳۹۰). ساختارهای نظام تخیل از منظر ژیلبر دوران، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- ۸- عباسی، علی (۱۳۸۴). طبقه بندی و کاربرد عنصر تخیل بر سه تابلوی مجید مهرگان، رویکرد ژیلبر دوران، مجموعه مقالات اولین هم اندیشی «تخیل هنری»، دانشگاه شهید بهشتی، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران.
- ۹- عباسی، علی (۱۳۸۷). کارکرد تخیل نزد محمود فرشچیان. مجموعه مقالات دومین هم اندیشی «تخیل هنری»، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران.
- ۱۰- عباسی، علی. شاکری، عبدالرسول (۱۳۸۷). ترس از «زمان» نزد شخصیت های روایتی محمود دولت آبادی (مورد مطالعه: جای خالی سلوچ)، پژوهشنامه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی تهران، شماره: ۵۷، ۲۱۷-۲۳۴
- ۱۱- عباسی، علی (۱۳۸۰). طبقه بندی تخیلات ادبی بر اساس نقد ادبی جدید (روش ژیلبر دوران و گاستون باشلار)، پژوهشنامه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی تهران، شماره: ۲۹، ۱-۲۴
- ۱۲- عباسی، علی (۱۳۸۳). ترس از زمان نزد ویکتور هوگو، مجله شناخت، دانشگاه شهید بهشتی تهران، شماره: ۴۳ و ۴۴، ۹۳-۱۰۴
- ۱۳- عباسی، علی و محسنا، حنا (۱۳۹۱). ترس از زمان نزد کلت، پژوهش های ادب و زبان فرانسه، شماره: ۱، ۱-۱۴
- ۱۴- عباسی، علی (۱۳۸۰). ترس از زمان نزد آلبرت کامو، مجله مدرس علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، شماره: ۱، ۲۲-۲۲

- ۱۵- فاضل، سیده آیین. چیت سازیان، امیرحسین (۱۳۹۱). رویکرد جامعه شناختی بر زندگی رضا عباسی (با بررسی برخی تک نگاره ها)، نگره، شماره: ۲۴، ۳۶- ۵۰
- ۱۶- قائمیان، پگاه (۱۳۸۵). گزارش سخنرانی دکتر عباسی در نشست بررسی تخیل هنری از منظر ژیلبر دوران، خبرنامه فرهنگستان هنر، شماره: ۹، ۴۶-۸
- ۱۷- کنبی، شیلا (۱۳۸۹). رضا عباسی اصلاح گر سرکش، مترجم: یعقوب آژند، انتشارات متن، تهران.
- ۱۸- معمارزاده، محمد (۱۳۷۵). رضا عباسی و رامبراند: دیدگاه ها و مقایسه آثار، جلوه هنر، شماره ۶ و ۷، ۱۴-۱۷- ۱۸
- ۱۹- ولش، انتونی (۱۳۸۵). شاه عباس و هنرهای اصفهان، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران.
- 20- Durand ,gilbert (1992) .les structure anthropologiques de l'imaginaire, Introduction à l'archétypologie générale.Paris: Dunod.

منابع تصاویر

- ۱- جوانی، اصغر (۱۳۸۵). بنیان های مکتب اصفهان، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران.
- ۲- کنبی، شیلا (۱۳۸۹). رضا عباسی اصلاح گر سرکش، مترجم: یعقوب آژند، انتشارات متن، تهران

بررسی تطبیقی جایگاه انسان در معماری با رویکرد معرفتی از منظر تعقل در مساجد تاریخی و معاصر شهر تبریز

محمدتقی پیربابایی^۱، عباس غفاری^۲، فرزانه قلیزاده^۳

۱- دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه هنر اسلامی تبریز

۲- استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه هنر اسلامی تبریز

۳- کارشناسی ارشد معماری دانشگاه هنر اسلامی تبریز

ghaffari@tabriziau.ac.ir

چکیده

اسلام آیینی انسان محور است و این انسان محوری را با ابزار گوناگون نمود می‌بخشد. یکی از ابعاد وجودی انسان در این آیین، رویکرد معرفت شناختی نسبت به او است که شناخت او را تا سر حد لازمه ای در جهت معرفت الله ارتقا می‌دهد. اساس این ادعا عقل انسان است که مقدمه خلیفه اللهی او بشمار می‌آید و از این منظر، واجد ارزش می‌باشد. به نظر می‌رسد بتوان معماری را به عنوان یکی از ملموس ترین ابزار تعقل بکار بست و از پارامترهای سازنده کالبد در جهت اندیشه بهره جست. در این میان طبیعی است که معماری فضایی که ماهیتا در راستای معارف دینی طراحی می‌گردد، نقش برجسته تری ایفا خواهد نمود و مسجد، مصداق تام این مقوله است. بنابراین پژوهش حاضر با فرض امکان‌دهی بنای مسجد در جهت تعقل، روش توصیفی استنادی را در حوزه مبانی نظری با تکیه بر حکمت اسلامی به کار بسته و یافته‌های خود را در دو گروه مساجد تاریخی و معاصر شهر تبریز آزمون سازی می‌نماید. به واقع کالبد و پارامترهای معمارانه به عنوان متغیرهای مستقل و تعقل و تفکر متغیر وابسته پژوهش در نظر گرفته شده اند. آزمون سازی به دو ابزار میدانی و انسانی انجام یافته و علاوه بر پرسش نامه و تبیین نظرات مخاطبین، ارزیابی میدانی نمونه ها توسط خود محقق نیز ارائه دهنده نتایج بوده است. دست آورد پژوهش نشان می‌دهد که هرچند نمونه های تاریخی و معاصر در حیطه پاسخ به پارامترهای تعقل، عملکرد نزدیک به هم و تقریبا مشابه دارند؛ لیکن نمونه های سنتی در حوزه تعقل انفرادی کارآیی مطلوب تری نشان می‌دهند. از طرفی دیگر تعقل انفرادی موثرترین پارامتر در تعقل بشمار می‌آید و لذا می‌توان گفت در کلیت تعقل و در نگاهی کلی، مساجد سنتی نمونه های موفق تری در امر تعقل محسوب می‌شوند.

واژگان کلیدی: معرفت، ابزار معرفت، تعقل، مسجد

مقدمه

نیاز به پرستش که همانند دیگر خواسته های فطری به صورت بالقوه در وجود آدمی نهادینه شده است؛ به منظور بالفعل شدن نیازمند بستری است که در متون دینی تحت عنوان شناخت و معرفت از آن یاد می‌گردد. ولیکن از سویی دیگر انسان به جهت ادراک محدود خود قادر به معرفت تام نامحدود لایزال نیست و لذا نیازمند ابزاری است که در حد مرتبه خود، به شناخت

حق دست یازد. در آیین اسلام معرفت نفس راهبرد معرفت رب معرفی گردیده و شناخت خود، مقدمه شناخت خدا بیان شده است. از طرفی در حوزه انواع معارف شامل حق و خود، مقوله علم مرکب مطرح بوده و همه انسان ها نیازمند معرفت به معرفت تلقی شده اند که معرفت نخست به کمک ابزار، میسر است و معرفت دوم هدیه پروردگار در نهاد آدمی می باشد. لازمه بهره از ابزار جهت معرفت، تعقل است و در بستری که تمامی لوازم جهت معرفت فراهم باشند لیکن انسان تعقل ننموده و نیاندیشد؛ معرفت صورت نمی گیرد.

پژوهش حاضر، معماری را به عنوان فراهم کننده بستر تعقل فرض نموده، آن را به عنوان واسطه بین معماری و معرفت می پذیرد. پس از تحلیل مبانی نظری و استنتاج متغیرهای پژوهش و روش آزمون سازی، مساجد جامع، ثقه الاسلام، کلکته چی، قیزیلی و استاد شاگرد به عنوان نمونه های سنتی و مساجد انگجی، امیرالمومنین، شکلی، مطهری و ملارضا به عنوان نمونه های معاصر مورد مطالعه، برگزیده شده است. انتخاب نمونه ها تصادفی است و جامعه آماری، کاربران روزانه نمونه های پژوهش اند که پاسخ های حاصله با ابزار طیف لیکرت مورد ارزیابی قرار می گیرد. آزمون سازی، کمی و ارزیابی نتایج حاصله، استنتاجی خواهد بود. در کنار پرسش نامه و سنجش نظرات کاربران، بررسی موردی و میدانی نمونه ها نیز انجام یافته و متغیرهای پژوهش به طور مستقیم در نمونه ها ارزیابی شده اند. سوالات تحقیق را می توان بر این اساس استوار نمود که:

- ۱- چگونه می توان از معماری مسجد در جهت تعقل بهره جست؟
 - ۲- انسان محوری از بُعد تعقلی در معماری مساجد به چه میزان است؟
- که در راستای پاسخ به این سوالات، فرضیات زیر مطرح است :
- ۱- معماری مسجد، می تواند یکی از تجلیات علم مرکب، معرفت به معرفت و فراهم کننده بستری مناسب برای تعقل باشد.
 - ۲- به نظر می رسد مساجد تاریخی در مقابل مساجد معاصر در شهر تبریز، پاسخ های معمارانه مناسب تری در حوزه تعقل داشته باشند.

به منظور واکاوی فرضیات مذکور، پژوهش حاضر، تحقیقی تطبیقی است که با مطالعه مباحث انسان شناختی در مکتب اسلام به واکاوی جایگاه انسان در ایدئولوژی اسلامی پرداخته و سپس جایگاه معرفت انسانی و شناخت او را مورد مطالعه قرار می دهد. پس از آن در صدد معرفی معماری اسلامی به عنوان ابزاری در جهت معرفت به معرفت برآمده و از بُعد تعقل به آزمون مسئله مذکور می پردازد. در بخش ادبیات موضوع و مطالعه جایگاه انسان در ایدئولوژی اسلامی، روش کیفی و رویکرد توصیفی-تحلیلی است. در حوزه نمودبخشی به مفاهیم قابل توجه در معماری در راستای شناخت انسان، روش پژوهش استنباطی است که نهایتاً به مفاهیم استنباط شده عینیت می بخشد و نتیجه تفسیری آن به استخراج نمودهای معماری منجر خواهد شد. در بخش آخر، یافته های تاکنون پژوهش در ۵ مسجد سنتی و ۵ مسجد معاصر شهر تبریز امتحان گردیده و ارزیابی نتایج آن منجر به استخراج دست آوردهای پژوهش از طریق آزمون سازی خواهد شد. جامعه آماری، کاربران نمونه ها هستند که بسته به محل ارائه پرسش نامه، نمونه موردنظر را ارزیابی می نمایند.

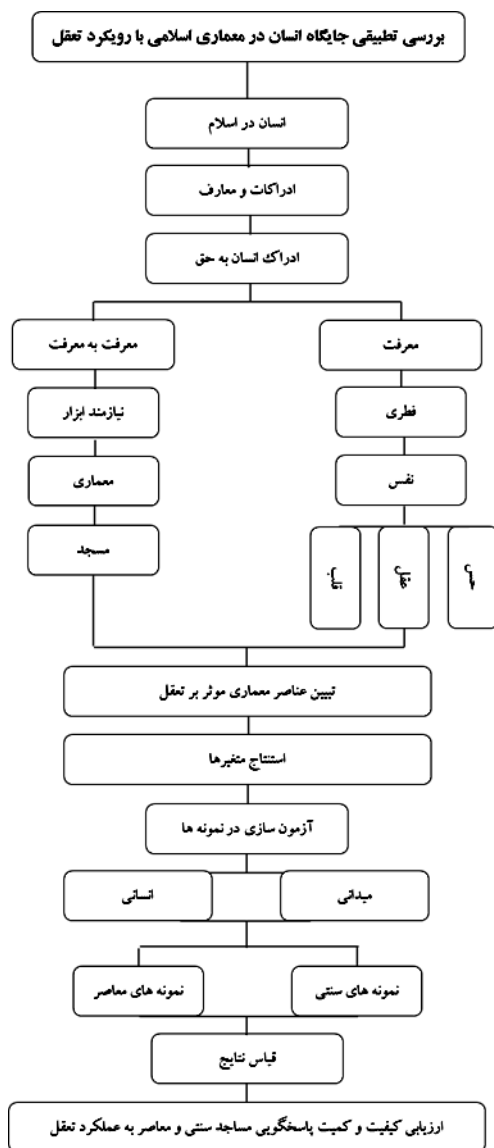
روش شناسی پژوهش

در حوزه مطالعات انسانی در اسلام، حوزه ادراکات و معارف جایگاه ویژه ای داراست که در میان انواع معارف نیز معرفت به حق، در دو حوزه معرفت و معرفت به معرفت، ارزیابی می شود. اساساً شناخت در انسان فطری است ولیکن به منظور تبلور آن معرفت به معرفت لازم است که نیازمند ابزار بوده و این پژوهش، معماری را به عنوان ابزار انتخاب می نماید. متغیرها از عناصر معماری استخراج می شوند و پس از آن آزمون سازی در نمونه ها انجام می گیرد که منجر به ارزیابی کیفیت و کمیت پاسخ گویی مساجد سنتی و معاصر به عملکرد تعقل می گردد. (دیاگرام ۱)

مبانی نظری تحقیق

از نگاه اسلام، انسان موجودی است دارای نهادها و استعدادهای بسیار متنوع و متکثر که در دو بُعد مشاهده می شود: بُعد اول همان به فعلیت رسیدن نهادها و استعدادهای انسانی است که مستند به عوامل جبری زندگی خواهد بود و بُعد دوم مربوط به توجه انسان به تعالی و کمال است. از این منظر است که به تعداد مختصات انسان می توان از او تعریف ارائه نمود. (علامه جعفری، ۱۳۸۹) انسان ولی و خلیفه خداست، معدن کلمات الهی بوده و حجت خدا بر زمین است. از منظری دیگر غایت وجود انسان به فعلیت رسیدن دو قوه عقل نظری و عملی او تعبیر می شود. چرا که او عقل مستفاد است و ارزش و شان سایر موجودات در معقول انسان بودن تعریف می گردد. (حسن زاده آملی، ۱۳۸۰)

به طور کلی او در ۳ ناحیه با دیگر موجودات تفاوت دارد. ناحیه ادراک و کشف خود و جهان که تعقل نامیده می شود، در ناحیه جاذبه هایی که بر انسان احاطه دارد که از آن به جاذبه های معنوی یاد می شود و ناحیه کیفیت قرار گرفتن در معرض تاثیر این جاذبه ها و انتخاب آن ها. منابعی که ادراک را به انسان ارائه می دهد و منبع تفکر در آیین اسلام بشمار می آیند؛ طبیعت، تاریخ و ضمیر انسان است که با رویکرد آفاقی و انفسی، اندیشه انسان را به چالش می کشد. (مطهری، ۱۳۹۲)



دیاگرام ۱- متدلوژی انجام کار. ماخذ: نگارندگان

انسان در مواجهه با این منابع، با خود، هموعان، حکومت، حیوان و زیست محیط تعامل می نماید که تعامل با خود مهم ترین نوع ارتباط بوده و تفکر و تدبیر، شاخه اصلی آن بشمار می آید. (جوادی آملی، ۱۳۹۰) نهایت این اندیشمندی سبب شناخت شده و نهایتاً در حوزه شناخت رب باعث تولید عکس العملی می گردد که پرستش نامیده می شود. اساساً سر خلقت بر معرفت و شناخت استوار است و معرفت حق، اساس آفرینش به شمار می آید. برای اثبات این مدعا، "وما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون" گواه است که از نگاه مفسرین "ليعبدون" همان "ليعرفون" تفسیر می گردد. چرا که عبادت بی معرفت ممکن نیست و اگر ممکن باشد به مفهوم عبادت نخواهد بود. اما معرفت حق برای انسان ممکن نیست و تنها راهکار آن به استناد آیات قرآن و روایات، معرفت نفس است. "من عرف نفسه فقد عرف ربه" گواه این مدعاست و ادراک ماهیت "خود" به واسطه علم حضوری میسر است.

ادراک همه انسان ها به وجه بسیط، نسبت به خدا فطری است، اما با آمدن در این دنیا، به همین ادراک خود، ادراک ندارند. (دینانی، ۱۳۹۰) (سیدمحمد کاظم علوی، ۱۳۹۲) این مطلب نکته ای است که صدرالمألهین (و بسیاری دیگر از عرفا) به آن اشاره کرده اند و مرحوم علامه طباطبایی نیز معرفت حق را در ذوات فطری می داند. انسان معرفت فطری به ذات حق دارد و

معرفتی به آن معرفت. اگر آن معرفت فطری خود را بداند (که به آن علم به علم نیز گفته می شود) این معرفت، کامل می شود و اگر نداند، این [معرفت فطری] کفایت نمی کند. صدرالمآلهین این مطلب را «علم بسیط» و «علم مرکب» نامیده است. علم به حق که فطری است از نوع علم بسیط می باشد که اهمیت چندانی ندارد، چرا که نه تنها انسان، بلکه همه موجودات علم فطری دارند. ولیکن ملاصدرا در ذیل بحث مهمی مدار تکلیف انسان ها را، علم مرکب قلمداد می کند. لذا دعوت انبیا نیز بر علم مرکب بوده است. به این معنی که انسان بداند که حق را می داند. (دینانی، ۱۳۹۰)

روش های معرفت نفس، ما را در نهایت به خدا می رساند اما همان گونه که اصل وجود ذومراتب است روش های معرفت وجود هم ذومراتب است که در این جا می توان گفت مرحله ابتدایی معرفت، معرفت تجربی و مرحله نهایی آن معرفت قرانی (وحیانی) است. (علی الله بداشتی، ۱۳۹۱) قرآن دستورات اکید متعددی برای تحصیل شناخت و معرفت، به وسیله به کار انداختن حواس و عقل و قلب دارد که مفاد این دستورات، الزام قطعی انسان ها برای کوشش و تلاش در راه بدست آوردن شناخت و معرفت در جهت امکان پذیر ساختن حیات معقول است و نه به منظور ورزش فکری و آرایش فعالیت های مغزی محض. (علامه جعفری، ۱۳۸۹)

قرآن کریم در موارد متعددی، آیات تکوینی را نشانه و راهی برای شناخت خداوند معرفی می نماید. در یک تقسیم بندی آیات تکوینی به آفاقی و انفسی تقسیم می شود. (مهدی شکری، ۱۳۹۲) علامه طباطبایی نظر دقیق تر درباره آیات انفسی را چنین می داند که برخلاف معرفت از راه آیات آفاقی، معرفت از طریق آیات انفسی، معرفتی حصولی و با واسطه و از راه ترتیب مقدمات نیست؛ بلکه این معرفت به خداوند شهودی، حضوری و بی واسطه است که علامه این معرفت را همان «معرفه الله بالله» که در احادیث وارد شده، می داند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۷۲/۶ - ۱۷۰) (مهدی شکری، ۱۳۹۲) علامه طباطبایی درباره ارتباط معرفت نفس با معرفت ربّ می نویسد: تعداد آیات و روایات مربوط به معرفت نفس، گویای نقش مهم آن در حصول معارف دیگر خصوصاً معرفت ربّ است. (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۶/ ۶۷ و ۲۰۳). استاد مطهری نیز بر ضرورت هماهنگی و هم سویی خودشناسی و خداشناسی تأکید کرده است. (مطهری، ۱۳۶۷: ۱۲۲ و ۲۸۶). (محمد رضا رجبی، ۱۳۹۲) شیخ طوسی، شاگرد شیخ مفید و نویسنده دو کتاب از چهار کتاب کتب اربعه شیعه می فرمایند: معرفت خدا بر هر مکلفی واجب است و این معرفت تنها با نظر حاصل می شود. پس نظر واجب است و نظر همان فکر است و فکر، تأمل در شیء مورد نظر و تمثیل بین آن با غیر آن است. (۱۴۰۰: ۹۳ و ۹۹)

از منظر عرفان و فلسفه اسلامی نیز می توان گفت «معرفت نفس» قرین و هم دوش «معرفت حق» معرفی شده است؛ چه این که خودشناسی امکان رسوخ بی واسطه بشر به تجلی الهی و درک قرب حقیقی را برای آنان میسازد و بر همین اساس عارفان مسلمان نیز از میان راه های خداشناسی، راه انفسی را برتر از راه آفاقی شمرده اند. غزالی شناخت نفس را کیمیای سعادت نامیده و معتقد است کلید معرفت خدای متعال، معرفت نفس خویش است (غزالی، ۱۳۶۴: ۱۳/۱). شهاب الدین سهروردی نیز با عنایت به حدیث معروف پیامبر اکرم (ص) درباره معرفت نفس می نویسد: شناخت حق تعالی موقوف است بر شناخت نفس خود... و مثال آن چنان باشد که اگر کسی خواهد که به بامی بلند بر شود، او را نردبانی باید، و الاّ بر بام نتواند رفتن و بی نردبان رفتن محال است (سهروردی، ۱۳۷۲: ۳/ ۳۴۷).

ابن عربی (م. ۶۳۸ق) نیز در فتوحات مکیه بارها حدیث «من عرف نفسه فقد عرف ربه» را نقل کرده و با تقریرهای گوناگون به بیان نحوه ارتباط این دو معرفت و نحوه دلالت این حدیث و استفاده از آن اهتمام ویژه ورزیده است. (برای نمونه رک ابن عربی، ۱۹۹۹: ۵۳/۳ و ۳۳۹ و ۴۴۹: ۸۰/۷ و ۱۶۲: ۳۳/۸، ۱۲۱ و ۱۹۳). وی معرفت و شناخت را در سه محور شریعت، شهود و عقل معنا نموده و هندسه معرفتی خود را با این سه عنصر تبیین می نماید. او در برخی موارد عقل را به جای قلب بکار برده و در مواردی نیز فکر و نظر را هم مفهوم عقل می داند. عقل غریزی و عقل مکتسب از تقسیم بندی های او در حوزه عقلی است و استنباط گزاره های نظری از قرآن را یکی از کاربردهای عقل می داند. به طور کلی هندسه معرفتی او بر حاکمیت شریعت استوار است. (احمد عابدی، احمد مسائلی، ۱۳۹۲) او براساس هندسه معرفتی خویش، مهم ترین ابزارهای حصول معرفت دینی را

شهود، عقل، حس می‌داند و در چالش‌های احتمالی مابین این ابزارها و منابع، حاکمیت ادراکات شهودی را بر عقل مورد پذیرش قرار داده است. (بهزاد مرتضایی، ۱۳۹۰)

از منظر قرآن شناخت در وجود انسان ابعاد و انواع گوناگونی دارد که تدبری، استنباطی، تذکری و قلبی از انواع آن هاست. بخشی از شناخت‌ها نیز پیوسته به وحی بوده و برخی مستند به شهودند، برخی نیز لدنی بوده و بی‌نیاز از وسایط معمولی، به طور مستقیم و از طرف خدا به درون انسان‌ها جریان می‌یابد. در کنار همه این انواع، آیات فراوانی از قرآن در حوزه شناخت با تعقل و لب و نهی است. می‌توان گفت هیچ مکتب و جهان بینی بشری، به درک‌های عقلانی و خردمندانه تا به این اندازه اهمیت نداده است. (الف. ۱۴) انسان قرآنی از آزاداندیشی، تفکر خلاق و عقل شکوفا شده در پرتو وحی یا عقلانیت دینی، کاربرد عقل در تصدیق و تکذیب‌های معرفتی - معنوی دارا است و در هندسه معرفتی و کانون حیاتی او عقل از منزلت و مقام والا و بالایی بهره‌ور است که هم در «هستی‌شناسی» و هم در «انسان‌شناسی»، عقل در معارف اسلامی جایگاه ارزشمندی دارد. (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۳ الف: ج ۲، ص ۲۰ - ۲۲). پس انسان قرآنی عقل خویش را «تعطیل» نمی‌کند و باب تفکر و تعقل را نمی‌بندد؛ بلکه به «تربیت عقلی» و تمرین تفکر در امور پدیده‌های عالم وجود می‌پردازد و از سنجه‌های مهم معرفت‌شناختی او در هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و اسلام‌شناسی هر اینه عقل و عقلانیت است و انسان قرآنی «عقل محور» است. (محمدجوادی رودگر، ۱۳۸۶)

از نگاه ملاصدرا، مدرک که وی در مرتبه شناخت از او تعبیر به فاعل شناسا می‌نماید؛ در مرتبه عقلی حقیقت شی را بدون حجاب درک می‌نماید. لذا اعتبار ماهیت و علم حصولی در آن راه ندارد. فاعل شناسا در این مقام به علم حضوری حقیقت شی را که همان مرتبه وجودی آن است دریافت می‌نماید. (رضا اکبری، ابراهیم راستیان، ۱۳۹۲) از نگاه او، «معرفت نفس ذاتاً و فعلاً نردبانی به سوی معرفت ربّ است.» (ملاصدرا، ۱۳۸۳: ۸/ ۲۶۵). نیز ر.ک ملاصدرا، ۱۳۴۰: ۴۶. هم‌چنین: خواجوی، ۱۳۶۳: ۴۹۸). (محمدرضا رجبی، ۱۳۹۲) مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۵۴ سوره اعراف می‌نویسند: صحیح نیست به مقدمه‌ای که مستلزم نتیجه‌ای است، امر شود، اما خود نتیجه ممنوع باشد. دعوت به تذکر و تفکر برای معرفت است، نه برای چیز دیگر. (۱۴۱۲: ۸/ ۱۵۷) مرحوم استاد شهید مطهری در تبیین همین مطلب می‌فرماید: قرآن کریم ایمان را برپایه تعقل و تفکر قرار داده است و همواره می‌خواهد مردم از راه اندیشه به ایمان برسند. هم‌چنین قرآن در آنچه باید به آن مومن و معتقد بود و آن را شناخت، تعبّر را کافی نمی‌داند. از این‌رو در اصول دین باید منطقاً تحقیق کرد. (بی‌تا: ۱۳) (محمد اسدی گرمارودی، ۱۳۸۸)

از منظر علامه طباطبایی، عقل یکی از ابزارهای شناخت است که "در تشخیص و تمایز میان صلاح و فساد، حق و باطل و صدق و کذب موثر است. علامه عقل را در کنار حس، فطرت و شهود از واسطه‌های شناخت دانسته و شهود را دربرگیرنده وحی، الهام و رویا قلمداد می‌نماید. او معتقد است معلومات جزیی که به خواص اشیا مربوطند؛ به وسیله حس درک می‌شود. در این موارد قرآن با الفاظی از قبیل "الم تر..." و "افلا یرون..." به حواس پنجگانه انسان اشاره دارد. آیت الله جوادی آملی نیز در همین راستا معتقد است راه حس برای ادراک حقایق راهی مستقل نبوده و هیچگاه به تنهایی ارزش علمی ندارد. آنچه که به حس ارزش می‌دهد همان شناخت عقلی است.

خداوند در آیات قرآن بیش از ۳۰۰ بار بشر را به تفکر، تذکر یا تعقل دعوت نموده یا به پیامبر (ص) یادآور شده که به چه دلیلی حق را اثبات یا باطل را ابطال کند. در قرآن استماع و تعقل دو وسیله برای هدایت آدمی به سوی سعادت معرفی شده است. این معنا در آیات متعددی از جمله آیه دهم سوره ملک بیان شده است: «و قالو لو کنا نسمع او نعقل ما کنا فی اصحاب السعیر». در میان همه موجودات، نعمت تعقل تنها مخصوص انسان است و مرحله به دست آمدن عقل، یک مرحله وجودی جدید است که از مرحله حیوانیت که همان عالم حس است، وسیع‌تر و دارای مقامی بالاتر است. علامه طباطبایی دلیل برتری عالم عقل بر عالم حس را وسعت عمل قوه عاقله می‌داند و می‌گوید به دلیل داشتن قوه عاقله است که همان حواسی که در سایر حیوانات هم هست در انسان آن قدر وسیع می‌شود که اندازه‌گیری وسعت آن ممکن نیست؛ زیرا به وسیله آن قوه، آدمی چیزهایی را درک می‌کند که در برابرش نیست یا اکنون نیست ولی در گذشته بوده یا بعدها خواهد آمد؛ و نیز آثار و اوصاف آن را با واسطه

یا بی‌واسطه درک می‌کند. انسان به کمک این قوه پا را از محسوسات و جزئیات فراتر نهاده، کلیات را درک می‌کند. (فروغ‌السادات رحیم‌پور، ۱۳۹۱)

از نگاه متفکرین، عقل به دو قسم نظری و عملی تقسیم می‌شود، عقل عملی آن است که انسان را به حق و عمل به آن دعوت می‌کند، نیرویی است در درون انسان که حسن و قبح اعمال را به او نشان می‌دهد و مقدمات حکم خود را از احساسات باطنی می‌گیرد، از نظر علامه طباطبائی، عقل عملی برخلاف عقل نظری، در آغاز خلقت آدمی به صورت بالفعل در او موجود است. از منظری دیگر، کارکردهای عقل را می‌توان از چند جهت بررسی کرد که در برخی از آن‌ها عقل به منزله منبع مستقل کانون توجه قرار می‌گیرد و در برخی موارد، کارکردهای غیر استقلالی مورد نظر است. با ملاحظه کاربردهای عقل در علوم گوناگون به ویژه علم کلام و نیز نگاه به آیات و احادیث، دست کم پنج کارکرد می‌توان برای عقل بیان کرد: نظری، عملی، ابزاری، استنباطی و دفاعی. (رضا برنجکار، ۱۳۹۱)

از آنجا که بحث حاضر در حوزه کارکرد نظری عقل است بسط مفهوم آن ضروری به نظر می‌رسد: کارکرد نظری عقل عبارت است از کشف حقایق نظری و واقعیات و هست‌ها و نیست‌ها. بدین‌سان خداشناسی، انسان‌شناسی و جهان‌شناسی از کارکردهای نظری عقل‌اند. همه ادراکات انسان توسط قلب، نفس یا روح تحقق می‌یابد و عقل روشنایی و ابزار درک قلب است؛ خواه واقعیات خارجی، خواه مفاهیم؛ خواه مفاهیم جزئی و خواه مفاهیم کلی. برخی دانشمندان از کارکرد نظری عقل با عنوان «علم» یاد می‌کنند و واژه عقل را تنها درباره عقل عملی که درک حسن و قبح عقلی را بر عهده دارد، به کار می‌برند. براساس این اصطلاح، علم و عقل یک حقیقت‌اند و تفاوت‌شان به متعلق ادراک است. اگر با آن حقیقت واحد، هست‌ها و نیست‌ها درک شود، «علم» نامیده می‌شود و اگر باید‌ها و نبایدها درک شود، «عقل» نامیده می‌شود. " (رضا برنجکار، ۱۳۹۱) لذا در تعریف عقل نظری که ابزار درک و شناخت است، گفته می‌شود: «عقل نظری، نیروی ادراکی نفس انسانی است که حقایق را درک می‌نماید.» ابن‌سینا این خصیصه را از ویژگی‌های انسانی می‌داند. توان انسان است که با درک مفاهیم، به شناخت مجهولات تصویری می‌رسد و با استنتاج و استدلال در آن‌ها به شناخت مجهولات تصدیقی می‌پردازد. (محمد اسدی گرمارودی، ۱۳۸۸)

واژه عقل در آثار علامه طباطبائی به دو معنا به کار رفته است:

الف- عقل به معنای مصطلح؛ عقلی که وظیفه آن تفکر و مرتب کردن معلومات برای کشف مجهولات است و افعال آن را می‌توان در سه شاخه برهان، جدل و خطابه دسته‌بندی کرد.

ب- عقل به معنای نفس انسانی، علامه در مواردی عقل را همان نفس انسانی دانسته است که مرکز ادراک همه مدرکات است و تأکید می‌کند که عقل، عین نفس مدرک است به قوه ای از قوای آن. " (فروغ‌السادات رحیم‌پور، ۱۳۹۱)

علامه طباطبائی برای عقل بشری چند شیوه تفکر بر می‌شمرد و معتقد است عقل، به طور ذاتی و فطری به همه آن‌ها مجهز است:

الف- «برهان» که از مقدمات حقیقی و یقینی شکل می‌گیرد و به نتایج یقینی می‌رسد.

ب- «جدل» که از مقدمات مشهور یا مسلم نزد طرف مقابل گفتگو تشکیل می‌شود. این مقدمات معمولاً از امور اعتباری است و نتیجه آن‌ها اقناع و ساکت کردن طرف مقابل است.

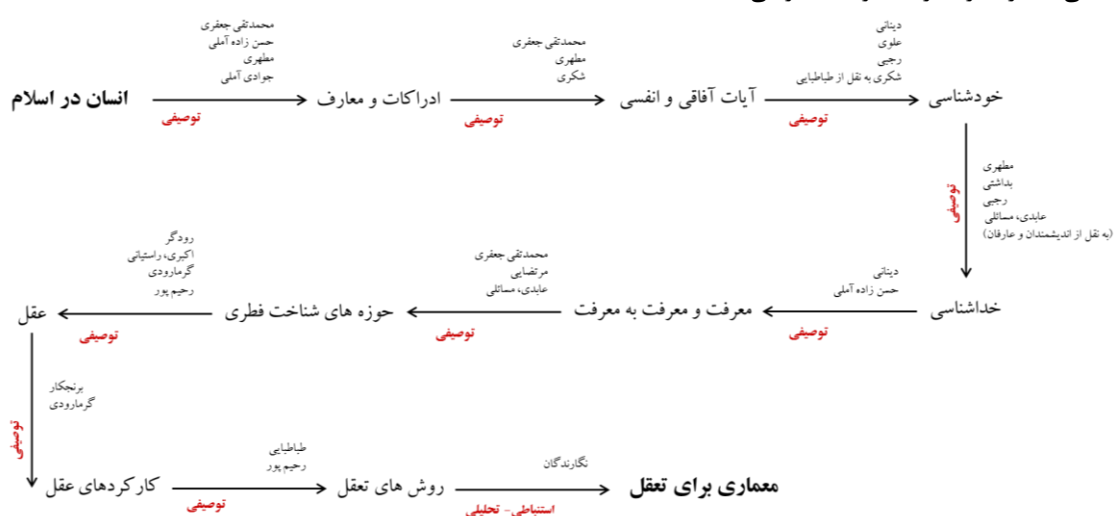
ج- «موعظه» که کاربرد آن در موارد خیر و شر محتمل است و از مقدماتی ظنی تشکیل می‌شود تا از آن ارشاد و هدایت به سوی خیر محتمل یا منع از شر محتمل نتیجه گرفته شود که این سه طریق تفکر را خدای عز و جل در دو آیه ۱۷۵ سوره نحل آورده و می‌فرماید: «ادع الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن». (تفسیر المیزان، جلد... و فروغ‌السادات رحیم‌پور، ۱۳۹۱)

بنابراین می‌توان گفت هدف از خلقت انسان، معرفت حق است و لازمه آن معرفت نفس. هردو حوزه نیازمند ابزار است که بتواند این معرفت را در وجود آدمی متذکر شود و بی شک نگاه انسان برای پذیرش تذکر بایستی آماده گردد. به نظر می‌رسد

چنانچه بتوان تعقل انسان را بالفعل نمود؛ تذکری حداقل، در باب اندیشه به او داده شده است و در مکانی چون مسجد، فضای حاکم بر آن، سوق دهنده اندیشه به سمت معارف الهی خواهد نمود.

روند سیر از ادبیات موضوع به موضوع پژوهش

از آنجا که هدف اصلی این پژوهش، ارزیابی و قیاس حوزه های تعقل در معماری مساجد معاصر و تاریخی شهر تبریز است؛ لازم به نظر می آید تا ضرورت بیان گسترده ادبیات موضوع بیان گردد. سیر استنتاج موضوعیت پژوهش که می توان آنرا خلاصه ادبیات موضوع دانست؛ تبیین کننده این بحث خواهد بود. (دیاگرام ۲) به نظر می رسد مسیر نیل از واکاوی جایگاه انسان در اسلام تا حوزه های معماری برای تعقل، در جهت بسترسازی مناسب مطالعه امری ضروری باشد. انسان در اسلام توصیف والای این آیین را بخود اختصاص می دهد که در این میان حوزه ادراکات و معارف در او، فطری تعریف می گردد و آیات آفاقی و انفسی، تذکری بر معارف فطری بشمار می آیند.



آیات انفسی، انسان را به شناخت خود سفارش نموده و خودشناسی را ارجح حوزه معارف می دانند. از آنجا که در بحث معارف دینی، خودشناسی مقدمه ای بر خداشناسی بحساب می آید؛ لزوم شناخت خود دوچندان می گردد. این معارف در وجود انسان به ودیعه نهاده شده اند و معرفت به معرفت، علمی مرکب است که در راستای شناخت معارف ذاتی، برای بیداری معرفتی انسان ضروری است. حوزه های شناخت و ادراک در نهاد انسان در سه بُعد حس، عقل و قلب تبیین می گردد که این پژوهش، عقل را برای مطالعه خود برگزیده و پس از واکاوی کارکردهای آن، حوزه نظری را انتخاب نموده و از نگاه علامه طباطبایی در ذیل تفسیر آیه ... سوره مائده را برای ارزیابی روش های تعقل بیان نموده است. محققین این پژوهش، بدنبال تبیین مابه ازای معماری، برای این روش ها هستند که نهایتاً به قیاس کارکردهای مذکور در نمونه های مساجد تاریخی و معاصر می پردازند. (دیاگرام ۲)

تبیین حوزه پژوهش

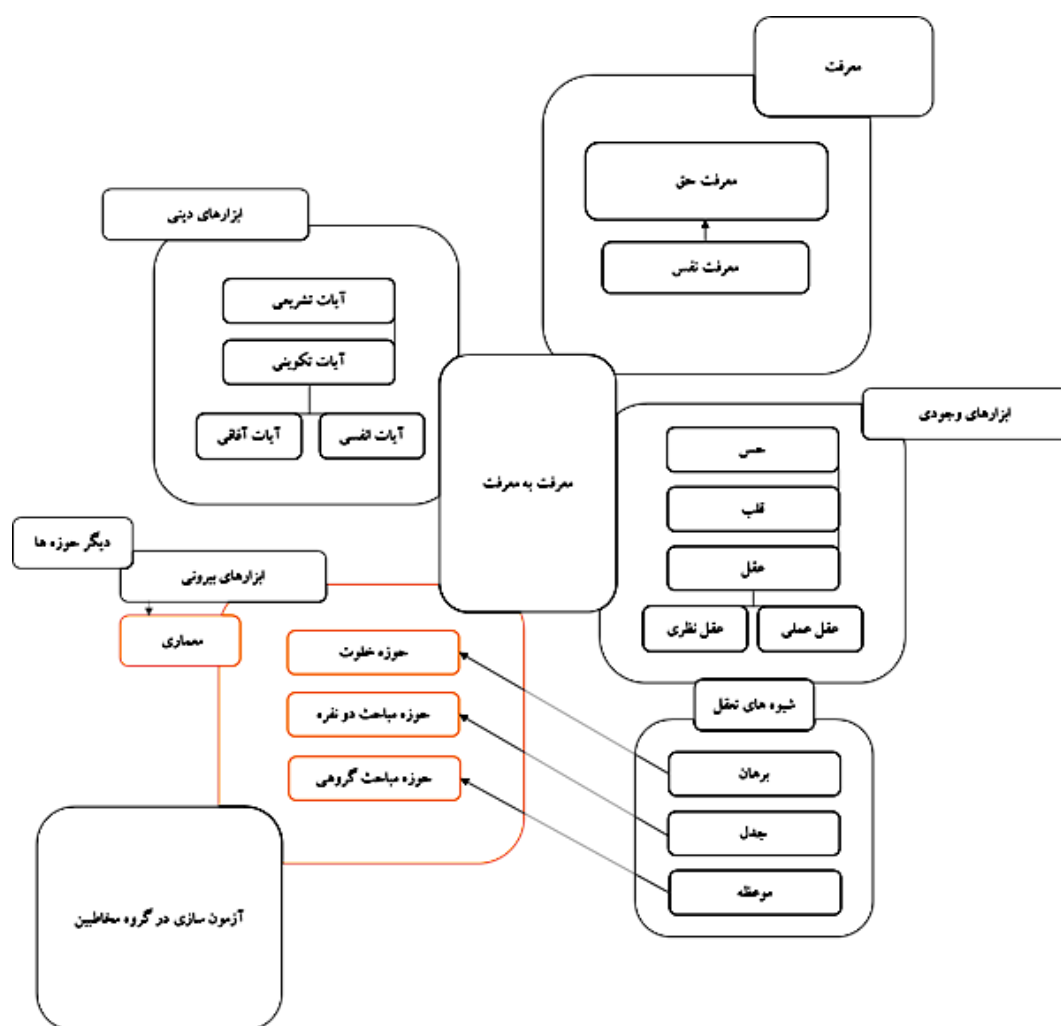
همانگونه که بیان گردید انسان به جهت نیل به هدف خلقت خود، نیازمند شناخت است که بخشی از آن فطری بوده و بخشی را بایستی کسب نماید. او برای شناخت موجودی که خارج از حد ظرف ادراک اوست؛ بایستی به منابعی چون وجود خود مراجعه نماید. از آنجا که او خلیفه و عصاره وجودی خدا در مقیاس زمینی است؛ برترین معارف الهی از طریق معرفت وجود او قابل ادراک خواهد بود. آنچه که موجب معرفت به معرفت در نهاد آدمی می گردد می تواند از منابع مختلفی نشأت گیرد. قرآن و

آیات از منابع معرفتی است که آیات انفسی آن به جهت بحث مستقیم در ابعاد وجودی انسان، واجد ارزش بیشتری از آیات آفاقی در حوزه شناخت اند.

عوالم ادراک انسان که می توان از آن ها به ابزار وجودی نام برد؛ حس و عقل و قلب اند که از منظر قرآن هیچ یک بر دیگری برتری ندارد اما حوزه ادراک حس در گرو عقل است و قلب از نگاه متفکران دینی دارای ارتباطات متفاوتی با عقل خواهد بود. از منظر برخی شهود فراتر از عقل است و از منظر برخی دیگر قلب و شهود نیز در محدوده عقلی معنا می یابد. مولوی از منظری عرفانی به تبیین انسان می پردازد و ملاصدرا، ابن عربی و دیگر متفکرین از نگاهی فلسفی... علم حصولی و علم حضوری مقوله ای مهم در حوزه مباحث آنان در زمینه ادراکات و معارف است. اما آنچه بین نظرات متفکرین مشترک است؛ جایگاه مهم عقل در بستر معارف بشمار می آید. از بین ۵ کارکرد عقل، کارکرد نظری مسئولیت شناخت و درک و معرفت را بر عهده دارد که از نگاه علامه طباطبایی تعقل و تفکر به عنوان فعالیت مهم در وجود انسان، نظامی روشمند است که از طرق برهان، جدل و موعظه انجام می یابد. اراده انسان و اختیاری بودن شناخت در وجود انسان امر دیگری است که لزوم وجود ابزار برای معرفت به معرفت را اثبات می نماید.

اساسا انسان از منظر قرآن ملبس به ردای عقل است و امری در زندگی او بی دخالت عقل تحقق نمی پذیرد. از همین رو بایستی در راستای عمل به بنیان های فکری مکتب اسلام، از ابزارها و طرق مختلفی بهره جست تا علم مرکب بر وجود آدمی حادث شود. بستر پژوهش حاضر بر مبنای معماری به عنوان یکی از ابزارهای بیرونی، شکل گرفته تا از عناصر معمارانه در این راستا بهره گیرد و با استناد به مطالعات انجام یافته، میزان توجه معماری مساجد را به کاربرد "تعقل" مورد واکاوی قرار دهد. به همین منظور کلام علامه طباطبایی را در راستای ارزیابی شیوه های تفکر به عنوان متغیرهای خود برگزیده و در کالبد مساجد به بررسی وجود سه حوزه برای فضاهای خلوت جهت تمرکز و تعقل درونی، فضای مباحث گروهی با در نظر گرفتن تمهیدات صوتی و ... و فضای موعظه و بحث تک نفره برای جمع و کیفیت و کمیت فضاهای مذکور می پردازد. اما از آنجا که بنای مسجد در حوزه بناهای آیینی جای می گیرد؛ علاوه بر کلیات ثابت در فضاهای تفکر و تعقل که بر اساس مطالعات معماری قابل استناد است؛ حوزه ادراکات فردی و خواست های مخاطبین در آن مهم می نماید.

بنابراین تکیه بر نظرات آنان و اینکه آیا در بنای مورد نظر عملکرد تعقل پاسخ داده می شود یا خیر؛ بحثی است که ارتباط بسیار نزدیک با نگاه کاربر بنا دارد و تشخیص آن از عهده محقق خارج است. چرا که بر اساس احساسات متفاوت فردی نمی توان به یک نظر، در این پژوهش استناد نمود. به علاوه تخصص محقق در حوزه معماری در ارزیابی وی موثر خواهد بود، در حالی که بنای مورد نظر پژوهش، بنایی برای عامه مردم است. لذا اجماع نظر کاربران در پاسخگویی معماری به تعقل ورزی مخاطب، قابل استنادترین و تعمیم پذیرترین روش بشمار می آید، هرچند بررسی میدانی نمونه ها و مشاهده عمل واقعی کاربران در بنا، ارائه دهنده اطلاعات دقیق تری بوده و بخشی دیگر از آزمون سازی این مطالعه است.



دیاگرام ۳: حوزه متغیرهای پژوهش، ماخذ: نگارندگان

مطالعہ موردی

معرفی نمونه های مورد مطالعه

به منظور مطالعه مفهوم و میزان توجه به تعقل در معماری مساجد، دو نمونه از دو گروه و رده دوره ای انتخاب شده و کیفیت و کمیت تعقل در آن ها بررسی گردیده است. به نظر می رسد داشتن تجربه فضایی از هر دو نمونه برای پاسخگویی بهتر مخاطب به سوالات امری ضروری باشد و در راستای نیل به نتایج مطلوب تر موثر واقع گردد. به همین منظور سعی در انتخاب نمونه هایی از یک منطقه که پاسخ دهنده به سوالات از هر دو نمونه استفاده کرده باشد؛ شد و لذا بافت میانی شهر، در مجاورت بازار تبریز، برای مطالعه انتخاب گردید. مساجد جامع، ثقه الاسلام، کلکته چی، قیزیلی و استادشگرد نمونه های سنتی و مساجد انگلی، امیرالمومنین، شکله، مطهری و ملارضا به عنوان نمونه های معاصر پژوهش در نظر گرفته شده اند.

جدول ۱: معرفی نمونه ها. ماخذ: نگارندگان

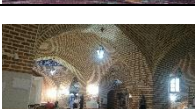
دوره	نام مسجد	تصویر	موقعیت شهری
سنتی	جامع		راسته کوچه (بازار تبریز)
	ثقه الاسلام		میدان صاحب الامر (بازار تبریز)
	کلکته چی		خیابان جمهوری (بازار تبریز)
	قیزیلی		خیابان فردوسی (بازار تبریز)
	استادشاگرد		خیابان فردوسی (بازار تبریز)
معاصر	انگجی		خیابان جمهوری (بازار تبریز)
	امیرالمومنین		خیابان چایکنار (بازار تبریز)
	شکلی		خیابان دارایی (مجاورت بازار تبریز)
	مطهری		خیابان دارایی (مجاورت بازار تبریز)
	ملارضا		خیابان خاقانی (مجاورت بازار تبریز)

مطالعه میدانی (مشاهده)

به منظور ارزیابی بهتر و درک جامع از فعالیت های انجام یافته در مساجد فوق الذکر، مشاهده از نمونه ها در جهت ثبت فعالیت های انجام یافته در فاصله زمانی نماز ظهر و عصر انجام یافت. در نمونه های معاصر، عمده فعالیت انجام یافته به نماز جماعت اختصاص داشته و کاربران فعالیت های انفرادی خود را نیز در صفوف نماز جماعت انجام می دادند. انجام عبادات فردی و فعالیت های شخصی نیز در انتهای صفوف بدون تعریف حوزه مشخص و حریم بندی انجام می پذیرد. در نمونه های سنتی، حوزه های فردی و جمعی تعریف شده تر به نظر می رسد. در این گروه، هر نمونه بسته به نوع معماری خود، فضاها را

سازماندهی می نماید. اما در عموم آن ها وجود ستون های متعدد سبب گردیده تا کنار ستون ها به منظور نشستن انتخاب شده و حوزه های فردی را تعریف نماید. در برخی نمونه ها همچون مسجد جامع نیز دارا بودن کنج در مجاورت طاق ها، به خوبی تبدیل به فضاهایی برای خلوت فردی و یا دونفره شده است. تحلیل شخصی محققین، نمونه های سنتی را دارای بازدهی بهتر و معماری مناسب تر برای فضاسازی جهت تعقل ارزیابی می نماید. مشاهده رفتار کاربران نیز این تحلیل را تایید می نماید. چراکه مراجعین به نمونه ها، در مساجد معاصر جایگاه مشخصی برای خلوت یا بحث دونفره ندارند. همچنین نوع مدیریت این نمونه ها، به افراد اجازه ماندن بیشتر نمی دهد و صرفا صفوف نماز، مکان انتخابی کاربران است. اما در نمونه های سنتی، حریم ها کاملا مشخص است و افراد، برای خلوت، بحث دوطرفه و مباحث گروهی، حوزه های تعریف شده ای برای خود دارند.

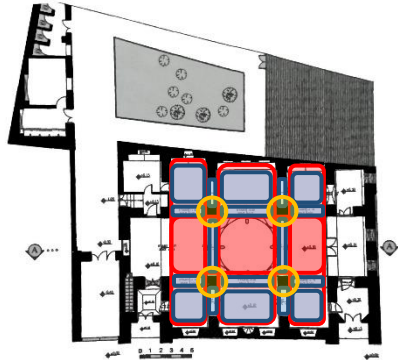
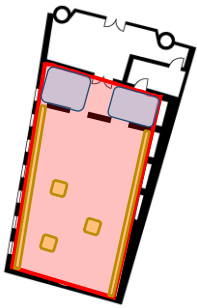
جدول ۲: مشاهده فضای داخلی نمونه ها. ماخذ: نگارندگان

مشخصات نمونه ها					
نام مسجد			تصاویر داخلی نمونه ها		
سنتی		جامع			
		ثقه الاسلام			
		کلکته چی			
		قیزیلی			
		استادشاگرد			
معاصر		انگچی			
		امیرالمومنین			
		شکلی			
		مطهری			
		ملارضا			

تحلیل عرصه بندی نمونه ها حاصل از مشاهده رفتار کاربران

تحلیل نمونه های مورد مطالعه از منظر عرصه بندی نشان می دهد نمونه های سنتی تعاریف معمارانه موفق تر و مناسب تری برای بهره کاربران دارند. این ارزیابی در اکثر نمونه ها صادق است، لیکن به منظور تحلیل بهتر یک نمونه از هر گروه انتخاب شده و نتایج رفتار کاربران بصورت گرافیکی در آن ها نشان داده شده است. در انتخاب نمونه ها سعی گردیده تا به لحاظ اندازه ای دو نمونه مشابه هم باشند و تفاوت حجم و سطح دلیلی بر اختلاف رفتار کاربران تلقی نگردد. به منظور نیل به پارامترهای پژوهش و واکاوی متغیرهای آن، وجود عرصه جمعی، دونفره و انفرادی در نمونه ها بررسی گردید و همانگونه که مشاهده می شود؛ نمونه معاصر در کل فضایی جمعی داشته و همه فعالیت ها در یک عرصه واحد انجام می گیرند. عرصه دونفره و نیز عرصه انفرادی، تعریف معمارانه نداشته و کاربر به اجبار از فضا به منظور تامین نیاز خود بهره می جوید.

جدول ۳: عرصه بندی فضای داخلی نمونه ها. ماخذ: نگارندگان

نمونه سنتی		نمونه معاصر	
مسجد کلکته چی		مسجد امیرالمومنین	
			
راهنما	عرصه جمعی	عرصه دونفره	عرصه انفرادی

در بخش ورودی مسجد به جهت نیم طبقه موجود در آن، فضا خصوصی تر به نظر می آید و می تواند به صورت محدود مورد استفاده کاربرانی واقع گردد که مایل به صحبت با یکدیگرند.

مجاورت دیوارها نیز مورد استفاده کاربران دوستدار خلوت است که ناخواسته در بطن فضای جمعی قرار می گیرند لیکن به جهت عدم وجود فضای طراحی شده به این منظور، افراد متمایل به خلوت فردی، در همان فضای جمعی بصورت پراکنده با نهایت تلاش برای حفظ حریم فردی خود، به خلوت خویش مشغول می گردند.

در مقابل، فضاسازی مسجدی چون کلکته چی به نظر برای سه عرصه مورد مطالعه، طراحی شده و افراد به صورت ناخواسته به اماکن مربوطه هدایت می شوند. وجود ۴ ستون و گنبد فراز آن دهانه میانی را دارای گشایش فضایی نموده و تجمیع کننده کاربران است. از آنجا که محراب نیز در این دهانه جای دارد؛ عرصه جمعی و فضای موعظه در این بخش معنا می گردد.

این امر در دو دهانه مجاور نیز صادق می باشد که البته دهانه میانی بصورت عمود بر جهت قبله نیز فضایی جمعی در نظر گرفته می شود. دهانه های انتهایی عموماً مورد استفاده کاربران در گروه های کوچک است که توانسته نیاز آنان را به منظور مباحث دو نفره و نیز مصاحبت های جمعی کوچک مرتفع نماید. زیر طاق ها نیز که بواسطه معماری گنبد و وجود ستون ها بوجود آمده، از فضاهای مناسب مصاحبت های دونفره است. خلوت و عرصه های انفرادی چه در این نمونه و چه در سایر نمونه های تاریخی، در مجاورت ستون ها به نحو احسن پوشش داده می شود. کنار دیوارها که برخلاف نمونه های معاصر تعریف شده تر و با عرصه بندی طراحی گردیده است؛ نیز برای خلوت مناسب به نظر می رسد و کاربران از این فضاها نیز به جهت حضور فردی بهره می جویند. می توان گفت زیر طاق ها نیز اماکن مطلوبی در جهت حفظ تمرکز خلوت هستند و همین امر نشان می دهد علاوه بر طراحی تک به تک عرصه ها در معماری مسجد، عرصه ها بدون ایجاد اختلال، قابل تبدیل به هم نیز هستند و

چنانچه کاربری از فضای جمعی برای خلوت یا مباحثه دوفره بهره می جوید؛ نارضایتی و یا اختلال در عملکرد را حس نمی نماید. می توان گفت نمونه های تاریخی که صرفا نمونه ای از آن در این مجال ارزیابی گردید؛ در پاسخدهی به عرصه های تعقل موفق ترند و این امر علاوه بر تحلیل محقق، حاصل تاکید رفتار کاربران بر این امر نیز می باشد. مساجد سنتی در زمینه عرصه های تعقل با هویت تر به نظر می رسند. لیکن در مقابل نمونه های معاصر صرفا مکانی سرپوشیده برای عبادت تلقی می گردند که عملکرد کاربران نیز این امر را عملا تایید می نماید.

مطالعه انسانی

در این مرحله از پژوهش از ابزار پرسش نامه برای ارزیابی متغیرهای پژوهش بهره گرفته شده و یافته های حاصل از این بخش با نرم افزار SPSS تحلیل شده است. ابتدا در پرسش نامه ها بحث تفکر و تعقل که در راستای معرفت نفس می تواند در مساجد صورت گیرد؛ مورد ارزیابی بوده و ۵ سوال به تفکیک نمونه ها طرح گردیده است. ۱۵ سوال بعدی در رابطه با متغیرهای زیر شاخه تعقل (خلوت، جدل و موعظه) پرسیده شده (جدول ۴) و رویکرد در کل سوالات، عدم اشاره به نمونه ای خاص در پژوهش است. به عبارتی دیگر سوالات کلی است و به تفکیک محل ارائه پرسش نامه، نمونه ها از همدیگر جدا می گردند و از مخاطب درخواست می گردد تا در مورد نمونه ای که در آن حضور دارد؛ پاسخ دهد.

جدول ۴: مشخصات آزمون انسانی. ماخذ: نگارندگان

مشخصات سوالات		
ابزار پژوهش	متغیرها	تعداد سوالات
پرسش نامه	کلیت تعقل در راستای معرفت	۵ سوال
	خلوت و تعقل فردی	۵ سوال
	بحث و تعقل دوطرفه	۵ سوال
	موعظه و مباحث گروهی	۵ سوال
مشخصات جامعه مورد آزمون		
جامعه نمونه		جامعه آماری
۳۰ نفر		۲۳۰ نفر

به منظور ارزیابی پایایی پژوهش، ۳۰ نفر از کاربران نمونه ها، مورد مطالعه قرار گرفته و تحلیل پاسخ آنان نشان می دهد آلفای کرونباخ سوالات به ترتیب در کلیت تعقل برابر ۰,۶۸۹، در خلوت و تعقل فردی برابر ۰,۸۴۶، در بحث و تعقل دوطرفه برابر ۰,۶۲۸ و در حوزه موعظه و مباحث گروهی ۰,۵۸۳ می باشد که بیانگر مطلوبیت سوالات همه متغیرهاست. متغیر آخر به جهت فاصله اندک با حداقل مورد قبول، مورد واکاوی مجدد قرار گرفت و پس از تصحیح سوالات، آزمون سازی در مرحله اصلی انجام یافت. در کل جامعه آماری که شامل ۲۳۰ نفر است؛ مطابق با جدول ۵ آلفای سوالات بیانگر حد قابل قبولی برای کلیه متغیرها بوده و با دارا بودن اعداد ۰,۶۲۴، ۰,۷۹۳، ۰,۷۱۸ و ۰,۶۷۴ این ادعا را ثابت می نماید.

جدول ۵: یافته های آماری پژوهش. ماخذ: نگارندگان

	متغیرها				تحلیل های آماری	
	زیرشاخه های تعقل			تعقل		
	موعظه و تعقل جمعی	مباحثه دونفره	تعقل انفرادی			
پیش آزمون	۰,۵۸۳	۰,۶۲۸	۰,۸۶۴	۰,۶۸۹	آلفای کرونباخ	
پس آزمون	۰,۶۷۴	۰,۷۱۸	۰,۷۹۳	۰,۶۲۴		
	۳,۵۵	۳,۱۸	۳,۶۷	۳/۲۱	سنتی	میانگین
	۳,۶۰	۳,۰۹	۳,۵۳	۳/۲۵	معاصر	
	۰/۰۴۶	۰/۰۹۴	۰/۱۴۴	-	اختلاف میانگین نمونه های سنتی و معاصر	
	۰,۳۴۰	۰,۴۵۳	۰,۵۴۳	۱	ضریب پیرسون	

از آنجا که تحلیل تمام پارامترها در دو گروه سنتی و معاصر انجام یافته است؛ ارزیابی و قیاس میانگین در آن ها ارائه دهنده مهم ترین نتایج مطالعه خواهد بود. طبق جدول ۵، نمونه های هردوگروه در همه متغیرها دارای میانگین بالای ۳ از ۵ هستند و نشان می دهند کلیت تعقل و زیرشاخه های آن در مساجد موردتوجه و مقبول است. کمترین میزان برابر ۳,۰۹ مربوط به مباحثه دونفره در مساجد معاصر و بیشترین مقدار میانگین، مختص تفکر انفرادی در مساجد سنتی است که معماری آن ها و نوع فعالیت کاربران به روشنی این امر را اثبات می نماید. به منظور تحلیل تفاوت کلیت تعقل، تعقل انفرادی، مباحثه دونفره و موعظه در نمونه های دو گروه، از آزمون تفاوت میانگین ها استفاده شده است. چراکه نوع مسجد متغیر اسمی دو حالت و میزان تعقل متغیری فاصله ای است. نتایج این تحلیل طبق جدول ۵ نشان میدهد تفاوت بارزی بین نمونه های دو گروه وجود ندارد و گروه سنتی و معاصر از نظر کاربران در سطحی مشترک عمل می نمایند. لیکن بیشترین اختلاف میانگین مربوط به حوزه تفکر انفرادی و کمترین اختلاف بین دو گروه، در زمینه موعظه است که این امر نیز از معماری نمونه ها به وضوح قابل تحلیل می باشد. مساجد سنتی، مشخصا فضاهای مربوط به خلوت افراد را بهتر تامین می نمایند و در مقابل نمونه های معاصر در کل، فضایی جمعی به نظر می رسند. همین امر سبب می شود تا در متغیر موعظه، نمونه های سنتی و معاصر، مشابه هم تحلیل شوند و همانگونه که اشاره گردید میانگین نمونه های معاصر در متغیر موعظه، حتی بالاتر نیز ارزیابی شود.

در آزمون دیگر این پژوهش ارتباط بین تفکر انفرادی، مباحثه دونفره و موعظه با تعقل مورد ارزیابی قرار می گیرد. هدف این بخش اینست که نحوه و میزان تاثیرگذاری هریک از زیرمتغیرها را با مقوله تعقل به عنوان متغیر اصلی تحلیل نماید. ضرایب همبستگی پیرسون مابین تعقل و تک به تک پارامترها نشان می دهد رابطه موجود، مستقیم و در همه متغیرها تقریبا متوسط است. به عبارتی ساده تر، افزایش هر پارامتر سبب افزایش تعقل شده و توجه به هر متغیر، تاثیری مثبت در نیل معماری به هدف خود به منظور خلق فضایی در راستای تعقل در مساجد دارد. لیکن تفاوت ضرایب ثابت می کند بیشترین تاثیر، مربوط به تفکر انفرادی است و ایجاد فضاهایی به منظور خلوت فردی، کلیت تعقل را بیشتر از مباحثه و موعظه افزایش خواهد داد. کمترین ضریب پیرسون نیز به موعظه اختصاص داشته و بیانگر کمترین تاثیر در افزایش بازدهی تعقلی در معماری مساجد است.

طبق تحلیل های ابتدایی که بیشترین میانگین را به تفکر انفرادی در نمونه های سنتی اختصاص داد و مطابق با نتیجه اخیر در زمینه بیشترین تاثیر تفکر انفرادی در تعقل، می توان گفت نمونه های سنتی تعقل را از منظر موثرترین پارامتر پاسخ داده و لذا معماری موفق تری در سوق کاربر به تعقل دارند.

نتیجه گیری

اساس اسلام بر معرفت استوار است و لازمه معرفت، تعقل... در این آیین، هیچ عملی بی معرفت، وجهه دینی به خود نمی گیرد و لذا نیل به معرفت از اهداف معتقدین اسلام بشمار می آید. جهان بینی اسلام بر فطری بودن معرفت در بسیاری حوزه ها اشاره دارد؛ لیکن لزوم بیداری این شناخت را ضروری دانسته، بر ابزاری که بتواند در وجود انسان، معرفت به معرفت ایجاد نماید؛ تاکید می ورزد. از نگاه محققین این پژوهش ابزار مذکور حتی می تواند در کالبد معماری به منصف ظهور برسد و معماری به عنوان ابزاری مذکر در راستای معرفت گام بردارد که مبرهن است تعقل و خلق فضایی به منظور اندیشه دینی، پایه و اساس این دیدگاه خواهد بود. آیات قرآن و مفسرین آن، یکی از صور تعقل را در سه حوزه تفکر انفرادی و خلوت، مباحثه دونفره و نهایتا موعظه یا تعقل جمعی بیان می دارند و این پژوهش، معماری را به عنوان موثرترین عامل در ترغیب ناخودآگاه مخاطب به سه وجهه تعقلی مذکور می داند. لیکن از آنجا که بنای مسجد در ماهیت خود بنایی معرفتی است؛ لزوم و ضرورت وجود حوزه های تعقل در آن مضاعف می گردد و مطالعه پیرامون آن به عنوان نمونه مورد ارزیابی این پژوهش، لازم می نماید.

پژوهش حاضر درصدد پاسخ به دو سوال انجام یافت که به منظور پاسخ به پرسش اول، خلق فضاهای خلوت و تعقل انفرادی، فضاهای مباحثه دونفره و در نهایت فضاهایی برای صحبت جمعی را در جهت تعقل موثر می داند. به نظر محققین این پژوهش و با استناد بر نتایج تحقیق، در صورتی که معماری بتواند سه حوزه مذکور را تامین نماید؛ کاربر را در مواجهه با فضایی آماده به منظور تعقل قرار می دهد و او در صورت احساس نیاز، براحتی تامین نیاز نموده و در صورت عدم نیاز نیز، معماری برای وی مذکر عمل خواهد نمود. در زمینه پاسخ به سوال دوم، بایستی گفت با توجه به تعریف انسان محوری از منظر تعقل، فرض پژوهش بر این اساس استوار گردید که چنانچه معماری بتواند زمینه اندیشه را برای انسان فراهم نماید؛ بواسطه احترام به والاترین صفت او، انسان محور تلقی خواهد شد. از آنجا که تحلیل فرض پژوهش بر روی دو دسته از مساجد در تبریز انجام یافت؛ یافته های پژوهش حاکی از توجه پررنگ تر نمونه های تاریخی به تعقل و لذا به انسان محوری است.

پاسخ به سوالات مذکور، به منظور تحلیل فرضیات پژوهش انجام یافته است که واکاوی نظرات کاربران صحت فرضیه نخست را اثبات می نماید. هم از مشاهدات میدانی و هم از تحلیل نرم افزاری نظرات کاربران، قابلیت معماری به منظور تسهیل تعقل، دریافت می گردد. در نمونه هایی که به خوبی فضاهای لازم برای تعقل را پوشش می دهند؛ اندیشیدن جزئی از حضور در مسجد بشمار می آید و گفته های کاربران، محوریت معارف دینی را در باب موضوعیت اندیشه تایید می نماید. لذا می توان گفت مسجد و معماری مناسب آن در جهت تعقل، ابزاری برای تذکر به معرفت است و تجلی علم مرکب و معرفت به معرفت بشمار می آید. در باب فرضیه دوم نتایج حاصله نشان می دهد مطابق با یافته های حاصل از مشاهده میدانی و رفتار کاربران، همچنین تحلیل نرم افزاری نظرات آنان، نمونه های سنتی در معماری فضای تعقل فردی موفق تر عمل می نمایند. در مقابل، معماری مساجد معاصر در کل، فضایی واحد و جمعی به نظر می آید و لذا ازین منظر در تعقل جمعی، حتی دارای عملکرد مطلوب تر به نظر می رسند. اما آنچه مورد تاکید بوده، از لحاظ منطقی نیز مقبول تر جلوه می نماید؛ پرداخت همزمان و جلوه گری هر سه حوزه در معماری مساجد است، لیکن تحلیل های نهایی این پژوهش که بر حسب ارزیابی ضریب پیروان مابین متغیرهای تعقل و کلیت آن انجام یافت، تاثیر ماکزیمم تعقل انفرادی را بر کلیت آن اثبات می نماید. در حالت کلی و همانگونه که قبلا نیز اشاره گردید؛ از برآیند یافته های تحقیق می توان مطلوب تر بودن نمونه های تاریخی را به منظور تعقل نتیجه گرفت و لذا از فاکتورهای معمارانه آن ها برای طراحی بهتر و مقبول تر مساجد معاصر بهره جست .

مطالعه نمونه های بیشتر به منظور اتخاذ نتایج دقیق تر، پیشنهاد این پژوهش به دیگر محققین است. همچنین واکاوی معمارانه تر و نمودبخشی های دقیق تر به سه نحوه تعقل از منظر اسلام در معماری مساجد و تحلیل پاسخ های معماری مشخص بمنظور تعقل فردی، مباحثه دونفره و تعقل و بحث جمعی، گامی تکمیلی بر این مطالعه بشمار آمده و توصیه دیگر محققین به سایر پژوهشگران می باشد.

منابع

- ۱- جعفری، محمد. ۱۳۸۹. *شناخت انسان در تصعید حیات تکاملی*. چاپ دوم، موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- ۲- حسن زاده آملی، حسن. ۱۳۸۰. *انسان و قرآن*. چاپ هشتم، بنیاد نهج البلاغه.
- ۳- مطهری، مرتضی. ۱۳۹۲. *مجموعه آثار/جلد ۲ و ۳*. چاپ ۲۰، انتشارات صدرا.
- ۴- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۹۰. *مفاتیح الحیاه*.
- ۵- دینانی، علی اکبر. ۱۳۹۱. *ولایت و انسان کامل*. مجموعه مباحث انسان شناسی برنامه معرفت، پخش شبکه چهار سیما.
- ۶- سید محمد کاظم علوی، ۱۳۹۲
- ۷- بداشتی، علی الله. ۱۳۹۱. *من عرف نفسه فقد عرفه ربه بررسی و تحلیل حدیث تلازم معرفت نفس و معرفت رب از دیدگاه عالمان شیعه*. مجله علمی پژوهشی فلسفه و کلام، ۸۸: ۳۱-۴۶.
- ۸- شکری، مهدی. ۱۳۹۲. *نقش و ارزش معرفتی آیات تکوینی در شناخت به خداوند*. فصل نامه علمی پژوهشی اندیشه نوین دینی، ۳۲(۹): ۱۱۳-۱۲۸.
- ۹- رجبی، محمدرضا. ۱۳۹۲. *خودشناسی در مثنوی، مبانی و طرق*. فصل نامه علمی پژوهشی پژوهش نامه اخلاق، ۱۹(۶): ۱۳۷-۱۵۶.
- ۱۰- عابدی، احمد و مسائلی، احمد. ۱۳۹۲. *هندسه معرفتی/ابن عربی در سه محور شریعت، شهود و عقل*. فصل نامه علمی پژوهشی اندیشه نوین دینی، ۳۴(۹): ۷-۲۶.
- ۱۱- مرتضایی، بهزاد. ۱۳۹۰. *مقایسه دیدگاه ابن عربی و ملاصدرا در مسئله حدود و قلمرو عقل در شناخت حق تعالی*. مجله علمی پژوهشی آینه معرفت، ۲۱: ۲۷-۳۷.
- ۱۲- رودگر، محمدجواد. ۱۳۸۶. *انسان قرآنی*. مجله علمی پژوهشی قبسات، ۴۴: ۵-۲۸.
- ۱۳- اکبری، رضا و راستیان، ابراهیم. ۱۳۹۲. *امتناع تعریف حقیقی بر اساس مبانی وجودشناختی، انسان شناختی و معرفت شناختی ملاصدرا*. پژوهش های هستی شناختی دو فصلنامه علمی- پژوهشی، ۳(۲): ۴۹-۶۴.
- ۱۴- اسدی گرماردی، محمد. ۱۳۸۸. *کسبی یا افاضه ای بودن معرفت الله*. فصل نامه علمی پژوهشی اندیشه نوین دینی، ۱۷: ۸۷-۱۱۲.
- ۱۵- رحیم پور، فروغ السادات. ۱۳۹۱. *واسطه های شناخت از دیدگاه علامه طباطبایی*. مجله علمی پژوهشی خردنامه صدرا، ۷۰: ۶۷-۸۴.
- ۱۶- برنجکار، رضا. ۱۳۹۱. *کارکردهای عقل و نقش های آن در معرفت دینی*. مجله علمی پژوهشی معرفت فلسفی، ۳۶(۹): ۷۱-۱۰۰.

Comparative study of Man's position in architecture based on epistemic approach and from intellectual aspect in historical and contemporary mosques of Tabriz metropolis

Abstract:

Islam is a man-oriented religion and it reveals the maxim with various tools. Islam's noetic approach towards man so that relies on man's knowledge of Allah, the almighty. Basically, man's intellect conducts him to be Caliph of Allah, thus he is an inestimable creature from this viewpoint. On one hand naturally he needs to worship Allah as a natural and initialized demand; ipso facto he needs to know Him better via recourse to religious texts. But on the other hand his cognition is limited, he cannot fully understand Allah the eternal, thus he needs a tool for knowing Allah based on his limited knowledge. According to Islam, self-cognition leads man toward Allah's cognition; he should firstly know himself and then he know Him better. Firstly, all men require a tool for self -cognition but the second one that is named theology is a natural gift bestowed by Allah. Intellection facilitates cognition but how a light-minded stupid man can know Allah.

It seems that architecture is the most tangible rational tool for theology as a constructive skeletal parameter that helps us to reflect more. This paper introduces the architecture industry as a tool for reflection and better cognition of Allah; intellect is an interface between architecture, self-cognition, and theology. Therefore, architecture is naturally for cognition of religion, and this paper reveals more prominent role of mosque architecture. The paper relies on theoretical bases of the documentary-descriptive approach by emphasizing on the Islamic wisdom and by classifying the mosques of Metropolis city named Tabriz as historical and contemporary mosques. Indeed, architectural parameters and the mosques skeleton are viewed as independent variables but intellection and reflection as dependent variables. Both fieldwork and man are tools used in examinations and testing; obtained results are based on questionnaire, audiences' perspectives, and researcher's fieldwork evaluation of samples. we studied Masjid Jameh, Seghat-al-Islam, Masjid Kalkatechi, Masjid Ghizli, and Masjid Master-Pupil among historical ones but Masjid Angaji, Masjid Amiralmomenin, Masjid Shakelli, Masjid Motahari, & Masjid Molla Reza among the contemporary mosques in Tabriz by selecting the samples randomly. Statistical society are daily users of the research samples, and Likert evaluation tools were applied for replications of randomly selected samples. We implemented quantitative testing but inductive evaluation. Research questions are as follows:

- 1) How may mosque -architecture be utilized in the sense of intellection and to reasoning?
- 2) How much is mosque architecture reasoning-based and man-oriented?

Then there are some hypotheses for answering the questions:

- 1) Architecture of mosque is manifestation of implicate science, knowledge to knowledge and it is a suitable tool for intellection.
- 2) In contrast to the historical mosques, it seems that the contemporary mosques of Tabriz. The metropolis have more effective replications in the field of intellection.

we replied the research questions for hypotheses analysis while analysis of users' comments prove the accuracy of the first hypothesis. Both fieldworks and software analysis of users' comments are indications of architecture capacity for reasoning facilitation. Based on the samples that cover well needed spaces for intellection, reflection is part of presence in mosque; users' comments support the idea that religious knowledge is a helpful intellection. Thus. It can be said that mosque and its appropriate architecture facilitate self-cognition and theology where multiplex science and knowledge to knowledge are emanated. The obtained results on the second hypothesis show that according to the findings of religious observations

and users' behaviors, also based on software analysis of their comments , traditional or historical architectural samples facilitate more successful personal intellection and reasoning. In contrast, generally, architecture of the contemporary mosques seems to be a unique and collective space for intellection even with more desirable performance. But more acceptable that is highlighted is simultaneous processing and resplendence of the third domains of mosque architecture; but final analysis of the research evaluation based on Pearson coefficient, it supports maximum effect of personal intellection and reasoning on its totality. As mentioned before, resultant research findings illustrate more desirable the historical samples for reasoning and intellection based results, then their architectural factors are utilized for better and more acceptable designing procedure of the contemporary mosques.

Keywords: Knowledge, Knowledge tool, Intellection, Mosque

معرفی سازه‌های آیینی الیماییان

سیده مانا روحانی رانکوهی

کارشناس ارشد باستان‌شناسی

چکیده:

پژوهش‌های باستان‌شناسی الیمایی هنوز در آغاز راه است. کاوش‌گاه‌های اندک باستان‌شناسی الیمایی با آن که آگاهی‌های ارزنده‌ای به دنیای باستان‌شناسی بخشیده است، اما درباره‌ی این دوره‌ی کم شناخته و در تاریکی مانده بسیار ناچیز است. از این رو به کاوش‌های هدفمند در آینده چشم دوخته‌ایم. کاوش‌هایی که نه تنها دوره‌ی الیمایی بلکه فراتر از آن پیچیدگی‌ها و گره‌های ناگشوده‌ی پهنه‌ی جغرافیای سیاسی دوره‌ی پارت را بیشابیش می‌گشاید. نه تنها باور، آیین و دین باوری الیماییان در هاله‌ی تاریکی است، بلکه ناآگاه از بسیاری آگاهی‌هایی هستیم که کم و بیش درباره‌ی دیگر دوران‌ها دانسته‌ایم. الیماییان (۲-۱۶۳ ق.م-۱۲۴ م)، بومیان سرزمین کوهستانی شمال خاوری خوزستان بودند، که بارها در برابر سلوکیان و پارت‌ها ایستادگی کرده و مبادرت به تشکیل یک حکومت نیمه مستقل و خودمختار در منطقه نمودند. دایره فرمانروایی الیماییان میانه‌های زاگرس میانی تا کرانه‌های خلیج فارس، در درازایی از فارس تا مرزهای میان‌رودان را در برمی‌گرفت. پراکندگی ریزسکه‌های مسین و مفرغین الیماییان که نمادهای آیینی و سیاسی‌شان را نمایان می‌سازد؛ گاه گستره‌ی حکومتی آنان را بسیار وسیع‌تر از آنچه گفته شد، نشان می‌دهد. علاوه بر این، نگارنده‌های سنگی و صخره‌ای این قوم که در استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری، خوزستان و تا حدودی لرستان بر کوه‌ها و صخره‌ها نقش شده‌اند، هنر و جنبه‌های مختلف مذهبی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، قومی و فرهنگی آنان را نمایش می‌دهد. از الیماییان سازه‌های عظیم سنگی در سر مسجد، بردنشانده، قلعه‌بردی مسجد سلیمان، و ... به جای مانده، که باستان‌شناسان معتقدند این بناهای باشکوه نیایشگاه‌های الیماییان می‌باشند. این مقاله به معرفی در سازه‌های معماری آیینی الیماییان هم‌چون تخت‌گاه‌های بردنشانده، تخت‌گاه سر مسجد، با سازه‌های نیایشگاهی دوگانه و دیگر سازه‌های آیینی الیمایی چون کل‌چندارشمی، به همسانی‌های آن با سازه‌های آیینی همزمان و همجوار خود، می‌پردازد.

واژگان کلیدی: سازه‌های آیینی الیمایی، بردنشانده، مسجد سلیمان، کل‌چندار شمی، تختگاه‌های

آیینی

مقدمه

بازمانده‌های چندی از سازه‌های معماری دوره‌ی الیماییان را می‌توان در سرزمین بختیاری، میانه‌ی زاگرس میانی، باستان‌شناسی کرد. شیب به پدیداری سکو در ساختار معماری بومی_کوهستانی آنان می‌انجامد، برای هموارکردن زمینی که باید سازه‌ای را بر

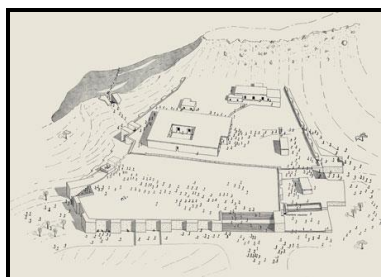
روی آن بر پا کنند، از دیواره‌ای از خرسنگ‌ها یا سنگ‌ها در شیب هم تراز دورترین نقطه‌ای که باید هموار شود استفاده می‌کنند، پرکردن پشت آن زمین آماده و مناسب برای نیایشگاهی که بسیار بزرگ‌تر از وارگه‌های کوچ‌گرانه در سرزمین گرمسیری یا زمستانی، باراندازی میان راهی و سردسیری و یا تابستانی است، کاری بس دشوار و طاقت‌فرسا است. این بناهای آیینی همگی از سنگ‌های بزرگ‌اندازه‌ی قواره شده بدون ملات در ترکیب‌های چهارگوش ساخته شده‌اند. برای نمونه به نیایشگاه‌های سر-مسجد و بردنشاند اشاره می‌کنیم (Ghirshman: 1976). که بدون تردید بناهایی همگانی می‌باشند، که با پلکان‌های گسترده-ی خود توانسته‌اند، عده‌ی بسیاری را به درون و یا فراز خود فرا خوانند. این فراخوان با وجود نه یک پلکان بلکه چندین پلکان در چند سو می‌تواند به حرکت دسته جمعی عده‌ی کثیری در زمان معین و برای پیش‌گیری از تراکم جمعیت مربوط باشد. می‌توان باور داشت که در روزهای خاصی از فصل‌های سال، عده‌ی بسیاری از مردم به یک‌باره برای نیایش و نیارش به سوی این جایگاه-های باستانی می‌شتافتند. جالب این‌که همه‌ی این نیایشگاه‌ها در مسیر گرمسیری و یا جاهایی است که بیشتر از ییلاق برای زندگی در آن‌جا روزگار گذرانی می‌کنند. در این پژوهش با بررسی این سازه‌های بزرگ به کنکاش درباره‌ی سازه‌های معماری آیینی الیماییان می‌پردازیم.

بردنشاند (شکل ۱-)

این تخت‌گاه در ۱۸ کیلومتری جنوب خاوری مسجدسلیمان و در ۹ کیلومتری رودخانه‌ی کارون و بر بلندای ۶۷۵ متری از فراز آب‌های آزاد قرار دارد (Ghirshman, 1976: 9).

سر اورل اشتاین (Estein, 1940)، آندره گدار (Godard, 1938)، کورت اردمان (Erdmann, 1941) و گروه باستان‌شناسی فرانسوی به سرپرستی گیرشمن با راهنمایی هارمر از مهندسين شرکت نفت ایران- انگلیس در سال ۱۹۴۷ از این مکان دیدن نمودند. گیرشمن در سه فصل دست به کاوش در آن زد، بعدها گیرشمن گزارشات خود را چاپ کرد (Ghirshman, 1976). آگاهی‌ی نزدیک‌ی تخت‌گاه بردنشاند بود که کوچه‌های بختیاری در ماه‌های کوچ از آن استفاده می‌کردند. یکی از ستون‌های سنگی موجود را در کنار برکه سرپا داشته بودند، تا میل راهنمای‌شان شود و همین میل برپا شده، به معنی سنگ نشاندۀ شده یا سنگ برپاشده، بعدها نام آن‌جا شد (Ghirshman, 1976: 9). این تخت‌گاه ۷۰۰ متر درازا، ۲۵۰ متر پهنا دارد، فاقد هر گونه دیواری، چهار گوشه، از سنگ‌های بزرگ اندازه‌ی قواره شده خشک‌چین که هم‌سان نیستند، ساخته شده است (Ghirshman, 1976: 10). گوشه‌های تخت‌گاه با چهار سوی اصلی هماهنگ است. سازه‌های معماری این مجموعه در سه دوره ساخته شده است، و بر این اساس دارای دو بخش فرازین و فرودین است. پلکان‌های در بخش شمالی گوشه‌ی شمال خاوری تخت‌گاه را در دوره‌ی اول، پلکان‌های جنوب باختری در دوره‌ی دوم و در دوره‌ی سوم راه دسترسی شمال باختری را بدان افزودند (Ghirshman, 1976).

این تخت‌گاه که از دو دوره‌ی کهن‌تر و جدیدتر ساخته شده است، دوره‌ی نخست تخت‌گاه فرازین، چهارگوشه و به سوی جنوب خاوری کوه تکیه داده است، که کهن‌ترین بخش ساخته شده‌ی تخت‌گاه به شمار می‌آید، گوشه‌های آن در چهار سوی اصلی قرار دارند. درازای آن ۶۷/۵۰ متر و پهنای آن ۴۵/۵۰ متر است. در نمای شمال باختری هفت، نمای جنوب باختری هشت، نمای شمال خاوری نه، برجستگی یا پشت‌بند دیده می‌شود، در پشت‌بندهای سوم و چهارم از گوشه‌ی شمالی، یک پلکان دسترسی به پهنای ۳ متر با بلندای ۳/۲۲ متر، و در گوشه‌ی شمال خاوری، پلکانی کوچک به پهنای ۲/۳۰ متر و بلندای ۹۳ سانتی‌متر و عمق ۱/۵۰ متر که چهار پله دارد، با یک پاگرد دیده می‌شود، به نظر می‌رسد پلکان شمال خاوری پایین‌تر می‌رفته، و در دوره‌ی بازسازی و هنگام گسترده کردن تخت‌گاه در دوره‌ی دوم از میان رفته است. این پلکان در هنگام حرکت زوار پس از اجرای مراسم آیینی اهمیت داشته و شاید به وسیله‌ی این پلکان از تخت‌گاه خارج می‌شدند. به نظر می‌رسد، تخت‌گاه‌های مقدس دارای دو مسیر جداگانه برای ورود و خروج بودند (شکل ۲).



شکل ۲- طرحی از تختگاه بردنشانده
(Ghirshman, 1979)



شکل ۱- نمایی از فرورفتگی و برجستگی‌های تختگاه بردنشانده
(نگارنده)

سکه‌هایی از اسکندر، آنتیوخوس سوم، دمتریوس نخست و کامناسکیر نخست در بردنشانده شناسایی شده (در جرز دیوارها). گیرشمن بر این باور است، که دوره‌ی نخست ساخت این نیایشگاه از دوره‌ی هخامنشی و تا پیروزی پارت‌ها بر سرزمین الیمائیس فعال بوده است. (Ghirshman, 1976:40) گرچه براساس بررسی‌های هرنیک بر سفال‌های تختگاه فرازین و فرودین، نگرش گیرشمن رد می‌شود، هرنیک تاریخ پیشنهادی برای آن را پایان هخامنشی و ۱۵۰ پیش از میلاد می‌داند. (Haerinck, 1983:13).

اشیاء اهدایی کم ارزش چون انگشتر، سوزن مفرغی، کوزه‌های دو دسته در این مجموعه به دست آمده است. (Ghirshman, 1976:40). شاید از کوزه‌های دو دسته شناسایی شده در آیین آب‌پاشی (مایه‌ی خوشبو) استفاده می‌شد و شبیه این کنش، در نگارکند فرودین پلکان شمال خاوری دوره‌ی دوم تختگاه دیده می‌شود، که نشان از اجرای مراسم آیینی با حضور شاه دارد. سکه‌های یونانی و سکه‌هایی از سلسله‌ی کامناسکیرها در تختگاه فرودین گیرشمن را بر آن می‌دارد که این تختگاه را به مراسم آیینی در دوره‌های سلوکی و پس از آن پیوند دهد. چنین بر می‌آید که، گیرشمن باور درستی در این باره را بیان می‌کند (Ghirshman, 1976:5).

طراحی بنا در دوره‌ی نوین مشابه طرح قدیمی است. با این فرق که دیوارهای نوین، هم‌سو با راستای دیوارهای قدیمی نیستند. گوشه‌های تختگاه نوین نیز در چهار سوی اصلی قرار دارد. تمام گسترش رویه‌ی این تختگاه با بلوک‌های خشکه‌چین و نتراسیده اجرا شده است. روی آن را با لایه‌ای از خاک و گل پوشانده، سنگ‌های نما اندکی تراشیده و در گوشه‌ها هلالی هستند. در نمای تختگاه یا دیوار شمال باختری دوره‌ی دوم، نیز برجستگی‌ها و فرورفتگی‌هایی دیده می‌شود، که این گونه معماری، سایه روشن‌های پی‌درپی‌ای را به وجود آورده است. پهنای برجستگی‌ها ۴ تا ۴/۲۰ متر و فرورفتگی‌ها ۷ تا ۷/۳۵ متر است. شمار این برجستگی‌ها افزون بر پشت‌بندهای زاویه‌های شمالی است. دیوار جنوب باختری پس از ششمین پشت‌بند، یک جدا شدگی دارد که پلکان جنوب باختری به آن تکیه می‌دهد، و به همین دلیل برجستگی‌های این گوشه ۹ عدد است (شکل ۳) (Ghirshman, 1976:52).

پلکان جنوب باختری این تختگاه ۲۵ پله، پلکان شمال باختری آن دو پاره می‌شود و پاره‌ی نخست آن ۲۶ پله دارد و به نظر می‌رسد به دلیل دقت فراوان کار، این پاره ورود زائران را می‌پذیرفته است. (شکل ۴). پاره دوم دارای ۸ پله، که به وسیله‌ی پاگردی سنگ‌فرش، به پاره نخست وصل می‌شود. درسوی چپ پاگرد، یک نمازخانه‌ی کوچک (اتاق کوچک) برپا است، این نمازخانه کف‌فرش و دارای طاقچه یا طاق‌نما است (شکل ۵)، در سوی چپ آن، نگارکندی و در مقابل آن نیمکتی دیده می‌شد، ردپای دو ستون کوچک در دو سوی طاق‌نما و روبروی ورودی نیایشگاه یک سکوی هدایا یا یک سکوی محراب شناسایی، که قسمت فرازین آن به گونه‌ای دایره‌ای، خالی و نقاشی‌هایی روی دیوار پلکان قلمزنی شده است. بیشتر پیکره‌تراشی‌های شناسایی شده در بردنشانده از کناره‌های همین نیایشگاه بدست آمد (Ghirshman, 1976:50).

این نگارکند هم اکنون در موزه ی ملی ایران قرار دارد، در تختگاه فرازین برخلاف گستردگی آن، تنها یک سکوی نیایش شناسایی شده است، یک بنای حیاط دار کوچک بدان پیوست شده، این دو پاره با بلندای ۲۵ متر، از پلکان شمال باختری، که زوار از همین مسیر دسترسی بدان راه می‌یابند، قرار دارد. چنین می‌نمایند که زوار در زیر آسمان باز، به دور این سکو جمع

می‌آمدند، نیایش در فضای باز را در دوره‌ی ایلام باستان نیز می‌شناسیم. مجموعه نگارنده‌های آیینی کول‌فرخ به روشنی این گونه نیایش (نیایش در فضای باز) را به نمایش می‌گذارد. افزون بر آن برپایه‌ی گل‌نوشته‌های تخت‌جمشید پرستش در فضای باز یکی از گونه‌های آیینی ایلامیان باستان و هخامنشیان بوده است. (رزمجو، ۱۳۸۴: ۶۷-۷۱) این مجموعه در دو دوره ساخته و گسترش یافته است. بنا در قدیمی‌ترین دوره‌اش چهارگوشه است، در دوره‌ی دوم بنای نوین، بازمانده‌ی بنا کهن را می‌پوشاند، و آن را در بر گرفته و با رعایت پلان چهارگوش گسترده‌تر می‌شود. نماسازی آن با بلوک‌هایی اجرا می‌شوند، که بزرگ‌تر از بلوک‌های استفاده شده در دوره‌ی نخست هستند.

در دوره‌ی بعدی نیز تخت‌گاه بازسازی شده، و فرم اولیه‌ی چهارگوشه‌ی آن دست‌خوش دگرگونی‌هایی شده است، و چسبیده به درازای دیوار آخرین دوره، بنای کوچکی بر پا شده که با سه دیوار محدود است، گوشه‌ی شمال باختری روی تمام پهنای آن باز شده است. تکه‌هایی از ستون‌های کوچکی با مقطع چهارگوش، یک حیاط سنگ‌فرش شده که بازمانده‌ی یک دیوار آن را از فضایی که در امتداد حیاط قرار داشت، و سقف آن نیز پوشانده بود از یافته‌های این مجموعه هستند (شکل ۶). بر اساس سکه‌های یافت شده مرحله‌ی بزرگ کردن تخت‌گاه فرازین را می‌توان به دوره‌ی کامناسکیرها نسبت داد، چرا که در آخرین سکه‌های کشف شده دوره‌ی پیش همزمان با دوره‌ی هلنی است.

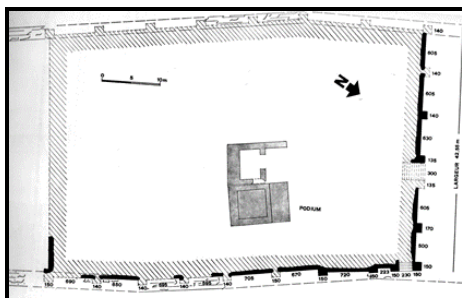
بر این پایه، تاریخ بزرگ کردن تخت‌گاه به اندکی پیش از میانه‌ی سده‌ی دوم پیش از میلاد بر می‌گردد. گسترش این تخت‌گاه شاید نشان دهنده‌ی افزایش قدرت محلی و خود برانگیختگی آنان باشد، به هر حال گسترش تخت‌گاه فرازین باید پیش از تخت‌گاه فرودین و ساخت نیایشگاه چهارستونی باشد. در باختر و با گذر از پلکان کوچکی در تحت‌گاه فرودین، نشانه‌هایی از سازه‌ای دو اتاقه به چشم می‌خورد، که هر دو اتاق درگاهی سنگ‌فرش شده رو به فضای باز دارند، چنین به نظر می‌رسد که این سازه کاربردی سوای آیینی و شاید برای سکونت نگهبانان ساخته شده باشد. در جنوب این سازه، نیایشگاهی برپا شده که نمای آن ۲۲/۲۰ متر، درازای دیوار انتهایی آن ۲۰/۶۰ متر و پهنای آن ۷/۷۰ متر بوده است، گوشه‌های این نیایشگاه چون تخت‌گاه در چهار سوی اصلی قرار دارند. دیوارهای آن از سنگ‌های کوچک تراشیده ساخته شده و بلندای آن از ۸۰ سانتی‌متر تا ۱ متر فراتر نمی‌رود.



شکل ۴. نمایی از پلکان و مسیر دست‌یابی به تخت‌گاه فرازین در بردنشانده (نگارنده)



شکل ۳- مسیر دست‌یابی و پلکان بردنشانده (نگارنده)

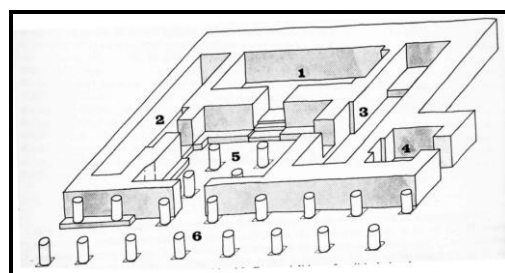
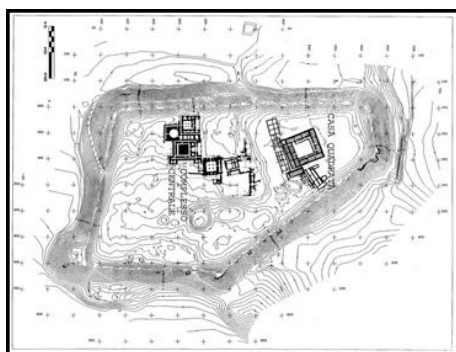


شکل ۶- نیایشگاه کهن در تخت‌گاه فرازین بردنشانده (Ghirshman, 1979)



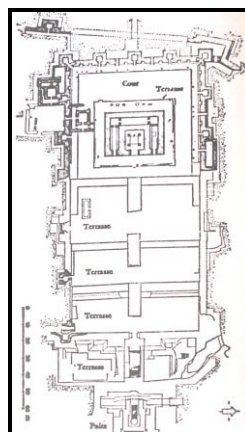
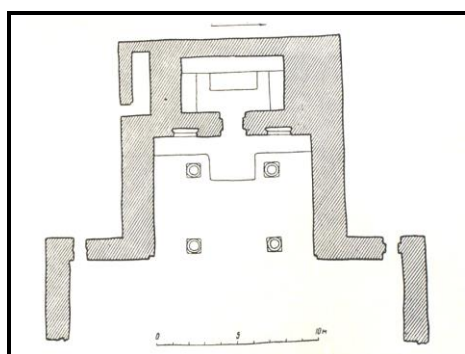
شکل ۵. محل قرارگیری نمازخانه‌ی کوچک در بردنشانده و طاقچه‌ی آن (نگارنده)

بقایایی از خشت در فرازین دیواره‌های نیایشگاه به دست آمده است. این نیایشگاه یک محراب ۹/۲۰ متر در ۷/۲ متر، با چهار ستون در مرکز سازه دارد (شکل ۷). این گونه معماری بسیار شبیه نیایشگاه نسای ترکمنستان (شکل ۸)، نیایشگاهی در سرخ‌کتل (شکل ۹)، نیایشگاه پنچی کند، بل شمین در هوران سوریه و نیز اتاق محراب در کوه خواجه است. فاصله‌ی ستون‌ها از یکدیگر ۲/۳۰ متر است که در کنار سه دیوار اتاق محراب و سکوه‌های سنگ‌فرش شده‌ای امتداد یافته‌اند. پس از رها کردن مکان و از بین رفتن تقدس بنا، دیوار شمال خاوری محراب حذف و شکل ایوان به خود می‌گیرد. در نیایشگاه پنچی کند نیز این حالت را می‌بینیم (شکل ۱۰)، محراب را سه دالان مستطیل شکل احاطه کرده است. بین سه دالان راهی وجود ندارد، در میانه‌ی دیوار هر یک از این سه دالان رو به فضای محراب، یک ورودی دیده می‌شود. ورودی دالان‌های شماره ۱ و ۳ سه پله دارد، که در کف پله‌ی فرازین دالان شماره ۱ یک گنجینه، شامل ۴۷۳۵ سکه‌ی کوچک مفرغین الیمایی، چهار سکه‌ی اشکانی و یک سکه مفرغی شاه کوشان کانیشکا، یک تکه از گوشواره، یک انگشتر نقره بدون نگین، و یک سنگ حکاکی شده از عقیق با طرح سر یک انسان که کلاه‌خود بر سر دارد و بسیار شبیه به آتنا ایزد بانوی یونانی- هلنی است و سه عدد دانه‌ی قهوه، به دست آمد. بر پایه‌ی سکه‌ی یافت شده از کانیشکا و سکه‌های اشکانی، تاریخ‌گذاری این نیایشگاه را همزمان با سده‌ی دوم میلادی می‌دانند. تکه‌ای چوب از درخت سدر به دست آمده در این مجموعه، زمان دقیق‌تری را با حدود سال‌های ۲۹ میلادی تا ۱۳۶ میلادی به ما می‌دهد.



شکل ۸- محوطه‌ی نسا در ترکمنستان و نیایشگاه چهار ستونی آن (www.maha-shalmani.com)

شکل ۷- نیایشگاه چهار ستونی بردن‌شانه (Ghirshman, 1979)



شکل ۱۰- نیایشگاه پنچی کند (Ghirshman, 1979)

شکل ۹- نیایشگاه سرخ‌کتل (Ghirshman, 1979)

رواقی در راستای نمای بنا روی کف سنگ‌فرش دیده می‌شود، که دو ردیف ستون هشت‌تایی دارد، ردیف داخلی این ستون‌ها به دیوار تکیه داده، که بعدها بخشی از آن در میان ستون سوم و چهارم برای باز کردن دری از میان برداشته شد. پایه‌ی ستون‌ها از دو بخش چهار گوشه بر روی یکدیگر به وجود آمده‌اند. دو عدد از این ستون‌ها ورودی محراب را قاب می‌گرفته‌اند (Ghirshman, 1976: 44). این گونه پایه‌ها به فراوانی در محوطه‌هایی چون باکتریا و کوبادیان، سرخ‌کتل، کندوز، شوترراک و

بگرام شناسایی شده است. یکی از بیست ستون این نیایشگاه (چهار عدد مربوط به محراب و شانزده عدد مربوط به رواق) در نزدیکی یک برکه آب بر پا شده است. و همین ستون است که نام بردنشانده یا سنگ نشانده را به محوطه داده است (شکل ۱۱) (Ghirshman, 1976: 44).

سه عدد از ستون‌ها امروزه در موزه‌ی شوش قرار دارند، یکی از آنان صاف و صیقلی، دیگری شیاردار به پهنای ۳/۹۰ متر و سومین ستون که جالب‌ترین آن نیز است، دارای نگاره‌های انسانی به صورت کنده‌کاری است. پهنای کل ستون ۵/۰۹ متر است. این ستون که به شکل هشت ضلعی است نگاره‌ی چهار شخص را به نمایش می‌گذارد، که ایستاده و از روبرو به صورت برجسته هستند. (شکل ۱۲) بر بلندای ۱/۳۰ سانتی‌متری از کف زمین نقش دو جوان با قد و قامت متفاوت نقش بسته‌اند. قد نفر بلندتر ۴۳/۵ سانتی‌متر و دارای سبیل و بدون ریش است. در کنار او کودکی که موهای او نشان داده نشده ایستاده. پوشاک آن‌ها ردا و شلوار ساده و بدون چین است.

هر دو دست‌های خود را روی سینه چلیپا کرده و یک پای خود را به صورت نیم‌رخ و پای دیگر را به صورت تمام‌رخ گذاشته‌اند. نوک این پا به طرف جلو است. این دو پا در سطوح متفاوتی قرار دارند. به نظر می‌رسد که پیکرتراش در صدد نشان دادن یک کف در زیر پاها بوده است، بالاتر پس از یک فاصله‌ی ۴۷ سانتی‌متری شخصی دیگر به بلندای ۶۷ سانتی‌متر با ردایی بلند بر تن ایستاده، که کمربندی روی کمر بسته و سبیل و ریش دارد. موهایش نشان داده نشده، بازوها نیز به مانند دیگر حکاکی‌ها روی سینه به صورت چلیپا و پاها به طرف خارج چرخیده‌اند. در بالای این شخص به فاصله‌ی ۱/۵ متری از نگاره‌ی سوم، نفر چهارم به بلندای ۴۸/۳ سانتی‌متر، جای گرفته‌است. پوشاک او نیز به مانند پوشاک نفر قبلی است، چهره‌اش با سبیل و ریش و موهای مجعد که به صورت مارپیچ نقش شده، یک پای او نیم‌رخ و پای دیگر او سرخ قرار گرفته، شخص میانی که بزرگ‌تر از دیگر نگاره‌ها نمایش شده، شاید شخص اصلی نگاره و بزرگ یا رئیسی باشد.

جایگاه ستون دارای نگاره‌ی بزرگ‌زادگان در انتهای جنوبی رواق نیایشگاه است. سرستون‌هایی این نیایشگاه نقوش مارپیچی دارند. سبک سرستون آن با همه‌ی تاثیری که از معماری کرتی گرفته، اما ردپای بومی و معماران بومی را دارد. از دیگر سرستون‌های یافت شده در بردنشانده می‌توان به سرستونی اشاره کرد که در میان دو نقش مارپیچی سرستون، گل‌های شش‌برگی قرار دارند. این سرستون تنها سه وجه آن دارای نگاره است. در سرستونی دیگر نگاره‌ی زنانه (، بر یک سوی آن و نگاره‌ی مردانه‌ی را بر سوی دیگر آن می‌بینیم، که در دو سوی آن، نقش‌های مارپیچی دیده می‌شود. این نگاره‌ها را گیرشمن ایزدان مزدیسنايي چون میترا و آناهیتا می‌داند (Ghirshman, 1976: 45-46).

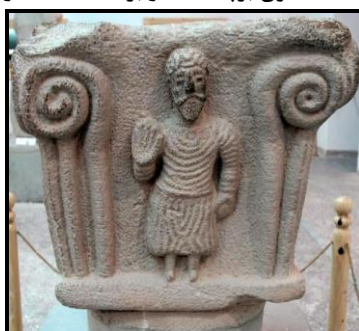
نمونه‌ی دیگری از سرستون با نقش انسانی در بردنشانده مشاهده می‌شود، که نقش مردی را نشان می‌دهد یکی از دستانش را به نشانه‌ی احترام بالا گرفته است (شکل ۱۳). نیایشگاه چهارستونی همان‌گونه که بیان شد، شباهت‌هایی را با بناهای خاوری در امپراطوری اشکانی دارد و بر اساس سکه‌ها و تاریخ‌گذاری که گیرشمن در گزارش خود آورده، شاید بتوان آن را مربوط به دوره‌ای دانست، که سرزمین الیماییان از سوی دست نشانده‌های اشکانی اداره می‌شود.



شکل ۱۲- ستون دارای نگاره بزرگ‌زادگان، محل کشف بردنشاند، موزه شوش (نگارنده)



شکل ۱۱- ستون برپا شده در بردنشاند (نگارنده)



شکل ۱۳- سرستون با نقش مردانه، محل کشف بردنشاند، محل نگهداری شوش (www.citypedia.ir)

سرمسجد

سازه‌ی سرمسجد در گوشه‌ی شمالی مسجدسلیمان در ۱۵۰ کیلومتری شمال خاوری اهواز قرار دارد (شکل ۱۴). در سال‌های ۱۹۴۸، ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۲ در شش فصل از سوی هیئت فرانسوی به سرپرستی گیرشمن کاوش شد. گزارشات این محوطه به طور گسترده توسط گیرشمن ارائه شده است (Ghirshman, 1976). این بنا که هم سو با جهات اصلی است از سوی باختر به کوه ختم می‌شود (شکل ۱۵). و از شمال خاور و جنوب با سنگ‌های بزرگ اندازه‌ی قواره شده به صورت خشکه‌چین تخت‌گاه-سازی شده است. سنگ‌ها به جز در نما که اندکی تراش یافته‌اند، زبره تراش و بدون صیقل‌کاری هستند (شکل ۱۶). این تخت-گاه یازده مسیر دسترسی (پلکان) که در دو مرحله ساخته شده‌اند، دارد که چهار پلکان اصلی آن شامل:

الف: پلکان A، که در نزدیکی گوشه‌ی شمال خاوری است، شامل ۲۴ پله و در گوشه‌ی خاوری آن به پشت‌بندی ختم می‌شود.

ب: پلکان B، که در گوشه‌ی جنوب خاوری تختگاه قرار دارد و شامل ۲۹ پله است

ج: پلکان C، در میانه‌ی حاشیه‌ی جنوب تخت‌گاه ساخته شده، ۲۶ پله دارد.

برای ساخت پلکان D از پلکان C و از شیار طبیعی در سوی جنوبی تپه سودجسته اند (Ghirshman, 1976, 67). دیواره‌های این تخت‌گاه به مانند تخت‌گاه بردنشاند، از قاب‌بندی‌های فرورفته و برجسته منظمی تشکیل شده است مراسم آیینی در سرمسجد در ابتدا، شاید مشابه مراسم آیینی بردنشاند در اطراف یک نیایشگاه انجام می‌شد. مدارک وجود این بنا، به عقیده‌ی گیرشمن تک اتافی است، که در ضخامت قاب‌بندی شمالی ایجاد شده است که ورودی آن، با دیواره‌ای در گوشه‌ی شمال خاوری پشت‌بند، به درازای ۲/۷۰ متر و پهنای ۱/۱۵ متر تقویت می‌شد، قرار دارد. این ورودی هنوز هم یکی از دو قطعه سنگ سر طاقی تخت خود را با درازای ۱/۶۰ متر و پهنای ۱/۱۵ متر و ضخامت ۱۰۴ سانتی متر، حفظ کرده است.

دلیل دیگر دیوار قاب‌بندی جنوبی است، که نشان‌دهنده‌ی حد تخت‌گاه در مرحله‌ی نخست آن بوده است (Ghirshman, 1976: 61-62). به عقیده‌ی گیرشمن این اتاق محل نگهداری آتش مقدس است (Ghirshman, 1976: 62). تخت‌گاه در دوره‌ی دوم بازسازی شده، در دوره‌ی سوم بازسازی، دیوار جنوبی آن تا حدود ۵ تا ۶ متر پس‌نشینی داشته است. بنایی روی بازمانده‌های دیوار قدیمی دوره‌ی نخست ساخته شده، که به خاطر آسیب‌های فراوان، تنها بازمانده‌های ناچیزی از آن به دست آمده، که در آن نشانه‌هایی از یک اتاق قربانی مانند بردن‌شانه دیده می‌شود، که چسبیده به ضلع شمال خاور است در سوی شمال خاوری پلکانی با چهار پله که بعدها شاید دست‌کاری شده، دیده می‌شود. نیایشگاه از دیدگاه گیرشمن در زمان ساسانیان به یک سه‌ایوانی تبدیل می‌شود. ایوان مرکزی روی نیایشگاه قرار گرفته است. از دیوارهای دو ایوان دیگر که به ایوان مرکزی تکیه داده‌اند، جز ردیف‌هایی از سنگ‌های بزرگ به‌جا نمانده است. در جنوب خاوری این ویرانه‌ها سه ردیف پله قرار دارد (Ghirshman, 1976: 62). به باور گیرشمن این تخت‌گاه از سوی باختر و شمال پس از استقرار مقدونی‌ها گسترش می‌یابد، قاب‌بندی گوشه‌ی شمالی به‌گونه‌ای محسوس پایین‌تر از گوشه‌های دیگر تخت‌گاه است. پلکان‌هایی را که در این دوره ایجاد شده است، گیرشمن با حروف لاتین به گونه‌ی زیر شماره‌بندی کرده است.



شکل ۱۴- مجموعه‌ی نیایشگاهی سر مسجد در مسجد سلیمان (نگارنده)



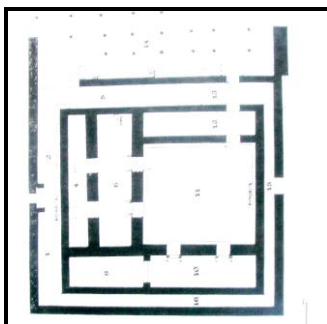
شکل ۱۵- باختر مجموعه‌ی نیایشگاهی سرمسجد واقع در مسجد سلیمان (نگارنده)



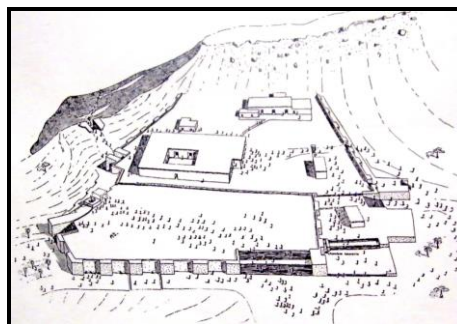
شکل ۱۶- شمال مجموعه‌ی نیایشگاه سرمسجد واقع در مسجد سلیمان (نگارنده)

پلکان‌ها: ورودی بخش جدید تخت‌گاه را نزدیک به پلکان (A) و در گوشه‌ی شمال خاوری تراس ایجاد شده است. صعود از این ورودی از طریق سه سطح پشت سر هم انجام می‌گرفته است. این سه سطح با پلکان‌های (h-j-k-e-f-I) به یکدیگر می‌پیوستند (Ghirshman, 1976: 73-74) (شکل ۱۷). دو نیایشگاه در تخت‌گاه ساخته شده است، که گیرشمن آن را با نام

نیایشگاه بزرگ (شکل ۱۸) و نیایشگاه هرکول معرفی می‌کند (نقشه ۱۹) گیرشمن زمان ساخت نیایشگاه بزرگ را همزمان با چیرگی اشکانیان بر مسجدها و از آن ایزد بانوی معروف یونانی، آتنا هیپا می‌داند (Ghirshman, 1976: 76-77) (شکل ۲۰). نیایشگاه بزرگ، در سه دوره گسترش یافته، گوشه‌های آن هم سو با جهات اصلی است. درازای نیایشگاه از گوشه‌ی جنوب تا گوشه‌ی خاوری ۳۱ متر و از گوشه‌ی جنوبی تا گوشه‌ی باختری ۳۳ متر است. در ورودی یا نمای نیایشگاه (گوشه‌ی شمال خاوری) رواقی ستون داری به درازای ۲۴/۵۲ در سه ردیف قرار دارد. در ردیف خارجی آن ۸ ستون، ردیف میانی ۷ ستون و ردیف داخلی آن ۶ ستون دارد.



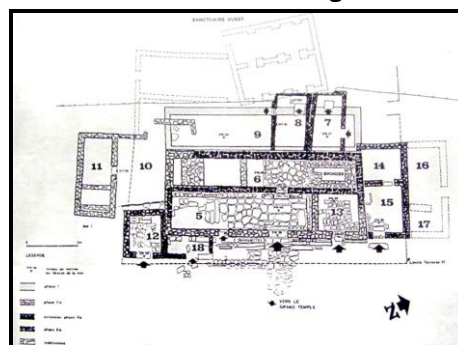
شکل ۱۸- نیایشگاه بزرگ (Ghirshman, 1979)



شکل ۱۷- تختگاه سرمسجد و محل قرار گیری راه‌های دسترسی آن (Ghirshman, 1979)



شکل ۲۰- نیایشگاه بزرگ (نگارنده)



شکل ۱۹- نیایشگاه هرکلس (Ghirshman, 1979)

میانه‌ی نیایشگاه را راهرویی احاطه کرده که اندازه‌های آن نابرابر است، به گونه‌ای که راهروی شمال باختری ۳ متر، راهروی شمال خاوری ۲/۴۰، راهروی جنوب باختری ۱/۴۷ و راهروی جنوب خاوری ۱/۲۵ متر پهنا دارد (شکل ۲۱). راهروهای پهن‌تر (شمال باختری، شمال خاوری) سنگ‌فرش و سکوهایی در این دو راهرو ساخته شده، که بر اهمیت آن می‌افزاید. این گونه سکوها را در نیایشگاه‌های سرزمین‌های همجوار چون هترا نیز می‌بینیم. چهار ورودی این نیایشگاه در سوی خاوری و باختری گوشه‌های شمال خاوری، جنوب خاوری و شمال باختری است، که ورودی اصلی بنا در گوشه‌ی خاوری آن قرار دارد. میانه‌ی نیایشگاه، یک دهلیز به اندازه‌های ۳/۱۰ در ۱۰/۲۰، یک حیاط بزرگ به ابعاد ۸۰ در ۱۲ در ۱۴/۳۵ متر، پشت‌خان محراب ۴/۲۸ در ۱۶/۹۲، محرابی به اندازه‌های ۲/۵۸ در ۱۵/۴۰ متر و اتاق شماره ۱۰ به اندازه‌های ۴ در ۱۳/۶۸ متر است.

راه دسترسی حیاط به وسیله‌ی اتاق شماره ۱۲ است، و در جنوب باختری حیاط اتاق شماره ۹ قرار دارد. حیاط سنگ‌فرش و در درازای دیوارهای آن سکوهایی برای نشستن قرار دارد. در درازای دیوار، سکوها یا نیمکت‌هایی برای نشستن قرار دارد، یک سکوی سه پله‌ای ورودی بنا را احاطه کرده است. وجود سکو در بنا، بسیار مشابه بناهای دورا و راپوس و هترا است، که بر اساس کتیبه‌هایی که در آنجا شناسایی شده، مربوط به بانوان طبقات بالای جامعه بوده است. سرستون‌های این بنا در اشکال زیر هستند: الف: سرستون با نیم‌تنه دو حیوان به هم چسبیده پشت به پشت مشابه سرستون‌های هخامنشی با تصویر ابوالهول، کشف سرستون با نیم‌تنه‌ی حیوان به شکل ابوالهول، نشانگر واقعیت حفظ سنت ایرانی در معماری ایرانی وابستگی آن به قواعد موجود در زمان هخامنشیان است (Ghirshman, 1976: 107). ب: سرستون به صورت برجسته با موضوع تکراری در سه سمت

آن که نشان دهنده‌ی نیم‌تنه‌ی زنانه‌ای با موهای بسته شده، در یک نوار (روبان) است. که دو سوی روبان در دو سوی گردن زن در اهتزاز است.

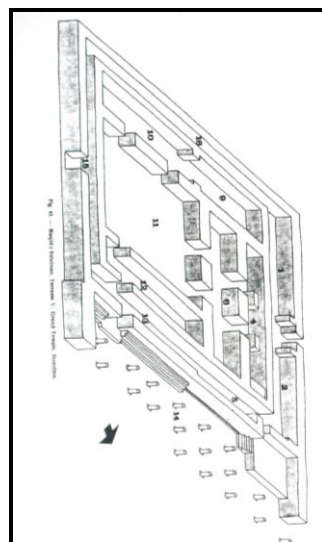
وجه چهارم سر ستون صاف و صیغلی بوده است. گیرشمن نگاره‌ی زنانه را از آن ایزد بانو آناهیتا، ایزد بانوی بزرگ زرتشتی‌ها می‌داند، و با تفسیری که در بردنشانده، برای نگاره‌ی زنانه و مردانه‌ی سرستون می‌کند، آن‌ها را میترا و آناهیتا می‌داند (شکل ۲۲). ج: سرستون دارای نقوش مشابه‌ای در چهار سو و به صورت برجسته‌ی بسیار تخت است، این نقوش مرکب از یک برگ کنگر با لبه‌های گرد شده است. ضایعات زیادی بر نقش این برگ داده شده است، و در بین دو طوماری سرستون که به صورت چنگ و برپت هستند قرار دارند (Ghirshman, 1976: 107).

نیایشگاه هرکول در پانزده متری شمال باختری نیایشگاه بزرگ قرار دارد (شکل ۲۳). این نیایشگاه یک راه سنگ‌فرش شده با خمیدگی اندک، که به دروازه‌ی ورودی ختم می‌شود، دارد. این نیایشگاه یک اتاق محراب و یک اتاق قربانگاهی و نذورات دارد. مصالح این بنا از سنگ‌های نتراشیده با ملاط گل، و ورودی اصلی این بنا که راه سنگ‌فرش بدان ختم می‌شود، در گوشه‌ی خاوری بنا باز می‌شود. به نظر می‌رسد بنا با سنگ، کف‌فرش شده است. ورودی دیگری در گوشه‌ی جنوبی بنا باز می‌شد، که بسیار کم‌عرض بود (یک متر عرض). در دو طرف ورودی دو سکو، که احتمالا مکان قرار دادن مجسمه است، قرار داشت. و در فراز سکوها طاق نما یا طاقچه‌ای دیده می‌شود. این ورودی راهی به اتاق محراب داشت. در راستای دیواره‌های شمال خاوری و جنوب باختری و چسبیده به آن‌ها سکویی از قطعات سنگ ساخته شده است. در طرف راست ورودی سنگ‌فرش متوقف شده و گودالی به شکل چاهی چهارگوش، که جویی باریکی به سوی آن می‌آمد و لبه‌های آن با سنگ‌های تخت، سنگ‌چین شده، قرار داشت (شکل ۲۴).

در ضلع شمالی اتاق محراب اتاقی قرار داشت (Ghirshman, 1976: 90). که ورودی آن به مانند ورودی اتاق محراب رو به جنوب باز می‌شده، و این اتاق جز با اتاق محراب با سایر بخش‌های ساختمان ارتباط نداشته و گیرشمن آن را اتاق نذورات و قربانی می‌داند. کف این اتاق نیز سنگ‌فرش شده است. ورودی دیوار شمال باختری نیایشگاه هرکول باقی مانده‌های یک سازه‌ی قبلی را به هم پیوند می‌داده است. که گیرشمن ساخت آن را مربوط به زمان پارسیان (هخامنشیان) می‌داند. این بنا به کوه تکیه داده و اتاق‌هایی در آن کنده شده است (Ghirshman, 1976: 91).



شکل ۲۲- قسمتی از سرستون با نقش یک زن در سر مسجد (Ghirshman, 1979)



شکل ۲۱- اتاق محراب در نیایشگاه بزرگ و راهروهای احاطه کننده‌ی آن (Ghirshman, 1979)

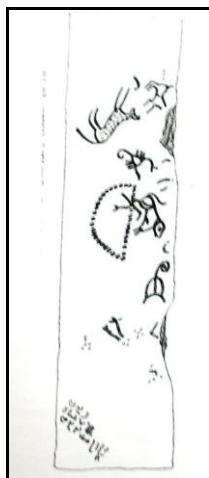


شکل ۲۴- چاهی چهار گوش و سکوه‌های اطراف آن
در نیایشگاه هرکول در سرمسج (Ghirshman, 1979)



شکل ۲۳- نیایشگاه هرکول (نگارنده)

مقابل بنای نیایشگاه هرکول، پله‌ها یا سکوهایی بر پا و متکی به دیوار خارجی و رو به طرف جنوب خاوری قرار داشت. درپهنا دیوار بین ورودی اتاق قبل از محراب و اتاق محراب سه سکو قرار داشت. در یکی از این سکوها اشکالی به صورت نقاشی دستی از حیوانات و یک کتیبه‌ی کوتاه دیده می‌شود. این نوع سکو را می‌توانیم با سکو در دورا اوراپوس و هترا مقایسه کنیم (شکل ۲۵). به طور کلی می‌توانیم فرم معماری سازه‌های نیایشگاهی در سرمسج را با بناهایی چون نیایشگاه زئوس در دورا- اوراپوس، نیایشگاه آرتیمیس در دورا اوراپوس، نیایشگاه نیکه در شهر آی‌خانم، نیایشگاهی خارج از باروی شهر در آی‌خانوم، نیایشگاه آنانتوم و نیز سازه‌ی نیایشگاهی بردشاند در مسجد سلیمان مقایسه کنیم که متأثر از معماری آیینی هلنیستی است.



شکل ۲۵- سکوی نگاره دار در سرمسج (Ghirshman, 1979)

تختگاه شمی: این محوطه‌ی باستانی برای اولین بار در سال ۱۹۳۶ میلادی توسط سر اورل اشتاین به مدت یک هفته کاوش شد، که حاصل کاوش در کتابی چاپ شد (Estein, 1940). بهمن کریمی این گزارشات را در کتاب راه‌های باستانی و پایتخت‌های باختر ایران (کریمی، ۱۳۲۹)، با نام خود چاپ کرد، بدون این که نامی از اصل کتاب و نویسنده‌ی آن آورده باشد. در سال ۱۳۹۱ پس از مدت‌ها شمی توسط هیئت مشترک باستان‌شناسی ایران و ایتالیا با سرپرستی مشترک مهرکیان و مسینا مورد بررسی قرار گرفت و در سال‌های پیاپی ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ در سه فصل کاوش شد، که گزارشات آن منتشر شد (مهرکیان و مسینا، ۱۳۹۱-۱۳۹۲). این محوطه‌ی باستانی در ۳۴ کیلومتری شمال باختری شهرستان ایزه در استان خوزستان قرار دارد. برای دسترسی به این محوطه پس از گذر از دهستان پیون و سه راهی اندیکا، لالی و مسجد سلیمان، به سه راهی تاکوتر رسیده، که جایگاه باستانی کل‌چندار شمی در ۷ کیلومتری آن قرار دارد. با گذر از کتف چهور و رودخانه‌ی شمی که چند آسیاب

قدیمی و امامزاده‌ی مخروطه‌ی شاه دو میش که در مصالح آن و برای نشانه گذاری قبور از سنگ‌های باستانی شمی استفاده شده است، در آن قرار دارد

بعد از عبور از گورستان، دره لپ و سه راهی روستای انژه به جایگاه باستانی کل‌چندار می‌رسیم. این جایگاه دره‌ای است، که اطراف آن را بلندی‌هایی در بر گرفته‌اند. بلندی‌های بیل‌آواد (بیلوا) با فراز ۱۷۰۰ متر از رویه آبهای آزاد در باختر، بلندی‌های سی سنبل در خاور که با دره‌ی خر زهره از کل‌چندار جدا شده، دره‌ی چلوار و بلندی‌های مازه دراز در جنوب و کتف گله بلوط در شمال آن است. جاده‌ی تاکوتر به دلی‌آبغار (دلی‌آبیت)، ناحیه میان دریاچه‌ی سد شهید عباس‌پور و ایوه (محل‌ی که هنری رایت در آن به پژوهش‌های باستان‌شناسی پرداخت). جایگاه باستانی کل‌چندار را به دو پاره‌ی باختری و خاوری تقسیم می‌کند. و دره‌ی گله‌خوس که از بلندی‌های بیل‌آواد در باختر آغاز شده و به دره‌ی خر زهره منتهی می‌شود و به طور عمود بر جاده این جایگاه باستانی را به چهار پاره تقسیم می‌کند، پاره‌ی جنوب باختری که در میان محلیان به سرتو معروف است و در بلندی‌های آن کوه بامزار قرار دارد، که مکان باستانی قلعه ولی، بر بلندای آن دیده می‌شود. پاره شمال باختری و شمال خاوری آن به پاره و پاره‌ی جنوب خاوری به لنگه‌ی قزینه معروف است (شکل ۲۶). شمی واژه‌ی خوش‌آهنگ اما دیر آشنایی است، که از ترکیب (ش-م ی) که در سرزمین بختیاری به صورت شیمن، شیمبار، شیوند و... دیده می‌شود، اما معنای راستین آن را کمتر بومیانی می‌دانند.

در جستجوی خود در می‌یابیم که شمی یعنی سرد، هم‌چنان که در تهران شمی‌ران به معنای دامنه‌ی سرد است و آن‌چنان که بومیان می‌گویند، در گرماگرم تابستان دره‌ی شمی خنکای مطلوبی دارد. کل و چل به معنای خرابه و ویرانه است. و از واژه‌ی باستانی به صورت پسوند مکان در چلوار، جایگاه و ویرانه معنا می‌دهد. در جایی که امروزه با نام چلوار شناخته می‌شود در گذشته‌های دور درخت چنار بزرگ و کهنسالی وجود داشته است، که در میانه‌ی ویرانه‌های باستانی رشد کرده بود. از این رو آن‌جا را در آن‌گاه کل‌چندار (ویرانه‌های درخت چنار) می‌نامند، جایی که در تخت قاپوی رضاشاهی حدود ۷۸ سال پیش با فرمان اجباری یک‌جانشین کردن بختیاران کوچ‌گر، بنیاد نخستین شالوده‌های خانه‌های کوچ‌گران ریخته شد. اقلیت آب و هوای دره‌ی شمی از نوع معتدل کوهستانی است. در گذشته و قبل از خشکسالی‌های اخیر دارای چشمه‌های فراوان سطحی و رودخانه‌های بسیار پر آب بوده است (بقابای رودخانه‌ی شمی). پوشش گیاهی بلندی‌ها و دامنه‌های کل‌چندار عمدتاً از گونه‌های بومی زاگرس چون بلوط، بنه (پسته‌ی کوهی)، بادام، اورژن (ارژن)، مورد (درخچه‌ی مقدس باستانی از خانواده‌ی شمشاد) و گونه‌های دارویی هم‌چون سی‌سنبل، آویشن، گل‌ختمی، گل‌گاوزبان و... می‌باشد.

حدود ۷۸ سال (۱۹۳۶ م) پیش مردم شمی کلنگ‌شان به هنگام شالوده‌کشی برای بنیان خانه‌ای که بختیاران به دستور رضا شاه برای یک‌جانشینی و توقف کوچ‌گری با بی‌رقبتی می‌کنند، به جسم سختی خورد. که بعدها آشکار شد، تندیس مفرغین مردی است. با اطلاع حاکم مال‌امیر که آنگاه دین‌علی‌بیگ بود بر روی تیرهای چوبین نردبان مانند بر دوش ده‌ها نفر، گاه همراه با ترنم آوای ساز و دهل برای تهییج حمل‌کنندگان راه دشوار گذر کوهستانی را به سختی تا پیون حمل و با جابه‌جایی نفرات تازه نفس سرانجام به سرای حاکم در مال‌امیر که کپراستانی بر ویرانه‌های یک شهر اسلامی و در اصل باستانی بود، منتقل و در کناره‌ی پرچینی‌نیین در فضای باز بر پا داشته شد (شکل ۲۷).



شکل ۲۶- کوه بیلوا و بخشی از محوطه‌ی باستان کل‌چندار شمی (مهرکیان)



شکل ۲۷- پیکره‌ی مفرغین مرغین مرد شمی در مال‌امیر (Estein, 1940)

مارک اورل اشتاین جستجوگر انگلیسی مجاری تبار که بعدها لقب سر از سوی پادشاه انگلیس به او اعطا شد. در میانه‌ی سفر درون آسیای خود بر بنیان پروژه‌ی بررسی راه‌های باستانی و پایتخت‌های دیرینه‌ی ایران از میانه‌ی کوه‌های بختیاری به لرستان و مرزهای باختری می‌رفت، و بهمن کریمی نماینده‌ی ایران او را همراهی می‌کرد، در مال‌امیر (ایذه‌ی کنونی) در خانه‌ی حاکم و کناره، پیکره‌ی مفرغین کمی بلندتر از اندازه‌ی آدمی را دیده و کنجکاو‌ی او بر انگیزته شد. به پیدایش گاه آن در دره‌ی شمی رفت، و به مدت یک هفته به کندوکاو‌هایی برای دستیابی به یافته‌های دیگر پرداخت.

در این مدت به سازه‌های معماری و پاره‌هایی از تندیس‌های شکسته و نابود شده‌ای که در آنجا پراکنده شده بود، دست یافت. یافته‌هایی که نام شمی را بر سر زبان‌ها انداخت. گفته می‌شود پس از آن به همان ترتیب آن تندیس (مردشمی) به رامهرمز حمل سپس با یک دستگاه خودروی جیپ به اهواز منتقل و با قطار از خط‌آهن سراسری جنوب به تهران حمل و سالیانی است، که آژین بخش تالار دوره‌ی تاریخی موزه‌ی ایران باستان (موزه‌ی ملی ایران)، در برابر دیدگان دوستاران میراث-فرهنگی قرار گرفته است.

بسیاری از پژوهشگران و باستان‌شناسان در تاریخچه‌ی پیدایی این پیکره این باور غلط را که تندیس مرد شمی که حتی در کتب درسی به نام مرد پارتی از آن یاد شده است، از یافته‌های اشتاین می‌دانند. با وصف بالا دریافتیم که او هیچ نقشی در پیدایی و کشف این تندیس نداشته است. سر اورل استین که ما از او در این جا به نام اشتاین نام برده‌ایم. در کتاب خود سفرنامه و شرح کاوش شمی را به چاپ رساند. با کمی تغییر بهمن کریمی، کتابی به نام راه‌های باستانی غرب ایران، عینا همان مطالب را به فارسی چاپ کرد، و مقاله‌ای با نام ایذه و بت‌کده‌ی شمی در مجله‌ی بررسی‌های تاریخی به چاپ رساند. با آن که پژوهشگران و باستان‌شناسان بسیار جابه‌جا به شمی و به ویژه تندیس مرد شمی پرداخته‌اند، شاید به دلیل دشوار گذر بودن راه دسترسی آن، نتوانسته و نخواسته‌اند از محل کشف آن دیدن کنند. در سال ۱۳۵۵ هنری رایت و همراهانش در راستای پژوهش‌های باستان‌شناسی در ایذه در فرصتی با همراهانش از محل دیدن کرد، اما هیچ گونه اقدامی انجام نداد، و در هیچ‌جا به آن اشاره نکرد.^۱

۱- گفتگوی خصوصی با جعفر مهرکیان

در نوروز ۱۳۶۱ جعفر مهرکیان در سفری خصوصی با دشواری‌های بسیار از آن‌جا دیدن و نخستین یادداشت‌های خود را نوشت. آشنایی مهرکیان با هیئت باستان‌شناسی ایتالیا در نسای ترکمنستان و پیشنهاد همکاری مشترک در خوزستان و بازدید ویتو مسینا از ایزه سرانجام به انعقاد تفاهم‌نامه‌ای ۵ ساله بین مرکز پژوهش و کاوش‌های باستان‌شناسی تورینو وابسته به دانشگاه دولتی تورینو که متخصص پژوهش‌های دوره‌ی کلاسیک در خاورمیانه و آسیای‌میانه می‌باشد، و پژوهشکده‌ی باستان‌شناسی ایران منعقد شد.

در سه فصل مستند نگاری با دستگاه لیزر اسکن هوشمند سه بعدی نگارنده‌های الیمایی خونگ اژدر و خونگ کمال‌وند و خونگ یارعلی‌وند به سرپرستی مهرکیان از سوی پژوهشکده‌ی باستان‌شناسی که آن هنگام، مدیر پایگاه پژوهشی آی‌پیر در ایزه بود و مسینا که استاد دانشگاه تورینو و اعضای ایرانی و ایتالیایی انجام گردید. در همین راستا آموزش تخصصی باستان‌شناسان ایرانی و نیز ادامه یافتن تجربه در تنگ‌سروک برنامه‌ی بعدی و بررسی کل خوزستان برای ادامه‌ی پژوهش‌های مشترک در دو سال بعدی به تصمیم‌گیری برای انتخاب محلی به منظور ادامه‌ی کار مشترک، سرانجام منجر به بررسی سیستماتیک دره‌ی شمی در سال ۱۳۹۱ شد.

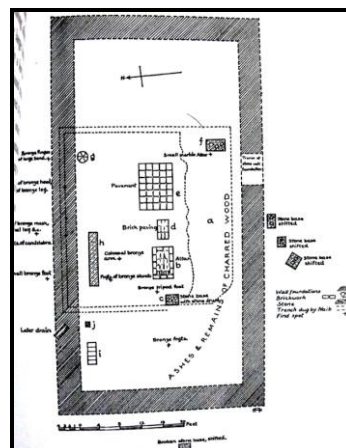
بررسی شمی با بهره از عکس‌های ماهواره‌ای همگانی در دسترس گوگل، عکس اختصاصی خریداری شده، نقشه‌های قدیمی و جدید یک پنجاه هزارم و بررسی زمینی از دیدگاه‌های زمین‌ریخت‌شناسی، باستان‌شناسی گام‌به‌گام، پیمایشی و برداشتها با بهره از دستگاه جایاب ماهواره‌ای اتریکس برای فراوری یک نقشه‌ی فراگیر که در آن پدیده‌های معماری، گورهای کاویده شده‌ی سوداگرانه و پستی و بلندی‌های غیرطبیعی برای گمانه‌زنی و کاوش‌های هدفمند آینده نخستین فصل کاوش را در سال ۱۳۹۲ فراهم کرد. در این فصل هیئت باستان‌شناسی ایران و ایتالیا با ترکیب مهرکیان، باقریان، روحانی و مسینا، بووچی، فیوینتا، و چلرینو در شش گمانه کار خود را آغاز کردند. اشتاین بقایای بنای چهارگوشی را روی یک تراس پیدا کرد، که درازا و پهنای آن ۲۴ در ۱۲ متر است. به گفته‌ی او بخشی از آن سقفی جز آسمان نداشته، چون نشانه‌های سقف، تنها در نزدیکی دیوارها پیدا شده است. قبل از ترک پرستش‌گاه آن را سوزانده و کاملاً ویران کرده بودند. اشتاین در میان خرده آثار بنا، تعدادی پایه‌های سنگی دارای بندگاهی‌های گود، پیدا کرد که ظاهراً برای جای دادن پاهای تندیس که داخل حرم در معرض نمایش بود، ایجاد شده (هرمان، ۱۳۸۸: ۴۱) (شکل ۲۸). در بررسی‌های جدید، دو تخت‌گاه شناسایی شد، که اشتاین بدان اشاره نکرده بود (۲). در سال نخست شش گمانه زده شد (شکل ۲۹)، که به شرح زیر است:

در گمانه‌ی شماره‌ی ۱ در فراز میانی سکوی بزرگ و همان‌جایی که اشتاین به کندوکاو پرداخته بود، سازه‌ای پهن و درازی با سنگ‌های بزرگ پدیدار شد. چنین پنداشته می‌شود که، این ساختار شالوده‌ی یک دیوار باشد که دست کم ۸۰۰ سانتی‌متر درازا و ۷۰ تا ۱۰۰ سانتی‌متر پهنای داشته باشد (شکل ۳۰). این دیوار با بهره‌گیری از سنگ‌های لاشه و شکسته و یا قواره شده‌ی اکنون بی‌قاعده ساخته شده است (مهرکیان و مسینا، ۱۳۹۲: ۱).

در گمانه‌ی شماره‌ی ۲ که در سوی جنوبی آن بود نیز ساختاری از دیوار بزرگ سنگی آشکار شد. دست‌کم می‌توان آن سازه را دیوار پشتیبان بسیار بزرگی پنداشت، که در راستای شمال خاوری ۳۸۰ سانتی‌متر پهنای داشته، و درازای آن بیش از ۵۰۰ سانتی‌متر است. این دیوار نزدیک گوشه‌ی سکوی بسیار بزرگ میانی است (مهرکیان و مسینا، ۱۳۹۲: همان). در گمانه‌ی شماره ۳، سازه‌ای آجرین که با وجود فراوانی و در دسترس بودن سنگ کاربرد آجرین آن پرسش بر انگیز بود، و گودالی در میانه‌ی حجم چهارگوش آجرین آن که ناشی از حفاری‌های سوداگرانه بود، درهم ریخته و آشفته شده بود (شکل ۳۱).



شکل ۲۹- سکوی میانی کل چندار شمی (مهرکیان)



شکل ۲۸- پلان اشتاین (Estain, 1940)



شکل ۳۱- گمانه‌ی شماره‌ی ۳ و سازه‌ی آجرین آن (مهرکیان)



شکل ۳۰- گمانه‌ی شماره‌ی ۱۰ در شمی (مهرکیان)

در روی کف آجرفرش، پاره‌های آجر و در میان آن ۵ آجر سالم قطایی (قاج پیتزیایی) به اندازه‌ی ۳۴ در ۳۵ در ۳۰ و بلندای ۸ سانتی‌متر و یا ۳۰ در ۳۲ در ۲۹ و بلندای ۶ سانتی‌متر که دایره‌هایی به قطر ۷۰ و ۶۴ سانتی‌متر را برای برپایی ستون شکل می‌دهند. اندازه‌ی دو گونه از آجرهای مربع شکل به کار رفته در این گمانه ۳۶ در ۳۶ در ۸ سانتی‌متر و نیمه یا مستطیل شکل ۳۶ در ۱۶ در ۸ سانتی‌متر است. برخی سفالینه‌های شناسایی شده بر روی این سازه آجری را می‌توان پارتی دانست (مهرکیان و مسینا، ۱۳۹۲: ۱-۲). گمانه‌ی شماره‌ی ۴، که ترانشه‌ای باریک به درازای ۶ در ۱ متر بود. بازمانده‌های دیوار تخت‌گاه را در گوشه-ی شمال خاوری آشکار کرد. در گمانه‌ی شماره ۵، آثار پراکنده‌ی مصالح پدیدار شد. گمانه‌ی شماره ۶، خاکبرداری و پاکسازی یک گور بزرگ سنگی ویرانه در ترازوی بالاتر، که یک گور دسته‌جمعی با سکوها‌ی از میان رفته و پوشش خرپشته‌ای که همگی سنگ‌های آن شکسته و جابجا شده و دور افتاده بود، را آشکار کرد. فصل دوم درپاییز سال ۱۳۹۳ با بازگشایی گمانه‌ی شماره ۱۰ ۳ آغاز شد.

در ادامه‌ی فصل با هدف پدیداری ساختار آرامگاه‌های شماره شده در بررسی سال ۹۱ گمانه‌هایی در آرامگاه‌های شماره‌ی ۷، ۲۰، ۲۳ و ۲۴ زده شد، که ساختار کلی این آرامگاه‌ها مستطیلی شکل، پوشش بیشتر آنها خرپشته‌ای و با مصالح بوم‌آورد سنگی است (شکل ۳۲). حایز اهمیت‌ترین این آرامگاه‌ها آرامگاه شماره ۲۳ است، که در ورودی آن پلکانی و دو طاقچه در طرفین دیواره‌های آن قرار دارد. اتاق آرامگاه مستطیلی شکل و در روبروی ورودی آن طاقچه‌ای وجود دارد. این آرامگاه شباهت‌هایی با آرامگاه آجرین گلالگ در شوشتر دارد. در گمانه‌ای که آرامگاه شماره‌ی ۲۴ در آن پدیدار شد یک در سنگی که توسط سوداگران عتیقه پس از زیر و رو کردن ویران‌گرانه‌ی آثار باستانی در زیر انبوهی از سنگ‌های درهم ریخته قرار داشت، این اثر

تاریخی با پاشنه در وگژن که نمای آن هم‌چون درهای امروزی است، به شکل چهار قاب و با دو سوراخ در جداره لبه کشف شده است. این درحالی است که آثاری از آهن نیز روی این در تاریخی مشاهده می‌شود (شکل ۳۳).



شکل ۳۳- در سنگی آرامگاه ۲۴ در کل چندارشمی (مهرکیان)



شکل ۳۲- نمایی از یک آرامگاه سنگی در شمی (مهرکیان)

تخت‌گاه‌های نویافته‌ی دیگر

در سالهای اخیر باستان‌شناسان ایرانی به بررسی و پژوهش در تاریخ الیمایی به طور گسترده پرداخته‌اند، که سبب شد مکان‌های نویافته‌ای در گستره‌ی جغرافیایی الیمایی شناسایی شود. در این بخش به معرفی یافته‌های چندی از صفه‌های نویافته الیمایی می‌پردازم.

تخت‌گاه سنگر:

این سازه‌ی نویافته در بررسی سال ۱۳۹۱ شناسایی و در ۳۰۰ متری باختر روستای سادات حیات‌غیب در بخش میانی مسجدسلیمان در فاصله‌ی ۵ کیلومتری شمال خاوری شهر مسجدسلیمان جای گرفته است. این تخت‌گاه شکلی تقریباً چهارگوشه، بر فرازین پشته‌ای، همجوار جاده و مشرف بر روستای حیات‌غیب واقع است. بقایای دیواره‌ی سنگ‌چین تخریب شده‌ی آن به ارتفاع ۲ تا ۳ متر قابل مشاهده است. درازای تخت‌گاه با راستای شمالی- جنوبی ۱۰۰ متر و پهنای آن ۶۰ تا ۷۰ متر است و تقریباً ۰/۷ هکتار وسعت دارد (سرداری زارچی، سلطانی و عطاپور، ۱۳۹۳: ۶۸)

تخت‌گاه بتوند:

این سازه‌ی نویافته در ۱۵۰ متری شمال روستای بتوند، از توابع دهستان جهانگیری در شهرستان مسجدسلیمان و به فاصله‌ی ۱۳ کیلومتری خاور شهر مسجدسلیمان واقع شده است. و در بررسی سال ۱۳۹۱ شناسایی شد (سرداری زارچی، سلطانی و عطاپور، ۱۳۹۳: همان)

تخت‌گاه بابک:

این سازه‌ی نویافته در فاصله‌ی ۱۵۰ متری جنوب کافه‌بابک در منطقه‌ی بردن‌شاند، از توابع دهستان جهانگیری شهرستان مسجدسلیمان و در ۵۰ متری خاور جاده‌ی ارتباطی مسجدسلیمان- اندیکا قرار دارد. در طی بررسی سال ۱۳۹۱ شناسایی شد (سرداری زارچی، سلطانی و عطاپور، ۱۳۹۳: همان)

تخت‌گاه قلعه بردی:

این سازه در فاصله‌ی ۳۵۰ متری جنوب باختری روستای قلعه‌لوت (لیت) از توابع دهستان قلعه خواجه در شهرستان اندیکا و در ۲۵۰ متری شمال بنای قلعه لوت واقع شده است. این تخت‌گاه را گریشمن شناسایی و معرفی کرده بود. با این حال بر خلاف تخت‌گاه بردنشانده و سرمسجد گمانه‌زنی و یا کاوش بر روی آن انجام نداده بود، این سازه با شماره‌ی ۳۰۲۶ در سال ۱۳۹۱ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. قلعه‌بردی در اصل تخت‌گاهی موسوم به همین نام است، که به وسیله‌ی سنگ بر روی بستر صخره‌ای و کوهپایه‌ای و در بخش تخت‌گاه شیعی خاوری- باختری ساخته شده است (شکل ۳۴ و ۳۵ و ۳۶) (سرداری زارچی، سلطانی و عطاپور، ۱۳۹۳: ۶۹-۷۰).



شکل ۳۴- تخت‌گاه قلعه بردی (نگارنده)



شکل ۳۵- تخت‌گاه سازی با سنگ‌های تراش در قلعه بردی. (نگارنده)



شکل ۳۶- گوشه‌ی شمال خاوری تخت‌گاه قلعه بردی و بخشی از رودخانه‌ی آن (نگارنده)

نتیجه‌گیری

در این پژوهش به سازه‌های معماری آیینی الیمائیس چون بردنشانده، سرمسجد، شمی و تخت‌گاه‌های شناخته شده‌ی دیگر پرداخته شد. الیماییان با ساخت تخت‌گاه‌های مصنوعی و بزرگ خود، که محل نیایشگاه‌های آژ برانگیزشان است و با بهره‌برداری از معماری بومی و استفاده از سنگ‌های بزرگ قواره شده که گاه در نما به گونه‌ی نرم‌تراش جلوه می‌کند و با تاثیرپذیری آنان از ایجاد تخت‌گاه در برهه‌های زمانی پیش از خود، چون هخامنشیان معماری خاصی از خود بر جای می‌گذارند که نشان از کنترل کامل آنان بر استفاده از این نوع معماری دارد. نیایشگاه‌هایی چون نیایشگاه چهارستونی بردنشانده که شباهت‌هایی را با معماری سرزمین‌های همجوار خود چون هترا و سرزمین‌های خاوری زیر سلطه‌ی اشکانیان چون نیسا، سرخ کتل، کندوز، شوتراک، بگرام و دیگر مکان‌های آیینی شناخته شده از سلوکیان و اشکانیان دارد. دالان‌هایی که اتاق محراب و یا نمازخانه را در نیایشگاه‌هایی چون نیایشگاه چهار ستونی، نیایشگاه بزرگ، در بر می‌گیرد نیز این شباهت‌ها را به خوبی آشکار می‌کند. تخت‌گاه کل‌چندار شمی و نیز دیگر تخت‌گاه‌های نو یافته‌ی دیگر ما را با فرم تخت‌گاه سازی در این سرزمین آشنا می‌کند. دو طبیعت متفاوت کوهستان و دشت هر یک به تناسب اقلیم، اکولوژی منطقه و نوع و میزان تاثیر آن بر انسان و همچنین مصالح بوم‌آورد تاثیر بسزایی در ساخت سازه‌های آیینی الیماییان مانند نیایشگاه و آرامگاه‌ها داشته‌اند.

الیماییان کوه‌نشین، در ابتدای خود برانگیختگی‌شان با تاثیر فراوان از طبیعت پیرامون خود نیایشگاه‌ها و گورستان‌های خود را ساختند. تخت‌گاه سازی و ایجاد بلندی‌های مصنوعی با الگوسازی طبیعی از بلندی‌ها و کوه‌های سختی که محل زندگی آنان بود، یکی از دلایل استفاده از سنگ در ساخت تخت‌گاه است. تخت‌گاه‌های شناخته شده از الیمائیس چون بردنشانده، مسجد سلیمان، کل‌چندار شمی و... تماما از سنگ ساخته شده‌اند. فراوانی سنگ در کوهستان، کمبود خاک مناسب برای آجر سازی، استحکام بناهایی که با سنگ ساخته می‌شود، و علاوه بر آن ایجاد رعب و ترسی که بناهای بزرگ سنگی از خود به بیننده القا می‌کنند، بدانان این امکان را داد، که بدون استفاده از مصالح دیگر چون آجر به ساخت سازه‌های خود بپردازند. این در حالی است که با گسترش الیمائیس و وجود دشت‌های بزرگی (چون شوش، شوشتر و...)، که بعدها به گستره‌ی آنان افزوده شد، بناهایی چون آرامگاه‌های دستوا، گلالگ، صالح داوود را می‌بینیم که با استفاده از آجر ساخته شده است.

در کل چندار شمی سازه‌ای با کاربری ناشناخته، (شاید نیایش‌گاه رو باز) به دست آمده است، که از آجر در ساخت آن استفاده شده است. در محوطه‌ی بیش از ۵۰ هکتاری کل چندار شمی اندک سازه‌هایی می‌بینیم که از آجر برای ساخت آن استفاده شده است، که این پرسش را به وجود می‌آورد چرا با وجود همجواری با کوه‌هایی در اطراف این محوطه (کوه بیل‌آوا، کوه سی‌سنبله و...) و با وجود اینکه بیشتر سازه‌های این محوطه از سنگ است، در یک سازه‌ی کوچک از آجر استفاده شده است؟.

به نظر می‌رسد کمبود خاک مناسب برای ساخت بناهای آجری در مناطق کوهستانی، بر اهمیت و ارزش آن در میان این مردمان می‌افزاید و سازه‌های با ارزش و مهم‌شان را با همه‌ی محدودیت در ساخت آجر با آن می‌ساختند. با توضیحاتی که داده شد شاید بتوان این گونه گفت: که فراوانی سنگ و در دسترس بودن آن در کوهستان، الیماییان کوه‌نشین را بر این وا می‌دارد، که بناهای آیینی خود را از سنگ ساخته. با گسترش گستره‌ی جغرافیایی الیمائیس و افزودن دشت‌های حاصلخیز خوزستان بدان، استفاده از آجر در ساخت سازه‌های آیینی به فراوانی به چشم می‌آید.

منابع:

- ۱- پاتس دنیل تی، (۱۳۸۵)، باستن‌شناسی ایلام؛ ت. زهرا باستی، تهران؛ انتشارات سمت.
- ۲- حیدری، احمد، (۱۳۷۷)، آثار الیمایی در ارتفاعات سوسن (ایذه)؛ فصل‌نامه‌ی اثر، شماره ۳۰-۲۹، (ص. ۲۳۲-۲۰۴).
- ۳- رزمجو شاهرخ، (۱۳۸۴)، پرداخت‌های آیینی در گل نوشته‌های ایلامی باروی تخت جمشید، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، بهار و تابستان، شماره ۱ (ص. ۶۷-۵۱).

- ۴- رضایا عباس، (۱۳۸۱)، بحثی درباره‌ی معبد چهار ستونی برد نشانده و معبد بزرگ مسجد سلیمان؛ مجله‌ی باستان‌شناسی و تاریخ؛ (ص. ۳۴-۲۵).
- ۵- رهبر مهدی، (۱۳۷۸) فصل اول کاوش‌های باستان‌شناسی صالح داوودخوزستان؛ تهران؛ پژوهشکده باستان‌شناسی کشور، (منتشر نشده).
- ۶- سرداری زارچی علیرضا، (۱۳۹۲)، بررسی باستان‌شناختی شهرستان‌های مسجد سلیمان و اندیکا؛ شهرستان مسجد سلیمان، پژوهشکده‌ی باستان‌شناسی و اداره‌ی کل میراث فرهنگی خوزستان، (منتشر نشده).
- ۷- سرداری زارچی علیرضا، سلطانی ایوب، عطاپور سمیرا، (۱۳۹۳)، گسترش فرهنگ الیمایی در کوهپایه‌های مسجد سلیمان و اندیکا، مجله‌ی باستان‌پژوهی، دوره‌ی جدید، سال هشتم، شماره ۱۶ (ص. ۷۹-۶۴).
- ۸- سفر فواد، مصطفی محمد علی، (۱۳۷۶)، هترا (حضرا) شهر خورشید (گزارش کاوش‌های و پژوهش‌های باستان‌شناسی و بازسازی آثار معماری شهر حضر)؛ ت. نادر کریمیان سردشتی، تهران؛ سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).
- ۹- کریمی بهمن، (۱۳۲۹)، راه‌های باستانی و پایتخت‌های قدیمی غرب ایران، بابیست و پنج نقشه و یکصد و پنجاه گزار، (بهمن میرزا) کریمی؛ {بیجا} بانک ملی ایران (چاپخانه).
- ۱۰- کریمی بهمن، (۱۳۲۹)، ایزه و شمی و بت خانه‌ی معروف آن؛ مجله‌ی بررسی‌های تاریخی؛ سال اول، شماره‌ی سوم؛ ص. ۲۴۳-۲۵۷.
- ۱۱- گیرشمن رمان، (۱۳۴۳)، صفه‌ی مقدس در مسجد سلیمان، ت. مسعود رجب‌نیا؛ هنر و مردم شماره‌ی ۱۲۱؛ (ص. ۴۸-۴۳).
- ۱۲- مهرکیان جعفر، مسینا ویتو، (اردیبهشت ۱۳۹۳)، کل‌چندار؛ بررسی باستان‌شناسی شمی؛ پنجمین فصل پژوهش‌های باستان‌شناسی هیئت مشترک ایران و ایتالیا رد خوزستان ایزه، مهر ماه ۱۳۹۱؛ مقاله‌های کوتاه دوازدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران ۲۹ تا ۳۱ (ص. ۴۳۲-۴۱۹).
- ۱۳- مهرکیان، جعفر، مسینا ویتو، (۱۳۹۱)، نخستین فصل کاوش باستان‌شناسی ایران و ایتالیا در خوزستان (ششمین برنامه)، بایگانی پژوهشکده‌ی میراث فرهنگی.
- ۱۴- هرمان جورجینا، (۱۳۸۸)، تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان؛ ت. مهرداد وحدتی؛ نشر دانشگاهی.
- 15- Auge, C., Curiel, r. And le Rider, G. (1379) **terrasses sacrees de Bard-e- Nechandeh et Masjidi solaiman: les ttouvailles monetaires**. In memoires dr la delegation Archeologique en Iran (MDAI), 44.paris.
- 16- Ghirshman, R. (1950) **Masjid -i- Soleiman. Residence des premiers Achemenides**. In **Syria**, 27, 205-220.
- 17- (1969) **Bard- e Nechandeh. Rapport preliminaire**. In **Syria**, 41,301- 321.
- 18- (1976) **La terrasse sacrees de Bard-e Nchandeh et Masjid- i Solaiman: L Iran du sud- oust du VIIIe s. av.n. ere**.In Memoires de la Delegation Archeologique en Iran (MDAI) , 45,2, volumes. Paris.
- 19- Godard, A.(1949) **Bard Neshande. Inather-e Iran**(annals du Service Archeologique del Iran), 4, 153162.
- 20- Haerincq,E.(1983) **La ceramique en Iran pendant la period parte(ca.250av. j.c.a ca. 225apres J.C.): typologie, chronologie et distribution**,In **IranicaAntiqua (Iran)**, SupplementII. Gent.
- 21- Erdman, k.(1941)**Das iranische Feuerheiligtum**. Leipzig. -
- 22- Stein, A.(1940) **Old Routes of Western Iran**, London.

بررسی و شناخت ظرفیت‌های تصویرسازی شعر فارسی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی

حسین امانی

دانش‌آموخته کارشناسی تلویزیون و هنرهای دیجیتال، دانشگاه صداوسیما

Email: hooam44@gmail.com

چکیده

تصویرسازی در کتاب‌های درسی کودکان یکی از مسائل مهم و دغدغه‌ای اصلی در تمامی جوامع فرهنگی دنیا است. تصاویر بیش از کلمات توجه کودکان را جلب می‌کنند. کودکان از طریق چشم یادگیری و ارتباط با مفاهیم و اشیاء دنیای پیرامون خود را انجام می‌دهند و تصاویر و اشیاء را مانند کلمات می‌خوانند و برای هر کدام از آنها مفهومی خاص می‌آفرینند. پس تصویرسازی به عنوان یک ابزار تاثیرگذار در انتقال مفاهیم درسی کودکان را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد و متن و تصویر را همسو کرده و درک مطالب درسی را راحت‌تر می‌کند. حال با توجه به این موضوع هدف اصلی در این مقاله تحلیل و بررسی راهکارهای مناسب جهت تصویرسازی شعرهای کتاب فارسی دوره ابتدایی در روند یادگیری مفاهیم متن شعر بوده است. برای این منظور سه معنی ساز، سبک، فرم و رنگ در تصویرسازی کتاب‌های درسی بررسی و راهکارهای برای انجام هر چه بهتر شدن این تصویرسازی‌ها ارائه شده است.

واژگان کلیدی: تصویرسازی، تصویرسازی کودک، کتاب درسی، کتاب فارسی دوره ابتدایی

۱- مقدمه

یکی از عناصر مهم و ضروری برای آموزش مفاهیم شعرهای فارسی به ویژه در سطوح پایین تحصیلی استفاده از تصویر سازی‌های درست و مناسب در کتاب‌های درسی و آموزشی است. تصویر سازی‌ها انگیزه‌ایی در کودکان به وجود می‌آورند و آن‌ها را تشویق می‌کنند که در جریان مطالعه حضوری فعال داشته باشند. کاربرد این تصویر سازی‌ها در آموزش علاوه بر افزایش توجه فراگیران به موضوع درس سبب متنوع شدن متن کتاب درس نیز خواهد شد. ماریکا براوان اعتقاد دارد که اگر کودکی عادت کند صفحات طراحی شده زیبایی را در کتاب‌های تصویری ببیند، به شکل زنجیر وار شکل‌های متفاوت و جالبی در ذهنش تداعی می‌شود و این روند تا بزرگسالی او ادامه می‌یابد (سیانسیولو، ۱۳۸۰، ۷۳). ویلیام ایوینس نیز در باب اهمیت تصویر- سازی کتاب در کتاب «چاپ و ارتباط بصری» می‌نویسد: «در قرن نوزدهم کتب علمی و خبری که مملو از تصاویر با ایلوستراسیون‌های بسیار مفید برای فهم مطلب بود در اختیار توده عظیمی از انسان‌ها در اروپا و آمریکا قرار می‌گرفت. نتیجه این شد که در طرز تفکر و فهم عملی مردم از پدیده‌ها انقلابی بس عظیم به وجود آمد. اهمیت و عظمت فرهنگی و سیاسی این انقلاب از اهمیت و عظمت اقتصادی و فنی آن قرن کمتر نبود» (Ivins, 1953, 25). بنابراین با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان

از اهمیت بالای تصویر سازی در کتاب‌های آموزشی کودکان آگاه شد و تصویر را از متن، جهان شمول‌تر دانست. به همین جهت در این مقاله سعی بر آن است تا با مطالعه تصویر سازی کودک و شناخت نحوه‌ی استفاده از آن در کتاب‌های درس به ارائه راهکارهای مناسب در جهت انجام هرچه بهتر این موضوع در کتاب‌های فارسی پرداخته شود تا زمینه‌ای برای پرداختن به این مسئله در کتاب‌های درس فراهم آید.

۲- روش تحقیق

روش پژوهش این مقاله تحلیلی - توصیفی است. این پژوهش ضمن بررسی منابع کتابخانه‌ای همچون کتاب، مقاله و تحقیق میدانی از راه گردآوری تصویر سازی‌های کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی سعی دارد با شناخت معنایی دقیقی از تصویر سازی آموزشی و تاثیر آن در عمل یادگیری و درک درست مفاهیم درسی در مخاطب کودک دست یابد و ویژگی‌های چنین روش آموزشی را توصیف کند. تا به کمک تحلیل چگونگی آن‌ها تاثیرات تصویر سازی بر یادگیری مفاهیم درسی بررسی گردد.

۳- تصویر سازی در ایران

اولین نشانه‌های استفاده از تصویرگری در ایران را می‌توان به انسان‌های ماقبل تاریخ نسبت داد که در زمان بیش از ۸ هزار سال ق. م برای بیان مقصود خود از تصویر بهره گرفته و تصاویر غار میرملاس و صخرنگاره‌های منطقه کوه‌دشت لرستان را خلق کرده‌اند. با گذشت زمان نوع و سبک این نوع تصویر سازی نیز تغییر کرده و تصاویر از دیواره غارها و صخره‌ها به تزئینات برای کاخ‌ها و اقامتگاه و پس از آن نیز به عنصری برای مصور سازی متن کتاب‌ها تبدیل شده است که اولین رگه‌هایی از این تغییر را شاید بتوان در عصر ساسانی نسبت داد که تنها مدرکی که این امر را تایید می‌کند گزارش‌هایی از برخی مورخان اسلامی از جمله ابولحسن علی مسعودی است که در اوایل قرن چهارم هجری به یک کتاب قدیمی در دوره‌ی ساسانی اشاره می‌کند که اعمال شاهان ایران در آن تصویر شده است (پاکباز، ۱۳۹۳، ۳۲). حال با این وجود کهن‌ترین کتاب مصور دوران باستان ایران را شاید بتوان کتاب ارژنگ مانی دانست که جز چند قطعه‌ای از این کتاب باقی نمانده است. شیوه‌ی کتاب سازی و تصویرگری این اثر بعدها نیز در نگارگری‌ها و کتاب آرایی ایران تاثیر گذاشت و سبب پیدایش مکاتب مختلف نقاشی ایرانی شد (همتی- آهویی، ۱۳۸۱، ۳۴). با شروع به کار، کارگاه‌های تولید نسخه‌های مصور حکومتی تصویر سازی کتاب در ایران رواج پیدا کرد. در این دوره شاهد خلق نمونه‌های بی‌بدیلی از مصور سازی کتاب‌های ایرانی از جمله شاهنامه بایسنقری، شاهنامه تهماسبی، خمسه نظامی و انوار سهیلی بوده‌ایم که هر کدام از این نسخ گنجینه‌ی غنی را برای هنر مصور سازی ایران به ارمغان آورده است که ثمره‌ی آن نیز تا به امروز در هنر تصویرگری ایران وجود داشته. حال با شروع به کار مدرسه دارالفنون و چاپ کتاب‌های آموزشی آن، دوره جدید تصویر سازی در کتاب معاصر ایران رقم می‌خورد که با تغییرات اندک تا به امروز نیز ادامه داشته است.

۴- سبک در تصویر سازی کتاب کودک

در هنرهای بصری سبک محصول نهایی تجمع بسیاری از عوامل و نیروهاست که در خلق یک اثر دخالت دارند. دونالد آندرسون می‌گوید: «سبک گاهی اساسی‌ترین عامل است برای انتزاعی کردن و ساده نمودن جزئیات پراکنده یک شکل بغرنج و تبدیل آن به روابط ساده گرافیک و قابل فهم و یک شکل هنری» (داندیس، ۱۳۹۳، ۱۵۰). پاتریشیا سیان سیولو منتقد ادبیات کودکان، در باره بکارگیری سبک هنری و میزان درک کودک در کتاب‌های کودکان بر این باور است که در سبک و سیاق هنر تصویرگری، مانند سبک نوشتن، کیفیتی پیچیده و غیر قابل بیان دارد و تحت تاثیر موضوع و حالت داستان، سن خواننده و تصور تصویرگر از وضعیت و شرایط او قرار می‌گیرد. هرچه سن کودک کمتر باشد سبک هنری باید گویاتر و واضح‌تر شود و هنرمند در استفاده از فضاها، ترکیب بندی، رنگ‌ها و به کارگیری خط‌ها و شکل‌ها محتاط‌تر عمل کند. (سیان سیولو، ۱۳۸۰،

۷۳). حال با توجه به نظریات بیان شده می‌توان سبک‌های زیر را مهم‌ترین و تاثیرگذارترین سبک‌های هنری در تصویرسازی کتاب‌های آموزش کودکان قلمداد کرد.

۴-۱- سبک ساده نگار یا نایف

در این سبک هنرمند جلوه‌ی هر چیز و هر صحنه‌ای را خارج از فضا و تجربه خود چیزها نشان می‌دهد (گدانسیلو، ۱۳۸۵، ۲۰۴). در این سبک به عمد از جزئیات زیبا شناسانه صرف نظر می‌شود و از انواع مختلف عناصر و شکل‌ها با نوعی شتابزدگی در آن‌ها استفاده می‌گردد تا به وسیله آن‌ها یک معنی کلی و پردامنه داده شود. مخاطب در این آثار با شیوه مقابل نمایی یا حالت نیمرخ در پرتله روبه‌روست و همچنین نوعی بی‌توجهی به آناتومی و پرسپکتیو در این آثار دیده می‌شود (تصویر ۱) که سرزندگی و خودانگیختگی نامتعارفی را به بارمی‌آورد. این سبک تصویری با ساده سازی عناصر تصویرگری درک کودک را از تصویر بالا برده و به بهترین شکل هدف تصویری را بیان می‌کند.



تصویر ۱- دو تصویرسازی از کتاب‌های فارسی (به ترتیب از راست به چپ) سوم و اول دبستان

۴-۲- سبک سورئالیسم یا فراواقعیت

تصویرگری سورئالیستی از هرگونه تحلیل زیبایی شناختی و فنی گریزان است و در انتخاب هر شکل و شیوه‌ای آزاد بوده (سیدحسینی، ۱۳۹۱، ۸۷۰). در این سبک در واقع نوعی تصور درونی وجود دارد اما نه به مفهوم مطلق بلکه به این معنی که تصورات درونی در همزیستی با بازنمودهای بیرونی تظاهر می‌کند. پس در این‌جا به هیچ وجه سخن از دید انتزاعی نیست. در این سبک بیش از آنکه تکنیک مورد توجه قرار گیرد نوع چینش عناصر تصویری و آفرینش خیال مورد توجه است. سورئالیسم راهی برای گشودن دیدگاه‌هایی است که کودکان دارند. سورئالیسم عناصر مورد علاقه کودکان را به یکدیگر مربوط می‌کند. این همان شیوه‌ای است که در آن می‌شود هر چیزهای نامربوط را به یکدیگر پیوند داد (اکرمی، ۱۳۸۸، ۷۰). سبک سورئالیستی را می‌توان به جهت نداشتن محدودیت در ایده‌های تصویری یکی از موثرترین سبک‌های هنری برای به تصویر کشیدن مفهوم و محتوای شعرها به خصوص برای گروه سنی کودکان دانست که روح شاعرانه شعر را به تصویر نیز منتقل می‌کند (تصویر ۲).



تصویر ۲- تصویرسازی از کتاب فارسی دوم دبستان

۴-۳- سبک امپرسیونیسم

کاربرد سبک امپرسیونیسم در تصویرگری بیش‌تر برآن جهت برای کودکان شیرین و دلنشین است که در این سبک با استفاده از رنگ‌های خالص و کودکانه توجه ویژه‌ای می‌شود. از سوی دیگر شکل واقعی اشیاء و پدیده‌های طبیعی به گونه‌ای ساده تصویر می‌شود. که در این باره سیان‌سیولو در کتاب انواع تصویرگری در کتاب‌های کودکان می‌نویسد: «امپرسیونیست‌ها به رنگ، نور و ظرافت تصاویر اهمیت می‌دهند و دوست دارند ایده‌شان را با استفاده از رنگ‌های از هم پاشیده بیان کنند» (سیان‌سیولو، ۱۳۸۰، ۷۳) که این امر در به نمایش درآوردن هرچه بهتر تناسب و همسوی تصویر و متن در شعر کمک شایانی می‌کند.

۵- فرم تصویرسازی

در هنرهای بصری کیفیت فرعی را می‌توان یکی از تاثیرگذارترین جنبه‌ی هنری اثر قلمداد کرد. فرای باور دارد که بیننده می‌تواند فقط در برابر خود فرم واکنش نشان دهد (پرتجان، ۱۳۹۲، ۲۴۰). حال این مهم در تصویرسازی کتاب‌های آموزشی کودکان بسیار مهم بوده و می‌تواند علت ارزش‌گذاری‌های ما به آثار خاص قلمداد شود. لوپس مولیوان نیز شکل و فرم اثر را تابعی از محتوای آن می‌داند (داندیس، ۱۳۹۳، ۱۵۵). طبق این نظریه می‌توان متن و محتوا را مرجعی برای فرم تصویرگری قلمداد کرد. حال نحوه‌ی شکل‌گیری فرم در تصویرسازی اشعار کتاب‌های فارسی دوره‌ی ابتدایی را می‌توان بر دو جنبه استوار دانست تا بتوان به بهترین نحو فرم و مضمون را به یکدیگر نزدیک کرد. جنبه اول را می‌توان مخاطبان اثر قلمداد کرد که متشکل از گروه سنی کودکان بوده. در این گروه سنی خاص فرم‌های مورد پذیرش غالباً فرم‌های ساده و به دور از هرگونه شلوغی و پیچیدگی است. این موضوع با افزایش سن مخاطب اثر و به تبع آن درک بهتر تصویری مخاطب کمتر مورد نظر قرار می‌گیرد بنابراین نیاز به پیچیدگی تصویر با بالا رفتن سن مخاطب افزوده می‌شود به نحوی که در تصویرسازی‌های صورت گرفته در کتاب‌های فارسی پایه اول دبستان و پایه ششم همین دوره تفاوت‌های فرمی بسیاری دیده می‌شود (تصویر ۳). تصویر-

گری در این دوره سنی معمولاً تخت و بدون بعد در نظر گرفته می‌شود تا به درک هرچه بهتر تصویر برای مخاطب کمک شود (تصویر ۳). این موضوع نیز با افزایش سن مخاطب کم‌تر مورد توجه قرار می‌گیرد.



تصویر ۳- سه تصویرسازی از کتاب‌های فارسی دوره ابتدای (به ترتیب از راست به چپ) ششم دبستان، سوم دبستان، اول دبستان

جنبه دوم متن شعر یا به نحوی درست‌تر خاصه‌های ماهوی و ساختمان درونی شعر است به گونه‌ایی که در تصویر سازی برای شعر غنایی تفاوت‌های فرعی بسیار می‌توان با دیگر انواع شعری از جمله حماسی و تعلیمی یافت. بدین صورت می‌توان با توجه به مضامین و ساختار شعرها طیف خاصی از تصویر سازی‌ها را به وجود آورد تا به تاثیر هرچه بهتر تصویر در متن کمک شود که این موضوع در کتاب‌های فارسی دوره‌ی ابتدایی کمتر مورد نظر قرار گرفته شده است و جا برای انجام هرچه بهتر آن وجود دارد.

۶- رنگ در تصویرسازی کودک

در اولین برخورد با تصویر نخستین عنصری که خودنمایی می‌کند وجود عنصر رنگ است. رنگ مهم‌ترین عنصر بصری از نظر بار احساسی و عاطفی است که برای توصیف موضوع اثر و خصوصیات آن به کار می‌رود. بنابراین دارای نیروی ویژه‌ای در انتقال پیام‌های بصری است. بنا به گفته‌ی بولوگ ارتباط درک ما از زیبایی با رنگ بسیار ساده و فوری است و حتی اگر هیچ شناختی درباره‌ی نظریه‌ی غیرعملی از رنگ نداشته باشیم به‌طور غریزی در موقعیتی قرار داریم که رنگ به راحتی در ما نفوذ می‌کند (رمضان عرب، ۱۳۸۲، ۲). این عنصر در تصویر سازی کتاب کودک در جذب و روند یادگیری نقش اساسی دارد و شیوه و سبک تصویرگری که ممکن است باعث ایجاد عدم درک و ایجاد اشکال در بیان داستان شود را می‌توان با این عنصر تا حد زیادی برطرف نمود و ارتباط کودک را با متن بیشتر کرد. نقش رنگ در کتاب کودک را می‌توان به سه نوع تاثیر حسی، نمادین و ساختاری تقسیم کرد که استفاده از هر گروه باید متناسب با مفهوم مورد نظر متن باشد تا به بهترین شکل تاثیر خود را بر مخاطب عرضه دارد. در تاثیر حسی رنگ‌ها علاوه بر تداعی سردی و گرمی، خلوص یا اشباع رنگ نیز مورد توجه قرار می‌گیرد که بسیار مورد علاقه کودک بوده و به شدت در فهم تصویر به او کمک می‌کند (تصویر ۴).



تصویر ۵- تصویرسازی از کتاب فارسی ششم دبستان



تصویر ۴- تصویرسازی از کتاب فارسی دوم دبستان

از دیگر جنبه‌های تاثیرات حسی رنگ می‌توان به تونالیته رنگ یا رنگ‌های تک فام نیز اشاره کرد. این رنگ‌ها به دلیل کنتراست کمی که با هم دارند، ضمن ارثه‌ی ترکیبی آرام از هماهنگی بسیار بالایی در تصویر برخوردارند (تصویر ۵). در دیگر تاثیر رنگ که تاثیر ساختاری آن است، ساختارهای پالت‌های رنگی شکل می‌گیرد که در این پالت‌ها رنگ‌های مکمل و رنگ‌های هم-خانواده در تصویرگری کتاب کودک از جنبه‌های مهم‌تری برخوردار بوده به شکلی که در این رنگ‌ها شاهد وجود یک نوسان و تقابل هارمونیک نسبت به هم بوده که این امر ترکیبی بسیار هماهنگ و آرامش بخشی را برای کودک به ارمغان می‌آورد. تاثیر و معانی دیگری نیز از رنگ‌ها تداعی می‌شود که حالت نمادین و سمبلیک است. مانند رنگ قرمز که دارای معانی سمبلیک عشق، گرما، زندگی و شاید صدها معانی دیگر است. استفاده از این جنبه‌ی تاثیری رنگ راه را برای انتقال معنای درونی تصویر آسان می‌کند و معانی ضمنی تصویر را نیز به گونه‌ای دیگر بیان می‌کند. نکته شایان توجه در پایان این بخش سفید خوانی در کتاب-های درسی کودکان است به گونه‌ای که می‌توان آن را مهم‌ترین بحث درباره‌ی رنگ دانست که رعایت آن سبب جلوگیری از خستگی چشم می‌شود.

۸- نتیجه‌گیری

امروزه رایج‌ترین کاربرد تصویرسازی‌های آموزشی را می‌توان در کتاب‌های درسی کودکان جست و جو کرد. تصویر در این کتاب‌ها به عنوان یک ابزار تاثیرگذار در انتقال مفاهیم آموزشی عمل می‌کند و با پیوند میان متن و تصویر به درک هرچه بهتر درون مایه اصلی متن کمک می‌کند. حال با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان گفت ارائه دادن تصویر خوب برای کودک در کتاب‌های درسی استفاده درست از سه مولفه معنای، سبک، فرم و رنگ در تصویرسازی است که در صورت رعایت درست و به جا این سه مولفه تصویر بر روان شده هرچه بهتر متن کمک می‌کند و درک آن را برای مخاطب کودک آسان‌تر می‌کند یعنی انجام مهم‌ترین رسالت کتاب‌های آموزشی را به عهده می‌گیرد که همان انتقال مفاهیم درسی به دانش‌آموزان است.

منابع

- ۱- اکرمی، جمال الدین (۱۳۸۸) سبک‌های هنری در تصویرگری، کتاب ماه کودک و نوجوان، خرداد.
- ۲- پاکباز، روبین (۱۳۹۳) نقاشی ایران (از دیرباز تا امروز)، چاپ دوازدهم، تهران: زرین و سیمین.
- ۳- پرتجان، الیزابت (۱۳۹۲) زیبایی و هنر، ترجمه: سعید خاوری‌نژاد، تهران: سوره مهر.
- ۴- داندیس، دونیس (۱۳۹۳) مبادی سواد بصری، ترجمه: مسعود سپهر، چاپ چهل و یکم، تهران: سروش.
- ۵- رمضان عرب، فرانک (۱۳۸۲) روح و رنگ (تاثیر روان رنگ‌ها در ادراک انسان)، فصل نامه طراحی، شماره صفر، کاشان.
- ۶- سیانسیلو پاتریشا (۱۳۸۰) انواع تصویرگری در کتاب‌های کودک، ترجمه: فاطمه زمانی، کتاب ماه کودک و هنرمندان، شماره ۵۰.
- ۷- سید حسینی، رضا (۱۳۹۱) مکتب‌های ادبی، جلد دوم، چاپ شانزدهم، تهران: نگاه
- ۸- گرانسیلو، پاتریشیاچی (۱۳۸۵) سبک‌های هنری در تصویرگری کتاب، ترجمه: سید محمد امیدروشناس، شماره ص ۲۰۴ سال ۹، شماره دو سال ۱۰-۹-۸ خرداد.
9. Ivins, William M. ,Jr. ,Prints and Visual Communication, London: Routledge and Kegan Paull, Ltd, 1953.

معماری همساز با اقلیم در نگاهی به ساختمان‌های تئاتر؛ نمونه موردی زاهدان

مهدی امیری^{۱*}، زهره اویسی کیخا^۲

۱- عضو هیات علمی دانشگاه ملی زابل، کارشناسی ارشد کارگردانی تئاتر، art.amiri@uoz.ac.ir

۲- عضو هیات علمی دانشگاه ملی زابل، دکترای تخصصی معماری

چکیده

تئاتر همچون دیگر جنبه‌های هنر انسان، نظیر شعر و ادبیات، نقاشی و هنرهای تجسمی، موسیقی، معماری و نیز همچون سایر مظاهر فرهنگی او نظیر باورهای اخلاقی و اعتقادات مذهبی اش، پدیده‌ای نمادین است و بنابراین معماری منسوب به آن نیز معماری نمادین خواهد بود. هدف از این تحقیق استفاده حداکثری از پتانسیل‌های محیطی در جهت صرفه جویی مصرف انرژی و بالا بردن کیفیت آسایشی در محیط و سالم سازی محیط زیست می باشد. در همین راستا و با در نظر گرفتن زاویه تابش، جهت تابش خورشیدی، جهت وزش بادهای مفید و مضر و توجه به اهمیت سایه ها در تابستان به ارائه دستورالعمل هایی متناسب با شرایط اقلیمی برای شهر پرداخته شده است. طبق نتایج حاصل مناسب ترین جهت استقرار ساختمان تئاتر در این شهر محدوده ای از ۳۵ درجه جنوب غرب تا ۶۰ درجه جنوب شرق به عنوان جهات قابل قبول می باشد. در خصوص جهت یابی صحیح معابر و خیابان ها، جهت شمالی جنوبی الویت نخست و جهت شمال غربی- جنوب شرقی الویت بعدی را داراست که در یک چنین شرایطی حداکثر تطابق را با شرایط اقلیمی دارا خواهد بود.

واژگان کلیدی: شاخص دمای، زاویه تابش، اقلیم شناسی، معماری همساز با اقلیم، تئاتر

۱- مقدمه

نمایش هنگامی در میان توده های مردم رواج می یابد که بتواند خواسته ها و آمال آنان را نقل کند و وقتی اجازه این کار را ندارد، توده مردم نیز گرایشی بدان نشان نمی دهد و حمایت خود را از آن سلب می کند. گزارشان و مورخان نیز در آثار خود اعتنایی به نقل آن نمی کنند. به دلایلی از این دست آثار نمایشی گذشته ما عموماً سینه به سینه، و به عنوان نمایش هایی عامیانه به دوران ما رسیده است. اگر باور کنیم که هیچ جامعه ای بی نیاز از نمایش نیست، در این صورت می توان تصور کرد که این نیاز از طریق انواع آئین های مذهبی، تعزیه، نقالی، نمایش های عروسکی، روحوضی، شاهنامه خوانی، بازی های قهوه خانه ای و انواع ورزش های نمایشی برآورده می شده و نیز گاه به نمایش های خلوت دربارها و خانه های اشراف، توسط گروه های کوچک و گمنام محدود می گردیده است. باید توجه داشت که عدم اطلاع ما از چگونگی و کاربرد همین شکل های نمایشی و عدم اطلاع از اینکه همین نمایش هایی که امروز برچسب عامیانه خورده اند، در پی کدام حقیقت بوده اند، دست و بال ما را در تحلیل تئاترهای موجود ایرانی می بندد. هنگامی که ایران با فرهنگ غربی آشنا شد، قالب های نمایشی موجود در ایران پاسخگوی نیاز های جامعه روشنفکران ایران نبودند.

اگر چه گروه های فراوانی تشکیل شدند و صاحب نظران صالحی یک چند در راه ارائه تئاتری سالم و اصیل و سرزنده بر اساس الگوهای غربی گام برداشتند، اما قادر نشدند در میان توده های وسیع جای پای باز کنند و تئاتر حرفه ای را در سطح جامعه بدل به یک نهاد فرهنگی سازند. بر این عدم اقبال علل چندی را می توان بر شمرد:

نخست آنکه تئاتر غرب تاریخ دراز و پر نشیب و فرازی را پشت سر نهاده و پا به پای تمدن غرب راه پیموده و به پایه امروزی خود رسیده است. پس برای استقرار چنان سنت محکمی چهل سال و پنجاه سال زمان زیادی نیست. دوم آنکه قالب پیشروان تئاتر در ایران شناخت وسیعی از جامعه خود در ایران نداشتند و کسانی که بعدها از پی آنها رفتند، پرستاب و بدون دریافت روشنی از سنت موجود در نمایش ایرانی به کار پرداختند. نکته سوم که شاید از همه مهم تر باشد، اینکه تئاتر نوین همچون نهادهای ادبی به ایران معرفی شد.

نمایشنامه های اولیه ایرانی ترجمه، اقتباس یا خلاصه شده نمایشنامه های غربی بودند. باری همراه این اقتباس ها شیوه های غربی در بازیگری، لباس، دکور و حتی ترتیب جایگاه تماشاگران نیز اتخاذ شد. باید دانست که اولاً تئاتر یک متن ادبی نیست. تئاتر تنها در صحنه و در مقابل تماشاگران تئاتر است و در بیرون از این دایره تنها متنی ادبی است که جزئی از تاریخ ادبیات محسوب می شود. ثانیاً نویسندگان نمایشنامه معمولاً از دل گروه های موجود نمایشی بر می خیزند یا به استخدام آنها در می آیند. پس سنت نمایشنامه نویسی جدا از محل اجرا، بازیگران، طراحان، روابط حرفه ای میان افراد گروه و روابط منطقی میان بازیگر و نویسنده و تماشاگر نیست.

هدف از این کلی گویی، انتقاد از پیشگامان تئاتر نوین ایران نیست. زیرا همین کوشش ها نیز جای قدردانی بسیار دارد، بلکه بازرسی کج روی ها و بدست آوردن دریافتی کلی و روشن از نارسایی های تئاتر ایران است که نزد بسیاری از علاقمندان و دست اندرکاران تئاتر بویژه جوانان ما شناخته نیست. تحولات سریع اجتماعی در ایران معاصر و اختلافات شدید فرهنگی میان اجراکنندگان تئاتر و قشرهای مردم از یک سو و وجود اختناق از سوی دیگر موجب شد که تئاتر ایران نتواند مسیری هموار و پیوسته و هماهنگ با نیازهای مبرم جامعه بیابد و همواره دچار تجربه گرای و تمرین در اشکال نوین تئاترهایی شد که مدام از غرب می آمد. از طرفی بحث های جدی و انتقادی درباره تئاتر در دهه های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰، یعنی اوج فعالیت های تئاتری در ایران و نقد اجراهای تجربی همواره سردرگم و بی حاصل بود. ارزش ها هرگز در جای درست خود ارزیابی نمی شد. گروه های فعال نمایشی نیز نتوانستند با نقادی صادقانه از وجوه مختلف کار خود. هنجاری مداوم و رشد یابنده بگیرند. بحث در لزوم داشتن تئاتری مطابق با استانداردهای جهانی و کوشش برای رقابت با پیشروترین تئاترهای موجود جهان از نیت این گفتار بیرون است اما باید یک حقیقت مهم را در نظر داشت. عرضه تئاتر جهانی، یا هر چیز جهانی برای صدور فرهنگ لازم است. صدور فرهنگ زنده و پویا جدا از صدور کالا و دست یافتن به بازارهای جهانی نیست.

۲-پیشینه تحقیق

محمدی (۱۹۸۷) در کتاب آب و هواشناسی کاربردی به بررسی چگونگی ارتباط اقلیم و معماری پرداخته و شکل معماری و بناهای نواحی مختلف ایران را با توجه به شرایط اقلیمی بیان کرده است.

سلیقه (۱۹۸۵) به مدل سازی مسکن همساز با اقلیم برای شهر چابهار پرداخته است. طاوسی و همکاران (۱۹۸۸) به مطالعه اقلیم و معماری مدارس شهر اصفهان پرداخته اند. طبق یافته های آن ها مدارس مورد بررسی از نظر جهت استقرار و نحوه قرارگیری با استانداردهای اقلیمی این شهر تطابق داشته و با توجه به جهت استقرار پنجره ها تهویه طبیعی اکثر مدارس مناسب بوده است.

عبدلی و فصیحی (۱۹۸۶) به تاثیر اقلیم شهر تهران بر میزان مصرف انرژی در ساختمان های مسکونی پرداخته اند. ان ها شرایط اقلیمی مربوط به شهر تهران را بررسی نموده و در نهایت اهداف عمده طراحی اقلیمی در این شهر را شناسایی کرده اند و راهکارهایی در جهت بهین سازی مصرف انرژی و افزایش آسایش ساکنین از طریق طراحی اقلیمی ارائه نموده اند.

عسکری نژاد (۱۹۸۶) به مطالعه معماری همساز با اقلیم پرداخته و روش هایی بسیار ارزان و اجرایی برای بهره بردن از شرایط اقلیمی در جهت تامین آسای فضای زندگی را معرفی و جلوه هایی از معماری همساز با اقلیم در ابنیه سنتی ایران را مورد توجه قرار داده است. نورپاس (۱۹۸۷) به مطالعه سنتی ایران با توجه به ساخت و ساز پایدار در چهار اقلیم پرداخته است.

۳- شناخت ملزومات محتوایی و بیانی فضا و معماری پروژه

معماری، به مثابه پدیده ای چند بعدی همواره از تمامی مولفه های زمان خود، در تمامی عرصه های فکری، تاریخی، اجتماعی و کالبدی متأثر می گردد و محصول نهایی کار خلاقانه معمار، مجموعه فضایی است که علاوه بر اینکه توان در برگیری فعالیت های مشخص و تعریف شده ای را دارد، نسبت به نمادها و نشانه های دیر پای اندیشه و فرهنگ انسان نیز حساسیت نشان داده و متقابلاً زوایایی از روح او را به تصرف خویش در آورد. به دیگر سخن، همانگونه که رقص، آئین های سنتی و هنر نمایش، چند و چون زندگی انسان و طرز تلقی او را از جهان، نشان می دهند، معماری او نیز نمود و بیانی از روابط و مناسبات فکری و اجتماعی او نوع برداشت او از جهان پیرامونش است. بدینسان اثر نمادین نه می تواند و نه باید به این جنبه های گوناگون زمانی و مکانی، که پیرامون او را احاطه کرده اند بی اعتنا بماند و یا در آنها تامل نکند.

۴- هنر نمادین

صحنه تئاتر محل ظهور خالص ترین احساسات انسان در رابطه با دیرپاترین مسائل او در فضای زندگی اجتماعی اش است، نمایش به انتزاعی ترین شکل خود به اصلی ترین مسائل انسان می پردازد و همچون سایر آئین ها که یا ریشه در اعتقادات مذهبی انسان دارند و یا از اساطیر فرهنگ کهن آنها سیراب می شوند. از نمادین ترین اشکال فرآورده های آنها است. عرصه بروز در یافت های روح حساس هنرمند از هستی و روابط انسان ها با یکدیگر و تقلی او از خیر و شر و نیروهای طبیعی موثر در زندگی اش و همچنین تظاهر دردهای انسان در زندگی اجتماعی اش و در جبرهای زمانی و مکانی اش، روی صحنه نمایش است، چنانکه از همین مکان نیز آمال و آرزوها و امید خود را به افق آینده باز می نمایند. بدینسان تئاتر نیز همچون دیگر جنبه های هنر انسان، نظیر شعر و ادبیات، نقاشی و هنرهای تجسمی، موسیقی، معماری، و نیز همچون سایر مظاهر فرهنگی او نظیر باورهای اخلاقی و اعتقادات مذهبی اش، پدیده ای نمادین است و بنابراین معماری منسوب به آن نیز معماری نمادین خواهد بود. معماری که حیطه تعلق خود را به عرصه ای فراتر از روابط عملکردی فضاها و الزامات کمی نسبتها توسعه داده و با کلیت علائم، خاطره ها و نشانه ها در فرهنگ کهن بشری پیوند می خورد.

۵-انواع نمایش از نظر وسعت اجرا

۵-۱-نمایش عمومی و درام سمفونیک

مشخصات عمومی: اپیزودهای نمایشی، دسته ها، موزیک مارش، رقص ها، صحنه ها و رویدادهای پر جمعیت، تعداد زیادی از اجرا کنندگان بطور ساده اما با حرکات زیاد در مقابل تماشاچیان ظاهر می شوند.
اندازه سن: حداقل ۱۸۰ متر مربع و حداکثر ۴۵۰ متر مربع. اندازه بستگی به مقیاس نمایش دارد.
شکل: چهار گوش با نسبت بین ۱ به ۳ و ۲ به ۳.

ترتیب: بیشتر سن بر خط دید عمومی عمود می شود و صندلی های تماشاگران در شیب قرار می گیرد تا آنها بتوانند حرکتی دو بعدی را ببینند. بازشوهای بزرگ در انتها و در گوشه مقابل تماشاگران برای ورود و خروج های گروهی ایجاد می شوند.

پروسنیوم (صحنه): پروسنیوم وجود ندارد، بازیگران از پشت صحنه وارد می شوند و در اطراف دیوارهایی برای استتار وسایل پشت صحنه وجود دارند، برای مخفی کردن فضای نمایش از پرده، پانلهای متحرک و چشمه های نوری و برای پنهان کردن صحنه از تاریکی استفاده می شود.

ارکستر: فضایی به گنجایش صد نوازنده بین تماشاگران و سن، رهبر ارکستر باید از نظر دید به نمایش مسلط باشد.

عرض صحنه نمایش:

درام: حداقل ۷،۷ متر مربع و معمولی ۵، ۱۰-۹ متر مربع و حداکثر ۱۲ متر مربع.

۵-۲- اپرای بزرگ

مشخصات عمومی: عده زیادی از اجرا کنندگان در یک زمان روی سن حاضر شده و اغلب بیش از صد نفر در نمایشهای بزرگ و فینالها، روی صحنه می آیند. نمایشها مربوط به دسته های نظامی و رقص های گروهی با لباس های ویژه و یکجور می باشد. تکنوازیها در مراکز پائین صحنه و نزدیک به ردیف چراغهای جلو اجرا می شود. در محدوده سن اصلی، بازیگران بصورت جفت و گروهی در محوطه نزدیک تماشاگران بازی می کنند. دسته کر و بقیه به فضای بالای صحنه نیاز دارند. باله، دسته کر، زوار و گروه دهقانان گاهی همه فضای سن را اشغال می کنند. تماشاگران نمایش را بطور واقعی می بینند و ارتباط نزدیک بین آنها و اجرا کنندگان لازم نیست.

اندازه سن: حداقل: ۹۰ متر مربع. معمولی: ۲۲۵ متر مربع، حداکثر: ۳۶۰ متر مربع.

شکل: چهار گوش با نسبت بین ۱ به ۲ و ۲ به ۳. اضلاع کناری به طرف پشت صحنه، به هم نزدیک می شوند، تا اندازه ای که آخرین صندلی های کناری قادر به دیدن انتهای صحنه باشند.

ترتیب: بعد بیشتر بر خط دید عمومی عمود می شود و صندلی های تماشاگران در شیب قرار می گیرد تا آنها بتوانند دو بعد حرکتی را ببینند.

پروسنیوم (صحنه): عرض با بعد بیشتر سن (فضای نمایش) مساوی است.

ارکستر: موزیک و سخنان همراه با موزیک، درام کوچک را کامل می کند. گود ارکستر به گنجایش ۱۵ الی ۳۰ نوازنده می باشد.

عرض صحنه نمایش: حداقل: ۹۰ متر مربع. معمولی: ۵، ۱۰ متر مربع. حداکثر: ۱۳، ۵ متر مربع.

۵-۳- نمایش فرم

مشخصات عمومی: شامل حرکات پرمعنی، گویا و زیبایی انسانی در الگوهای کلاسیک فضایی از صحنه را بازیگران اشغال می کنند. قسمت دیگر مربوط به قطعاتی است برای دو، سه یا چهار نفر و یا یک گروه نواخته می شود و سوم مکانی از صحنه است که حرکات در آنجا انجام می شود و باید بیشترین وضوح دید را داشته باشد.

اندازه سن: حداقل: ۶۳ متر مربع. حداکثر: ۱۰۸ متر مربع.

شکل: لوزی مانند با نسبت حدود ۳ به ۴ امکان دارد تماشاچیان صحنه را احاطه کنند. (صحنه باز یا صحنه به شکل میدان در وسط) چون منظر جلوی اجرا کنندگان کمترین اهمیت و کیفیت فضای پر شده بیشترین اهمیت را دارا است.

ترتیب: حرکات در میدان سن و در جهات مختلف در طول قطر لوزی انجام می شود، بسیاری از فیگورها و حالات به حرکات دایره وار نیاز دارند. مطلوب ترین ورودیها به صحنه برای این نوع حرکات نمایشی از گوشه ها و دو طرف سن است.

پروسنیوم (صحنه): وجود جلوی صحنه زیاد ضروری نیست. هرچند برای پنهان کردن آلات نور، موسیقی و بازیگرانی که در مدخلهای ورود به صحنه در انتظارند، مفید است. اما تدابیر دیگری مانند راهروها، پانلهای متحرک و پرده را می توان بکار برد.

ارکستر: موزیک همیشه افراد را همراهی می کند. در حرکاتی که به صورت قسمتی از اپرا یا نمایش و موسیقی هستند، ارکستر در گود جای می گیرد و در باله که دارای حرکاتی آرام و ملایم است ارکستر در خارج صحنه قرار می گیرد و صدای موزیک به داخل هدایت می شود. بیشترین اعضا گروه ارکستر برای باله های کلاسیک ۶۰ نوازنده در گود و حداقل یک طبال است.

۵-۴- کمدی موزیکی و درام موزیکی

مشخصات عمومی: این نوع موزیکها، مقیاس کوچکتر از اپرای بزرگ اند که باعث می شوند نمایشها با موزیک همراه شوند و روح تازه ای به نمایش بخشیده شود. ارتباط بیننده با تکنواز مانند آنچه که در درام همراه با حرکات موزون نمایشی گفته شد نزدیک می باشد. صحنه های بزرگ، بسیاری از بازیگران و خوانندگان را در بر می گیرد و ممکن است ۵۰ نفر در یک زمان روی صحنه ظاهر شوند.

اندازه سن: حداقل: ۵۴ متر مربع. معمولی: ۱۰۸ متر مربع. حداکثر: ۱۶۲ متر مربع.

شکل: جلوی صحنه نمایش، لوزی مانند به نسبت بین ۱ به ۲ و ۲ به ۳. اضلاع کناری به طرف پشت صحنه به هم نزدیک می شوند تا آخرین صندلیهای کناری قادر به دیدن انتهای صحنه باشند. میدان (صحنه در وسط): دایره، مربع، مربع مستطیل (با نسبت ۳ به ۴) یا بیضی (۳ به ۴).

ترتیب: جلوی صحنه: محور بلند سن بر خط دید بهینه عمود می شود. سازه های ماشینی قابل جابجایی برای تغییر در ترتیب سن مطلوب است. میدان: ورودیهای عریض برای بازیگران از طریق راهرو یا از میان تونلهای زیر محلهای نشستن وجود دارد. استفاده از رامپ بر پله ارجحیت دارد و بهتر است صحنه توسط آسانسورها قابل جابجایی باشد و نیز سیستمهای موقتی بالای سن تعبیه شود.

پروسنیوم (صحنه): معمولاً به اندازه پهنای سن است. اما قابل تطبیق با تغییرات سن که در ستون قبل توضیح داده شده می باشد. میدان نمایش ندارد.

ارکستر: گاهی لازم است که اجرای موزیک به عنوان یک بخش اصلی بخوبی دیده شود. لذا سطح کف بالاتر آمده و ۲۰ الی ۴۰ نوازنده را در خود جای می دهد.

میدان: محل قرارگیری گروه ارکستر در کنار سن به موازات محور بلند و رو به روی ورودی های اصلی است. به تاچار جهت اجرا کننده به طرف گروه ارکستر برمی گردد و صندلیها نیز در همین جهت قرار می گیرند.

عرض صحنه نمایش:

کمدی موزیکال: حداقل: ۹ متر مربع. معمولی: ۱۰ متر مربع. حداکثر: ۱۳ متر مربع.

گروه اپرا: حداقل: ۹ متر مربع. معمولی: ۱۲ متر مربع. حداکثر: ۱۵ متر مربع.

ملاحظات: حرکات موزون گروه زیادی از اجرا کنندگان نمایش کمدی موزیکال احتیاج به یک خط دید عمومی وسیع برای تماشاگران را مطرح می کند.

۵-۵- درام تئاتری:

نمایشی که باید فقط بصورت تئاتر اجرا شود و نه در سینما یا تلویزیون. **مشخصات عمومی:** درام تئاتری، نسبت به بقیه انواع تئاتری، بیشترین تاکید را بر مقیاس فرد هنرپیشه دارد. اهمیت هنرپیشه ایجاب می کند که فضای صحنه نمایش او را پنهان نکند. سن خیلی کوچک، باعث می شود که هنرپیشه ها و مبلمان صحنه بطور فشرده در یک جا جمع شوند، از حرکات در صحنه جلوگیری می کند و از تاثیر درام که هدف اصلی نمایش است، می کاهد. سن خیلی بزرگ نیز از نظر مقیاس هنرپیشه را تحقیر کرده و اجرای او را با تضعیف ژستها و حرکاتش بی تاثیر می نماید.

اندازه سن: حداقل: ۶، ۲۱ متر مربع. (۶ و ۳ متر در ۶ متر) معمولی: ۴۷ متر مربع. (۴، ۵ متر در ۱۰ متر) حداکثر: ۹۰ متر مربع. (۵، ۷ متر در ۱۲ متر).

شکل: جلوی صحنه نمایش: چهار گوش با نسبت حدود ۱ به ۲. اضلاع کناری به طرف پشت صحنه، به هم نزدیک می شوند تا اندازه ای که آخرین صندلی های کناری قادر به دیدن انتهای صحنه باشند.

صحنه باز: نیم دایره، چهار ضلعی یا کثیرالاضلاعی است که پیش آمده تا جلوی صحنه نمایش را ایجاد کند.

میدان نمایش: دایره، مربع، مربع مستطیل یا بیضی (۳ به ۴). ورودیها از گوشه ها قطری اند و وسط یک یا هر دو کناره ها بلندتر می باشد.

ترتیب: اجرای این نوع درام، کاملاً جلوی سن انجام می گیرد از صحنه بصورت پیش بند استفاده نمی شود. اکثر نمایش های تاریخی و درامهای جدید، نسبت به نمایشهای واقعی که به طرف، میدان و دور تماشاگران اجرا می شوند.

۶- معماری همساز با اقلیم

با اندکی توجه به معماری ایرانی در می یابیم که بیشترین توجه به همسازی بنا با شرایط اقلیمی بوده، چرا که نبودن سیستم های مکانیکال برای بهبود شرایط، معمار را وادار می نمود تا از نیروهای طبیعی و مصالح به نفع اصلاح شرایط اقلیمی حداکثر استفاده را به عمل آورد که این امر ناخودآگاه موجب رسیدن شهرها و معماری ایران به شرایط مطلوب و پایدار گشت. لذا بهتر است شرایط معماری اقلیمی به عنوان یکی از عمده ترین معیارهای سنجش مورد بررسی قرار گیرد چرا که این وسیله اهرم موثر در راه رسیدن به معماری پایدار چه به لحاظ مسائل زیست محیطی و مطلوبیت کالبدی برای ساکنین مطرح می باشد.

از نظر اقلیمی، پایه و اساس شکل گیری محیطهای مسکونی، آسایش حرارتی انسان و فراهم ساختن شرایط محیطی مناسب برای بهتر زیستن است. به عبارت دیگر، هدف از مطالعات اقلیمی در این ارتباط، ایجاد فضاهائی است که بتوان با مصرف حداقل انرژی فسیلی، شرایط محیطی مناسبی در آنها ایجاد نمود.

فضاهای آزاد، بخش عمده ای از محیط های مسکونی را تشکیل می دهند و همواره قسمتی از فعالیتهای روزمره انسان در این فضاها صورت می گیرد. در چنین فضاهائی، عناصر اقلیمی به طور مستقیم بر انسان تاثیر می گذارد و تنها عامل تعدیل کننده تاثیر این عناصر بر آسایش انسان، نوع لباس و میزان فعالیت فرد است.

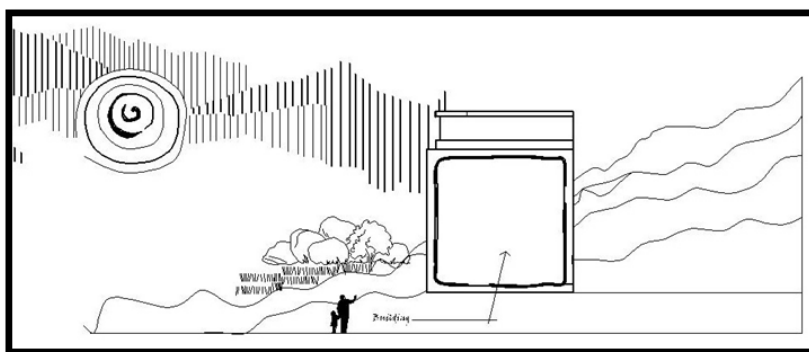
منظور از شرایط آسایش انسان یا به اصطلاح "منطقه آسایش" مجموعه شرایطی است که از نظر حرارتی حداقل برای ۸۰ درصد از افراد مناسب باشد. آسایش حرارتی انسان به عوامل متعددی از جمله چهار عنصر اقلیمی، دمای هوا، رطوبت هوا، تابش آفتاب و جریان هوا بستگی دارد. البته احساس نهائی انسان در برابر شرایط حرارتی محیط به عوامل غیر اقلیمی مانند نوع لباس، قدرت سازگاری و عادت به شرایط اقلیمی، سن و جنس، شکل ظاهری، مقدار چربی زیر پوست، وضعیت بدن از نظر تندرستی، نوع غذا و نوشیدنی های مصرف شده و رنگ پوست نیز ارتباط دارد.

۷- روش‌های دستیابی به اهداف عمده طراحی اقلیمی در اقلیم خشک

توجه به اهداف عمده طراحی اقلیمی در هر یک از گروه‌های اقلیمی کشور و پیش بینی مواردی در جهت تحقق بخشیدن به این اهداف، موجب سازگاری و هماهنگی ساختمانها و به طور کلی، محیط‌های مسکونی با شرایط اقلیمی، صرفه جویی در مصرف انرژی در ابعاد مختلف و باعث هویت یافتن معماری در هر اقلیم خواهد شد، همچنان که معماری سنتی مناطق مختلف کشور، هویتی خاص خود دارد. بدیهی است، دستیابی به اهداف عمده طراحی اقلیمی به روشهای گوناگون امکان پذیر است، با توجه به کلیه جوانب امر می‌توان مناسب‌ترین روش‌ها را برای طرح مورد نظر انتخاب نمود. در این بخش به عنوان راهنمای کلی، در مورد هریک از ۱۲ هدف مطرح شده، به مواردی که می‌توان با رعایت آنها، به هدف مورد نظر دست یافت اشاره می‌شود، این اهداف به ترتیب اولویت عبارتند از:

۷-۱- کاهش اتلاف حرارت ساختمان

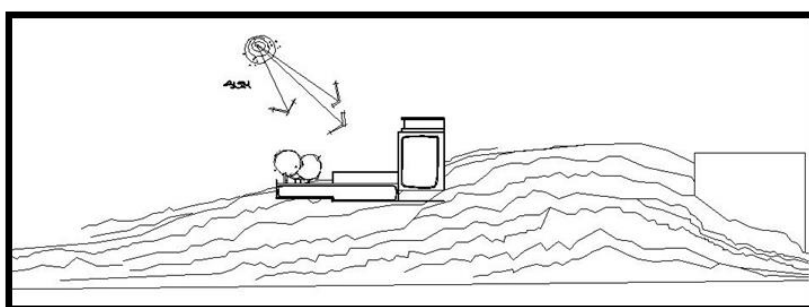
اجتناب از احداث ساختمان در شیب‌های منفی و فرو رفتگی‌ها



تصویر ۱

کاهش تاثیر باد در اتلاف حرارت ساختمان:

اجتناب از انتخاب قسمت‌های فوق تپه‌ها برای ساختمان سازی. بهترین محل قسمت فوقانی شیب است.



تصویر ۲

۷-۲- بهره‌گیری از انرژی خورشیدی در گرمایش ساختمان:

استقرار ساختمان در جهت تابش حداکثر انرژی خورشیدی در مواقع سرد.

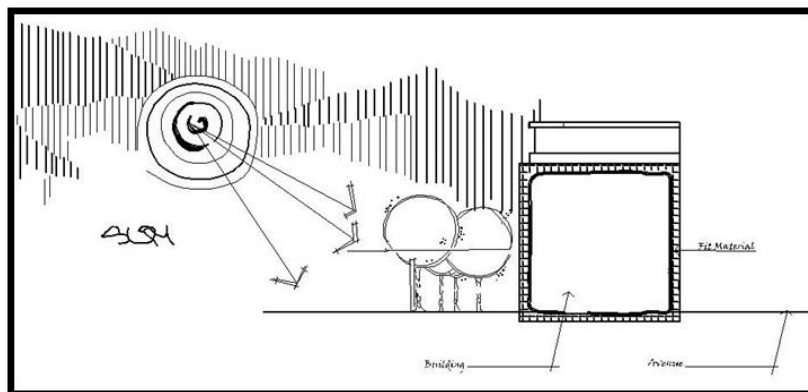
محافظت ساختمان در برابر تابش آفتاب:

۱. در صورت امکان اجتناب از ایجاد بازشوها رو به شرق یا غرب.
۲. استقرار ساختمان در جهت تابش حداقل انرژی خورشیدی در مواقع گرم.

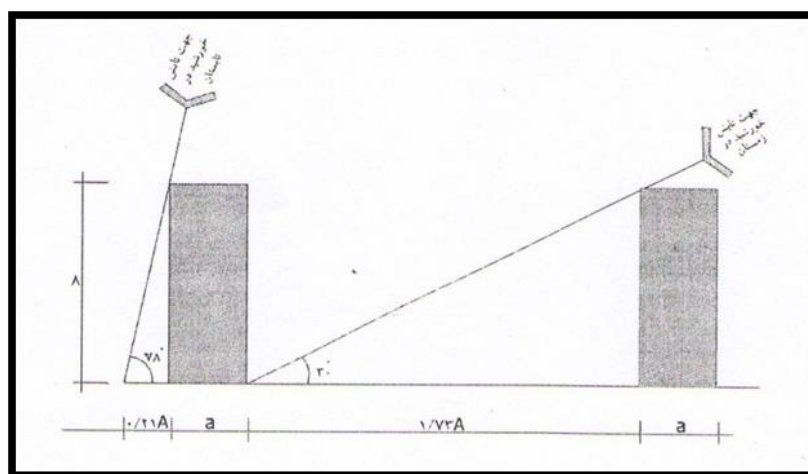
۳. انتخاب مصالح مناسب برای محوطه اطراف ساختمان به منظور به حداقل رساندن کسب حرارت.
۴. استفاده از درخت های خزان دار به منظور ایجاد سایه بر روی ساختمان و خنک سازی در مواقع گرم.

بهره گیری از نوسان روزانه دمای هوا:

۱. استفاده از مصالح ساختمانی سنگین و متراکم (با ظرفیت حرارتی زیاد) و عایقهای حرارتی یکپارچه در سطوح خارجی.



تصویر ۳



تصویر ۴- الگوی پیشنهادی فواصل ساختمانها

۲. انتخاب مصالح مناسب برای محوطه اطراف ساختمان به منظور به حداقل رساندن کسب حرارت.
- استفاده از درخت های خزان دار به منظور ایجاد سایه بر روی ساختمان و خنک سازی در مواقع گرم

۸- تاثیرات جهات وزش باد در استقرار ساختمان:

علاوه بر گرمای حاصله از خورشید جریان باد نیز در جهت استقرار بنا تاثیر دارد، با توجه به آمار هواشناسی در مورد جریان باد در منطقه متوجه می شویم وزش باد در تهران محدودیتهائی را از لحاظ انتخاب جبهه بادگیری ایجاد می کند. لازم به یادآوری است که همانگونه که در قسمت ابتدائی گزارش بوسیله نموداری وضعیت کلی وزش باد در منطقه شهری تهران مشخص شد، عموماً دسترسی به جریان باد مطبوع از اهمیت فوق العاده برخوردار است و فاصله ساختمانها از یکدیگر باید به گونه ای باشد که باد مطبوع منطقه ای و محلی به سادگی به پنجره اطاقهای اصلی رسیده و وارد اطاق گردد. بهترین جهت

گیری ساختمان در رابطه با باد باید جهتی باشد که بادهای مطبوع محل در محدوده بادهای موثر به ساختمان بوزد و همچنین بادهای مضر در محدوده بادهای بی اثر به ساختمان قرار داد. در صورتیکه باد مطبوع در محدوده بادهای نیمه موثر یک جبهه ساختمان قرار گیرد، لازم است با ایجاد موانعی از قبیل درخت، دیوار و ... آن جبهه ساختمان را از وزش باد مزاحم محفوظ داشت. با توجه به نمودار وزش باد در شهر تهران، محدوده بادهای موثر، نیمه موثر و بی اثر در به جریان انداختن هوای داخل ساختمان بر روی دو جبهه طولانی تر یک ساختمان مستطیل شکل را می توان شناخت و با توجه به اینکه در سه ماه دسامبر، ژانویه و فوریه تهران متوسط میزان رطوبت به ۷۰٪ می رسد. جریان موثر باد می تواند در کنترل رطوبت هوای محل نیز تاثیر خود را بگذارد. وضعیت تهویه طبیعی، یا میزان تعویض هوای داخل یک ساختمان یکی از عوامل اولیه تعیین کننده سلامت و راحتی انسان می باشد. تهویه طبیعی به دو صورت، یکی مستقیم و دیگری غیر مستقیم بر انسان تاثیر می گذارد. از یک سو پاکی و سرعت جریان هوا در داخل ساختمان بطور مستقیم بر انسان اثر کرده و از سوی دیگر وضعیت تهویه از طریق تاثیر بر دما و رطوبت هوا و سطوح داخلی ساختمان بطور غیر مستقیم انسان را تحت تاثیر قرار می دهد.

بطور کلی تهویه طبیعی دارای سه عملکرد مختلف در ساختمان است:

الف) تامین هوای قابل تنفس در داخل ساختمان بوسیله جانشین ساختن هوای تازه خارجی بجای هوای کثیف و مصرف شده داخلی.

ب) ایجاد آسایش فیزیکی بوسیله بالا بردن کاهش دمای اضافی بدن از طریق تبخیر نمودن عرق ایجاد شده بر روی پوست و همچنین از طریق برطرف نمودن ناراحتی که در اثر خیس شدن سطح بدن از عرق بوجود می آید.

ج) ایجاد آسایش فیزیکی در داخل ساختمان بوسیله خنک نمودن جسم ساختمان، هنگامیکه هوای داخلی گرمتر از هوای خارج است.

۹- استانداردهای طراحی

در این فصل با برخی از مسائل تکنیکی و فنی که در طراحی و ساخت یک سالن تاثیر باید مورد توجه قرار گیرد. می پردازیم و تحت عنوان ساختمان تاثیر این گونه مسائل و بطور کلی استانداردهای موجود در زمینه طراحی و ساختن یک سالن مطلوب را مورد توجه قرار می دهیم. استانداردهای ضوابطی که اجرای هر چه بهتر و اصولی آنها فضایی راحت در اختیار استفاده کنندگان طراحی می دهیم پس از آنکه به جزئیات این مبحث بپردازیم، دانستن بعضی نکات نسبتاً عمومی لازم است که بطور مختصر بیان می کنیم:

در جهت داشتن سالتی مناسب در اولین گام باید به ۲ نکته مهم توجه کنیم.

۱- اینکه در این سالن چه نوع نمایی قرار است اجرا شود که به تبعیت آن در جزئیات سالن نیازهای مربوط به آن خاص نمایش در نظر گرفته شود.

۲- چه ظرفیتی با سالن مزبور مورد نیاز است. ظرفیت سالن از مهم ترین عوامل شکل دهنده سالن و در واقع ارجاع دهنده در طراحی می باشد.

۱۰- مواد و روش ها

امروزه به کار گیری نسل جدیدی از شاخص های اقلیم آسایشی تحت عنوان شاخص های فیزیولوژیکی -دما شناخته می شوند. در مطالعات اقلیم شهری و زمینه های کاربردی دیگر جمله گردشگری (ماتزاراکیس: ۲۰۰۱)، ذوالفقای (۱۳۸۷)، (اسماعیلی و همکاران: ۱۳۸۹) سلامتی (دیسای ۲۰۰۳)، گائون (۱۹۹۶؟) بسیار مورد توجه محققان قرار گرفته است. یکی از مقبول ترین و پرکاربردترین این شاخص ها، شاخص دمای معادله فیزیولوژیکی می باشد. که بر اساس بیان انرژی بدن انسان استوار بوده و تاثیر شرایط آب و هوا شناختی (تابش طول موج کوتاه و بلند، دمای هوا، رطوبت نسبی و سرعت باد) و

ترمو فیزیولوژی (ابرناسی)، فعالیت انسان را بر روی انسان تشریح می سازد. در تعریف این شاخص برای موقعیت بیرون از منزل می توان گفت دمایی است که در طی آن در یک اتاق نمونه بیلان حرارتی بدن (نرخ سوخت و ساز با کار سبک ۸۰ وات بر نرخ سوخت و ساز پایه و ارزش نارسایی لباس در حد ۰/۹ کلو) با دمای محیط گوشت و دمای مرکزی بدن در شرایط بیرون از منزل در تعادل باشد (ذوافقاری، ۱۳۷۸) در جدول ۱ آستانه های عددی طبقه بندی این شاخص همراه با وضعیت توصیفی شرایط فیزیولوژیکی و حساسیت گرمایی آورده شده است.

جدول ۱- مقادیر آستانه شاخص در درجات مختلف حساسیت انسان

PET	حساسیت گرمایی	درجه تنش فیزیولوژیکی
	بسیار سرد	تنش سرمایی بسیار زیاد
۴	سرد	تنش سرمایی زیاد
۸	خنک	تنش سرمایی متوسط
۱۳	کمی خنک	تنش سرمایی خفیف
۱۸	آسایش	بدون تنش
۲۳	گرمای خفیف	تنش گرمایی خفیف
۲۹	گرم	تنش گرمایی متوسط
۳۵	داغ	تنش گرمایی زیاد
۴۱	بسیار داغ	تنش گرمایی بسیار زیاد

منبع (ماتزارکیس و مایر: ۱۹۹۶)

جهت محاسبه این شاخص به چهار نوع داده ها به شرح زیر نیاز است.

- ۱- دسته اول متغیرهای موقعیتی شامل طول، عرض و ارتفاع منطقه مورد مطالعه می باشد.
- ۲- دسته دوم متغیرهای هواشناسی شامل دمای هوای خشک بر حسب درصد، سرعت باد بر حسب متر بر ثانیه و میزان ابرناکی بر حسب اکتا می باشد.
- ۳- دسته سوم متغیرهای فردی شامل ویژگی های فیزیولوژیک موثر که شامل قد، وزن، سن و جنسیت می باشد.
- ۴- دسته چهارم متغیرهای مربوط به نوع پوشش و فعالیت است.
- ۵- بدلیل فقدان ایستگاه همدید در شهر زاهدان از داده های اقلیمی ایستگاه همدید استفاده شده است. داده های مورد استفاده بر حسب روزانه و برای دوره آماری ۱۳۸۸ تا ۱۳۶۶ و بر اساس تاریخ خورشیدی تنظیم و تهیه شده است. متغیرهای دسته سوم و چهارم به صورت پیش فرض در مدل قرار داده شده اند. جدول ۲ محاسبه یک نمونه با شرایط پیش فرض آورده شده است. با توجه به پیچیده و وقت گیر بودن محاسبه یک نمونه با شرایط پیش فرض آورده شده است. با توجه به پیچیده و وقت گیر بودن محاسبات این دسته از شاخص های مدل و نرم افزار های رایانه ای تهیه شده و در این تحقیق از مدل ریمن جهت محاسبه شاخص مورد مطالعه استفاده شده است این مدل توسط ماتزاراکیس جهت مطالعات میکرو کلیمای شهری و اقلیم آسایشی طراحی و توسعه داده شده است این تحقیق ابتدا با استفاده از شاخص دما_ فیزیولوژیک به ارزیابی شرایط اقلیم آسایشی شهر نهبندان در یک مقیاس روزانه پرداخته است. سعی شده تا در این تحلیل دوره های سرد و گرم و همچنین آسایش و تضاد های اقلیم آسایشی در طی سال مشخص شود و در نهایت با در نظر گرفتن موقعیت نسبی شهر، باد غالب و جهت وزش بادهای مفید و مضر و همچنین زاویه و جهت تابش خورشید به ارائه نحوه صحیح استقرار معابر و ساختمان ها پرداخته شود.

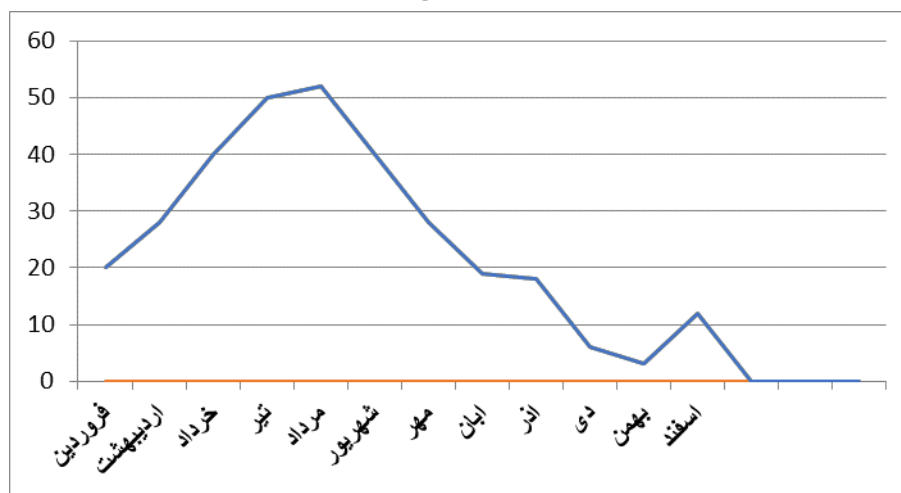
جدول ۲

پارامترهای بدن	پارامترهای فیزیولوژیک	پارامترهای هواشناسی
قد ۱۶۸ سانتی متر	تولید حرارت داخلی -۲۴۸ ولت	TA=30
وزن ۶۷ کیلوگرم	دمای متوسط پوست ۳۵/۱ سانتی گراد	TMRT=60
سن ۲۸ سال	دمای هسته ای بدن ۳۶/۵ سانتی گراد	RH=50%
لباس ۸/۸ کلو	رطوبت بدن ۴۹ درصد	V=1M/S
فعالیت ۳/۵ کیلومتر بر ساعت	تلفات آب ۴۹۸ گرم در ساعت	PET=43
	تلفات حرارتی تعرق ۲۸ ولت	
	عرق نامحسوس ۱۲ وات	
	همرفت ۱۵۳ ولت	
	تابش خالص ۲۴۴ وات	

۱۱- تجزیه و تحلیل

نتایج حاصل از شاخص برای شهر نهبندان می باشد که به صورت روزانه و بر حسب ارزش عددی حساسیت گرمایی جدول ۱ ارائه گردیده است.

بر اساس نتایج حاصله دوره آسایش در این شهر کونه و محدود به دوره ۴۵ روزه که عمدتاً آبان و فروردین اتفاق می افتد. این در حالی است که ۱۵۹ روز دوره گرم و داغ و ۷۰ روز دوره سرد را در این شهر طی می کند اما نکته قابل توجه تضاد آسایش بین فصول سرد و گرم می باشد به گونه ای که تقریباً از اواخر اردیبهشت تا شهریور شرایط حرارتی خیلی داغ و گرم حاکم است و از اواسط آذر تا اوایل اسفند ماه شرایط سرد برقرار می باشد.



نمودار ۱- طبقه بندی ماهانه شاخص بر حسب حساسیت گرمایی شهر نهبندان

۱۲- ارائه دستور عمل جهت استقرار بهینه ساختمان

یکی از مهم ترین عواملی که در شکل گیری محیطهای انسانی تاثیر گذار می گذارد، جهت استقرار ساختمان ها و شبکه دسترسی می باشد. در تعیین جهت استقرار ساختمان همواره باید به شرایط بخصوص ویژگی های تابش و وزش های مفید و مضر توجه گردد. به علاوه عواملی چون دسترسی، شیب و توپوگرافی زمین ارتباط با ساختمان اطراف و چشم انداز نیز می بایست مد نظر قرار گیرند. (کسمایی ۱۱۰، ۱۳۶۳). با در نظر گرفتن همه عوامل ذکر شده اولویت های استقرار ساختمان را ب ترتیب زیر می توان دکر کرد.

- ۱- کسب حداقل انرژی خورشیدی در مواقع گرم سال
 - ۲- جلوگیری با کاهش تاثیر بادهای گرم و مضر به فضاهای داخلی و خارجی ساختمان
 - ۳- کسب انرژی خورشیدی در مواقع سرد سال
 - ۴- استفاده بهینه از جریان هول و تهویه توسط بادهای مفید. با توجه به اقلیم گرم و خشک فیض آباد و دارا بودن تابستان هایی طولانی اولویت اصلی کسب حداقل انرژی خورشیدی در مواقع گرم سال می باشد.
- اولین گام مشخص ساختن موقع گرم و سرد سال می باشد که این مساله با مدل های مختلف بررسی گردید. میزان انرژی خورشیدی تابیده شده بر سطوح قائم می باشد. میزان انرژی خورشیدی تابیده شده بر سطح عمودی بر حسب زاویه چرخش خورشیدی تابیده شده بر سطح عمودی بر حسب زاویه چرخش خورشید در مواقع مختلف سال (در فصل سرد و گرم) به صورت تئوریک محاسبه می شود و توجه به کسب حداقل انرژی در فصل گرم سال و حداکثر آن در فصل سرد بسیار ضروری است. بر اساس محاسبات انجام گرفته .
- یکی دیگر از عوامل در تعیین مناسب ترین جهت ساختمان، توجه به وزش بادهای مضر و مفید می باشد که این بادهای در منطقه دو نوع هستند.
- بادهای سرد زمستانی که با توجه به زمستان سرد و خشک شهر زابل از ارتفاعات شمال و شمال شرقی می وزند.
- بادهای گرم تابستانی که از سمت جنوب غرب و غرب از سمت کویر می وزند. که معمولا همراه با توفان های ماسه و گرمای سوزان می باشد. لذا می بایست جهت گیر ساختمان به گونه ای باشد که این بادهای در محدوده بی اثر واقع شوند. جهت بادهای در محدوده بی اثر واقع شوند. جهت باد نسبت به ساختمان ممکن است در یکی از محدود های موثر نیمه موثر و یا بی اثر قرار گیرد که در این ارتباط محدوده بادهای موثر به ساختمانها حداکثر ۵۰ درجه به سمت چپ و راست نسبت به محور عمود بر ساختمان قرار داشته و محدوده بادهای نیمه موثر بین زاویه ۲۵/۵ درجه تا ۴۵ درجه نسبت به محور عمود بود .
- زاویه بادهای بی اثر در محدوده موازی با نمای ساختمان تا زاویه ۲۵/۵ درجه می باشد. بر این اساس جهت ساختمان را باید به نحوی پیشنهاد نمود که بادهای مضر منطقه حتی الامکان در محدوده بی اثر قرار گیرند.
- جهت بادهای از شمال شرق می باشد و بادهای گرم تابستانی از سمت غرب و جنوب غرب می وزد، اولویت با دفع بادهای سرد زمستانی از سمت شمال شرق می باشد. در صورتی که ساختمان حداقل به میزان ۲۵/۵ درجه و سمت شرق بچرخد، بادهای زمستانی در محدوده بی اثر واقع خواهد شد. در رابطه با تابش آفتاب و با در نظر گرفتن دو عامل ذکر شده (تابش و وزش بادهای)، محدوده ای از ۳۰ درجه جنوب غرب تا ۷۰ درجه جنوب شرقی (محور عمود بر ساختمان از سمت جنوب ۳۰ درجه به سمت شرق) می باشد که در این زاویه (۳۰ درجه جنوب شرقی) مقدار انرژی خورشیدی تابیده شده بر سطوح عمودی در فصل سرد سال به حداکثر خود می رسد.

۱۳- نتایج

نتایج حاصل از ارزیابی اقلیم آسایشی که توسط شاخص دما-فیزیولوژیک انجام گرفته حاکی از آن است که شهر زاهدان اکثر مواقع آباد اکثر مواقع سال خارج از محدوده آسایش قرار دارد، به گونه ای که ۱۵۹ روز از سال در شرایط حساسیت گرمایی گرم و داغ و ۷۰ روز در سال شرایط سرد و بسیار سرد قرار دارد و دوره بدون تنش گرمایی یا آسایش ۴۵ روز از سال می باشد مطمئنا تضاد حرارتی در طی سال که عمدتا ویژگی مناطق گرم و خشک کشور و بخصوص شرق و شمال شرق کشور می باشد، لزوم مطالعاتی از این دست که در جهت تطابق بیشتر با شرایط محیطی و کاهش مصرف انرژی و سوخت بخصوص در بخش طراحی و معماری را الزامی جلوه می دهد. نتایج تحلیل هایی که در همین راستا و با هدف ارائه معماری همساز با اقلیم انجام گرفته، نشان می دهد که مناسب ترین جهت استقرار ساختمان ها در این شهر محدوده ای از ۳۵ درجه جنوب غرب تا ۶۰ درجه جنوب شرق به عنوان جهات قابل قبول تعیین گردیده که از میان مناسب ترین جهت استقرار ساختمان ها در این شهر

محدوده ای از ۳۰ درجه جنوب غرب تا ۶۰ درجه جنوب شرق به عنوان جهات قابل قبول تعیین گردیده است که از آن میان مناسب ترین جهت ها محدوده جنوب تا زاویه ۳۰ درجه جنوب شرق (محور عمود بر ساختمان از سمت جنوب ۳۵ درجه به سمت شرق) می باشد. در این حالت استفاده از بادهای مفید و تابش های زمستانه به حداکثر و تاثیرات منفی وزش بادهای سرد و خشک زمستانه و گرم تابستانه و همچنین تابش های شدید تابستانه به حداقل خواهد رسید.

با توجه به تابستان های گرم و طولانی اولویت اول در جهت گیری خیابان و معابر مقدار دسایه ای است که در تابستان ساختمان های دئ طرف آن ایجاد می کنند. با توجه به محاسبات حاصله از جدول ۳ خیابان های شمالی- جنوبی مناسب ترین جهت در رابطه با تابش آفتاب خواهد بود و اولویت بعدی جهت گیری با ۱۵ درجه شرقی می باشد که با توجه با وزش بادهای مضر منطقه که از سوی شمال شرق می وزد، امتداد خیابان ها در جهت شمال غرب و جنوب شرق مناسب تر خواهد بود.

منابع

- ۱- امیری، آ (۱۳۸۰)، "تاثیر اقلیم بر معماری شهر قم"، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته اقلیم و هیدرولوژی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر ری.
- ۲- جهانبخش، س، (۱۳۷۷)، "ارزیابی زیست اقلیم انسانی تبریز و نیازهای حرارتی ساختمان، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۴۸
- ۳- پایانی یزدی، م، وثوقی، ف، لباف خانیکی، م (۱۳۷۹)، "مسکن طوایف ترکمن تحلیل کارکردی یک تحول تکنیکی و اجتماعی" فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۵۸ و ۵۹
- ۴- ذوالفقاری، ح (۱۳۸۶). "تعیین تقویم زمانی مناسب گردشگری در تبریز با استفاده از شاخص، پژوهش های جغرافیایی، شماره ۶۲، صص ۱۲۹-۱۴۱
- ۵- ۵۰ اسماعیلی، ر، (۱۳۸۶)، "بررسی یخبندان بررسی بهاره از دیدگاه آماری-سینوپتیکی و اثرات آن بر محصولات باغی" پایان نامه کارشناسی ارشد اقلیم شناسی در برنامه ریزی محیطی، دانشگاه سیستان بلوچستان، دلنشدکده جغرافیا و برنامه ریزی محیطی.
- ۶- رضانی، ب، (۱۳۸۵)، شناخت نواحی اسایشی زیست اقلیمی سواحل گیلان، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، دانشگاه آزاد اسلامی
- ۷- سازمان هوا شناسی کشور (۱۳۸۶)، "سالنامه آماری ایستگاه هاس سینوپتیک زاهدان و زابل و ایستگاه باران سنجی زابل".
- ۸- راز چویان، م، (۱۳۶۷)، آسایش به وسیله معماری همساز با اقلیم، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۹- ۹. اسماعیلی، ر، صابر حقیقت، آ، ملبوسی، ش (۱۳۸۹)، "ارزیابی شرایط اقلیم آسایشی بندر چابهار در جهت توسعه گردشگری"، چهارمین کنگره بین المللی جغرافیدانان جهان اسلام، زاهدان.
- ۱۰- غیور، ح، (۱۳۷۲) "اقلیم کاربردی دما و تشعشع در ارتباط با معماری" مجله رشد آموزش جغرافیا شماره ۳۷.
- ۱۱- کسمایی، م (۱۳۶۹)، اقلیم. معماری خوزستان - خرمشهر "مرکز تحقیقات و شهرسازی، چاپ داد.
- ۱۲- تجار سلیقه، م پ (۱۳۸۴)، "معماری همساز با اقلیم (مطالعه موردی چابهار)". مجله جغرافیا و توسعه، دانشگاه سیستان و بلوچستان شماره ۴. زمستان.
- ۱۳- کسمایی، م (۱۳۸۳)، اقلیم و معماری "نشر خاک دانشگاه اصفهان.
- ۱۴- کسمایی، م (۱۳۸۲)، "اقلیم و معماری"، مرکز تحقیقات مسکن

- ۱۵- علیخانی، ب (۱۳۷۳)، "نگرشی نو در کاربرد آب و هواشناسی در مدیریت منابع و توسعه کشور". فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۳۵.
- ۱۶- طاوسی، ت، (۱۳۸۷)، اقلیم معماری مدارس نوساز شهر اصفهان". مجله جغرافیا و توسعه، دانشگاه سیستان و بلوچستان، شماره ۱۱، بهار و تابستان
- ۱۷- کوانگیز، ب (۱۳۶۸)، " بهینه سازی جهت پیری فضاهای آزاد در شهر اردبیل بر اساس شرایط اقلیمی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۷۹.
- 18- Matzarakis, A. (2001), "Climate and bioclimatic information for the tourism in Greece ", proceedings of the 1st international workshop on climate, tourism and recreation", international

تبیین میزان تحقق مدیریت کیفیت فراگیر آموزش عالی؛ دیدگاه دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان

بهمن خسروی پور^{۱*}، امید مهرباب قوچانی^۲

۱- دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان (نویسنده مسئول)

۲- دانشجوی دکتری ترویج کشاورزی، دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان

چکیده

پژوهش حاضر از نوع مطالعات توصیفی- پیمایشی است که با هدف کاربست مدیریت کیفیت فراگیر آموزش عالی (TQME) از دیدگاه دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان با توجه به اصول کیفیت فضاها و خدمات آموزشی، کیفیت فضاها و خدمات پژوهشی و میزان مشارکت دانشجویان در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی‌ها انجام شده است. اطلاعات با استفاده از ابزار پرسشنامه‌ای محقق ساخت جمع‌آوری گردید. جامعه آماری این مطالعه را دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان تشکیل می‌دادند (۲۲۰ نفر) که از میان آن‌ها نمونه‌ای به حجم ۱۴۰ نفر با استفاده از جدول کرجسی و مورگان به روش نمونه‌گیری کاملاً تصادفی انتخاب گردید. به منظور افزایش اعتبار مطالعه، تعداد نمونه به ۱۵۰ عدد افزایش یافت، که در نهایت ۱۴۳ پرسشنامه قابل بررسی، جمع‌آوری و کدگذاری گردید. داده‌های حاصل از پرسشنامه با استفاده از نرم‌افزار SPSS (V20) مورد توصیف و تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد که تمامی متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش در سطحی متوسط قرار داشتند لذا تا سطح مطلوب پیاده‌سازی مدیریت کیفیت فراگیر در آموزش عالی فاصله زیادی وجود دارد. لذا در این راستا به منظور بهبود کاربست مدیریت کیفیت فراگیر در دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان، راهکارهایی ارائه شد.

واژگان کلیدی: مدیریت کیفیت فراگیر، آموزش عالی، دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان، دانشجویان کارشناسی ارشد.

مقدمه

امروزه نظام‌های مدیریتی به عنوان نرم‌افزارهای فناوری و ابزارهای اصلی فرآیند توسعه محسوب می‌شوند. همفکری، مشارکت و ارج نهادن به کارهای گروهی موجب می‌شود تا امور به وجه بهتری انجام شود و نتایج و پیامدهای مثبت و مطلوب متعددی از جمله افزایش سطح انگیزش، رضایت، بهداشت روانی و خلاقیت و نوآوری کارکنان را دربر خواهد داشت (Tarricone & Luca, 2002; Orlikowski, 1993). نظام‌های آموزشی و پژوهشی به عنوان بارزترین نمود سرمایه‌گذاری نیروی انسانی در زمینه شکوفایی جامعه نقش اصلی را بر عهده دارند. امروزه این نظام‌ها سهم قابل توجهی از بودجه هر کشور را به خود اختصاص داده‌اند (سماوی و همکاران، ۱۳۸۷).

با توجه به چالش‌های متعددی که امروزه نظام آموزش عالی ایران با آن‌ها مواجه شده است، از جمله ضرورت توجه به تنوع در آموزش عالی، افزایش ظرفیت دانشگاه‌ها و هزینه بالای آموزش که در آموزش عالی کشاورزی نیز نمود بیشتری دارند، ضرورت توجه به بهبود و تضمین کیفیت در آن را الزامی ساخته است (وزیرپورکشمیری و همکاران، ۱۳۸۸). سالانه در حدود ۲۸۰ تا ۳۰۰ هزار نفر در مقطع کارشناسی فارغ التحصیل می‌شوند، تعداد اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های کشور را ۶۳ هزار و ۲۵۵ نفر و فارغ التحصیلان بخش کشاورزی بیشترین آمار بیکاری را در جامعه و بین فارغ التحصیلان سایر رشته‌ها به خود اختصاص داده‌اند. در این راستا، توجه به اعتقاد دمینگ خالی از لطف نمی‌نماید، وی بیان می‌دارد که: "زمانی که مشکلی وجود دارد، ۸۵ درصد آن مشکل به سیستم و ۱۵ درصد آن به کارکنان مرتبط است.

از آنجایی که ارتقاء تفکر انتقادی و خلاق در زمره نیازهای دنیای به شدت در حال تغییر امروز است. خلق محیطی آموزشی که در آن مهارت‌ها رشد و نمو پیدا نمایند بسیار با اهمیت است. با توجه به اهمیت نقش آموزش عالی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه، ضروری است در جهت بهبود کیفیت نظام‌های آموزشی اقدامات اساسی صورت گیرد و از هدر رفتن سرمایه‌های انسانی و مادی جلوگیری شود. بدیهی است توانایی‌های فوق مستلزم تحولی عمیق در فرهنگ قدیمی مدیریت و آشنایی با مفاهیم جدید مشتری، بهبود مستمر، اقدامات پیشگیرانه و مشارکت همگانی در بهبود فرآیندهای تولیدی و غیرتولیدی در محدوده داخلی و خارجی سازمان است.

اما باید به این نکته توجه داشت که تغییرات بنیادی در تمامی زمینه‌هایی که مطرح شد کاری بسیار دشوار است و بسته به شرایط داخلی هر تشکیلات اقتصادی و میزان حمایت مدیریت ارشد آن تشکیلات از چالش‌های اولیه ناشی از اجرای این تغییرات، روش اجرایی خاص خود را می‌طلبد. ضمن اینکه نباید این نکته را فراموش کرد که اصولاً هر کسی آماده پذیرش تغییرات است، به شرط این که پیشنهاد ارائه شده نه تنها منجر به ایجاد هرج و مرج و بی‌اعتباری قوانین موجود نگردد بلکه با ارائه جایگزین‌های مناسب‌تر ضمن رفع کمبودهای قبلی موقعیت بهتری را برای سازمان به ارمغان آورد. که این خود مستلزم حرکتی سازمان‌یافته همراه با آموزش در کلیه سطوح سازمان و دربرگیرنده تمامی کارکنان جهت ایجاد فضای مناسب برای اجرای تغییرات با هدایت و حمایت مدیریت و مشارکت همگانی است و این تصویری جدید از مدیریت است که تحت عنوان مدیریت کیفیت فراگیر و اختصاراً ^۱T.Q.M مطرح است (آذر و فدایی، بی‌تاریخ).

از میان سیستم‌های مدیریت ارائه شده، هیچ‌یک به اندازه‌ی سیستم «مدیریت کیفیت فراگیر» یا اختصاراً «مُکف» نتوانسته است میزان اثربخشی خود را به اثبات برساند (مجیبی میکلائی و همکاران، ۱۳۹۱). از جمله دلایل نیاز به سیستم مدیریت کیفیت فراگیر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. امروزه محیط تولید و تجارت به شدت رقابتی شده است نه فقط در سطح کشوری بلکه در سطح بین‌المللی نیز چنین است.

۲. مشتری امروز بیشتر از گذشته به کیفیت توجه می‌کند و تحقیقات نشان داده است که در گذشته از ۱۰ مشتری، ۳ تا ۴ مشتری به کیفیت توجه می‌کرد در حالی که امروزه از ۱۰ نفر، ۸ نفر به کیفیت توجه دارند.

۳. پرورش مدیریت کیفیت فراگیر برای بسیاری از سازمان‌ها ابزاری است که به کارکنان این قدرت را می‌بخشد تا از تمام هوش و ذکاوت خویش استفاده نموده و در همه‌حال فکر و عمل را توأم سازند. بدین وسیله افراد یک سازمان، در تمام مسائل و مشکلات سازمان، خود را درگیر می‌نمایند و در حل آن‌ها می‌کوشند و لذا به عنوان عاملی موثر در سرنوشت سازمان خود، احساس رضایت و مسئولیت می‌نمایند (مجیبی میکلائی و همکاران، ۱۳۹۱).

مدیریت کیفیت فراگیر در مباحث صنعتی بسیار مورد توجه قرار گرفته و قبل و هنگام جنگ جهانی دوم به وسیله دمینگ در صنایع آمریکا توسعه یافت، اما امروزه نقشی حیاتی را در زمینه‌های آموزشی ایفا می‌نماید. بحث مدیریت کیفیت در آموزش امروزه از نگرانی‌های آموزشی قرن ۲۱ ام می‌باشد و می‌تواند به دانشگاه‌ها و مدارس در راستای بهبود ارائه خدمات به مشتریان

خود کمک شایانی بنماید. این شیوه مدیریتی می‌تواند به سازمان‌های آموزشی از جنبه‌های گوناگونی از قبیل بهبود فرایند آموزش، جذاب‌تر نمودن فضای محیط آموزشی، بهبود دوره‌های تدریس، ارتقا سرعت ارائه خدمات آموزشی و کاهش هزینه‌ها کمک نماید (Samimi Sabet et al., 2012) و می‌توان آن را به عنوان فلسفه‌ای که به شکلی پیوسته در جستجوی راه بهبود خدمات و یا محصولات مورد نیاز مصرف‌کنندگان می‌باشد، تعریف نمود (Al-Tarawneh & Mubaslat, 2011).

در ایران از زمان تاسیس و توسعه دانشگاه‌ها در سال ۱۳۱۳ شمسی تا کنون، آموزش عالی از رشد شتابان کمی از نظر تعداد دانشجویان برخوردار بوده است (سماوی و همکاران، ۱۳۸۷). اگر آموزش عالی، قصد تربیت افرادی با استعداد به منظور مشارکت و رقابت در جامعه جهانی در حال ظهور را داشته باشد، اصلاح برنامه‌های آموزشی و توجه به توسعه کیفی آموزش، یک نیاز گسترده به شمار می‌آید. عدم توجه به دیدگاه ذی‌نفعان در طرح و اصلاح برنامه‌های آموزشی و رها کردن گروه‌های علاقه‌مند و موثر می‌تواند بحران‌زا باشد، در نتیجه دانشگاه‌ها می‌بایست به مباحث مدیریت کیفیت فراگیر، توجه ویژه‌ای مبذول دارند. در این راستا، با توجه به اینکه کیفیت مفهومی مقطعی نبوده و همواره درون سازمان جریان دارد این مسئله می‌تواند حائز اهمیت باشد که با توجه به شاخص‌های مدیریت کیفیت، سازمان در وضعیت کنونی در چه سطحی قرار گرفته است. لذا با توجه به این‌که دانشجویان به عنوان یکی از اصلی‌ترین مشتریان نظام آموزش عالی می‌باشند یک سوال مهم به عنوان اساس شکل‌گیری این پژوهش طرح می‌گردد و آن این است که دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان، شاخص‌های مدیریت کیفیت فراگیر را در چه وضعیتی ارزیابی می‌نمایند؟

هدف کلی

این مطالعه با هدف تبیین میزان تحقق مدیریت کیفیت فراگیر آموزش عالی از دیدگاه دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان انجام شده است. این هدف سه هدف اختصاصی به شرح زیر را نیز در بر می‌گیرد.

- تبیین رضایت دانشجویان کارشناسی ارشد نسبت به وضعیت مشارکت آن‌ها در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌های آموزشی؛
- تبیین رضایت دانشجویان کارشناسی ارشد نسبت به کیفیت امکانات و فضاهای آموزشی دانشگاه؛
- تبیین رضایت دانشجویان کارشناسی ارشد نسبت به تسهیلات و امکانات پژوهشی؛

روش‌شناسی مطالعه

پژوهش حاضر از لحاظ نحوه جمع‌آوری داده‌ها، توصیفی-پیمایشی، به لحاظ عملیات آماری توصیفی و از لحاظ هدف کاربردی می‌باشد. جامعه آماری این مطالعه را دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان در سال ۱۳۹۲، به تعداد ۲۲۰ نفر، تشکیل می‌دهند. از این تعداد به وسیله جدول کرجسی و مورگان (۱۹۷۰) نمونه‌ای به حجم ۱۴۰ نفر به روش کاملاً تصادفی انتخاب گردید. به منظور افزایش اعتبار مطالعه تعداد نمونه به ۱۵۰ عدد افزایش یافت که در نهایت ۱۴۳ پرسشنامه قابل بررسی جمع‌آوری و کدگذاری گردید. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این مطالعه، پرسشنامه‌ای محقق-ساخت بود که در آن سه سه مولفه‌ی رضایت از کیفیت فضاها و خدمات آموزشی، رضایت از کیفیت و خدمات پژوهشی و رضایت از مشارکت در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها با استفاده از طیف لیکرت بر حسب مقیاس ۱=بسیار کم تا ۴=بسیار زیاد مورد ارزیابی قرار گرفت. شایان ذکر است که در طیف لیکرت مذکور به منظور جلوگیری از کشش پاسخ‌ها به سمت میانگین، گزینه میانی (متوسط) حذف گردید. روایی محتوایی ابزار جمع‌آوری اطلاعات به وسیله پنلی از متخصصان مورد تایید قرار گرفت. پایایی ابزار مطالعه نیز به وسیله‌ی انجام مطالعه‌ای پیش‌آزمون در نمونه‌ای به تعداد ۳۰ نفر مورد سنجش و با آلفای کرونباخ بالای ۰/۷ برای تمامی متغیرها مورد تایید قرار گرفت. ضریب آلفای کرونباخ برای تمامی متغیرها در جدول شماره ۱ قابل مشاهده می‌باشد.

جدول شماره ۱- ضریب آلفای کرونباخ متغیرهای مطالعه

نام متغیر	ضریب آلفای کرونباخ
رضایت دانشجویان از کیفیت فضاها و خدمات آموزشی	۰/۹۳۴
رضایت دانشجویان از کیفیت فضاها و خدمات پژوهشی	۰/۹۲۰
سطح مشارکت دانشجویان در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی‌ها	۰/۷۷۲

پس از تکمیل پرسشنامه‌ها، اطلاعات موجود در پرسشنامه کد گذاری شده و با استفاده از نرم افزار آماری SPSS (V20) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. جهت توصیف پراکندگی وضعیت رضایت دانشجویان نسبت به هریک از متغیرهای مطالعه، پس از محاسبه‌ی مجموع هریک از شاخص‌ها، هر یک از این متغیرها با استفاده از فرمول فاصله انحراف معیار از میانگین (ISDM^۱) به چهار طبقه (بسیار نامطلوب تا بسیار مطلوب) تقسیم شد.

نتایج و بحث

از تعداد ۱۴۳ نفر پاسخگو، ۸۳ نفر (۵۸ درصد) در دسته کمتر از ۲۵ سال و تعداد ۶۰ نفر (۴۲ درصد) در دسته بیشتر از ۲۵ سال قرار گرفتند. کمینه سن پاسخگویان ۲۰ سال، بیشینه سن پاسخگویان، ۳۷ سال با میانگین ۲۵/۵ سال بود. بیشترین فراوانی مربوط به جنسیت مونث با فراوانی ۹۷ نفر (۶۷/۸ درصد) بود و ۴۶ نفر (۳۲/۲ درصد) از پاسخگویان دارای جنسیت مذکر بودند.

در رابطه با شناسایی رضایت پاسخگویان از کیفیت فضاها و خدمات آموزشی دانشگاه، کلیه فضاها و خدمات آموزشی دانشگاه مشخص و از پاسخگویان خواسته شد که میزان رضایت خود را از کیفیت هریک از این فضاها و خدمات آموزشی بر اساس طیف لیکرت چهارگانه بسیار زیاد تا بسیار کم مشخص سازند. نتایج در جدول شماره ۲ قابل مشاهده می‌باشد.

جدول شماره ۲- رضایت پاسخگویان از کیفیت فضاها و خدمات آموزشی دانشگاه

ردیف	میانگین رتبه‌ای	فراوانی شاخص‌ها				رضایت از کیفیت فضاها و خدمات آموزشی
		بسیار زیاد	زیاد	کم	بسیار کم	
۱	۲/۵۸۰	۱۴	۶۶	۵۲	۱۱	منابع رایانه‌ای
۲	۲/۴۵۴	۱۰	۵۸	۶۲	۱۳	منابع کتابخانه‌ای
۳	۲/۳۹۲	۱۲	۵۲	۵۵	۲۱	کیفیت برنامه‌های آموزشی نظری (کلاسی) طراحی شده توسط گروه
۴	۲/۳۴۷	۷	۵۷	۵۵	۲۲	به‌روز بودن محتوای برنامه‌های آموزشی
۵	۲/۳۲۸	۷	۵۵	۵۹	۲۲	فضای کلاس درس
۶	۲/۲۸۴	۶	۵۰	۵۸	۲۳	فضای آموزشی مزرعه
۷	۲/۲۷۶	۶	۵۲	۴۹	۲۷	فضای کارگاه ماشین‌آلات
۸	۲/۲۷۲	۱۷	۳۲	۵۳	۳۰	فضای گلخانه
۹	۲/۲۴۱	۹	۴۶	۵۶	۳۰	تلاش به موقع مدیریت گروه به منظور انجام تغییرات مطلوب در امور آموزشی
۱۰	۲/۲۲۳	۸	۴۲	۶۲	۲۷	تلاش به موقع مدیریت آموزشی دانشگاه به منظور انجام تغییرات مطلوب آموزشی
۱۱	۲/۱۲۱	۷	۳۴	۶۸	۳۱	فضای آزمایشگاه
۱۲	۲/۱۲۱	۷	۳۹	۵۸	۳۶	برنامه‌های آموزشی عملی طراحی شده توسط گروه

1 Interval of Standard Deviation from the Mean

۱۳	۲/۱۱۳	۸	۳۱	۷۱	۳۱	متناسب بودن محتوای برنامه‌های درسی با نیازهای جامعه
۱۴	۲/۱۱۲	۴	۳۹	۶۸	۳۱	تجهیزات آزمایشگاهی
۱۵	۲/۰۳۵	۴	۳۳	۶۷	۳۶	تجهیزات کارگاهی
۱۶	۱/۷۴۲	۸	۱۵	۵۰	۶۷	برگزاری کارگاه‌های آموزشی (روانشناسی، کارآفرینی و ...)
۱۷	۱/۶۸۵	۷	۱۵	۴۵	۷۳	بازدیدهای علمی و آموزشی از دستگاه‌های اجرایی مرتبط با کشاورزی
۱۸	۱/۶۳۳	۵	۱۶	۴۱	۷۷	بازدید به منظور آشنایی با آینده شغلی
۱۹	۱/۵۹۴	۴	۱۳	۴۴	۷۷	میزان بازدید از مشکلات کشاورزی منطقه با توجه به رشته تخصصی خود

(در این اولویت بندی از گویه های ۱-بسیار کم ۲-کم ۳-زیاد ۴-بسیار زیاد استفاده شده است.)

همان‌گونه که نتایج جدول شماره ۲ نشان می‌دهد، پاسخگویان، از میان فضاها و خدمات آموزشی دانشگاه، به ترتیب بیشترین رضایت را از «منابع رایانه‌ای»، «منابع کتابخانه‌ای» و «کیفیت برنامه‌های آموزشی نظری (کلاسی) طراحی شده توسط گروه» داشته‌اند. نتایج همچنین حاکی از آن است که شاخص‌های «بازدیدهای علمی و آموزشی از دستگاه‌های اجرایی مرتبط با کشاورزی»، «بازدید به منظور آشنایی با آینده شغلی» و «میزان بازدید از مشکلات کشاورزی منطقه با توجه به رشته تخصصی خود» کمترین میزان رضایت پاسخگویان را به همراه داشته‌اند و این شاخص‌ها در اولویت‌های انتهایی اولویت‌بندی فوق قرار گرفته‌اند. به منظور شناسایی رضایت پاسخگویان از کیفیت فضاها و خدمات پژوهشی دانشگاه، کلیه فضاها و خدمات پژوهشی دانشگاه مشخص و از پاسخگویان خواسته شد که میزان رضایت خود را از کیفیت هر یک از این فضاها و خدمات پژوهشی بر اساس طیف لیکرت چهارگانه بسیار زیاد تا بسیار کم مشخص سازند. نتایج در جدول شماره ۳ قابل مشاهده می‌باشد.

جدول شماره ۳- رضایت پاسخگویان از کیفیت فضاها و خدمات پژوهشی دانشگاه

ردیف	میانگین رتبه‌ای	فراوانی شاخص‌ها				رضایت از کیفیت فضاها و خدمات پژوهشی
		بسیار زیاد	زیاد	کم	بسیار کم	
۱	۲/۲۸۴	۹	۴۲	۶۵	۲۱	فضای آموزشی دانشگاه برای اجرای پایان‌نامه‌ها و تحقیقات دانشجویان
۲	۱/۹۹۲	۵	۳۰	۶۳	۴۱	فراهم نمودن امکانات آزمایشگاهی لازم برای اجرای تحقیقات
۳	۱/۸۷۳	۶	۲۰	۵۹	۴۹	حمایت مدیریت دانشگاه از خلاقیت‌ها و دستاوردهای علمی دانشجویان
۴	۱/۸۶۳	۴	۲۶	۵۶	۵۳	فراهم نمودن زمینه آشنایی شما با نیازهای پژوهشی سازمان‌ها و انتخاب موضوع پایان‌نامه در آن راستا
۵	۱/۸۲۷	۴	۱۷	۶۹	۴۹	فراهم نمودن زمینه همکاری شما با مراکز تحقیقات کشاورزی
۵	۱/۸۲۷	۲	۲۴	۵۶	۵۱	فراهم نمودن زمینه مناسب جهت شرکت در همایش‌های علمی و تخصصی
۷	۱/۸۰۶	۳	۲۳	۵۳	۵۵	حمایت دانشگاه از پروژه‌های عملیاتی دانشجویان در داخل دانشگاه
۸	۱/۷۰۷	۵	۱۱	۵۵	۵۹	وجود بخشی در دانشگاه برای راهنمایی و هدایت دانشجویان در انتخاب حرفه و شغل مناسب، مثل مرکز کارآفرینی یا هسته مشاوره شغلی
۹	۱/۶۶۱	۲	۱۴	۵۸	۶۵	فراهم نمودن تسهیلات مناسب برای آشنایی و بازدید از استعدادها و قابلیت‌های کشاورزی منطقه
۱۰	۱/۶۱۵	۰	۱۸	۴۹	۷۱	کافی بودن منابع مالی مورد نیاز برای اجرای پایان‌نامه‌ها
۱۱	۱/۵۳۶	۰	۹	۵۶	۷۳	در دسترس قرار گرفتن به موقع منابع مالی اجرای پایان‌نامه‌ها

(در این اولویت‌بندی از گویه‌های ۱-بسیار کم ۲-کم ۳-زیاد ۴-بسیار زیاد استفاده شده است.)

نتایج جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که پاسخگویان، بیشترین رضایت را از شاخص‌های «فضای آموزشی دانشگاه برای اجرای پایان‌نامه‌ها و تحقیقات دانشجویان» و «فراهم نمودن امکانات آزمایشگاهی لازم برای اجرای تحقیقات» به ترتیب اعلام داشتند. کمترین میزان رضایت را نیز به ترتیب از شاخص‌های «کافی بودن منابع مالی مورد نیاز برای اجرای پایان‌نامه‌ها» و «در دسترس قرار گرفتن به موقع منابع مالی اجرای پایان‌نامه‌ها» اعلام داشتند.

به منظور تعیین رضایت پاسخگویان از مشارکت در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها، شاخص‌هایی در این زمینه در اختیار پاسخگویان قرار داده شد و از آن‌ها خواسته شد که رضایت خود را در خصوص هریک از این شاخص‌ها بر اساس طیف لیکرت چهارگانه بسیار کم و بسیار زیاد اعلام دارند. نتایج در جدول شماره ۴ قابل مشاهده می‌باشد.

جدول شماره ۴، رضایت پاسخگویان از مشارکت در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها

اولویت	میانگین رتبه‌ای	فراوانی شاخص‌ها				رضایت از مشارکت در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها
		بسیار زیاد	زیاد	کم	بسیار کم	
۱	۲/۳۶۴	۱۷	۴۳	۵۴	۲۶	میزان مشارکت در تعیین تاریخ امتحانات
۲	۱/۸۰۵	۴	۲۰	۶۰	۵۵	میزان استفاده از نظرات دانشجویان توسط اعضای هیئت علمی جهت برنامه‌ریزی دروس
۳	۱/۷۰۷	۴	۱۵	۵۷	۶۴	میزان مشارکت در تعیین نحوه گزینش امتحانات
۴	۱/۶۹۲	۵	۱۳	۵۶	۶۶	میزان استفاده مدیریت گروه از نظرات دانشجویان برای برنامه‌ریزی‌های درون گروهی
۵	۱/۶۲۵	۸	۹	۴۵	۷۷	میزان مشارکت در گزینش دروس انتخابی
۶	۱/۵۸۲	۱	۱۴	۵۰	۷۴	میزان همکاری شما با سایر دانشگاه‌ها در زمینه فعالیت‌های آموزشی

(در این اولویت‌بندی از گویه‌های ۱-بسیار کم ۲-کم ۳-زیاد ۴-بسیار زیاد استفاده شده است.)

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که بیشترین میزان رضایت پاسخگویان از داشتن حق انتخاب تاریخ امتحانات و کمترین میزان رضایت مربوط به میزان همکاری دانشجویان با سایر دانشگاه‌ها در زمینه فعالیت‌های آموزشی بوده است. با نگاهی دقیق‌تر به میانگین رتبه‌ای شاخص‌های این متغیر مشخص می‌شود که میانگین اغلب این شاخص‌ها کمتر از دو می‌باشد و نشانگر میزان مشارکت پایین دانشجویان در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها می‌باشد.

به منظور آگاهی از میزان رضایت پاسخگویان از متغیرهای اصلی مطالعه، ابتدا شاخص‌های هر متغیر با یکدیگر جمع شده و سپس با استفاده از فن فاصله انحراف استاندارد از میانگین، پیوستاری بر مبنای یک انحراف معیار اختلاف از میانگین و حداقل و حداکثر نمرات ترسیم و متغیر به چهار دسته نامطلوب، نسبتاً نامطلوب، نسبتاً مطلوب و مطلوب تقسیم‌بندی گردید و مبنای این تقسیم‌بندی، میانگین رضایت کل پاسخگویان در هریک از متغیرهای مطالعه، قرار گرفت. نتایج در جدول شماره ۵، قابل مشاهده می‌باشد.

جدول شماره ۵، برآورد رضایت از متغیرهای اصلی مطالعه

رضایت دانشجویان از متغیرهای اصلی مطالعه	میانگین	انحراف معیار	سطوح سه گانه	فراوانی	درصد
فضاها و خدمات آموزشی دانشگاه	۳۹/۶۲	۱۰/۵۰	مطلوب	۱۸	۱۲/۶
			نسبتاً مطلوب	۴۹	۳۴/۳
			نسبتاً نامطلوب	۵۹	۴۱/۳
			نامطلوب	۱۷	۱۱/۹
فضاها و خدمات پژوهشی دانشگاه	۱۹/۴۷	۶/۲۹	مطلوب	۲۷	۱۹/۳
			نسبتاً مطلوب	۴۲	۳۰
			نسبتاً نامطلوب	۴۵	۳۲/۱
			نامطلوب	۲۶	۱۸/۶
مشارکت در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها	۱۰/۷۴	۳/۲۸	مطلوب	۲۵	۱۷/۵
			نسبتاً مطلوب	۴۷	۳۲/۹
			نسبتاً نامطلوب	۵۲	۳۶/۴
			نامطلوب	۱۶	۱۱/۲

تمامی گویه‌ها با طیف لیکرت صفر تا چهار مورد سنجش قرار گرفته‌اند.

همان‌گونه که در جدول شماره ۷-۴ مشاهده می‌گردد رضایت بیش از نیمی از پاسخگویان در خصوص متغیرهای فضاها و خدمات آموزشی دانشگاه (۵۳/۲ درصد) و فضاها و خدمات پژوهشی دانشگاه (۵۰/۷ درصد) در سطح نسبتاً نامطلوب و نامطلوب قرار دارد. در خصوص متغیر مشارکت در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها بیش از نیمی از پاسخگویان این متغیر را در سطحی مطلوب و نسبتاً مطلوب ارزیابی نموده‌اند.

نتیجه‌گیری

نیاز و تمایل انسان به زیبایی و کیفیت برتر، به فطرت خداجوی انسان‌ها بر می‌گردد. سرشت کمال جوی او پی‌درپی، خود را در فراسوی تکامل سوق داده است. در غیر این صورت انسان‌ها می‌بایستی در دوران ماقبل تاریخ به سر می‌بردند. هیچ پیشرفتی حاصل نمی‌گشت و همچنان نیازهای خود را به همان شیوه‌های نخستین برآورده می‌ساختند. دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی پیوسته به‌عنوان بالاترین مرکز اندیشه‌ورزی و تولید علم جامعه محسوب شده و با حضور و فعالیت اندیشمندان متفکران، محققان، دانش‌پژوهان و دانشجویان در اعتلای علمی و جهت‌بخشیدن به حرکت‌های فکری، اعتقادی، فرهنگی و سیاسی جامعه نقشی اساسی دارند. در همین راستا و به منظور بررسی میزان تحقق نظام مدیریت کیفیت فراگیر در آموزش عالی مطالعه حاضر با این هدف در دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان انجام گردید. نتایج حاصل نشان می‌دهد که اغلب دانشجویان در خصوص متغیرهای اصلی مطالعه (فضاها و خدمات آموزشی دانشگاه، فضاها و خدمات پژوهشی دانشگاه و مشارکت در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها)، میزان رضایت متوسطی در رابطه با سطوح این متغیرها را اعلام داشته‌اند. لذا می‌توان نتیجه گرفت که مولفه‌های مدیریت کیفیت فراگیر بررسی شده در این مطالعه، از دیدگاه پاسخگویان در سطح متوسطی قرار داشته و تا سطح مطلوب پیاده‌سازی مدیریت کیفیت فراگیر فاصله دارند.

نتایج بررسی رضایت در خصوص کیفیت فضاها و خدمات آموزشی دانشگاه نشان داد که پاسخگویان از منابع رایانه‌ای و کتابخانه‌ای دانشگاه رضایت بالایی داشتند اما در خصوص برگزاری بازدید به منظور آشنایی با مشکلات کشاورزی منطقه در راستای رشته تخصصی خود و بازدید به منظور آشنایی با آینده شغلی حداقل رضایت را اعلام داشتند. در این راستا با توجه به پتانسیل بالای کشاورزی منطقه و قرار گرفتن دانشگاه در منطقه‌ای مسعود از نظر کشاورزی می‌توان به سادگی تدارک برنامه‌های بازدید آموزشی را داد تا دانشجویان از نزدیک با مشکلات کشاورزی منطقه آشنا شده و یافته‌های علمی خود را در

عمل به کار ببندند. همچنین می‌توان با مشارکت نزدیک با سازمان‌های مرتبط با رشته‌های تخصصی دانشجویان (مانند سازمان جهاد کشاورزی، سازمان حفاظت از محیط‌زیست و غیره)، تدارک اجرای همایش‌های مشترکی را داد تا دانشجویان با اهمیت رشته تحصیلی خود و آینده شغلی خود از نزدیک و به شکلی ملموس آشنا شوند. با توجه به ماهیت پژوهشی مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد، پاسخگویان دانشگاه در خصوص کفایت منابع مالی مورد نیاز برای اجرای پایان‌نامه‌ها و در دسترس قرار گرفتن به موقع این منابع کمترین میزان رضایت را اعلام داشته‌اند. با توجه به هزینه‌بر بودن اغلب پژوهش‌های رشته کشاورزی و اهمیت فوق‌العاده کشاورزی در توسعه ملی، می‌توان ترتیبی اتخاذ نمود تا از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری منابع مالی بیشتری در این خصوص در اختیار دانشگاه‌های تخصصی کشاورزی قرار داده شود. همچنین هزینه اجرایی پایان‌نامه را می‌توان در دو زمان در اختیار دانشجویان قرار داد. یک مرحله برای شروع کار و یک مرحله پس از اتمام کار پایان‌نامه و تایید استاد راهنمای مربوطه. در خصوص رضایت پاسخگویان در خصوص میزان مشارکت در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها، کمترین میزان رضایت خود را از شاخص میزان همکاری با سایر دانشگاه‌ها اعلام داشته‌اند. در این خصوص می‌توان با نزدیکترین دانشگاه به دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان، یعنی دانشگاه شهید چمران، رایزنی‌هایی را انجام داد تا دانشجویان دانشگاه بتوانند فعالیت‌های آموزشی مشترکی را با دانشجویان آن دانشگاه به اجرا بگذارند.

منابع

- ۱- آذر، ع. فدایی، م. (بی‌تاریخ). طراحی نظام مدیریت کیفیت جامع در بخش کشاورزی
- ۲- سماوی، ح. برادران، م. رضایی مقدم، ک. (۱۳۸۷). بهبود مستمر فرایند آموزش در نظام آموزش عالی کشاورزی: کاربرد مدیریت کیفیت فراگیر. علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، جلد ۴، شماره ۲.
- ۳- سماوی، ح. برادران، م. رضایی مقدم، ک. (۱۳۸۷). مشتری مداری و کاربرد آن در نظام آموزش عالی: مورد آموزش عالی کشاورزی در استان خوزستان. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۴۹.
- ۴- مجیبی میکلائی، ت. مهدی‌زاده اشرفی، ع. امامی‌فر، م. (۱۳۹۱). ارزیابی میزان آمادگی اجرای سیستم مدیریت کیفیت جامع (TQM) در تعاونی‌های فعال تولیدی بخش صنعت استان مازندران. (پژوهشگر) فصلنامه مدیریت، سال نهم، شماره ۲۶. صص: ۸۵-۶۹.
- ۵- وزیرپورکشمیری، م. تفرشی، ش. یوسفی، ن. (۱۳۸۸). ارائه الگوی مناسب مدیریت کیفیت فراگیر (TQM) در کتابخانه‌های دانشگاه شهید بهشتی. فصلنامه دانش‌شناسی (علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی و فناوری اطلاعات). سال دوم، شماره ۴.
- 6- Al-Tarawneh, H. Mubaslat, M. (2011). The implementation of total quality management (TQM) on the higher education sector in Jordan. International Journal of Industrial Marketing. Vol. 1, No. 1.
- 7- Orlikowski, W. (1993). Case tools as organization change: investigating incremental and radical changes in systems development. Forthcoming in MIS Quarterly.
- 8- Samimi Sabet, H. Seyed Saleki, Z. Roumi, B. Dezfoulia, A. (2012). A Study on Total Quality Management in Higher Education Industry in Malaysia. International Journal of Business and Social Science Vol. 3 No. 17; September 2012.
- 9- Tarricone, P. Luca, J. (2002). Successful teamwork: A case study. HERDSA 2002. Pp. 640-646.

Identifying the extent of achievement to the TQME; perspectives of M.Sc. students of Agricultural and Natural Resources University

Bahman Khosravipour¹, Omid M. Ghoochani²

1- Associate Professor, Department of Agricultural Extension and Education, Khuzestan Ramin Agricultural and Natural Resources University

2- Ph.D. Student of Agricultural Extension, Khuzestan Ramin Agricultural and Natural Resources University

Abstract

The present study is a descriptive-survey and aims to implication of Total Quality Management in higher education (TQME) from the M.Sc. students' perspective. This study focused on the principles of "The quality of educational services and spaces", "The quality of research spaces and services" and "The students' participation in planning and decision making". Data were collected with a researcher-made questionnaire. The population of this study was the M.Sc. students at the Khuzestan Ramin Agricultural and Natural Resources University (220 persons), which among them 140 persons using Krejcie and Morgan sample size's table were selected as sample of research by completely randomization sampling method. In order to enhancement of research validity the sample size increased to 150 persons that finally 143 valid questionnaires collected and codified. Data were described and analyzed using SPSS (V20). The results revealed all of research variables were on average level, so there is huge gap to the desired level of implementation of TQM in higher education. Finally some suggestions in order to better implication of Total Quality Management in Khuzestan Ramin Agricultural and Natural Resources University were offered.

Keywords: Total Quality Management, Higher education, Ramin University, M.Sc. students.

تبارشناسی شکیبایی سیاسی از منظر حقوق بشر معاصر

محمد جواد حسینی

کارشناس ارشد حقوق عمومی، پردیس فارابی دانشگاه تهران

hosseini.publiclaw69@gmail.Com

چکیده

انسان ها دارای یک اندیشه واحد در باب مسائل مختلف زندگی نیستند و هرکس بر طریق خواست خویش سلوک دارد. این تفاوت ها در هر جامعه ای ناگزیر است و سبب ایجاد دیگرگونی است. مساله مهم دنیای معاصر ما چگونگی در کنار هم قرار دادن انسان ها علیرغم تفاوت هایشان است. از این منظر، مفاهیم و موازین حقوق بشری جهت عدم تقابل و روبه‌رو نبودن انسان ها به منصف ظهور رسیدند و با شناسایی حق های مهم بشری درصدد ایجاد جامعه ای روادار برآمدند. یکی از اولین و مهمترین حق های بشری آزادی است و یکی از جلوه های آن آزادی اندیشه است که سبب آزادی انتخاب در باب مسائل مختلف از جمله مسائل سیاسی می گردد و تنوع در پهنه ی اندیشه را فراهم می آورد و سبب پیدایش دسته بندی های گسترده در جامعه می گردد و چون ابنای انسانی با هم برابر و مساوی در خلقت اند پس باید به اندیشه ورزی متفاوت که نتیجه آزادی فرد است احترام گذارده شود. رهنمون و روشنگری حقوق بشر معاصر برای در کنار هم نگه داشتن انسان ها علی رغم تفاوت ها، مدارا و شکیبایی است از جمله در مسائل و اختلافات سیاسی که این امر به تکرار در اسناد گوناگون بین المللی بیان شده تا هدایتگر طی طریق باشند. سعی ما بر این است تا تبار این شکیبایی را در اسناد حقوق بشری معاصر جستجو کنیم، انگاره های آن را دریابیم و دَرّ یابیم.

واژگان کلیدی: شکیبایی سیاسی، اقلیت سیاسی، آزادی، برابری، حقوق بشر

۱- مقدمه

اثر انگشت تنها قسمت از بدن انسان است که هیچ شباهتی به یکدیگر نداشته و در همه ی انسان ها متفاوت است. تحقیقات علمی نشان داده که احتمال اینکه اثر انگشت دو انسان کاملاً شبیه یکدیگر باشد به نسبت یک در چند میلیارد است یعنی شاید از هر چند میلیارد انسان یک نفر اثر انگشتش شبیه دیگری باشد آن هم نه به طور کامل، حتی دوقلوهای همسان اثر انگشت همسان ندارند. بدون تردید ذهن انسان نیز به همین صورت است و سخت است پیدایی دو انسان که کاملاً شبیه یکدیگر فکر کنند و تمامی افکار و عقایدشان شبیه یکدیگر باشد. همین تفاوت سبب پیدایی میلیاردها انسان با طرز تفکر و جهان بینی خاص خویشتن در سراسر گیتی شده است که در کنار هم زیستن آنان را دشوار کرده و سبب نزاع فراوان در درازنای تاریخ حیات بشری شده، جنگ و درگیری و کشتار را به همراه داشته و خواستاری داشتن قدرت برای اعمال نظر

خویشتن بر دیگران بر این امر دامن زده است و اوراق تاریخ را سراسر پر از آشوب و کشتار نموده تا در نهایت منتهی به حاکمیت اراده افراد گردد.

حاکم بودن انسان بر سرشت خویش در درازنای تاریخ خواست او بوده و همواره در صدد تحقق این مهم برآمده است. در طول تاریخ مبارزات بسیاری برای عقب راندن قدرت لایزال حکومت گران و دستیابی به آزادی و حاکمیت اراده انجام داده و اعتراض ها و انقلاب ها و جنبش های گوناگونی را رقم زده است به ویژه در دوران معاصر با بیشتر شدن شناخت انسان ها از حقوق خویشتن، خواستاری حاکمیت اراده بیشتر و بیشتر گردیده و وقوع انقلاب ها و جنبش های گوناگون در سراسر گیتی سبب تشدید این امر گردیده است.

تأکیدی که امروزه انسان برای تحقق حاکمیت اراده خویشتن دارد قابل مقایسه با ادوار گذشته نیست و همواره در حال افزایش نیز می باشد. مساله ای که منجر به ایجاد نظریه های جدیدی در باب شیوه حکومت و حکمرانی گردیده است و امروز شیوه حکمرانی مطلوب از منظر شهروندان دنیای معاصر شیوه ای است که مبتنی بر رای و نظر مردم باشد و از میان آرا و نظرات و انتخاب شهروندان، حکومت گران به حکومت دست یازند. از این رو حکومت مردم بر مردم و چپستی و چرایی آن از مهمترین مباحث اجتماعی معاصر است.

دموکراسی حاصل کندوکاوهای طولانی و تکاپو و چکیده خواست شهروندان امروز است و حکومتی است که در آن همه مردم در اداره امور سهیم هستند اما این پدیده نژاده دارای ارکان و عناصر گوناگونی از جمله همگانی بودن مشارکت مردم، آزادی های فردی و اجتماعی، برابری، کثرت گرایی و تعدد اندیشه و حزب، تصمیم اکثریت، حقوق اقلیت های حزبی، گروهی و فکری است. (هاشمی، ۱۳۹۰-۲۱۸-۲۱۰) به تعبیر دیگر برای پدیداری یک جامعه دموکراتیک مجموعه عواملی باید گرد هم جمع شده تا از اجتماع آنان حکومتی مردمی و دموکراتیک پدیدار شود.

اما یکی از مهمترین مباحثی که امروزه پیرامون دموکراسی ارائه می شود چگونگی برخورد با اقلیت ها و تحمل پذیری یا عدم تحمل آنان در جامعه است. در واقع امروزه دموکراسی تنها رای و نظر اکثریت نیست بلکه احترام به حقوق اقلیت از مهمترین پارادایم های دموکراسی نوین است. امروزه پذیرفته شده است که اگر با انتخابات آزاد و منصفانه و با روش های دموکراتیک و تحت نظارت نظام بی طرف، مردم درصدد انتخاب زمامداران برآیند و رای خود را در صندوق ها بریزند و در نهایت فرد یا افراد منتخب مردم زمام امور را در دست بگیرند این امر به تنهایی رهنمون به دموکراسی نمی گردد یعنی انتخاب اکثریت یک جامعه در باب موضوعی به تنهایی منجر به مردم سالاری نمی گردد بلکه توجه و احترام به اقلیتی که جز این اکثریت نیست و اجازه فعالیت، آزادی کنشگری، همزیستی و مدارا و شکیبایی با این بخش از جامعه از مهمترین ارکان دموکراسی است.

یکی از مهمترین و غیرقابل انکارترین اقلیت های موجود در جوامع امروزی اقلیت های سیاسی هستند که بر مدار نظر سیاسی اکثریت در گردش نبوده و نظرات و عقاید خاص خویش را نسبت به مسائل مختلف سیاسی و اجتماعی دارا هستند اما این گروه از چه حقوقی برخوردارند؟ دامنه آزادی فعالیت آنها تا کجاست؟ شیوه برخورد با آنها چگونه باید باشد؟ این ها پرسش هایی است که ما بر آنیم تا با مذاقه در اسناد حقوقی بین المللی، اعلامیه ها و کنوانسیون های مختلف حقوقی و انگاره های حقوق بشر معاصر به آنها پاسخ دهیم.

۲- شکیبایی سیاسی و بن مایه های آن، آزادی و برابری

یکی از وجوه تمایز انسان از سایر مخلوقات خداوند قدرت تصمیم گیری و رفتار بر اساس خواست و اراده ی خویشتن است. قدرتی که در سایر مخلوقات نمی توان دید و مختص ذات بشر است آن هم به خاطر وجود قوه تعقل و تفکر. در بند نبودن این موجود لازمه استفاده ی از این قدرت است پس همه انسان ها آزاد به دنیا آمده و «آزادی در جوهره وجود آدمی است.» (هاشمی، ۱۳۹۱، ۲۱۲) و آزادی جز جدایی ناپذیر وجود آنهاست و ادامه حیات او بدون آزادی ممکن نیست. آزادی «حقی

است که به موجب آن افراد بتوانند استعدادها و توانایی های طبیعی و خدادادی خود را به کار اندازند مشروط بر اینکه آسیب یا زبانی به دیگران وارد نسازند.» (هاشمی، ۱۳۹۱، ۲۱۱)

آزادی را از دیدگاه های مختلفی می توان معنا کرد و دامنه آن را معین نمود ولی آنچه که بیشتر مورد بحث ماست آزادی های فکری و اندیشیدن پیرامون مسائل گوناگون و همچنین توانایی و اختیار انجام امور بر مبنای تفکر خویش است بدون مداخله و یا اجبار دیگران البته تا جایی که به آزادی دیگران لطمه ای وارد نیابد و حقوق دیگران را ضایع نسازد. به تعبیر بهتر «آزادی در مفهوم موسع همانا قدرت بر اندیشیدن و یا انجام عمل توسط فرد بر اساس اراده و خواست خود است.» (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۴، ۲۳۶) آزادی فکر و اندیشه یکی از انواع آزادی های مهم انسانی است. آزاد اندیشیدن و فکر کردن پیرامون مسایل گوناگون از جمله مهم ترین جلوه های آزادی است که به همراه خود آزادی بیان و اظهار آزادانه افکار و عقاید را به ارمغان می آورد تا آنگونه که اندیشیده می شود بیان نیز گردد. در واقع «آزادی بیان عقیده از جمله حقوق غیرقابل سلب و ارزشمندی است که احترام به آن لازمه اصل آزادی عقیده است.» (هاشمی، ۱۳۹۱، ۳۴۷)

از طرف دیگر این انسان های آزاد همه با هم برابرند و برابری ذاتی دارند و کسی را بر دیگری رجحانی نیست و نظریه برتری انسان ها بر مبنای ویژگی های مانند جنسیت و نژاد و رنگ جایگاه خود را از دست داده و دیگر اعتباری ندارد. امروزه «فرضیه سیادت و تفوق مبتنی بر اختلاف بین نژادها عملاً مردود و اخلاقاً محکوم و از نظر اجتماعی غیرعادلانه و خطرناک بوده و تبعیض نژادی نه از لحاظ نظری و نه از لحاظ عملی قابل توجیه نمی باشد.»^۱

اصل آزادی و برابری به کرات در اسناد بین المللی مورد توجه قرار گرفته است و آزادی در جلوه های مختلف نمود یافته است و در این اسناد به تکرار از اصل برابری انسان ها نیز سخن به میان آمده است و جنبه حقوقی یافته است چرا که آزادی و برابری زمانی تحقق می پذیرد که قانون به صورت برابر برای همه اجرا شود و این آزادی زمانی جلوه واقعی می گیرد که قوانین حق مشارکت سیاسی را به همه افراد بدهند و از آزادی انسان ها حمایت نمایند. (Schmitt, 2009, 10)

اگر بخواهیم پیرامون شکیبایی سیاسی سخن بگوییم ابتدا باید ریشه های حقوق بشری آن را مورد مذاقه قرار دهیم که همانا آزادی و برابری است. آزادی انساها سبب آزادی اندیشه و تفکر او می گردد و آزادی اندیشه، آزادی بیان و اظهار آن را به دنبال دارد و برابر بودن همه انسان ها سبب محترم دانستن اندیشه ی همه ی آنها است. پس می توان از آزادی و برابری انسان ها به عنوان دلیلی برای بردباری سیاسی در جوامع مملو از عقاید و اندیشه های متفاوت نام برد.

اعلامیه جهانی حقوق بشر مهمترین حقوق انبای انسانی، جدای از رنگ و نژاد و زبان و جنسیت و مذهب و اعتقادات سیاسی را به تصویر می کشد و حقوق یکسانی را برای همه انسان ها به رسمیت می شناسد حقوقی که انسان به عنوان یک موجود متمایز از سایر جانداران داراست. به واقع همین که به فرد عنوان انسان تعلق گیرد و این عنوان متمایز کننده او از سایر مخلوقات خداوندی باشد یک سلسله حقوقی به او تعلق می گیرد تا در پرتو بهره مندی از آنها در این کره خاکی زندگی نماید و این حقوق «صرفاً از این جهت به بشر تعلق می گیرد که بشر است و زمان و مکان و قید دیگری را بر نمی تابد.» (شریفی طرازکوهی، ۱۳۷۷، ۱۹) حقوق بشر مفهومی که امروزه به یک زبان جهانی تبدیل شده است، مجموعه حق هایی است که به همه انسان ها تعلق می گیرد و عنوان انسان که سبب تمایز این موجود از سایر موجودات دیگر می شود سبب برقراری حقوقی (Kennedy, 2008, 12)

برای اوست در واقع پاسخی که به چیستی یک موجود می دهیم و در پاسخ آن واژه انسان یا بشر را به کار می بریم موجب حقی برای اوست که نهفته در کرامت و ذات وی است، جدای از آنکه ما بدانیم این موجود کیست، دارای چه ویژگی های شخصیتی و اخلاقی است، حاصل یک ازدواج قانونی و مشروع است یا نتیجه رابطه ای غیر از ازدواج، از کدام نژاد است، سیاه است یا سفید یا رنگین پوست، اهل کدام قاره و از کدام سرزمین و شهر و دیار است، به چه زبانی سخن می گوید و از چه تباری است، معتقد به یک دین و آیین است یا راه کفر و الحاد را در پیش گرفته، فقیر است یا غنی، زن است یا مرد یا جنسیتی

متفاوت از آن دو دارد؟ پاسخی که ما در برابر چیستی یک موجود بدون در نظر گرفتن عوامل فوق می دهیم و عنوان انسان را در پاسخ مطرح می کنیم زمینه ساز تعلق حقوقی به اوست که همانا حقوق بشر است، ازلی و ابدی است، غیر قابل سلب است، جهان شمول است و گستره ای به فراخنای گیتی دارد و در برگیرنده همه ی انسان ها است و «بشر من حیث بشریت شایسته دارا بودن این حقوق اولیه است.» (شریفی طرازکوهی، ۱۳۷۷، ۲۰)

از این رو سلسله حقوق مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر، حقوق اساسی بشر بوده و همگان مردم ساکن در این کره خاکی از آن متمتع و بهره مند می باشند و «بشر موضوع اصلی حقوق بشر و آزادی های اساسی است»^۱ در اعلامیه جهانی حقوق بشر سخن از آزادی های اساسی انبای انسانی است، انسان هایی که آزاد و رها به دنیا می آیند و از لحاظ حیثیت با هم برابرند^۲ و بدون تمایز از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، تبار، عقیده سیاسی یا هر عقیده ی دیگر از آن حقوق بهره مند می گردند^۳ از این رو همه در برابر قانون یکسان هستند.^۴

در بخشی از ماده دو این اعلامیه تاکید فراوان به برابری انسان ها فارغ از ویژگی های انتسابی و اکتسابی آنان نموده است و برای همه انسان ها برابری ذاتی قائل شده است از همین منظر در بند دو این اعلامیه اعلام شده است که هیچ گونه تبعیضی به عمل نخواهد آمد چرا که «برابری خصلت درونی حقوق بشر است و این حقوق به طور مساوی به هر کس اعطا شده است.» (دوآ، ۱۳۸۳، ۲۶)

برابری و عدم تبعیض یکی از اصول مهم و اولیه اعلامیه جهانی حقوق بشر است، اصلی که ریشه در تساوی ذاتی انسان ها و تساوی در خلقت و آفرینش آنان دارد، انسان هایی که دارای یک سرشت واحد هستند و از همین منظر چون در خلقت و آفرینش مساوی اند در بهره مندی از حقوق نیز نباید در میان آنان تبعیضی وجود داشته باشد و عواملی مانند عقاید سیاسی و یا جایگاه اجتماعی و خانوادگی و یا دیگر ویژگی های اکتسابی، مبنایی برای تمتع از حقوق اولیه انسان ها قرار گیرد.

آزادی های مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر تمام ابعاد زندگی آدمیان را در بر می گیرد و انسان را در فکر و وجدان و مذهب و عقاید و بیان آنها آزاد اعلام می دارد.^۵ از منظر این اعلامیه همه ی انسان ها از انواع آزادی ها برخوردارند که یکی از آزادی های اولیه انسانی آزادی اندیشه و عقیده و بیان آن است و همه آزادند که هر عقیده ای داشته باشند و محدودیتی در دارا بودن عقاید خاص برای آنان وجود ندارد.^۶

یکی از انواع عقاید انسانی عقاید و طرز تفکر او پیرامون مسائل مختلف سیاسی و اجتماعی است و انسان ها در داشتن عقاید سیاسی و پیروی از مکاتب و گروه ها و احزاب سیاسی و هواداری از آنان نیز آزادند و می توانند آزادانه به این گروه ها و دسته بندی های مختلف سیاسی بپیوندند. آزادی داشتن عقاید سیاسی و هواداری و پیروی و الصاق به گروه ها و دسته بندی های سیاسی یکی از موارد حیاتی در جوامع امروزی است و فرد اختیار دارد تا به هر کدام از گروه های مورد علاقه خود بپیوندد و به

۱- دیباچه اعلامیه کنفرانس جهانی حقوق بشر وین

۲- تمام افراد بشر آزاد به دنیا می آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند. همه دارای عقل و وجدان می باشند و باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتار کنند (ماده ۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر)

۳- هر کس می تواند بدون هیچ گونه تمایز، مخصوصا از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر، از تمام حقوق و کلیه آزادی هایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده است بهره مند گردد (ماده ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر)

۴- همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بدون تبعیض و بالسویه از حمایت قانون برخوردار شوند. همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که ناقض اعلامیه حاضر باشد و بر علیه هر تحریکی که برای چنین تبعیضی به عمل آید به طور تساوی از حمایت قانون بهره مند شوند (ماده ۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر)

۵- هر کس حق دارد که از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره مند شود (ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر):

۶- هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و در اخذ و انتشار آن به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد (ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر)

جانبداری از آن‌ها بپردازد و آزادانه افکار و عقاید آن گروه را ترویج دهد چرا که هرکس حق آزادی بیان دارد و می‌تواند آزادانه به نشر و اشاعه آن‌ها بپردازد بدون آنکه مورد مزاحمت و ممانعتی قرار بگیرد.^۱

در اعلامیه اسلامی حقوق بشر نیز اشاره به آزادی ابنای انسانی شده است و این آزادی به گونه دیگری مورد شناسایی و تاکید قرار گرفته است و آزادی توأم با مسئولیت انسان پذیرفته شده است. انسان از منظر این اعلامیه خلیفه خدا بر روی زمین بوده و خداوند به او حیثیت بخشیده است و اعطای این حیثیت به او از جانب خداوند سبب آزادی او از بدو تولد گشته است^۲ و حقوق اساسی و آزادی‌های او جزئی از دین اسلام است و همه انسان‌ها از منظر این اعلامیه با هم برابرند که این امر نشأت گرفته از دو اصل است: اول تساوی در خلقت و آفرینش واحد توسط خداوندی که همه انسان‌ها را از روحی واحد آفریده است و دودگر مبعوث نمودن پیامبری در میان آنها که همه مردمان را برابر اعلام نموده و جز در تقوا و درست پیشگی کسی را شایسته برتری نمی‌داند^۳ که تبلور این بینش در ماده اول اعلامیه به این صورت جلوه نموده است «بشر به طور کلی یک خانواده می‌باشند که بندگی نسبت به خداوند و فرزندگی نسبت به آدم آن‌ها را گرد آورده و همه مردم در اصل شرافت انسانی و تکلیف و مسئولیت برابرند بدون هر گونه تبعیضی از لحاظ نژاد یا رنگ یا زبان یا جنسیت یا اعتقادات دینی یا وابستگی سیاسی یا وضع اجتماعی و غیره.»

این برابری در ماده ۱۹ اعلامیه مورد تاکید مجدد قرار گرفته است و همه افراد در برابر شرع با هم برابر و مساوی هستند.^۴ بیان آزادی و برابری در اعلامیه اسلامی حقوق بشر ریشه در نوع نگاه این دین به مقوله آزادی و برابری دارد و در پاره‌ای از مواد تفاوت‌هایی با اصول مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر دیده می‌شود که ناشی از صبغه دینی حاکم بر آن است، اما تصویب و اجماع کشورهای اسلامی برای اجرای آن گامی رو به جلو برای تحقق آزادی و برابری است و انگاره‌های آن موثر در ایجاد روحیه برابری و برادری در میان همه مردم به ویژه مردم مسلمان است.

در میثاق حقوق مدنی و سیاسی نیز آزادی ابنای انسان مورد توجه بسیار قرار گرفته است و مقدمه این اعلامیه این حقوق را ناشی از حیثیت ذاتی انسان‌ها دانسته و تامین آزادی و حقوق اولیه ابنای انسانی را در پرتو بهره‌مندی از حقوق مدنی و سیاسی می‌داند. در این میثاق در مواد متعددی از آزادی انسان و رهایی او از قیود گوناگون سخن به میان آمده است.

در ماده ۸ این میثاق برده بودن به هر نحوی ممنوع اعلام شده است و در بند دیگر این ماده بندگی و غلامی نیز مورد نهی قرار گرفته است^۵ آن هم از آن جهت که بردگی و بندگی در سال‌های نه چندان دور و در دوره‌های مختلف تاریخ همواره به اشکال گوناگون وجود داشته است و سرتاسر تاریخ گواه این امر بوده و عده‌ای بنده‌ی صاحبان قدرت و ثروت بوده‌اند و برده‌داری به وسیله قانون حمایت می‌شد و برده‌دارها در محاکم از حمایت قضایی برخوردار بودند. (Schmitt, 2009, 9) از این رو این ماده تمام ابنای بشر را آزاد از بردگی و بندگی می‌داند و هر شکل از آن را ممنوع اعلام می‌نماید و به هر شکل و طریقی که باشد توجیه پذیر نیست و باید از جامعه رخت بربندد.

در ماده ۹ این میثاق نیز هر افراد را دارای حق آزادی و امنیت فردی می‌داند و عنوان (هرکس) نشان دهنده وسعت و شمولیت و عدم تحدید دامنه شمول این حق است و همگان بشر دارای حق آزادی هستند و از هیچ کس نمی‌توان سلب آزادی

۱- هرکس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به سرحدات شفاه یا به صورت نوشته یا چاپ یا به صورت هنری یا به هر وسیله دیگر به انتخاب خود می‌باشد. (ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی)

۲- انسان آزاد متولد می‌شود و هیچ احدی حق به بردگی کشیدن یا ذلیل کردن یا مقهور کردن یا بهره کشیدن یا به بندگی کشیدن او را ندارد مگر خدای متعال (بند الف ماده ۱۱ اعلامیه اسلامی حقوق بشر).

۳- بخشی از مقدمه اعلامیه اسلامی حقوق بشر

۴- مردم در برابر شرع مساوی هستند. در این امر حاکم و محکوم نیز با هم برابرند.

۵- هیچ کس را نمی‌توان در بردگی نگاه داشت. بردگی و خرید و فروش برده به هر نحوی از انحاء ممنوع است. هیچ کس را نمی‌توان در بندگی نگاه داشت.

کرد مگر به موجب قانون و آیین دادرسی مقرر بر مبنای قانون،^۱ تاکید این دو ماده بر آزادی و محدوده آن حاکی از اهمیت این حق خدادادی است تا در پرتو بهره مندی از آن انسان آن گونه که درست می پندارد و سبب آسیب رسیدن به دیگران نمی شود زندگی نماید و هیچ کس را نمی توان به صرف عقیده ای که دارد مورد اخافه و کنکاش قرار داد^۲ که این امر خود بنیانگذار اصل مهم دیگری است و آزادی ترویج و اشاعه عقاید و افکار و بیان آنها را به ارمغان می آورد کتب یا شفاها البته ممکن است محدودیت هایی در جهت رعایت آزادی دیگران و حفظ اخلاق و نظم عمومی برقرار گردد.^۳ در این میثاق علاوه بر آزادی به برابری انسان ها نیز اشاره شده و مورد تاکید فراوان قرار گرفته است و برابری همه انسان ها را چه از لحاظ حیثیت و چه در برابر قانون به رسمیت شناخته است^۴ و هرکس حق دارد همه جا شخصیت حقوقی اش مورد احترام باشد.^۵

در کنوانسیون آفریقایی حقوق بشر و مردم به کرات اشاره به آزادی های افراد شده است، بر اساس ماده ۲ این کنوانسیون هر شخصی مستحق خواهد بود که از حقوق و آزادی های شناخته شده در این کنوانسیون بهره مند گردد، بدون تمایز از هر نوع که باشد و بدون توجه به رنگ، گروه های نژادی، جنسیت، زبان، مذهب، نظرات و عقاید سیاسی یا هر عقیده ی دیگر، ملیت و یا هر اساس و منشا اجتماعی، ثروت، تولد و یا هر نوع وضعیت دیگر.

ماده ۳ این کنوانسیون نیز همه افراد را مستحق برابری در مقابل قانون می داند و شایسته حمایت یکسان قانون و در ماده ۴ نیز همه افراد را صاحب حرمت می داند که بر اساس آن باید به زندگی شخصی و تمامیت و شخصیت آن ها احترام گذاشته شود. در ماده ۶ این اعلامیه نیز مجدداً بر آزادی افراد تاکید شده است که هرکس حق آزادی و حریت دارد و هیچ کس حق محدود و مخدوش کردن آزادی افراد را ندارد مگر به موجب قانون وضع شده از پیش.

در ماده ۱ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر نیز از حقوق اولیه انسان ها سخن به میان آمده است و از تعهد احترام به حقوق انبای انسانی صحبت شده است و بیان می دارد که اعضای این کنوانسیون تعهد می نمایند که به حقوق و آزادی های شناخته شده در این کنوانسیون احترام گذارند و تضمین نمایند که همه افراد از این حقوق بهره مند گردند بدون تمایز از لحاظ نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقاید سیاسی یا هر عقیده ی دیگری و بدون در نظر گرفتن جایگاه ملی و اجتماعی، وضعیت اقتصادی و مالی، تولد و یا هر نوع شرایط اجتماعی دیگر. عدم موثر بودن موارد نام برده شده جهت برخورداری از حقوق و آزادی ها نمود بهتری در بند ۲ این ماده پیدا می کند که اشعار می دارد برای تحقق و دستیابی به اهداف این کنوانسیون (شخص) به معنای هر انسانی است و همه ی انسان های آفریده خداوند را شامل می گردد. در بیان ایجاد تضمین و دارا بودن ضمانت اجرا برای تحقق این حقوق در ادامه ماده ۲ این کنوانسیون بیان شده در مواقعی که تضمین موارد ذکر شده در ماده ۱ این کنوانسیون توسط مقررهای خاص و قانون صورت پذیرفته است نهادهای دولتی موظف به ایجاد ضمانت های لازم بوده تا تضمین رعایت این امور صورت پذیرد.

در باب برابری نیز این کنوانسیون در ماده ۳ بیان می دارد که هر شخصی حق دارد که شخصیت او تحت حمایت قانون به رسمیت شناخته شود و در ماده ۴ نیز از محترم شمردن زندگی افراد و مورد احترام بودن حیات آنان سخن به میان آمده است و هرکس از این حق برخوردار است. آزادی از بندگی در ماده ۶ این کنوانسیون بیان شده و همه اشکال آن ممنوع اعلام شده است. از دیگر جلوه های آزادی و برابری از منظر این کنوانسیون ماده ۷ آن است که بیان می نماید همه افراد حق آزادی و امنیت شخصی دارند و هیچ کس حق محدود نمودن این آزادی ها را ندارد مگر به دلیل وجود شرایط و قواعدی که از قبل به وسیله قوانین از جمله قانون اساسی و دیگر قوانین ایجاد شده باشند. در مواد دیگر این کنوانسیون نیز به انواع آزادی ها اشاره

۱- هرکس حق آزادی و امنیت شخصی دارد. هیچ کس را نمی توان خودسرانه (بدون مجوز) دستگیر یا بازداشت کرد. از هیچ کس نمی توان سلب آزادی نمود مگر به جهات و طبق آیین دادرسی مقرر به حکم قانون.

۲- هیچ کس را نمی توان به مناسبت عقایدش مورد مزاحمت و اخافه قرارداد. (بند ۱ ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی)

۳- بندهای ب و ج ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی.

۴- همه در مقابل دادگاه ها و دیوان های دادگستری متساوی هستند.

۵- هرکس حق دارد به این که شخصیت حقوقی او همه جا شناخته شود.

شده است از جمله آزادی حریم خصوصی و خلوت (ماده ۱۱) آزادی وجدان و مذهب (ماده ۱۲) آزادی اندیشه و بیان (ماده ۱۳) آزادی دفاع (ماده ۱۴) آزادی گردهمایی و اجتماعات (مواد ۱۵ و ۱۶) آزادی رفت و آمد و اقامت و مهاجرت (ماده ۲۲).

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که نماد همکاری و پیوند کشورهای اروپایی و توافق آنان بر موازین حقوق بشری است از اسناد با اهمیت پیرامون آزادی و برابری است. در ماده ۲ این کنوانسیون از حق زندگی همه افراد در پرتو حمایت قانون سخن به میان آمده است و هیچ کس نمی تواند موضوع بندگی و بردگی واقع شود است و بر اساس ماده ۴ این امر ممنوع اعلام شده است. در ماده ۵ نیز بیان شده که هرکس حق آزادی و امنیت فردی دارد.

بر اساس ماده ۹ این کنوانسیون هرکس حق دارد تا از آزادی اندیشه، مذهب و وجدان برخوردار باشد و در ماده ۱۰ نیز از حق آزادی بیان سخن به میان آمده است و اشعار می دارد که هرکس حق آزادی بیان دارد و این حق شامل آزادی در داشتن عقاید، دریافت اطلاعات و دریافت ایده های گوناگون است آن هم بدون دخالت اقتدار عمومی.

در ماده ۱۴ این کنوانسیون پیرامون برابری همه افراد مواردی بیان شده است و حقوق و آزادی های مندرج در این کنوانسیون برای همه افراد به رسمیت شناخته شده است بدون هیچ گونه پیش زمینه ای از لحاظ جنسیت، نژاد، رنگ، زبان، مذهب، عقاید سیاسی، ریشه های اجتماعی و ملی، ثروت، دارایی و تولد یا هر دلیل دیگر.

با قبول اصل آزادی، برابری و تساوی اینای انسانی و بهره مندی از حقوق یکسان و برابر و همچنین با پذیرش اصل آزادی به عنوان یکی از اجزای جدایی ناپذیر وجود انسان ها در بخش های مختلف زندگی، از این آزادی اندیشه و بیان و برابری و تساوی افراد، به تعدد و تنوع اندیشه و اعتقادات در عرصه های مختلف به ویژه مسائل سیاسی و افکار و عقاید در این باب می رسمیم. در واقع قبول اصل آزادی و برابری شهروندان یک جامعه تنوع اندیشه و تعدد افکار و عقاید را به همراه خواهد داشت، چرا که مردم ملزم به پذیرش نظری واحد و یک شیوه خاص فکری نیستند و آزاد در قبول یا عدم قبول یک اندیشه بوده و می توانند آزادانه در مورد مسائل گوناگون بیاندیشند و آزادانه عمل نمایند. با قبول اصل آزادی و به تبع آن پیدایش تنوع و تکثر در جامعه، چگونگی زیستن افراد انسانی در کنار یکدیگر مطرح می شود تا با حفظ آزادی های مشروع افراد، حقوق سایرین رعایت و احترام به افکار و عقاید آنان سرلوحه ی سلوک اجتماعی قرار گیرد.

یکی از اولین و مهمترین مسائل مطروحه در این میان رواداری و تحمل افکار و عقاید و خواسته های دیگران است. در واقع پذیرفتن افکار و عقاید و نظرات دیگران همانند انتظار پذیرش افکار و عقاید خویش توسط سایرین، یکی از اولین اصول دموکراسی و خردمندانه ترین روش برای ادامه ی حیات در یک جامعه متنوع به لحاظ افکار و عقاید است. پذیرش این امر که دیگران نیز دارای آزادی در داشتن یک عقیده و طرز تفکر هستند منجر به احترام به عقاید دیگران و پیدایی چندگانگی و تنوع افکار می شود و رعایت این احترام سبب شکل گیری شکیبایی سیاسی در یک جامعه می گردد. شکیبایی سیاسی سلوکی است که در آن همه افراد جامعه که دارای عقاید و افکار مختلف پیرامون مسائل سیاسی هستند دارای آزادی کامل در بیان آن بوده و این بیان از طرف دیگر اعضای جامعه در هر دو سطح شهروندان و حکومت گران مورد احترام و رعایت است. در جامعه ای که شکیبایی سیاسی وجود داشته باشد افراد مجبور به ترک یا مخفی نگه داشتن عقاید خویش پیرامون مسائل سیاسی نیستند و آزادانه آن را بیان و از رهگذر تشکیل احزاب و تجمعات گروهی آن اصول را در محدوده قوانین موجود ترویج می دهند.

در واقع سخن از شکیبایی سیاسی به این معناست که در جامعه افراد مختلف با اندیشه های گوناگون و از اجتماع آنها احزاب مختلف و طیف وسیعی از گروه های سیاسی با اندیشه های متفاوت وجود دارد و همه آن ها چه موافق و چه مخالف دولت، اجازه ابراز عقیده و بیان نظرات خود را دارا هستند و مجبور به انکار یا اخفا عقاید خویش نمی باشند که این امر نشأت گرفته از آزادی اندیشه و آزادی بیان عقاید و برابری و تساوی شهروندان آن جامعه است. رواداری و تسامح در باب گوناگونی موجود در جامعه وجود دارد و حکومت گران اجازه فعالیت به همه افراد و گروه ها را می دهند و اقلیت های سیاسی موجود در جامعه نیز همچون سایر گروه ها از آزادی فعالیت برخوردارند و در صورت اقبال و استقبال عمومی حتی امکان به دست گرفتن قدرت را دارند. به تعبیر دیگر تساوی بین گروه ها و احزاب و فرقه های مختلف فکری و سیاسی و آزادی کنشگری در محدوده قوانین برای آنان وجود دارد که این امر از ویژگی های بارز جوامعی است که در آن ها شکیبایی سیاسی وجود دارد. شکیبایی

سیاسی می طلبد که همه مردمان جامعه را بپذیریم و به آنان حتی اگر درعمل دارای رویکردی متفاوت هستند اجازه فعالیت بدهیم و همه افراد به عنوان عضوی (Scanlon, 2003, 187) از جامعه پذیرفته و نادیده انگاشته نشوند.

بنابراین مهمترین بن مایه های شکیبایی سیاسی را این طور می توان بیان نمود که در جامعه ای شکیبایی سیاسی ریشه می دواند که اولاً افراد دارای آزادی کامل در داشتن عقاید سیاسی باشند و دارای آزادی اندیشه بوده و مجبور به پذیرش یا عدم پذیرش یک عقیده خاص نباشند و ثانیاً آزادانه بتوانند به بیان عقاید خویش بدون خوف و ترس از برخوردهای دیگران بپردازند و آزادانه عقاید سیاسی خود را در جامعه ترویج و دنبال روی نمایند و سایر شهروندان و حکومت گران با بردباری و سعه صدر با آنان برخورد نمایند و بتوانند به صورت فردی یا از رهگذر تشکیل احزاب، گروه های سیاسی، تشکل ها و انجمن های گوناگون به فعالیت بپردازند.

۳- برآمدهای شکیبایی سیاسی

۳-۱- آزادی تعدد و تنوع گروه های سیاسی و اجتماعی

با قبول آزادی انبانی بشری و قبول آزادی اندیشه و عقیده، آزادی ابراز عقیده نیز پدیدار می گردد و آنها آزاد هستند که پیرامون مسائل گوناگون سیاسی بیاندهند و رفتار نمایند و چون دارای برابری ذاتی با یکدیگر اند پس رجحان و برتری بر هم ندارند و صرفاً اندیشه آنان دلیلی بر وجود تمایز میان آنان نیست. با قبول اصل آزادی و برابری افراد انسانی حق داشتن عقاید گوناگون سیاسی نیز برای آنان پابرجاست و آنان می توانند به طور فردی یا دسته جمعی پیرامون مسائل مختلف سیاسی و اجتماعی اظهارنظر نمایند و گردهم آیند و از رهگذر ایجاد تشکل و اتحادیه های گوناگون به فعالیت درعرصه سیاست بپردازند.

حق گردهمایی و ایجاد انجمن ها و احزاب و تشکل های سیاسی گوناگون از نتایج آزادی اشخاص و آزادی بیان آنهاست چرا که در جامعه چندگانگی وجود دارد پس این گروه ها آزادانه تشکل و به فعالیت می پردازند. (Dicey, 1915, 170) حق تشکل این انجمن ها و حق پیوستن به آنها و آزادی فعالیت آنها در چهارچوب قانون و تا جایی که برهم زننده نظم عمومی نباشند در اسناد حقوق بشری بسیاری بیان شده است که ازعناصر مهم شکیبایی سیاسی در یک جامعه این است که همه شهروندان می توانند برای سامان بخشیدن به خواسته ها و سهمیم شدن در امر زمامداری با تشکیل احزاب و گروه های متعدد به بیان خواسته ها و نظرات خود بپردازند. امروزه احزاب نقش مهمی در دموکراسی های معاصر بازی می کنند چرا که ترجمان خواست مردم و نظرات آنان پیرامون رویه های سیاسی موجود در جامعه هستند. (Barendt, 1998: 149)

وجود احزاب متعدد و متنوع هم از لحاظ کمیت و هم از لحاظ تنوع و کیفیت از مشخصه های وجود شکیبایی سیاسی در جامعه است که جلوه ی بارز وجود آزادی های فردی و برابری در جامعه است و از رهگذر وجود آنها آزادی های گروهی و سیاسی پا به عرصه وجود می گذارد. آزادی هایی که «از جمله آزادی های بنیادین بشری است که افراد جامعه به خاطر علقه مشترکی که دارند گردهم می آیند.» (هاشمی، ۱۳۹۱، ۴۱۴) وجود این آزادی های سیاسی و گروه ها و نهادهای واسطه و سلوک بر مبنای شکیبایی سیاسی در جامعه از ارکان اصلی حکومت های دموکراتیک و مردم سالار است و دموکراسی بدون وجود جامعه مدنی متمایز از دولت وجود خارجی ندارد چرا که مردم به تنهایی نمی توانند در برابر قدرت دولت ها ابراز وجود نمایند. (Niculescu, 2013: 577)

آزادی های گروهی و سیاسی شهروندان به کرات در اسناد و اعلامیه های حقوقی مورد توجه و تکرار قرار گرفته است. در اعلامیه جهانی حقوق بشر با رعایت شروط محدود کننده ای که توسط قوانین در یک جامعه دموکراتیک وضع شده است، حق تشکیل مجامع مسالمت آمیز به رسمیت شناخته شده است بدون اجبار و اکراه در عضویت یا عدم عضویت در آن ها.^۱

۱- هرکس حق دارد آزادانه مجامع و جمعیت های مسالمت آمیز تشکیل دهد. هیچ کس را نمی توان مجبور به شرکت در اجتماعی کرد (ماده ۲۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر)

در میثاق حقوق مدنی و سیاسی نیز حق تشکیل اجتماعات انسانی برای تحقق خواسته ها و نیازهای خود به رسمیت شناخته شده است و افراد آزادانه می توانند با دیگران اجتماعی جهت پیگیری خواسته ها و عقاید خویش داشته باشند که البته این امر با محدودیت هایی در جهت رعایت آزادی دیگران و مصلحت عمومی همراه است^۱ و این حق ممکن است به وسیله قوانین از پیش تعیین شده در جوامع دموکراتیک برای جلوگیری از برهم خوردن نظم عمومی تابع محدودیت هایی شود. در میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی نیز آزادی و حق مردمان در تشکیل اتحادیه ها و احزاب گوناگون برای پیشبرد منافع سیاسی و اقتصادی و اجتماعی خویش با رعایت قوانین به رسمیت شناخته شده و افراد می توانند با الحاق به این احزاب و سندیکاها و گروه های اجتماعی برای پیشبرد خواسته های خویش تلاش نمایند و این میثاق در مرحله بعد حق آزادانه فعالیت این گونه گروه ها را نیز به رسمیت شناخته است^۲ و در گام بعدی حق تشکیل فدراسیون یا کنفدراسیون ملی برای این اتحادیه ها و انجمن ها را مورد شناسایی قرار داده تا از طریق عضویت در مجامع ملی و بین المللی بتوانند در راستای اهداف و آمال اعضا گام های موثری بردارند.

در کنوانسیون بین المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی نیز حق آزادی اجتماع و تشکیل جمعیت های مسالمت آمیز از جمله حقوق مدنی اشخاص است^۳ و حق تشکیل اتحادیه های صنفی و عضویت در آنها در زمره ی حقوق اقتصادی اجتماعی فرهنگی شهروندان انگاشته شده است.^۴

در کنوانسیون آفریقایی حقوق بشر و مردم از حق شهروندان برای تشکیل انواع اجتماعات در ماده ۱۱ سخن به میان آمده است و هر شخص حق دارد به طور آزادانه با دیگران اجتماعی تشکیل دهد البته این حق کاملاً نامحدود نیست و با محدودیت هایی مواجهه است و این آزادی ممکن است به وسیله محدودیت های ضروری مقرر شده توسط قوانین قید پذیرد، قوانینی که برای حفظ منافع و امنیت ملی یا سلامت عمومی و یا برای حفظ آزادی دیگر شهروندان وضع شده اند. در ماده ۱۶ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر به حق آزادانه تشکیل اجتماعات اشاره شده است و در بند اول دامنه این حق مشخص و در بند دوم وسوم محدودیت های آن معین شده است. بر اساس بند اول این ماده هرکس حق پیوستن آزادانه به گروه ها و اجتماعات ایدئولوژیک، مذهبی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، کارگری، فرهنگی، ورزشی و یا سایر اجتماعات این چنینی با اهداف دیگر را دارد. در بند دوم همین ماده البته محدودیت هایی برای فعالیت این گروه ها در نظر گرفته شده است آن هم به وسیله قوانین وضع شده در جامعه دموکراتیک و برای حفظ نظم عمومی و برای حفاظت از سلامت عمومی و امنیت ملی و حفظ حقوق سایر شهروندان. در

۲- هر کس حق اجتماع آزادانه با دیگران را دارد از جمله حق تشکیل سندیکا (اتحادیه های صنفی) و الحاق به آن برای حمایت از منافع خود. اعمال این حق تابع هیچ گونه محدودیتی نمی تواند باشد مگر آنچه که به موجب قانون مقرر گردیده و در یک جامعه دموکراتیک به مصلحت امنیتی ملی یا ایمنی عمومی - نظم عمومی یا برای حمایت از سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادیهای دیگران ضرورت داشته باشد. این ماده مانع از آن نخواهد شد که اعضای نیروهای مسلح و پلیس در اعمال این حق تابع محدودیتهای قانونی بشوند (ماده ۲۲ میثاق حقوق مدنی و سیاسی)

۳- کشورهای طرف این میثاق متعهد می شوند که مراتب زیر را تضمین کنند: الف - حق هر کس به اینکه به منظور پیشبرد و حفظ منافع اقتصادی و اجتماعی خود با رعایت مقررات سازمان ذیربط مبادرت به تشکیل اتحادیه نماید و به اتحادیه مورد انتخاب خود ملحق شود. اعمال این حق را نمی توان تابع هیچ محدودیتی نمود مگر آنچه که به موجب قانون تجویز شده و در یک جامعه دموکراتیک برای مصالح امنیت ملی یا نظم عمومی یا حفظ حقوق و آزادیهای افراد دیگر ضرورت داشته باشد ب - حق اتحادیه ها (سندیکاها) به تشکیل فدراسیونها یا کنفدراسیون های ملی و حق کنفدراسیونها به تشکیل سازمانهای سندیکایی بین المللی یا الحاق به آنها. ج - حق اتحادیه ها (سندیکاها) که آزادانه به فعالیت خود مبادرت نمایند بدون هیچ محدودیتی جز آنچه که به موجب قانون تجویز شده و در یک جامعه دموکراتیک برای مصالح امنیت ملی یا نظم عمومی یا برای حفظ حقوق و آزادیهای دیگران ضرورت داشته باشد. (ماده ۸ میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی فرهنگی)

۳- سایر حقوق مدنی خصوصاً: حق آزادی فکر و وجدان و مذهب / آزادی عقیده و بیان / حق آزادی اجتماع و تشکیل جمعیت های مسالمت آمیز (بند د ماده ۵)

۴- حقوق اقتصادی اجتماعی فرهنگی خصوصاً: حق تشکیل اتحادیه های صنفی و عضویت در آنها (بند ه ماده ۵):

منشور اروپایی حقوق بشر نیز آزادی اجتماعات و تشکل‌ها و حق آزادانه گردهمایی و تجمعات به رسمیت شناخته شده است و همه حق پیوستن به اتحادیه‌های گوناگون برای حمایت از منافع خویش را دارند.

۳-۲- آزادی فعالیت گروه‌های مخالف سیاسی و اجتماعی

با بررسی اسناد بین‌المللی فراوان پیرامون آزادی، برابری، عدم تبعیض، آزادی انتخاب و داشتن عقاید خاص سیاسی، مشخص می‌شود که داشتن گرایش‌های مختلف سیاسی از جمله حق‌های بشری است که باید توسط دولت‌ها مورد احترام و رعایت قرار گیرد و نتیجه آن آزادی تشکل و تجمع و گردهمایی‌های گوناگون جهت پیگیری اهداف و خواسته‌های شهروندان در زمینه‌های گوناگون است و در اسناد بسیاری حق تشکیل انواع اتحادیه‌ها و انجمن‌ها برای افراد به رسمیت شناخته شده است و عضویت در آنها و فعالیت آزادانه آنها از جمله اموری است که باید توسط دولت‌ها تامین و تحقق آن تضمین گردد. اما پرسش مهمی که مطرح می‌گردد این است که آیا شکیبایی سیاسی تنها به وجود احزاب گوناگون و فعالیت آنان محدود می‌شود یا اینکه احزاب مخالف، گروه‌های سیاسی مخالف دولت، گروه‌های اجتماعی منتقد دولت نیز حق فعالیت و تشکیل احزاب و اتحادیه‌ها و فعالیت از رهگذر تشکیل مجامع این چنینی را دارند؟

با تدقیقی در اسناد گوناگون حقوق بشری مشخص می‌گردد که در همه آن‌ها افراد بشر با هم مساوی‌اند، برابری ذاتی دارند و در آفرینش و خلقت با هم یکی هستند و از طرفی آزاد به دنیا می‌آیند و از انواع آزادی‌ها برخوردارند و باید آزادانه به زیست خود ادامه دهند از طرف دیگر در تمامی اسناد مذکور از اصل عدم تبعیض که در واقع نتیجه و برآمد همان برابری است سخن به میان آمده و از آزادی آنان در تشکیل مجامع و انجمن‌ها سخن گفته شده است. پس به تحقیق گروه‌های مخالف سیاسی و گروه‌های منتقد دولت و مخالفین تا جایی که خلاف قوانین جاری جامعه عملی انجام ندهند، نظم عمومی و آسایش عمومی را بر هم نزنند و موجب ایجاد بی‌نظمی در جامعه نشوند می‌توانند آزادانه به فعالیت بپردازند، عملکرد دولت و حکومت را مورد نقد و بررسی قرار دهند و با در اختیار داشتن رسانه‌ها و ایجاد گروه‌های همفکر به فعالیت بپردازند. پس دامنه آزادی فعالیت احزاب مخالف و منتقد در جامعه‌ای که شکیبایی سیاسی در آن وجود دارد تا جایی است که آسیب‌زننده‌ی نظم عمومی نباشند و رفتاری خلاف قوانین موجود انجلم ندهند.

آزادی فعالیت مخالفین و اجازه ایجاد تشکل و انجمن توسط آنان نشان‌دهنده سعه صدر و رواداری و یکی از پیامدهای مهم شکیبایی سیاسی است و گامی موثر در تحقق حقوق بشر و آزادی‌های سیاسی برای همگان حتی مخالفین و منتقدین دولت است که دو نتیجه مهم در بر دارد: اول آنکه با فعالیت مسالمت‌آمیز خود در جامعه و انتقاد از دولت می‌توانند نقاط ضعف دولت را پررنگ نمایند و از این طریق دولت را ملزم به اصلاح عملکرد خویش نمایند و با بیان کاستی‌های وضع موجود دولت را ملزم به رفع نقایص کنند و توجه افکار عمومی جامعه را به سمت عملکرد دولت مردان جلب نمایند. دودگر آنکه این آزادی فعالیت و احترام به حقوق اقلیت‌های سیاسی دلیل متقن عقلی دارد که چه بسا روزگاری اقلیت موجود با توجه به امکان فعالیت داده شده به آنها تبدیل به اکثریت گردند و بتوانند قدرت را به دست بگیرند. پس باید آزادی فعالیت و عمل داشته باشند و مورد احترام واقع گردند. از طرف دیگر نباید فراموش کرد که اقلیت موجود در یک جامعه از هر نوع که باشند از مردمان همان سرزمین و شهروندان همان دولت-کشورند پس دارای حقوقی مساوی با دیگر شهروندان می‌باشند هرچند ممکن است به دلیل تفاوت عقیده جز اقل جمعیت یک جامعه باشند. حفظ حقوق شخصی همه افراد، احترام به امان‌های موجود در جامعه و وجود چندگانگی سیاسی و مدارا با اقلیت‌ها چه از لحاظ سیاسی و چه از لحاظ ایدئولوژیک به تحقیق آزادی کنشگری همه اعضای جامعه و شکیبایی سیاسی را به دنبال خواهد داشت. (Niculescu, 2013, 581)

۴- وظایف حکومت ها در تحقق شکیبایی سیاسی

۴-۱- حمایت حکومت از اقلیت های سیاسی

از وظایف مهم دولت ها در سرتاسر جهان همان طوری که در بسیاری از اسناد بین المللی به آن اشاره شده و در بسیاری از کنوانسیون های بین المللی به آن متعهد شده اند، تلاش برای تحقق و ارتقای حقوق بشر در سرزمین های تحت حکومت خویش است که با پیدایی پارادایم حقوق بشر این مهم به عنوان یک هنجار برای شیوه حکمرانی در اندیشه های سیاسی ارتقای احترام به حقوق بشر و آزادی های اساسی و تعالی حقوق انسانی (Kennedy, 2008,12) معاصر ریشه دوانیده است.

انسانی باید سرلوحه عملکرد دولت ها قرار گیرد تا موازین حقوق بشر در سرتاسر قلمرو حکومت آنان به اجرا درآید. حقوق بشر موازینی است که علاوه بر تبیین حق های بشری وظایفی نیز برای حکومت ها بیان می دارد و همه دولت ها ملزم به رعایت آن که برای به اجرا در آمدن این اصول نیاز به وجود ضمانت های اجرایی است چرا که این ضمانت (Hoover, 2013:2) هستند. اجرای قواعد است که به آنها جنبه الزام می بخشد. صرف به رسمیت شناختن اعلامیه های گوناگون و یا پیوستن به کنوانسیون های بین المللی به تنهایی برای تحقق آزادی های اساسی شهروندان کافی نیست بلکه دولت ها باید با ایجاد راهکارهای مناسب و تصویب قوانین لازم زمینه ی اجرایی شدن این امور را فراهم نمایند. در همین راستا در اعلامیه کنفرانس حقوق بشر وین ذیل عنوان تساوی، کرامت و بردباری در بند الف بخش چهارم از کلیه دولت ها خواسته شده است تا جهت مبارزه با نابردباری و تجاوزات مربوط به آن، تعهدات بین المللی خود را به کار برده و تمام تلاش خود را برای امحای این امور به کار گیرند و از کلیه دولت ها می خواهد تا «تعهدات بین المللی جهت مقابله با نابردباری و تجاوزات مربوط به آن در خصوص مذهب یا اعتقادات از جمله اعمال تبعیض علیه زنان و از جمله بی حرمتی به اماکن مذهبی را به کار برده، حق افراد به داشتن آزادی افکار، عقاید، بیان و مذهب را به رسمیت بشناسند».

در اسناد دیگری نیز اشاره به تعهدات دولت در قبال اجرایی شدن حقوق بشر و جاری شدن آن در زندگی شهروندان شده است آن هم بدون در نظر گرفتن تفاوت ها و تمایزهای بین افراد که عدم رعایت این امور در ماده ۱۱ اعلامیه کنفرانس بین المللی حقوق بشر تهران مورد توجه قرار گرفته است و «موارد نقض فاحش حقوق بشر ناشی از تبعیض بر مبنای نژاد، مذهب و اعتقاد به افکار به خصوص یا بیان آن وجدان بشریت را جریحه دار می کند و مبانی آزادی، عدالت و صلح را در جهان به مخاطره می افکند». از همین منظر قوانین وضع شده در کشورها و آیین نامه ها و تصویب نامه های دولتی باید در راستای تحقق بخشیدن به حقوق بشر و اهداف و موازین آن باشد چرا که هدف اولیه سازمان ملل متحد برخورداری همه افراد از حداکثر آزادی هاست و برای رسیدن به این مقصود قوانین کشورها باید انواع آزادی ها را برای شهروندان به رسمیت بشناسند و حق شرکت در حیات سیاسی را برای همگان بدون هیچ گونه تمایزی تامین نماید.^۱

تاکید مهمتر بر رعایت حقوق اقلیت ها و تامین آزادی های اساسی در اعلامیه کنفرانس حقوق بشر وین صورت پذیرفته است و در بخش پ بند ۱۰ بیان می دارد که همه دولت ها باید حداکثر تلاش خود را جهت تضمین حق اقلیت ها در برخورداری کامل و موثر از حقوق بشر و آزادی های اساسی نمایند. در همین راستا این اعلامیه اشاره به سند دیگر سازمان ملل متحد با عنوان اعلامیه مربوط به حقوق اشخاص متعلق به اقلیتهای ملی یا قومی، دینی و زبانی می نماید. با تدقیق در این اعلامیه می توان به کرات اصول متعددی پیرامون حقوق اقلیت ها مشاهده نمود. در ماده ۴ این اعلامیه دولت ها ملزم به

۱- هدف نخستین سازمان ملل متحد در زمینه حقوق بشر، برخورداری یکایک افراد از حداکثر آزادی و حیثیت است. برای تحقق این مقصود قوانین هر کشوری باید آزادی بیان، آزادی کسب اطلاعات، آزادی ایمان و مذهب و نیز حق شرکت در حیات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی کشور را برای عموم افراد صرف نظر از نژاد، زبان، مذهب یا اعتقاد سیاسی تامین کند (ماده ۵ اعلامیه کنفرانس حقوق بشر تهران)

تضمین حقوق اقلیت‌ها جهت بهره‌مندی کامل از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی خود می‌شوند.^۱ در ماده ۵ این اعلامیه نیز بیان شده است که سیاست‌ها و برنامه‌های ملی حکومت‌ها باید به گونه‌ای طرح شوند که منافع مشروع اقلیت‌ها در آن در نظر گرفته شده و به مرحله اجرا درآیند.^۲

در کنفرانس توسعه اجتماعی که در کپنهاگ برگزار شد بار دیگر دولت‌ها خود را ملزم و متعهد نموده‌اند که تلاش خود را مصروف مبارزه با شرایطی نمایند که برای بهداشت، امنیت و صلح مردمان خطرآفرین است. یکی از مواردی که دولت‌ها طبق این اعلامیه باید سعی در از بین بردن آن نمایند «عدم تحمل افراد و گروه‌های دارای نژاد، قومیت و مذهب متفاوت و عدم تحمل دیگران، نفرت‌ها و هراس از بیگانگان» است.^۳

در همین راستا از جمله اهداف و اصول مهم این اعلامیه پیدایی و تبیین چهارچوبی برای تحقق شرایطی خاص است که یکی از آن‌ها عبارت است از «تعالی بخشیدن دموکراسی، شان و مقام انسانی، عدالت اجتماعی و انسجام در سطوح ملی و بین‌المللی، فراهم آوردن روحیه‌ای مبتنی بر تحمل، عدم خشونت، پلورالیسم و عدم تبعیض همراه با احترام کامل برای تفاوت‌های موجود بین گروهی و در داخل خود گروه‌ها».^۴

برای تحقق این مهم که از مسئولیت‌های اولیه هر دولت است باید تصمیماتی توسط آن‌ها اخذ و تعهداتی ایجاد شود. بر اساس این اعلامیه دولت‌ها متعهدند که در جهت «تقویت صلح با توسل به افزایش تحمل، احترام به تفاوت‌ها و عدم خشونت و با از پیش پا برداشتن اختلافات و به شیوه‌های مسالمت‌آمیز» تلاش نمایند.^۵

به تحقیق تحقق این امور مستلزم ایجاد سازوکارهای مناسب و اتخاذ رویه‌هایی توسط دولت‌ها است هم در سطح بین‌المللی و هم در سطح ملی از طریق «احترام بیشتر به آزادی، حاکمیت قانون، پلورالیسم و تنوع، احترام به علائق مردم با تشویق سیستم‌های فرهنگی و وسایل ارتباطی و جوامع محلی و سازمان‌ها برای بالا بردن سطح بینش و آگاهی آنها در تمامی وجوه اجتماعی».^۶

۴-۲- آموزش بردباری و شکیبایی سیاسی

یکی دیگر از وظایف مهم دولت‌ها در تحقق شکیبایی سیاسی آموزش بردباری و رواداری و تحمل عقاید متفاوت و مخالف است که آموزش انگاره‌های حقوق بشر می‌تواند تضمینی برای این مفهوم باشد. از آنجایی که حقوق بشر حقوق همه مردم است و دامنه شمول آن همه انسان‌ها را شامل می‌شود آموزش مفاهیم آن می‌تواند گامی مهم و موثر در تحقق این حقوق برای همه شهروندان جامعه باشد. با آموزش حقوق بشر و انگاره‌های آن همه شهروندان با حقوق ذاتی خویش و آزادی‌های اساسی خود آشنا می‌شوند و درصدد تحقق و دستیابی کامل آن‌ها بر می‌آیند، در عرصه ارتباط خود با دیگران، احترام گذارنده به حقوق آن‌ها خواهند بود و در مقام نادیده انگاری و یا تجاوز دولت یا حتی سایر شهروندان درصدد دفاع و احقاق حقوق خود برمی‌آیند. تا زمانی که مردم با حقوق و آزادی‌های اساسی خویش آشنا نباشند مسلماً مطالبه‌گر آنها نخواهند بود و این امر به راحتی تضییع حقوق آن‌ها را به دنبال خواهد داشت.

۱- کشورها هر کجا که لازم باشد باید برای تضمین اینکه اشخاص متعلق به اقلیت‌ها بتوانند تمام حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی خود را بدون هیچ تبعیض و برابری کامل در مقابل قانون به طور کامل و موثر اعمال نمایند تمهیداتی به عمل آورند.

۲- سیاست‌ها و برنامه‌های ملی باید با توجه لازم برای منافع مشروع اشخاص متعلق به اقلیت‌ها برنامه‌ریزی و اجرا شود. برنامه‌های همکاری و یاری بین کشورها باید با توجه لازم برای منافع مشروع اشخاص متعلق به اقلیت‌ها برنامه‌ریزی و اجرا شود.

۳- ماده ۲۰ اعلامیه کنفرانس توسعه اجتماعی کپنهاگ

۴- بند ج ماده ۲۶

۵- بند پ ماده ۲۸

۶- بند الف ماده ۲۸

آموزش حقوق بشر و موازین آن می‌تواند راهکاری مفید برای ارتقای سطح رعایت این حقوق در جامعه باشد. از منظری دیگر دولت‌ها بر اساس بسیاری از اسناد و اعلامیه‌های بین‌المللی به تکرار و کرات ملزم به رعایت و احترام و ارتقای موازین حقوق بشری شده‌اند و کشورها ملزم به ترویج احترام جهانی و موثر حقوق و آزادی‌های بشر هستند^۱ و چون غالباً نظام آموزشی هر جامعه تحت احاطه و بر اساس دستورات دولت و حکومت آن جامعه صورت می‌پذیرد در نتیجه دولت‌ها موظف به ایجاد سازوکارهایی جهت آموزش حقوق بشر و موازین آن هستند و باید در کنار سایر تعالیم عمومی که در مدارس و دانشگاه‌ها ارائه می‌شود موازین حقوق بشری و حق‌های مهم بشری نیز به افراد یاد داده شود. اعلامیه جهانی حقوق بشر از جمله اهداف آموزش و پرورش در جوامع گوناگون را رساندن شخصیت افراد به بالاترین درجه رشد و تقویت انگاره‌های حقوق بشر و آزادی‌های اساسی ذکر می‌کند تا در پرتو آن تحقق دستیابی به صلح، دموکراسی، احترام به عقاید مخالفین و نوع دوستی تسهیل گردد.^۲

آموزش حقوق بشر و بردباری و پذیرفتن عقاید مخالف چه از لحاظ سیاسی و یا حتی عقاید مذهبی باید جز نظام آموزشی کشورها قرار گیرد و هدف آموزش و پرورش نیز بر اساس ماده ۱۳ میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی فرهنگی همین امر است.^۳ اهمیت آموزش این امور در دوران کودکی و نوجوانی که زمان شکل‌گیری چهارچوب فکری افراد است از اهمیت بیشتری برخوردار است و باید در نظام آموزشی مدارس علاوه بر تعالیم عمومی، مسائل مربوط به صلح، همزیستی مسالمت‌آمیز، رواداری، تحمل و تساهل، برابری و عدم تبعیض نیز آموزش داده شود تا کودکان و نوجوانان از همان ابتدای ورود به جوامع آنها را فراگرفته و در کنش‌گری‌های خود در جامعه این اصول را به کار گیرند. از همین رو در ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق کودک اصولی که کودکان باید بر اساس آن پرورش یابند به این شکل بیان شده که «کودک باید در مقابل هرگونه اعمال و رفتاری که ترویج تبعیضات نژادی، مذهبی و غیره را ممکن سازد، حمایت شود. کودک باید با روحیه‌ای پرتفاهم، گذشت، معتقد به دوستی بین مردم، صلح و برادری جهانی و با آگاهی کامل بر اینکه توانایی و استعداد وی باید وقف خدمت به هموعاشی شود، پرورش یابد».

علاوه بر آموزش حقوق بشر در مراکز علمی و دانشگاهی و مدارس، باید بر آموزش عمومی این اصول نیز تاکید نمود و از طریق ایجاد نهادها و ارگان‌های غیردولتی، مراکز و موسسات ملی و همچنین بهره‌مندی از عنصر بسیار قوی عصر ما یعنی رسانه‌ها، چه دیداری و شنیداری و چه مکتوب در سطح وسیعی به آموزش شهروندان همت گماشته شود. در همین راستا «کنفرانس جهانی حقوق بشر وین از کلیه کشورها و نهادها می‌خواهد حقوق بشر، قانون انسان دوستی، دموکراسی و اجرای قانون را به عنوان درس‌هایی برای آموزش رسمی و غیررسمی ارائه دهند».^۴

رواداری و شکیبایی سیاسی نیز نیاز به آموزش دارد تحمل افکار و عقاید ناسازگار با عقاید خویش و عدم تطابق اندیشه‌ها و یکی نبودن دریچه دید افراد به مسائل گوناگون از آن دسته مسائلی است که برخورد با آنان نیازمند تساهل و تحمل‌پذیری است که دستیابی به این مهم از طریق آموزش رواداری میسر است و دولتها باید این آموزش‌ها را سرلوحه موازین آموزشی

۱- بخشی از دیباچه میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی فرهنگی:

۲- آموزش و پرورش باید طوری هدایت شود که شخصیت انسانی هر کس را به حد اکمل رشد آن برساند و احترام حقوق و آزادی‌های بشر را تقویت کند. آموزش و پرورش باید با حسن تفاهم، گذشت و احترام عقاید مخالف و دوستی بین تمام ملل، جمعیت‌های نژادی یا مذهبی و همچنین توسعه فعالیت‌های ملل متحد در راه صلح را تسهیل نماید. (بند ۲ ماده ۲۶)

۳- کشورهای طرف این میثاق حق هر کس را به آموزش و پرورش به رسمیت می‌شناسند. کشورهای مزبور موافقت دارند که هدف آموزش و پرورش باید نمو کامل شخصیت انسانی و احساس حیثیت آن و تقویت احترام حقوق بشر و آزادی‌های اساسی باشد. علاوه بر این کشورهای طرف این میثاق موافقت دارند که آموزش و پرورش باید کلیه افراد را برای ایفای نقش سودمند در یک جامعه آزاد آماده سازد و موجبات تفاهم و تساهل و دوستی بین کلیه ملل و کلیه گروه‌های نژادی - قومی یا مذهبی را فراهم آورد و توسعه فعالیت‌های سازمان ملل متحد را به منظور حفظ صلح تشویق نماید

۴- بند ۲ اعلامیه کنفرانس جهانی حقوق بشر وین پیرامون آموزش حقوق بشر

خویش قرار دهند چرا که «آموزش حقوق بشر باید حاوی مطالبی از صلح، دموکراسی، توسعه و تحولات اجتماعی طبق ابزارهای منطقه ای و بین‌المللی حقوق بشر باشد تا به درک و آگاهی مشترک با توجه به تقویت تعهد جهانی به حقوق بشر منتهی گردد.»^۱

۵- نتیجه

وقتی صحبت از آزادی و برابری انسان ها است پذیرش آزادی آنان در پهنه های مختلف اندیشه و عقاید سبب آزادی انتخاب می شود و فرد آزاد است که هر نوع اندیشه‌ای داشته باشد، آن طور که می خواهد تفکر کند و عمل نماید و چون همه انسان ها با هم برابرند پس باید به انتخاب همه افراد احترام گذاشته شود و نظر همه را محترم دانست. با پذیرش این امر که مردم دارای آزادی و برابری اند پس با تنوع اندیشه و جهان بینی و کثرت افکار و عقاید مواجه هستیم که برای در مقابل هم نبودن صاحبان این افکار و در کنار هم قرار گرفتن آن ها برای زیست همراه با تحمل و خردورزی باید چاره ای اندیشید. راه حل حقوق بشر معاصر تحمل و مدارا، تسامح و پذیرش و احترام به افکار گوناگون است و در بسیاری از اسناد و اعلامیه های جهانی بر آن تاکید شده تا هم آزادی فعالیت و تشکیل احزاب، گروه ها و دسته های خاص سیاسی فراهم آید و هم همزیستی به دور از نزاع های سیاسی و حزبی فراهم شود. تکاپوی تمامی کنگره‌های بین‌المللی، اجلاس ها و کنفرانس ها در سراسر گیتی ایجاد راهکارهایی جهت پیدایی روحیه تحمل پذیری و مداراست. در تمامی اسناد مهم حقوق بشری از تلاش برای رسیدن به صلح و دموکراسی و شکیبایی سیاسی و پذیرش چندگانگی سیاسی سخن به میان آمده است و از دولت ها خواسته شده تا زمینه های لازم برای تحقق این امور را فراهم نمایند، به نظر اکثریت ساکنان پهنه تحت حکومت خود احترام گذارند و در کنار آن حقوق اقلیت ها و آزادی عمل آنان از جمله آزادی تشکیل اجتماعات، گردهمایی ها، تشکیل احزاب، گروه ها و داشتن رسانه های گوناگون را به رسمیت بشناسند که این امور حداقل هایی است که اقلیت های سیاسی باید دارا باشند و برای تحقق جامعه ای روادار باید از طرف دولت ها در محدوده قوانین برای آنان شناخته شود. در کنار اجازه فعالیت به اقلیت های سیاسی باید بر آموزش رواداری و تحمل افکار و عقاید متفاوت و حتی مخالف همت گمارد. این آموزش می تواند شروع مناسبی برای احترام به همه افکار موجود در جامعه و تحقق شکیبایی سیاسی باشد.

منابع فارسی

- البرزی ورکی، مسعود (۱۳۸۴) حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، نشریه حقوق اساسی، سال چهارم، شماره هشتم
- شریفی طرازکوهی، حسین (۱۳۸۸) حقوق بشر و راهکارهای اجرایی آن، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ دوم
- طباطبایی مومنی، منوچهر (۱۳۸۸) حقوق اساسی، تهران، بنیاد حقوقی میزان
- قائم مقام فراهانی، سید عبدالحمید (۱۳۸۱) رویه های قضایی حقوق بشر اروپایی، تهران، انتشارات آوای نور، چاپ اول
- قاسمی سیانی، علی اصغر (۱۳۷۷) پلورالیسم، مجله گفتمان، شماره دوم
- قاضی شریعت پناهی، سید ابوالفضل (۱۳۸۲) بایسته های حقوق اساسی، تهران، بنیاد حقوقی میزان
- قاضی شریعت پناهی، سید ابوالفضل (۱۳۸۳) حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران، بنیاد حقوقی میزان
- قربان نیا، ناصر (۱۳۹۲) حقوق طبیعی و حقوق بشر، مجله حقوق بشر، جلد هشتم
- قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۸۰) تحلیل مفاهیم کلیدی حقوق بشر معاصر حق، تعهد، آزادی، برابری و عدالت، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۳ و ۳۴
- قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۸۴) حقوق بشر در جهان معاصر، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی
- کاظمی زمهریر، مهدی (۱۳۹۳) جامعه شناسی سیاسی حقوق بشر، مجله حقوق بشر، جلد نهم، شماره یک و دو
- کریمی مله، علی (۱۳۷۷) پلورالیسم سیاسی (نگرشی توصیفی و تحلیلی) مجله گفتمان، شماره دوم

- گزیده ای از مهمترین اسناد بین المللی حقوق بشر (۱۳۸۲) مرکز مطالعات حقوق بشر (طرح تقویت ظرفیت های آموزش و پژوهش حقوق بشر) انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران
- ممتاز، جمشید، شریفی طراز کوهی، حسین (۱۳۷۷) حقوق بشر در پرتو تحولات بین المللی، تهران، نشر دادگستر، چاپ اول
- هاشمی، سید محمد (۱۳۹۰) حقوق اساسی و ساختارهای سیاسی، تهران، بنیاد حقوقی میزان
- هاشمی، سید محمد (۱۳۸۴) حقوق بشر و آزادی های اساسی، تهران، بنیاد حقوقی میزان
- هاشمی، سید محمد (۱۳۸۶) رابطه دولتها - نهادها و حقوق بشر، شهروند امروز، شماره ۲۴
- هاشمی، سید محمد، حمایت ها و تضمینات حقوق بشر در حقوق داخلی و نظام بین المللی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۸

اسناد حقوق بشری و بین المللی

- اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۰ دسامبر ۱۹۴۸)
- اعلامیه اسلامی حقوق بشر (۱۴ محرم ۱۴۱۱ قمری)
- اعلامیه حذف تمامی اشکال تعصب و تبعیض بر مبنای دین یا عقیده (۲۵ نوامبر ۱۹۸۱)
- اعلامیه مربوط به حق مردمان در مورد برخورداری از صلح (۱۲ نوامبر ۱۹۸۴)
- اعلامیه مربوط به حقوق اشخاص متعلق به اقلیت های ملی یا قومی، دینی و زبانی (۱۸ دسامبر ۱۹۹۲)
- اعلامیه هزاره سازمان ملل متحد (۶-۸ سپتامبر ۲۰۰۰)
- اعلامیه کنفرانس بین المللی حقوق بشر تهران (۲۰ آوریل تا ۱۳ مه ۱۹۶۸)
- اعلامیه کنفرانس جهانی حقوق بشر وین (۱۹۹۳)
- اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه (۲۶ اوت ۱۷۸۹)
- اعلامیه حقوق بشر و شهروند قانون اساسی فرانسه (۲۴ ژوئن ۱۷۹۳)
- کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (۴ نوامبر ۱۹۵۰)
- کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (۲۲۰ نوامبر ۱۹۶۹)
- کنوانسیون آفریقایی حقوق بشر و ملتتها (۱۹۸۱)
- کنوانسیون بین المللی رفع هرگونه تبعیض نژادی (۲۱ دسامبر ۱۹۶۵)
- کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹)
- کنوانسیون آزادی اجتماعات و حمایت از حق سازمان دادن (مصوب ۹ ژوئیه ۱۹۴۸ کنفرانس عمومی سازمان بین المللی کار)
- کنوانسیون حق سازمان دادن و مذاکره دسته جمعی (مصوب اجلاس ۳۲ کنفرانس عمومی سازمان بین المللی کار در اول ژوئیه ۱۹۴۹)
- منشور ملل متحد (۲۶ ژوئن ۱۹۴۵ سانفرانسیسکو)
- میثاق بین المللی حقوق اقتصادی اجتماعی فرهنگی (مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ میلادی)
- میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ میلادی)

منابع انگلیسی

- Barendt, Eric (1988) An Introduction To Constitutional Law, United States, Oxford University Press
- Carmen, Pavel (2007) Pluralism and the Moral Grounds of Liberal Theory, Social Theory and Practice, Vol. 33, No. 2
- Dicey, Albert Venn (1915) introduction to the study of the law of the constitution, Liberty Classics, Reprint Originally published: 8th ed, London, Macmillan

- Godfrey-Smith, Peter (2010) Causal Pluralism, Oxford Handbook of Causation. Oxford, Oxford University Press
- Hoover, J (2013) Towards a politics for human rights: Ambiguous humanity and democratizing rights. Philosophy & Social Criticism
- Kennedy, David (2008) research project on plural legal orders and human rights, The international council on human rights policy
- Micheline R. Ishay (2004) The history of human rights (from ancient times to the globalization era), university of California Press
- Niculescu, Erhard (2013) Constitutional landmarks of political pluralism, Challenges of the Knowledge Society Public Law, Bucharest University Journal
- Plattner, Marc F (2010) populism, pluralism, and liberal democracy, Journal of Democracy Volume 21
- Theo, Van Boven (1995) Human right and rights of people, EJIL Human rights (a basic handbook for UN staff) office of the high commissioner for human rights, united nations staff college project
- Scanlon, T.M (2003) The Difficulty of tolerance (Essays in political philosophy) Cambridge university press
- Schmitt, Richard (2009) An introduction to social and political philosophy (a question based approach) United states of America, Rowman & Littlefield Publishers

بررسی نقش صنایع کوچک بخش کشاورزی در توسعه اجتماعی و اقتصادی نواحی روستایی (مطالعه موردی: دهستان گلاب شهرستان کاشان)

فضل اله اسمعیلی^{۱*}، مهدی خداداد^۲، رؤیا زارع قلعه سیدی^۳

۱. استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه پیام نور تهران (نویسنده مسئول).

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه گلستان.

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه یزد

esmaeili@pnu.ac.ir

چکیده

توسعه پایدار روستایی فرآیندی چندبعدی است که موضوع آن بهبود و ارتقاء کیفیت زندگی اقشار فقیر و آسیب‌پذیر روستایی است؛ ارتقاء این نوع از کیفیت زندگی با تکیه صرف بر کشاورزی نمی‌تواند حاصل شود؛ در این بین راهبرد صنعتی کردن روستاها به عنوان یکی از راهبردهای مبتنی بر رویکرد اقتصادی جهت ارتقاء کیفیت زندگی روستاییان حائز اهمیت فراوان است. هدف از پژوهش حاضر بررسی و تحلیل نقش صنایع کوچک بخش کشاورزی در توسعه اقتصادی- اجتماعی دهستان گلاب شهرستان کاشان می‌باشد که بدین منظور از روش توصیفی- تحلیلی و پیمایش میدانی استفاده شده است. جامعه مورد مطالعه در این پژوهش روستاییان دهستان گلاب می‌باشند که با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۱۳۷ نفر انتخاب و پرسشنامه به صورت تصادفی ساده بین آنها توزیع شده است. همچنین روایی پرسشنامه نیز از طریق آلفای کرونباخ تأیید شده است. داده‌های جمع‌آوری شده از طریق نرم‌افزار Spss مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند که نتایج به دست آمده از آزمون ناپارامتریک Chi-Square نشان‌دهنده تأثیرگذاری بسیار بالای توسعه صنایع روستایی و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، افزایش درآمد روستاییان، جلوگیری از مهاجرت روستاییان به شهر و احساس تعلق به روستا می‌باشد. همچنین نتایج حاصل از تحلیل همبستگی رگرسیون چندمتغیره نشان‌دهنده تأثیرگذاری بسیار زیاد مؤلفه در دسترس بودن مواد اولیه در روستا با ضریب $Beta = 0.307$ و مؤلفه نیاز به سرمایه کم جهت راه‌اندازی با ضریب $Beta$ معادل ۰.۲۹۲ بر شکل‌گیری صنایع روستایی می‌باشد.

واژگان کلیدی: صنایع کوچک، توسعه اقتصادی- اجتماعی، دهستان گلاب، شهرستان کاشان.

مقدمه و طرح مسأله

نقش و جایگاه روستاها در فرآیندهای توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در مقیاس محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی و پیامدهای توسعه نیافتگی مناطق روستایی چون فقر گسترده، نابرابری فزاینده، رشد سریع جمعیت، بیکاری، مهاجرت و حاشیه نشینی شهری موجب توجه به توسعه روستایی و حتی تقدم بر توسعه شهری شده است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۸: ۱۹). توسعه روستایی فرآیندی چندبعدی است که موضوع آن بهبود و ارتقاء کیفیت زندگی اقشار فقیر و آسیب‌پذیر روستایی است (هاشمی، ۱۳۸۹: ۱۷۴). برقراری عدالت اجتماعی در بین جوامع و بالا بردن سطح مطلوبیت زندگی در روستاها، جهت برخورداری از جوامعی با سرشت پاک‌انسانی از اهمیت بالایی برخوردار است. در چاقوب توسعه روستایی، هدف بهبود و ارتقاء کیفیت زندگی

روستاییان تا مرحله خودکفایی و ایجاد حس اعتماد به نفس در آنان می‌باشد؛ به گونه‌ای که مباحث اساسی در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها به خصوص کشورهای جهان سوم به شمار می‌رود. در این راستا، اتخاذ سیاست‌ها و راهکارهایی که زمینه ایجاد علاقه و اشتیاق در قشر روستایی برای اشتغال به فعالیت‌های کشاورزی را فراهم سازد، ضروری است. بدین منظور، بیش از هر چیز جهان نیاز به افزایش سرمایه‌گذاری در کشاورزی را دارد (Pinzon, 2012: 1-2).

در بسیاری از کشورها صرف زراعت نمی‌تواند اشتغال کافی و بهره‌وری ایجاد کند. بدین جهت باید به ایجاد اشتغال سودآور و غیرزراعی نیز پرداخت تا تفاوت درآمد شهرنشینان و روستائینان افزایش نیابد و مهاجرت روستاییان به شهر کاهش پیدا کند. در این بین راهبردهای توسعه روستایی، راهبرد صنعتی کردن روستاها به عنوان یکی از راهبردهای مبتنی بر رویکرد اقتصادی، از عمده‌ترین روش‌های کیفیت‌زندگی به شمار می‌رود در این راهبرد، توسعه کشاورزی در فرآیند توسعه روستایی حائز اهمیت است، اما در عین حال توسعه فعالیت‌های صنعتی روستایی نیز مورد توجه قرار می‌گیرد (امین‌آقایی، ۱۳۸۷: ۱۲۷). در واقع صنعتی شدن و طرح‌ریزی مطلوب صنایع در مناطق روستایی به عنوان یک کاتالیزور در جهت ایجاد توسعه پایدار و به عنوان آخرین راه حل مشکل فقر روستایی، بیکاری و عاملی تسکین‌دهنده برای مناطق محروم روستایی محسوب می‌شود (طاهرخانی، ۱۳۷۹: ۲۲). بنابراین صنایع کوچک روستایی جدا از توان اشتغالزایی بالایی که دارند، می‌توانند در حل مسائل فقر و نابرابری، توزیع درآمد و امکانات، مهاجرت، تمرکز دیوانسالاری، امنیت ملی، آمایش سرزمین و ... موثر باشد (ایمانی‌راد، ۱۳۷۲: ۲۸). موضوع نقش صنایع کوچک در توسعه اقتصادی اجتماعی روستا طی دهه اخیر از سوی محافل علمی و تحقیقاتی مورد مطالعه و پژوهش قرار گرفته است. در زیر به چند مورد از این مطالعات اشاره شده است.

کمیسون اقتصادی و اجتماعی آسیا و اقیانوسیه (۱۹۸۳) در سی و نهمین نشست خود بر نقش برجسته صنایع کوچک تأکید کرده و اظهار کرد که این صنایع کمک شایانی به ایجاد فرصت‌های اشتغال و تولید درآمد در بخش روستایی می‌کنند. در این نشست اولویت فراوانی به توسعه صنایع کوچک و کارگاهی داده شد (سازمان ملل متحد، ۱۳۶۶: ۱). دیوید راجرز^۱ (۲۰۰۶) در تحقیقی با عنوان "بررسی اثرات استقرار صنعت در شهرک‌ها و مناطق روستایی ایالت آیوا"^۲ نشان می‌دهد که صنعتی‌سازی روستایی برای اجتماعات مورد مطالعه با منافع گسترده همراه بوده، به طوری که بر یکپارچگی خانوارها، درآمد سرانه و توزیع متعادل درآمدها افزوده است (مطیعی‌لنگرودی و همکاران، ۱۳۸۴: ۴۰).

از طرفی دیگر، ساندرا^۳ (۲۰۰۹) در تحقیقی با موضوع "صنعتی‌سازی روستا، چالش‌ها و فرصت‌ها" در کشور هند به این نتیجه رسیدند که استقرار واحدهای صنعتی با مقیاس‌های کوچک و بزرگ در روستاها باید بر اساس پتانسیل‌های روستا انجام گیرد. یو. سی. نایاک^۴، در تحلیلی بر روندهای توسعه روستایی در کشورهای در حال توسعه، معتقد است که اغلب ارائه طرح‌های توسعه برای مناطق روستایی این کشورها با شکست رو به رو شده است. به باور او، تنها راه حل مشکل فقر و بیکاری در مناطق روستایی ایجاد فرصت‌های شغلی است و با برنامه‌ریزی در راستای استقرار صنعت در مناطق روستایی می‌توان ضمن ایجاد اشتغال، اهداف توسعه روستایی را محقق ساخت (Pears, 2007: 77).

طاهرخانی (۱۳۸۱)، در تحقیقی با عنوان صنایع کوچک سنگ بنای استراتژی آینده توسعه روستایی به این نتیجه دست یافته‌اند که سرمایه‌گذاری‌های کوچک مقیاس به عنوان موتور توسعه مناطق روستایی تأثیر به سزایی در پیشرفت تدریجی کشورهای در حال توسعه به ویژه توسعه صادرات و ایجاد فرصت‌های شغلی داشته‌اند. این صنایع قادرند با جذب نیروی کار مازاد در بخش کشاورزی، گسترش آموزش و ارتقای سطح مهارت‌ها زمینه مناسبی جهت توسعه مناطق روستایی فراهم آورند. نوری و همکاران (۱۳۸۳)، در پژوهشی تحت عنوان اولویت‌بندی صنایع کوچک و کارگاهی مناطق روستایی شهرستان اردستان با استفاده از روش دلفی به این نتیجه دست یافتند که اهداف صنعتی کردن پایدار روستایی و جلوگیری از صدور مواد خام صنعتی، به ترتیب بیشترین و کم‌ترین اهمیت را داشته‌اند. شاهی‌اردبیلی (۱۳۸۶)، در پایانامه کارشناسی ارشد خود در تحقیقی با عنوان

1 . Rajerz

2 . Ayova

4- Sandra

7- U. C. Nayak

"نقش صنایع کوچک در توسعه روستایی در بخش مرکزی مشهد" به این نتیجه رسیده است که صنایع کوچک روستایی با در نظر گرفتن شاخص‌های توسعه روستایی با ایجاد فرصت‌های شغلی، موجب تولید درآمد برای اقشار فرودست روستایی می‌شوند. امین آقایی (۱۳۸۷)، در پژوهشی تحت‌عنوان بررسی عوامل مؤثر بر عملکرد صنایع کوچک از دیدگاه کارشناسان توسعه روستایی به این نتیجه دست یافتند که کمبود سرمایه، نوسان قیمت مواد اولیه مورد نیاز واحدهای کوچک، ضعف مدیریت در بنگاه‌های اقتصادی کوچک روستاها، پایین بودن میزان تحصیلات در بین متقاضیان راه‌اندازی کسب و کار کوچک در روستاها، فقدان انجمن‌ها و تشکل‌های صنعتی فعال و کارآمد در زمینه صنایع موجود در روستاها و ناتوانی صنایع کوچک روستایی در حضور مستمر در بازارهای ملی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر موفقیت بنگاه‌های اقتصادی کوچک ایران به‌شمار می‌آیند. سلطانی و همکاران (۱۳۸۹)، در پژوهشی تحت‌عنوان بررسی عوامل مؤثر بر نوآوری تکنولوژیک در صنایع غذایی کوچک روستایی استان تهران به این نتیجه دست یافتند که ارتباط مثبت معنی‌دار بین نوآوری فناورانه و دو نوع نوآوری در محصول و فرایند بود. سن شرکت و فشار رقبا دارای اثر مثبت معنی‌داری بر نوآوری رادیکال بودند.

شمس‌الدینی و حسینی (۱۳۹۰)، در پژوهشی تحت‌عنوان نقش تعاونی‌های صنایع کوچک در اشتغالزایی و توسعه روستاها به این نتیجه رسیدند که می‌توان با تنوع‌بخشی به وضعیت فعالیت اقتصادی روستاییان به‌ویژه توجه به راه‌اندازی صنایع کوچک و دستی با توجه به مشارکت همه‌جانبه روستاییان در قالب شرکتهای تعاونی‌خودجوش و فعال تولیدی، اشتغالزایی و در نتیجه، توسعه پایدار روستاها را فراهم آورد. ملاشاهی (۱۳۹۲)، در پژوهشی تحت‌عنوان اهمیت و نقش صنایع کوچک روستایی در ایجاد اشتغال پایدار به این نتیجه رسید که به‌طورکلی می‌توان اثرات صنعتی شدن روستایی را به پنج عامل؛ ایجاد اشتغال پویا و افزایش درآمد، کاهش مهاجرت‌های روستایی، کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای، افزایش رفاه‌روستایی و گسترش صادرات روستایی طبقه‌بندی کرد. سجاسی‌قیداری و همکاران (۱۳۹۳)، در پژوهشی تحت‌عنوان ارزیابی و تبیین کارکرد صنایع روستایی در توسعه مورد: دهستان صائین‌قلعه در شهرستان ابهر به این نتیجه رسیدند که صنایع روستایی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، زیست‌محیطی و کالبدی در توسعه روستاهای منطقه مورد مطالعه اثر معناداری داشته است.

شهبایی و همکاران (۱۳۹۴)، در پژوهشی تحت‌عنوان بررسی عوامل مؤثر بر میزان موفقیت صنایع روستایی در اشتغالزایی (مطالعه‌موردی: استان اصفهان)، به این نتیجه رسیدند که مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، فنی، سیاسی و حقوقی، اجتماعی، محیطی و زیربنایی و فردی بر میزان موفقیت صنایع روستایی در اشتغالزایی مؤثر می‌باشند. خواجه‌شاهکوهی و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهشی به بررسی نقش صنایع کوچک در توسعه اقتصادی- اجتماعی نواحی روستایی بخش مرکزی شهرستان فریمان با روش پیمایشی پرداختند و نتایج نشان داد که صنایع کوچک با ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، تداوم شغلی، افزایش درآمد، تمایل برای ماندگاری در روستا، کاهش مهاجرت به شهر و افزایش سطح تحصیلات در فرآیند حصول توسعه اقتصادی روستاهای مورد مطالعه نقش داشته است.

دهستان‌گلاب در شهرستان کاشان به‌دلیل دارا بودن صنایع کوچک گلابگیری و قالی‌بافی نمود بارز صنعتی شدن در مقیاس کوچک و روستایی است. در همین راستا، هدف از پژوهش حاضر بررسی و تحلیل نقش صنایع کوچک بخش کشاورزی در توسعه اقتصادی- اجتماعی دهستان گلاب شهرستان کاشان می‌باشد که بدین منظور از روش توصیفی- تحلیلی و پیمایش‌میدانی استفاده شده است.

مبانی نظری

یکی از اساسی‌ترین مشکلات اقتصادی بخش کشاورزی ایران در گذشته و حال، پایین بودن میانگین درآمد روستاییان است. پایین بودن درآمد، خود علت بسیاری از نابسامانی‌ها از جمله افزایش فقر، نابرابری و مهاجرت است (محمدی و نمکی، ۱۳۷۵: ۳۴). عدم توانایی بخش کشاورزی در جذب نیروی انسانی و افزایش جمعیت جویای کار، افزایش تقاضای کار از سوی زنان، کوچک بودن واحدهای زراعی در روستاها باعث فشار بیش از حد بر زمین شده است. کثرت تعداد افراد شاغل در این بخش،

باعث کاهش بهره‌وری نیروی کار شده، بیکاری پنهان و آشکار در روستا را افزایش داده است (خزایی، ۱۳۷۳). لذا با توجه به نیاز محدود به تسهیلات زیربنایی، سادگی فعالیت‌ها و عدم نیاز به تخصص‌های پیچیده، می‌توانند مهم‌ترین اهرم در راستای فعال کردن پتانسیل‌های مادی و انسانی مناطق روستایی در سطح ملی - محلی و پایداری توسعه روستایی محسوب شوند (Unido, 1984: 8).

به‌منظور رفع مشکلات فوق، افزایش درآمد روستاییان و ایجاد اشتغال در این بخش، صنایع روستایی نقش فوق العاده‌ای می‌تواند داشته باشد (کوپاهی، ۱۳۸۱: ۶۶۱). صنایع کوچک و متوسط از نظر صرفه‌جویی در مقیاس تولید، در بخشی از تولیدات نسبت به صنایع بزرگ برتری دارند. مطالعات نشان داده‌اند که اگر واحد تولید از حد مشخصی بزرگ‌تر شود، موجب عدم کارایی خواهد شد. کوچک‌شدن واحدهای اقتصادی در کشورهای غرب و تقسیم سازمانی موسسات بزرگ به واحدهای مستقل کوچک، نمونه‌هایی از این قانونمندی اقتصادی به‌شمار می‌رود (صحرائیان، ۱۳۸۰: ۱۱۲). گسترش این گونه صنایع مزیت‌های بسیاری در مقایسه با صنایع بزرگ دارا هستند به گونه‌ای که در صنایع کوچک روستایی عموماً از کارگران با مهارت‌های محدود استفاده می‌شود؛ مسئله دیگر تنوع محصولات است، صنایع کوچک به‌سادگی و با سرعت می‌توانند در زمینه تولیدات جدید اقدام کنند و همانند صنایع بزرگ مجبور به صرف هزینه‌های سنگین برای نگهداری مراکز تحقیق و توسعه، هزینه‌های تبلیغات و بازاریابی و روابط عمومی خود نیستند (اکس، ۱۳۸۱: ۱۳).



شکل ۱: خصوصیات صنایع کوچک در راستای اهداف اقتصادی و اجتماعی توسعه پایدار روستایی

(مآخذ: امین آقایی، ۱۳۸۷: ۱۳۱)

یکی از این راهبردها که در اغلب کشورهای جهان مورد توجه قرار گرفته و اجرای آن نتایج مثبتی به همراه داشته، توسعه و گسترش صنایع در نواحی روستایی می‌باشد (Long et al, 2009: 454). در همین رابطه، صنایع کوچک به‌عنوان راهبردی جدید در توسعه منطقه‌ای و محلی می‌تواند در راستای دستیابی به کاهش میزان و شدت فقر و بیکاری، تنوع‌شغلی به اقتصاد-روستایی، اشتغال‌زایی، جلوگیری از مهاجرت روستاییان، تعدیل شکاف موجود بین درآمد خانوارهای روستایی و شهری، جذب

نیروی کار مازاد در بخش کشاورزی، گسترش آموزش، ارتقای سطح مهارت‌ها، افزایش تولیدات روستایی، بهره‌وری، ایجاد فرصت‌های شغلی، تأمین نیازهای اساسی و ایجاد پیوند با دیگر بخش‌های اقتصادی نقش مهمی در فرآیند توسعه پایدار روستایی نقش مهمی ایفا کند (شمس‌الدینی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۴۰). نفوذ صنعت در مناطق روستایی ضمن ایجاد اقتصادی فعال می‌تواند دارای کنش فرآینده^۱ باشد (Desai, 1980: 464). تجربیات کشورهای متعدد نشان می‌دهد هر تغییر ساختاری از طریق صنعتی شدن نه تنها نقش اقتصادی بازارش در مناطق روستایی ایجاد می‌نماید بلکه منجر به اقتصاد خودرانشی^۲ نیز می‌گردد (Foss, 1997: 239) از این منظر با صنعتی روستا، نقشی معنادار در فرایند توسعه روستایی از طریق افزایش تولیدات روستایی، بهره‌وری، ایجاد فرصت‌های شغلی، تأمین نیازهای اساسی و ایجاد پیوند با دیگر بخش‌های اقتصادی ایجاد و در نهایت به کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای منجر خواهد شد (Humphrey, 1996: 185).

جدول ۱: خصوصیات صنایع کوچک در راستای اهداف اقتصادی و اجتماعی توسعه پایدار روستایی

اهداف اجتماعی توسعه پایدار روستایی	اهداف اقتصادی توسعه پایدار روستایی	صنایع کوچک
اشتغال‌زایی و درآمدزایی با سرمایه محدود	فقرزدایی و احساس امنیت افزایش	اشتغال‌زایی و درآمدزایی با سرمایه محدود
مبتنی بر طبقات ضعیف	ایجاد فرصت‌های برابر	مبتنی بر طبقات ضعیف
کارآفرین و نوآوری	توانمندسازی	کارآفرین و نوآوری
انعطاف‌پذیری	رواج الگوی صحیح مصرف	انعطاف‌پذیری
مبنی بر کار گروهی	افزایش سرمایه اجتماعی	مبنی بر کار گروهی
مبنی بر کار گروهی	افزایش سرمایه اجتماعی	مبنی بر کار گروهی

منبع: (ملاشاهی، ۱۳۹۲: ۵۱)

روش تحقیق

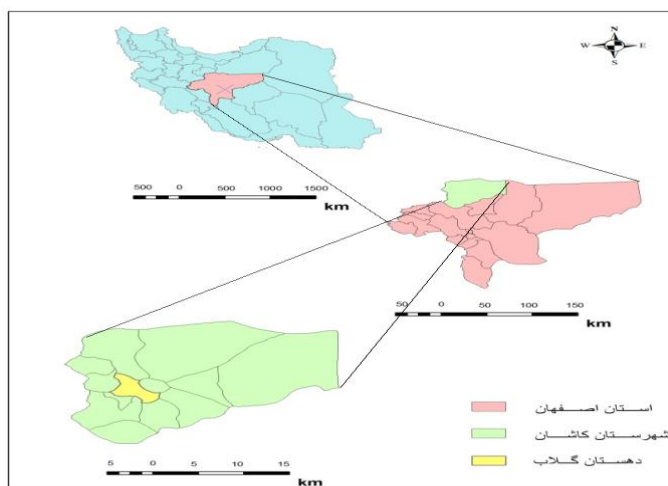
پژوهش حاضر به لحاظ ماهیت از نوع توصیفی-تحلیلی و به لحاظ اجرا از نوع پیمایشی و به لحاظ روش جمع‌آوری داده‌ها از نوع میدانی می‌باشد. در آغاز، مطالعات سازمان‌یافته‌ای به منظور تهیه ادبیات و مبانی تئوریک به صورت کتابخانه‌ای انجام گرفته است و در مرحله مطالعه میدانی با استفاده از ابزارهای مورد نیاز تحقیق (پرسشنامه محقق ساخته) به جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز پرداخته شده است. جامعه مورد مطالعه در این پژوهش دهستان گلاب در بخش برزک شهرستان کاشان می‌باشد که با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۱۳۷ نفر به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند.

معرفی محدوده مورد مطالعه

دهستان گلاب در بخش برزک شهرستان کاشان واقع شده است. این دهستان در طول جغرافیایی ۵۱ درجه و ۱۳ دقیقه ۵۱ و عرض جغرافیایی ۲۳ درجه و ۴۷ دقیقه و ۲۹ قرار دارد. براساس سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۰، جمعیت آن ۹۳۰۰ نفر (۲۱۶۷ خانوار) بوده است. این دهستان از منابع غنی کشاورزی به خصوص گل و گلاب برخوردار است به گونه‌ای که با توجه فراوانی کشت و برداشت گل‌های محمدی، کارگاه‌های گلاب‌گیری و عرقیجات گیاهی به وفور دیده می‌شود و به عنوان یک صنعت در این دهستان معرفی می‌شود. علاوه بر صنعت گلاب‌گیری، روستاهای این دهستان از صنعت قالی‌بافی به فراوانی بهره می‌برند به گونه‌ای که در بیش از ۶۰ درصد روستاهای این دهستان صنعت قالی‌بافی به طور گسترده رواج دارد.

1 - Multiple Effects

2 - Self - Propling



شکل ۲: موقعیت دهستان گلاب در شهرستان کاشان و استان اصفهان (منبع: نگارندگان، ۱۳۹۶)

یافته‌های تحقیق

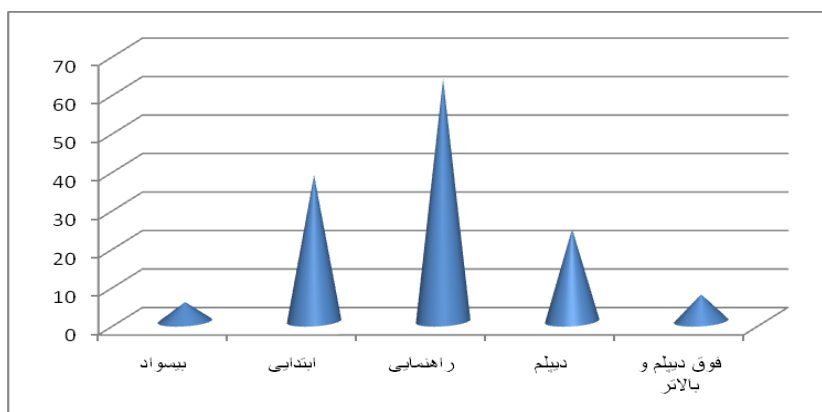
الف. یافته‌های توصیفی

اطلاعات مندرج در جدول شماره ۲. نشان دهنده وضعیت نمونه مورد مطالعه در پژوهش حاضر می‌باشد. همان‌طور که مشاهده می‌شود از ۱۳۷ نفر نمونه، تعداد ۹۵ نفر مرد (معادل ۶۹/۳۴ درصد) و ۴۲ نفر نیز زن (معادل ۳۰/۶۶ درصد) می‌باشند. همچنین از نظر وضعیت تاهل نیز ۱۰۸ نفر متأهل (۷۸/۸۳ درصد) و ۲۹ نفر مجرد (۲۱/۱۶ درصد) می‌باشند. (جدول ۲).

جدول ۲: وضعیت نمونه مورد مطالعه در پژوهش

مؤلفه‌ها	جنسیت		تاهل		تحصیلات				
	مرد	زن	متاهل	مجرد	بیسواد	ابتدایی	راهنمایی	دیپلم	فوق دیپلم و بالاتر
فراوانی	۹۵	۴۲	۱۰۸	۲۹	۵	۳۸	۶۳	۲۴	۷
درصد	۶۹/۳۴	۳۰/۶۶	۷۸/۸۳	۲۱/۱۶	۳/۶۴	۲۷/۷۳	۴۵/۹۸	۱۷/۵۱	۵/۱۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶



نمودار ۱- وضعیت تحصیلی پاسخگویان

در ادامه به وضعیت اشتغال و بیمه شدگان در بخش صنعت گلابگیری و قالیبافی در دهستان گلاب شهرستان کاشان پرداخته شده است. طبق اطلاعات مندرج در جدول شماره ۳، در رابطه با صنعت گلابگیری تعداد ۲۱۷ واحد ایجاد شده است که تعداد افراد شاغل در آنها برابر ۲۶۰۴ نفر می‌باشد که از این تعداد ۱۷۱۲ نفر بیمه آنها مرتبط با صناعی است که در آن مشغول فعالیت هستند. همچنین در رابطه با صنعت قالیبافی تعداد ۱۱۲ واحد ایجاد شده که تعداد ۳۵۰ نفر در این کارگاه‌ها مشغول فعالیت هستند که تعداد ۲۷۰ نفر بیمه آنها مرتبط با صنعت قالیبافی می‌باشد (جدول ۳).

جدول ۳: وضعیت اشتغال و بیمه در صنایع کوچک دهستان گلاب

بخش	تعداد واحد	افراد شاغل	افراد بیمه شده	سهم از درآمد
صنعت گلابگیری	۲۱۷	۲۶۰۴	۱۷۱۲	٪۶۵
صنعت قالیبافی	۱۱۲	۳۵۰	۲۷۰	٪۴۵

منبع: بخشدار برزک، ۱۳۹۶.

اطلاعات مندرج در جدول شماره ۴، نشان دهنده وضعیت شغلی تعداد افراد نمونه در دهستان گلاب می‌باشد. همان‌طور که مشاهده می‌شود از تعداد ۱۳۷ نفر نمونه مورد مطالعه، تعداد ۸۳ نفر دارای شغل دوم می‌باشند (معادل ۶۰/۵ درصد) که از این تعداد، ۵۷ نفر (۴۸/۷ درصد) شغل دوم آنها مرتبط با صنعت گلابگیری و قالیبافی و ۲۶ نفر (۳۱/۳ درصد) غیرمرتبط می‌باشد. همچنین اطلاعات مندرج در این جدول نشان می‌دهد که از تعداد ۱۳۷ نفر نمونه، تعداد ۷۲ نفر (۵۲/۶ درصد) دارای شغل دائم و تعداد ۶۵ نفر (۴۷/۴ درصد) دارای شغل موقت هستند. همچنین از ۱۳۷ نفر نمونه مورد مطالعه در دهستان گلاب، تعداد ۷۶ نفر بیمه آنها مرتبط با گلابگیری و قالیبافی و تعداد ۶۱ نفر غیرمرتبط می‌باشد. از تعداد ۱۳۷ نفر نمونه مورد مطالعه، تعداد ۷۲ نفر (۵۲/۶ درصد) دارای شغل دائم و تعداد ۶۵ نفر (۴۷/۴ درصد) دارای شغل موقت هستند (جدول ۴).

جدول ۴: وضعیت شغلی نمونه مورد مطالعه در دهستان گلاب

مؤلفه	شغل دوم		شغل دوم مرتبط با گلابگیری و قالیبافی		بیمه مرتبط با گلابگیری و قالیبافی		شغل	
	بلی	خیر	بلی	خیر	بلی	خیر	دائم	موقت
فراوانی	۸۳	۵۴	۵۷	۲۶	۷۶	۶۱	۷۲	۶۵
درصد	۶۰/۵	۳۹/۵	۶۸/۷	۳۱/۳	۵۵/۵	۴۴/۵	۵۲/۶	۴۷/۴

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶

ب. یافته‌های استنباطی

یافته‌های تحلیلی به‌دست آمده از پرسشنامه نشان‌دهنده تأثیرگذاری بسیار بالای صنایع کوچک روستایی (گلابگیری و قالیبافی) بر مؤلفه‌های مربوط به اقتصاد روستاییان می‌باشد. نتایج به‌دست آمده از آزمون ناپارامتریک Chi-Square نشان دهنده تأثیرگذاری بسیار بالای صنایع کوچک روستایی (گلابگیری و قالیبافی) بر بسیاری از مؤلفه‌های اقتصادی است به‌گونه‌ای که ضریب معناداری در سطح ۰/۱٪ حاصل شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود برای مؤلفه‌های اشتغالزایی و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، افزایش درآمد روستاییان، بیمه شدن افراد روستا، توزیع عادلانه درآمد بین روستاییان، استفاده از توانایی‌های نیروی انسانی روستا و مشارکت بخش خصوصی در سرمایه‌گذاری در روستا معناداری در سطح ۰/۱٪ حاصل شده است. در واقع توسعه صنایع کوچک روستایی تا حد بسیار زیادی توانسته است باعث رشد و توسعه اقتصادی در رابطه با مؤلفه‌های مذکور شود. در رابطه با برخی دیگر از مؤلفه‌ها عدم معناداری حاصل شده است برای مؤلفه‌های ایجاد امنیت شغلی پایدار، استفاده از توانایی‌های محیطی روستا و بالابردن استانداردهای زندگی روستاییان عدم معناداری حاصل شده است. در واقع توسعه صنایع روستایی نتوانسته است بر مؤلفه‌های مذکور تأثیرگذار باشد (جدول ۵).

جدول ۵- میزان تأثیرگذاری صنایع کوچک روستایی بر مؤلفه‌های اقتصادی با استفاده از آزمون ناپارامتریک Chi-Square

ردیف	مؤلفه	ضریب معناداری sig	ضریب Chi-Square	درجه آزادی
۱	اشتغالزایی و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید	***./۰۰۰	۲۶/۳۹	۴
۲	افزایش درآمد روستاییان	***./۰۰۰	۳۲/۱۶	۴
۳	بیمه شدن افراد روستا	***./۰۰۰	۲۵/۵۱	۴
۴	ایجاد امنیت شغلی پایدار	NS۰/۰۵۵	۹/۲۴	۴
۵	توانمندسازی روستایی	*./۰۰۷	۱۴/۱۳	۴
۶	خوداتکایی و خودکفایی روستا	NS۰/۰۱۹	۱۱/۷۹	۴
۷	توزیع عادلانه درآمد بین روستاییان	***./۰۰۰	۴۵/۹۵	۴
۸	بالا بردن استانداردهای زندگی روستاییان	NS۰/۰۲۴	۱۱/۲۸	۴
۹	استفاده از توانایی‌های محیطی روستا	NS۰/۱۰۰	۷/۷۸	۴
۱۰	استفاده از توانایی‌های نیروی انسانی روستا	***./۰۰۲	۱۶/۶۸	۴
۱۱	مشارکت بخش خصوصی در سرمایه گذاری در روستا	***./۰۰۱	۱۷/۸۵	۴
۱۲	تأمین بخشی از نیازهای مصرفی روستا	NS۰/۲۹۴	۴/۹۳	۴
۱۳	تولید محصولات با هزینه کم	NS۰/۳۳۴	۴/۵۶	۴

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶ *** معناداری ۱٪ * معناداری ۵٪ NS عدم معناداری

در رابطه با مؤلفه‌های اجتماعی نیز برای بسیاری از مؤلفه‌های ضریب معناداری در سطح ۰.۱٪ حاصل شده است. نتایج به دست آمده از آزمون ناپارامتریک Chi-Square نشان دهنده تأثیرگذاری بسیار بالای صنایع کوچک روستایی بر توسعه اجتماعی روستا می‌باشد به گونه‌ای که برای مؤلفه‌های جلوگیری از مهاجرت روستاییان به شهر، استفاده از مهارت‌های روستاییان، کارآفرینی روستایی، جلوگیری از پیامدهای منفی ناشی از بیکاری، احساس تعلق به روستا و ایجاد زمینه مشارکت روستاییان در امور مربوط به روستا معنی‌داری در سطح ۰.۱٪ حاصل شده است در واقع صنایع روستایی در دهستان گلاب توانسته است بر روی مؤلفه‌های مذکور تا حد بسیار زیادی تأثیرگذار باشد. در رابطه با برخی دیگر از مؤلفه‌ها نظیر ایجاد مهارت‌های فردی و گروهی و بالارفتن استانداردها و کیفیت زندگی روستاییان عدم معناداری حاصل شده است در واقع توسعه صنایع روستایی در مورد مؤلفه‌های مذکور نتوانسته است تأثیرگذار باشد.

جدول ۶- میزان تأثیرگذاری صنایع کوچک روستایی بر مؤلفه‌های اجتماعی با استفاده از آزمون ناپارامتریک Chi-Square

ردیف	مؤلفه	ضریب معناداری sig	ضریب Chi-Square	درجه آزادی
۱	جلوگیری از مهاجرت روستاییان به شهر	***./۰۰۰	۱۸/۵۸	۴
۲	استفاده از مهارت‌های روستاییان	***./۰۰۰	۴۳/۱۰	۴
۳	کارآفرینی روستایی	***./۰۰۰	۲۸/۱۴	۴
۴	ایجاد مهارت‌های فردی و گروهی	NS۰/۰۳۲	۱۰/۵۵	۴
۵	جلوگیری از پیامدهای منفی ناشی از بیکاری	***./۰۰۰	۲۷/۱۹	۴
۶	بالارفتن استانداردها و کیفیت زندگی روستاییان	NS۰/۱۲۶	۷/۱۹	۴
۷	احساس تعلق به روستا	***./۰۰۰	۳۱/۲۸	۴
۸	ایجاد زمینه مشارکت روستاییان در امور مربوط به روستا	***./۰۰۹	۱۳/۴۷	۴

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶ *** معناداری ۱٪ * معناداری ۵٪ NS عدم معناداری

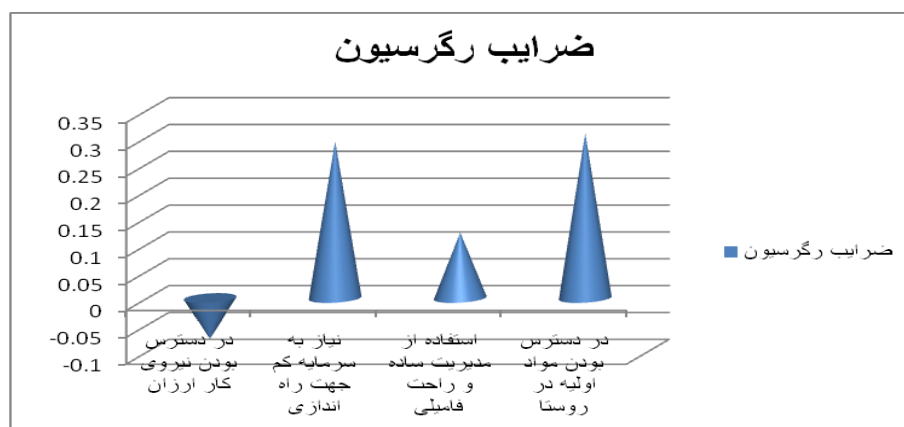
در ادامه از ضریب همبستگی رگرسیون چندمتغیره جهت بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و توسعه صنایع کوچک روستایی در دهستان گلاب استفاده شده است. نتایج به دست آمده نشان دهنده ارتباط بسیار زیاد بین مولفه نیاز به سرمایه کم جهت راه‌اندازی و در دسترس بودن مواد اولیه در روستا با توسعه صنایع روستایی می‌باشد به گونه‌ای ضریب معنی‌داری در سطح ۰.۱٪ حاصل شده است. در صورتی که در رابطه با مؤلفه در دسترس بودن نیروی کار ارزان و استفاده از مدیریت ساده و راحت فامیلی عدم معناداری حاصل شده است در واقع مؤلفه‌های اخیر نتوانسته‌اند تأثیر بسیار زیادی در توسعه صنایع کوچک روستایی در دهستان گلاب شوند. ضرایب Beta به دست آمده نشان دهنده تأثیرگذاری بسیار زیاد مؤلفه در دسترس بودن مواد اولیه در روستا می‌باشد به گونه‌ای که ضریب Beta معادل ۰.۳۰۷ می‌باشد و در مرحله بعد مؤلفه نیاز به سرمایه کم جهت راه‌اندازی با ضریب Beta معادل ۰.۲۹۲ خود گویای این مطلب است که دو مؤلفه فوق رابطه بسیار زیادی با توسعه صنایع روستایی دارند.

جدول ۷: بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری صنایع کوچک روستایی در دهستان گلاب با استفاده از ضریب همبستگی

رگرسیون

مؤلفه	B	انحراف معیار std	ضریب Beta	t	ضریب معناداری sig
در دسترس بودن نیروی کار ارزان	-۰/۰۷۶	۰/۰۷۵	-۰/۰۷۶	-۱/۰۰۵	NS۰/۳۱۷
نیاز به سرمایه کم جهت راه‌اندازی	۰/۳۰۰	۰/۰۸۱	۰/۲۹۲	۳/۶۹۲	***۰/۰۰۰
استفاده از مدیریت ساده و راحت فامیلی	۰/۱۲۰	۰/۰۷۵	۰/۱۲۲	۱/۶۰۸	NS۰/۱۱۰
در دسترس بودن مواد اولیه در روستا	۰/۳۰۸	۰/۰۸۰	۰/۳۰۷	۳/۸۵۴	***۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶ * معناداری ۱٪ * معناداری ۵٪ NS عدم معناداری



نمودار ۲- ضرایب رگرسیون اثرات صنایع کوچک کشاورزی بر توسعه روستایی

نتیجه‌گیری

در نهایت پس از جمع‌بندی از یافته‌های تحقیق مشخص گردید که توسعه صنایع روستایی که گسترش و توسعه آنها تحت-تأثیر عوامل مختلفی از جمله سرمایه اندک جهت راه‌اندازی و در دسترس بودن مواد اولیه جهت توسعه می‌باشد دارای اثرگذاری بسیار زیادی بر مولفه‌های اقتصادی و اجتماعی روستاها در دهستان گلاب در شهرستان کاشان می‌باشد به گونه‌ای که بسیاری از مولفه‌های اقتصادی از جمله ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب، درآمد بیشتر و توزیع عادلانه ثروت و درآمد بین روستاییان تحت تأثیر توسعه صنایع گلاب‌گیری و قالب‌بافی در محدوده مورد مطالعه بوده‌اند. همچنین توسعه صنایع روستایی در مقیاس کوچک تأثیر بسیار زیادی نیز بر جنبه‌های اجتماعی روستا از جمله جلوگیری از مهاجرت، کارآفرینی روستایی و احساس تعلق به روستا داشته‌اند.

پس از بررسی مطالعات میدانی در دهستان گلاب شهرستان کاشان مشخص گردید که توسعه صنایع گلابگیری و قالیبافی طی سالهای اخیر با سرمایه اندک از سوی روستاییان ایجاد و توسعه یافته است و خود موجب اشتغال بسیاری از روستاییان این دهستان شده است بنابراین می توان اذعان نمود که سرمایه گذاری بخش خصوصی به جهت پتانسیل بالای محدوده مورد مطالعه جهت گسترش کشت و صنعت گلاب از مزیت نسبی بسیار بالایی برخوردار است. هدف از پژوهش حاضر بررسی و تحلیل نقش صنایع کوچک در توسعه اقتصادی- اجتماعی روستایی در دهستان گلاب شهرستان کاشان می باشد دهستان گلاب در شهرستان کاشان به دلیل دارا بودن صنایع کوچک گلابگیری و قالی بافی نمود بارز صنعتی شدن در مقیاس کوچک و روستایی است به گونه ای که توسعه این صنایع کوچک توانسته است به خوبی مانع مهاجرت جوانان دهستان مذکور به شهرها شود. یافته های به دست آمده از تحلیل نرم افزار Spss نشان دهنده تأثیرگذاری بسیار بالای توسعه این گونه صنایع در مؤلفه های اقتصادی و اجتماعی روستاست. به گونه ای که برای بسیاری از مؤلفه ها ضریب معناداری در سطح ۰/۱٪ حاصل شده است. همچنین از رگرسیون چندمتغیره جهت بررسی عوامل مؤثر بر توسعه صنایع روستایی در دهستان گلاب استفاده شده است که نتایج به دست آمده نشان دهنده تأثیرگذاری بسیار بالای مؤلفه در دسترس بودن مواد اولیه در روستا و مؤلفه نیاز به سرمایه کم جهت راه اندازی در جهت توسعه صنایع کوچک روستایی در محدوده مورد مطالعه می باشد.

منابع

- ۱- ازکیا، مصطفی، غفاری، غلامرضا (۱۳۸۸)، توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران، تهران، نشر نی.
- ۲- اکس زولتان جی، توریک، روی و کارلسون، بو (۱۳۸۱)، نقش صنایع کوچک در اقتصاد مدرن، ترجمه جهانگیر مجیدی، انتشارات رسا.
- ۳- امین آقایی، مهرناز (۱۳۸۷)، بررسی عوامل مؤثر بر عملکرد صنایع کوچک از دیدگاه کارشناسان توسعه روستایی، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۱، شماره ۴.
- ۴- ایمانی راد، محمد (۱۳۷۲)، نقش صنایع کوچک در فرآیند توسعه اقتصادی، مجموعه مقالات سمینار نقش و جایگاه واحدهای کوچک صنعتی در توسعه اقتصادی- اجتماعی کشور، تهران، وزارت صنایع.
- ۵- خزایی، احسان (۱۳۷۳)، اشتغال روستایی و راه های گسترش آن، ماهنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال ۱۲، شماره ۱۳۲.
- ۶- سازمان ملل متحد (۱۳۶۶)، بررسی وضعیت صنایع کوچک در آسیا و اقیانوسیه، مترجم کمیته صنایع روستایی، دفتر مرکز جهاد سازندگی، تهران، انتشارات معراج.
- ۷- سجاسی قیداری، حمدالله، رومینایی، احمد و صانعی، سمیه (۱۳۹۳)، ارزیابی و تبیین کارکرد صنایع روستایی در توسعه مورد: دهستان صائین قلعه در شهرستان ابهر، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال سوم، شماره دو، تابستان، صص ۸۷-۱۰۵.
- ۸- سلطانی، شهره، حسینی، فرج اله (۱۳۸۹)، بررسی عوامل مؤثر بر نوآوری تکنولوژیک در صنایع غذایی کوچک روستایی استان تهران، مجله پژوهش های ترویج و آموزش کشاورزی، سال سوم، شماره ۴.
- ۹- شمس الدینی، علی و حسینی، سید ناصر (۱۳۹۰)، نقش تعاونی های صنایع کوچک در اشتغالزایی و توسعه روستاها، مجله تعاون، سال بیست و دوم، دوره جدید، شماره شش، تابستان.
- ۱۰- شهابی، سیامک، صالحی، اصغر و سیف الهی، محمود (۱۳۹۴)، بررسی عوامل مؤثر بر میزان موفقیت صنایع روستایی در اشتغالزایی (مطالعه موردی: استان اصفهان)، مجله پژوهش و برنامه ریزی روستایی، سال چهارم، شماره یک، بهار، صص ۲۹-۴۰.
- ۱۱- صحرائیان، سیدمهدی (۱۳۸۰)، سازماندهی صنایع کوچک در ایران، انتشارات هدف.

- ۱۲- طاهرخانی، مهدی (۱۳۸۱)، صنایع کوچک سنگ بنای استراتژی آینده توسعه روستایی، جهاد سازندگی قزوین، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی.
- ۱۳- کوپاهی، مجید، دربان آستانه، علیرضا (۱۳۸۱)، اندازه‌گیری و تحلیل بهره‌وری صنایع کوچک روستایی مطالعه-موردی استان خراسان، مجله علوم کشاورزی ایران، جلد ۳۳، شماره ۴.
- ۱۴- محمدی، احمد و نمکی (۱۳۷۵)، زمینه‌های اشتغال و نقش آن در توسعه روستایی، سمینار سازماندهی روستاهای پراکنده، تهران، بنیادمسکن انقلاب اسلامی.
- ۱۵- مطیعی لنگرودی، حسن (۱۳۸۴)، جغرافیای اقتصادی ایران (صنایع)، انتشارت جهاد دانشگاهی مشهد. مشهد.
- ۱۶- ملاشاهی، غلامعباس (۱۳۹۲)، اهمیت و نقش صنایع کوچک روستایی در ایجاد اشتغال پایدار، ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه - شماره ۱۵۶ - اردیبهشت.
- ۱۷- نوری، هدایت‌اله، بیک محمدی، حسن، تقدیسی، احمد، شفیعی، پروین (۱۳۸۹)، اولویت‌بندی صنایع کوچک و کارگاهی مناطق روستایی شهرستان اردستان با روش دلفی، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۳، شماره ۲.
- ۱۸- وصال، زینب؛ خواجه‌شاکوهی، علیرضا و نجفی‌کانی، علی‌اکبر (۱۳۹۶)، نقش صنایع کوچک در توسعه اقتصادی-اجتماعی نواحی روستایی مورد: بخش مرکزی شهرستان فریمان، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، شماره ۱۹، بهار، صص ۶۱-۷۶.
- ۱۹- هاشمی، نیلوفر (۱۳۸۹)، نقش اکوتوریسم در توسعه پایدار روستایی، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۳، شماره سه.

- 20- Desai, Vasant. (1980), Management of Small-scale Industry. Himalaya, Publishing House.
- 21- Foss. Olaf, (1997), Establishment Structure, Job Flows and Rural Employment, Rural employment in OECD countries, chapter 16.
- 22- Humphrey John, (1996), The Triple C Approach to Local Industrial Policy. World development, vol 24. No 12.
- 23- Long, Hualou & Jian Zou & Yan sui liu, (2009), Differentiation of rural Development driven by industrialization and urbanization in eastern coastal china"journal homepage: www.elsevier.com/locate/habitatint. North East India, International Journal of Trade, Economics and Finance, Vol. 2, No. 2, pp. 161-165.
- 24- Pears, R, (2007), Location, Development, Industry, Oxford: Blackwell.
- 25- Pinzon, D, (2012), Land & Food security, pp1-2.
- 26- UNIDO, (1984), The role of small and medium scale industries in OIC member states; No.9, p.487.

**Assess and analyze the role of small businesses in rural economic
development Social villages
(case study: Golab district. Kashan city)**

Abstract

Sustainable rural development is a multidimensional process to improve the quality of life of the rural poor and vulnerable, to promote this type of quality of life by relying solely on agriculture Can not be achieved in the industrial policy of the country as one of the strategies based economic approach to improve the quality of life of the villagers is very important. The purpose of this study was to analyze the role of small businesses in economic development - Community Golab village in the district is the city of Kashan, the purpose of the cross - sectional and field surveys have been used. The study population in this study are the rural water districts using Cochran formula 137 were selected randomly distributed between them. The validity of the questionnaire was confirmed by Cronbach's alpha. Data collected through Software SPSS. analyzed the results of nonparametric Chi-Square test, indicating a satisfactory effect on the development of cottage industries and create a new employment date increase rural income, prevent migration of villagers to the city and a sense of belonging to the village is the. The results of multivariate regression analysis indicating a satisfactory correlation between many factors influencing the availability of raw materials and components needed in the village by a factor of low capital to launch Beta 0.307 Beta coefficient of 0.292 is the formation of rural industries.

Key words: small business, economic development - social, Golab district.

پژوهش در هنر و علوم انسانی

امکان سنجی تعمیم روش ژیلبر دوران در تحلیل آثار رضا عباسی
امیر حسین چیت‌سازیان، اصغر جوانی، ملیحه حیدری

بررسی تطبیقی جایگاه انسان در معماری با رویکرد معرفتی از منظر
تعقل

در مساجد تاریخی و معاصر شهر تبریز
محمد تقی پیربایی، عباس غفاری، فرزانه قلی‌زاده

معرفی سازه‌های آیینی الیمایان
سیده مانا روحانی رانکوهی

بررسی و شناخت ظرفیت‌های تصویرسازی شعر فارسی در کتاب‌های
درسی دوره ابتدایی
حسین امانی

معماری همساز با اقلیم در نگاهی به ساختمان‌های تناتر؛ نمونه موردی
زاهدان
مهدی امیری، زهره اویسی کیخا

تبیین میزان تحقق مدیریت کیفیت فراگیر آموزش عالی؛ دیدگاه
دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین
خوزستان
بهمن خسروی‌پور، امید مهرباب قوچانی

تبارشناسی شکیبایی سیاسی از منظر حقوق بشر معاصر
محمدجواد حسینی

بررسی نقش صنایع کوچک بخش کشاورزی در توسعه اجتماعی و
اقتصادی نواحی روستایی؛ مطالعه موردی: دهستان گلاب شهرستان
کاشان

فضل اله اسمعیلی، مهدی خداداد، رؤیا زارع قلعه سیدی